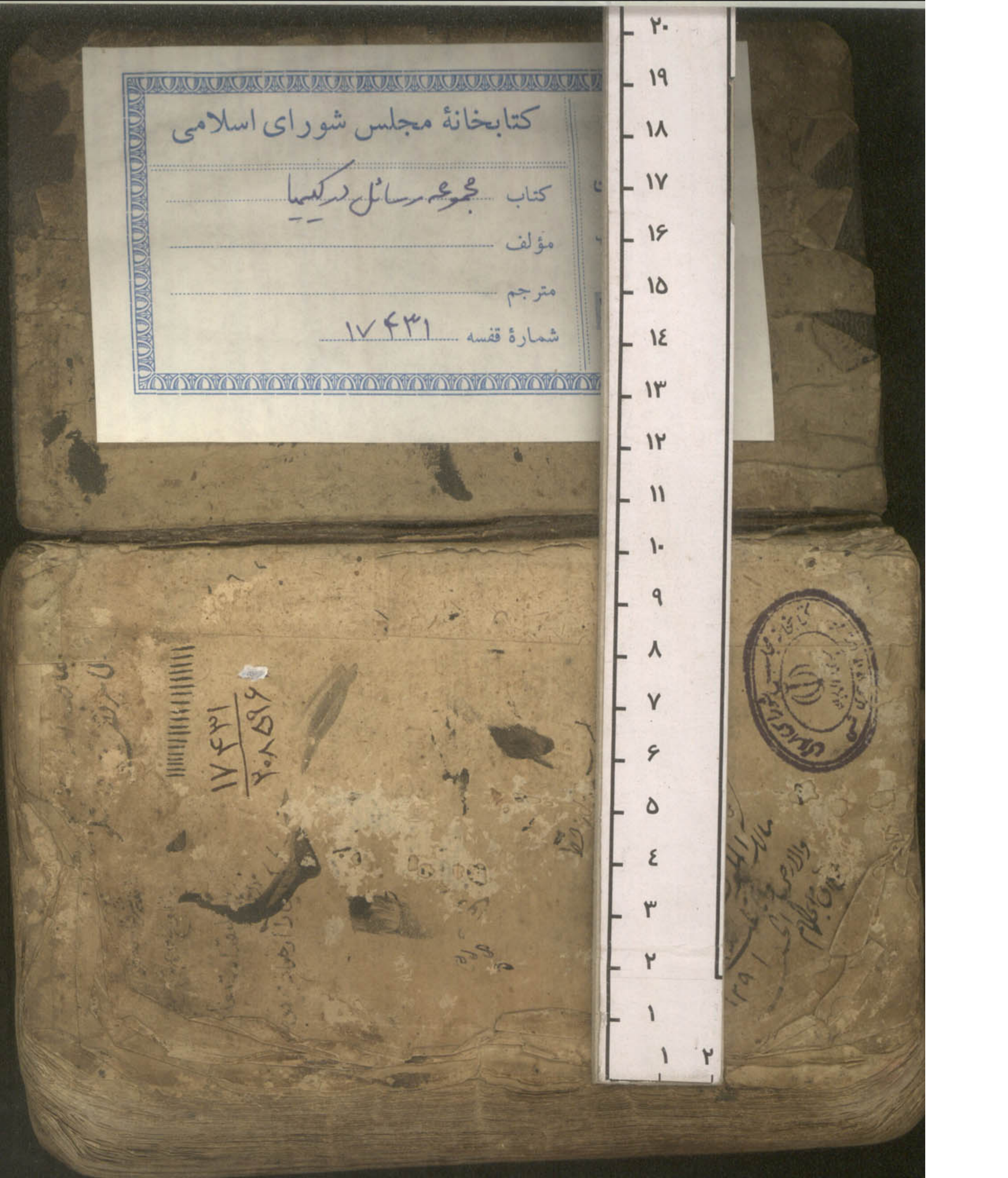
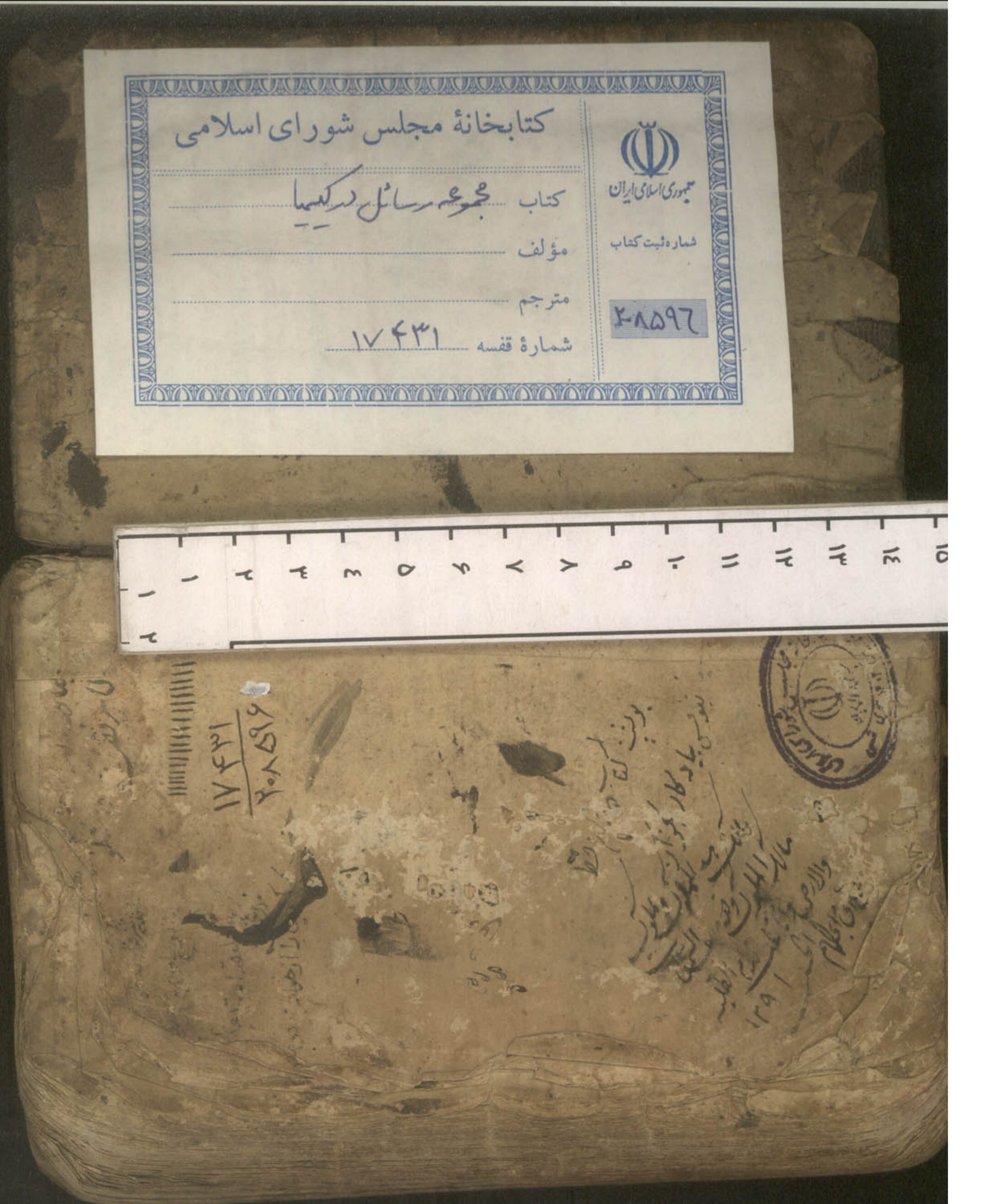

خطی
کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۱۷۴۳۱


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب مجموعه رسائل در کیمیا
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۴۳۱
۱۷۴۳۱
۲۰۸۵۹۶


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مجموعه رسائل در کیمیا
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۴۳۱
شماره ثبت کتاب
۲۰۸۵۹۶
۱۷۴۳۱
۲۰۸۵۹۶


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مجموعه رسائل در کیمیا
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۴۳۱
شماره ثبت کتاب
۲۰۸۵۹۶
۱۷۴۳۱
۲۰۸۵۹۶



یا ولی الاعانة

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی

بسم الله الذی لا یضر مع اسمه سم ولا داء وجعل حمده دواء و ذکره
شفاء وطاعته غناء واختار لنفسه احسن الاسماء وامر عباده
بالدعاء فی الشدة والرخاء لیصرف به الاسواء ویکثر النعماء
فلا یخیب لدیه الامال ولا ینقطع منه الرجاء والصلوة والسلم
علی سید الانبیاء وخیر الاولیاء وافضل الاصفیاء واعلی
الازکیاء محمد وآله النجباء الذین هم کالنجوم فی الاهتداء و
بهم خلقت الارض والسماء اما بعد چنین گوید حقیر
فقیر کثیر التقصیر المسیء المذنب ابن غیاث الدین محمد عبد المطلب
تجاوز الله عن زلاتهما که این رساله ایست موسوم بتسهیل الدواء
لتحصیل الشفاء که این ذره بیمقدار از نسخ بسیار وامکنه متعدد
متفرق معتمد انتخاب والتقاط نموده و در رشته تالیف کشیده
وعمده دواعی بر جمیع این نسخه آن بود که روزی از ایام در حین مطالعه

بعضی

بعضی از کتب معتبره احادیث خلاصه این مضمون بنظر قاصر
این احقر رسید که از پیشوای متقیان و مولای مومنان و
شاه مردان علیه الصلوة والسلم پرسیدند که بهترین خلقان بعد
از ائمه هدی کیانند فرمود علما هرگاه بصلاح باشند پس
سؤال کردند که بدترین خلقان بعد از ابلیس و فرعون و نمرود
وکسانی که غصب منزلت شما کردند کیانند فرمود علما هرگاه
فساد کنند وفساد ایشان آنست که اباطیل را ظاهر سازند و
حقایق را بپوشند ودر باره ایشان حق سبحانه وتعالی فرموده که
اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا واصلحوا
وبینوا فاولئک اتوب علیهم وانا التواب الرحیم چون پیش از سعادت
این مطالعه نیز رساله معروفه مشهوره بین العوام بطالع نامه ودیو
نامه را دیده و اطلاعی را که در اینجا جامع آن مذکور نموده ملاحظه
ومطالعه همت بر افساد آن گماشته نسخ متعددی از آن را در
معرض تلف وفساد در آورده بود وهمیشه خاطر فاتر این مقصر
مایل آن بود که شاید بنحوی تواند بود که طبایع عوام از آن ضلالت
نامه منحرف شده رجوع بدان ننمایند تا اسم و رسم آن مندرس
ومنطمس گردد اما چون مولف بعادت آن رساله الکاذبه والمهمله

ومزخرفی چند برهم بافته بجهة عام فریبی وجز نفع قلیلی دام و
آش ونان خود ساخته وان اکاذیب را در نظر عوام کالانعام
وزنان وجهله جلوه گر نموده چنان شیرین ودلنشین بخردان [?]
گردانیده که بسعی بلیغ طبع ایشان را ازان منحرف نمیتوانست
کرد وایشان را چنان راسخ العقیده درآن گردانیده که از لوح دل
ایشان بنوک گزلک بیدردی پسند محبت آنرا نمیتوان محو وحک
گردانید وازاتفاقات درهمین ایام عبور ومرور این حقیر
بدبستان یکی از معاصران افتاد درحینی که یکی از عوام بجهة
عوده استشفاء مریضی بنزد او آمده وان بیعاقبت چون
انعامی را مانند صید بر سر دام خود یافته رجوع بدیونامه که
داشت نموده از وماکیان سیاهی خواسته که از خون آن تعویذی
بجهة او بنویسد آن بیچاره عامی حسب الفرموده آن بیسعادت
ماکیانی را مقید بنزد آن نامقید آورده وقدری از خون
آن گرفته آورده اراده داشت که از آن خون چیزی نوشته
بفریبد این احقر او را از ان حرکت زجر ومنع نموده در الحاح [?]
بازداشت لابد ممنوع وبجهة انکه مبادا اخلاف گفته اش ظاهر
شود بشنجرف در عوض خون نوشته تمام وان بیچاره عام را از سر

واکرد

واکرده ماکیان حلال او را بجز عصر بر خود حرام گردانید در ان
آن بخاطر فاتر خلید که ابناء این زمان کوشش در تحصیل آب
ونان زیاده بر تکمیل ایمان ومفاخرت الجهان دارند وشیطان
نیز ایشان را ازین راه بیشتر گول میدهد واکثر عوام در دفع آلام
واسقام بقصد انکه بدعا نیز مانند دوا رفع میتوان نمود باشال
ما بی سوادان که گفتار شان موافق بکردار نیست بر میگردند ونسخه
که درین باب جامع باشد واز عوذات ورقیات وادویه مفرحه مجربه
وغیره اشیاء مستفعر بجهة هر علتی ودردی از ائمه دین وعلماء
راشدین واکابران پیشین ومجربتین جمع نماید ودر رشته تالیف
انتظام دهد هر چند که بعضی از ان مندوب الیه شرع انور در ظاهر
بوده باشد مانند اکثر الفاظ رقیات ومنا[?] که معنی ان مفهوم
ومعلوم نمیباشد اما باعتبار انکه شاید از تاثیر ترکیب طبایع
وامتزاج حروفات ان چنان استفاده نموده باشند وفی الواقع
ان کلامی نباشد که از گفتن ونوشتن آن خللی در دین بهم رسد
ومع ذلک چون عزم ونیت بر مفسده نیست بحکم انما الاعمال
بالنیات ضرری نخواهد داشت وهمچنین بعضی از اسرار که در افشای
آن چندان مفسده مترتب نمیشد بلکه رفع مکروهی را اثمر ومنتج

بود بنابر این تاثیر آنهارا ایراد نمود شاید که ضعفاء عوام بلکه
شکم پرستان مردم فریب نیز بآن رجوع نموده منتفع کردند
ومطمح نظری که در باب متروک شدن نسخه مزبوره وفتح عقیده
آنجم بود نیز بعمل آید وراجع ومرجوع هر دو بدون انکر ووزر
ووبالی ببینند وزند مستفید کردند لهذا این نسخه را تالیف و
مبوب بهشت باب ومقدمه وخاتمه که هریک مشتمل بر فصول
چندی باشند کردانید ومقدمه وابواب وخاتمه بدین تفصیل است
مقدمه در مداوای جمیع علل وامراض واوجاع ودر چند
فصل است باب اول در دفع علل مشوهه مستکرهه ودفع
آن مشتمل بر چند فصل باب دویم در دفع شرور وبلیات
ودران فصولست باب سیم در دفع اقسام تب باب چهارم
در دفع دردهای اعضا باب پنجم در دفع ضرر وتیرها
باب ششم در رفع هموم وغموم باب هفتم در دفع
ضرر دواب وهولم باب هشتم در دفع امراض اطفال و
زنان باب نهم در ذکر بعضی از تجاریب حکما در معرفت
احوال مریض والله اعلم مقدمه در مداوای جمیع علل و
امراض واوجاع ودرین مقدمه چند فصل است فصل اول

دربیان ادعیه وتعویذ ودفع هر علل ومرضی در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که چون بر سر بیماری روی هفت مرتبه بگوی أُعِيذُكَ بِاللهِ
العَظِيمِ رَبِّ العَرْشِ الكَرِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ
حَرِّ النَّارِ ودر حدیث حسن منقولست که بعضی از فرزندان
حضرت صادق ع بیمار شد حضرت بدو فرمود که این دعا را
بخوان اللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ
مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وایضا از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله مرویست که فرمود چون بر سر بیماری روی
هفت نوبه بگوی أَسْأَلُ اللهَ العَظِيمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيمِ أَنْ
يَشْفِيَكَ وَيُعَافِيَكَ اگر اجلش نرسیده باشد شفا می یابد
انشاء الله تع واز حضرت امام رضا ع مرویست که بجهت هر مرضی
که بوده باشد برای امراض بخواند شفا یابد یا مُنَزِّلَ الشِّفَاءِ و
مُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْزِلْ عَلَى وَجَعِي الشِّفَاءَ ودر
کتاب مجتبی آورده که این دعا را مریض بخواند یکنوبه اگر شفا یابد
فبها والا تکرار نماید شفا یابد انشاء الله تع اللهم انك قلت
فی كتابك المنزل على نبيك المرسل وما اصابكم من مصيبة

فیما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر اللهم فصل علی محمد وآل محمد
واجعل هذا المرض من الکثیر الذی تعفو عنه وتبرئ منه
اسکن ایها الوجع وارتحل الساعة من هذا العبد الضعیف
سکنتک وارحلتک بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم ودر روایت معتبر از حضرت صادق ع
مرویست که فرمود برای هر ازاری این دعا بخواند یا منزل الشفاء
ومذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء واز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که هر کرا باو المی برسد در بدن این دعا را بخواند
تا هیچ المی ودردی باو ضرر نرساند اعوذ بعزة الله وقدرته
علی الاشیاء اعیذ نفسی بجبار السموات والارض واعیذ نفسی
بمن لا یضر مع اسمه شیء من داء اعیذ نفسی بالذی اسمه
برکة وشفاء ایضا فرمود که دستها را بسوی آسمان بردار بجهت
هر علتی که بوده باشد بنحوی که در میانه حایلی نباشد مانند
سقف وبگوی اللهم انک عیرت اقواما فی کتابک فقلت
قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم
ولا تحویلا فیا من لا یملک کشف ضری غیره اکشف ضری و
حوله الی من یدعو معک الها آخر فانی اشهد ان لا اله غیرک

وکفعمی

وکفعمی نقل کرده که بخط شهید علیه الرحمه یافتم که دست بر راست
بیمار را بگیرد وهفت نوبت حمد بخواند وبعد از آن این دعا را
بخواند پس اگر اثر سبکی در مرض حاصل شد فبها والا سوره حمد
را هفتاد نوبت تکرار نماید که انشاء الله تعالی اثر می بخشد دعا اینست اللهم
ازل عنه العلة والداء واعده الی الصحة والشفاء وامده
بحسن الوقایة ورده الی حسن العافیة واجعل ما ناله
فی مرضه هذا مادة لحیاته وکفارة لسیئاته اللهم صل
علی محمد وآله واز حضرت ابی جعفر ع منقولست که فرمود از
اهل بیمار هر کس که مشفق تر باشد بدو کف دست خود بر دهان
نهد وبگوید بسم الله سه بار وبجلال الله سه بار وبکلمات الله
التامات سه بار وبعد از آن بر سر وروی بیمار مالد شفا یابد
وایضا بجهت جمیع علل وبیمارها این افسون را بر ان خواند دفع
شود ودر کتاب مجتنی آورده که این دعا را بر اسب مرده خوانند
در ساعت زنده شد اینست بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیک
ایها العلة بعزة عزة الله وبعظمة عظمة الله وبقدرة
قدرة الله وبسلطان سلطان الله وبلا اله الا الله وبما
جری به القلم من عند الله وبلا حول ولا قوة الا بالله الا انصرفت

مثنی ایضا ایات کفایت را هفت نوبه بخوانند و بر مریض دمد
اینست وکفی بالله ولیا وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا
وکفی بالله وکیلا وکفی بربک هادیا ونصیرا وکفی بربک
بذنوب عباده خبیرا بصیرا وکفی الله المومنین القتال
وکان الله قویا عزیزا ایضا مشهوراست که حرز قلنسوه را سه بار
بخوانند بر هر بیماری که بوده باشد شفا یابد باذن الله تعالی
وان اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الملک الحق المبین
شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام لله
نور وحکمة وسلطان وهیبة ورحمة وحول وقوة و
برهان وقدرة وقیوم لا ینام لا اله الا الله ادم صفوة الله
لا اله الا الله نوح نجی الله لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله
لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله و
کلمته لا اله الا الله محمد رسول الله وحبیبه لا اله الا الله
علی ولی الله اسکن ایها المرض باذن الله الذی سکن له
ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم وصلی الله علی محمد
وآله الطاهرین ایضا روایت کرده شده از ائمه دین ...

عکسا بالطهر

یزید الظالمین الا خسارا و ایضا فرمود که دست بر موضع درد
میگذاری و میگوی بسم الله وبالله ومحمد رسول الله صلی الله علیه وآله
ولا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه مرتبه دست
را بر آن موضع میکشی و ایضا فرمود که دیگری دست بر موضع درد
میگذارد و هفت نوبه میخواند و اقلش سه نوبه بگوید ایها الوجع
اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله وانحجز بحاجز الله و
اهدأ بهدء الله واعیذ ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه
وملائکته یوم الرجفة والزلازل و در کتاب دروس شیخ شهید
اورده که کسی را که درد و اشتداد داشته باشد بر قدح ابی جهل بار
سوره حمد بخوانند و آن آبرا بر مریض بپاشند و مکیالی از گندم پر کند
و بسائل و مستحق بدست خود بدهد و او را امر کند تا بجهت او دعا
کند تا عافیت یابد و در تسخیر دفع و رفع آورده که بمشک و زعفران
بنویسد و باب بشوید و صاحب درد بیاشامد شفا یابد اینست
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم یا طهسحا یا کیا
عیا طهشا رهیلا یا بحهشا العشا المحیط یا هبیطا یا شیشا
یا برهیثا یا تحیقثا یا بخیثا طاعهطیثا یا لقنا کفیثا وصلی
الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین و اردنا بزعفران بنویسد و

یشوید وبیاشامد اللهم لاتقتلنا بغضبک ولا تهلکنا
بعذابک وعافنا قبل ذلک اللهم لاتواخذنا بسوء اعمالنا
ولا تسلط علینا من لا یرحمنا وکف ایدی الظالمین عنا یا
حفیظ احفظنا وحصل مرادنا ویسر امورنا برحمتک یا ارحم
الراحمین واز حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرویست که دست بر
محلی که درد میکند بنهد وسه نوبت بگوید اللهم انی اسألک
بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین وهو عندک
فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی
بدوائک وتعافینی من بلائک وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین
صاحب در مکنون این یازده حروف را خواص عجیب ذکر کرده
اب ت ث ط ظ ف ق ل لا ی وبعضی از آن خاصیت
است که اگر کسی را در عضوی از اعضا درد پیدا شود مثل
رمد وصداع ودرد سینه وشکم وپا وغیر ان از اوجاع ظاهری
وباطنی باید که حرف اول اسم عربی آن عضو را بگیرد ودرمیان
این حروف یازده گانه درج نماید مثل درد چشم حرف اول از اسم
عربی او عین که ع است ودرد سر که حرف اول از اسم عربی که راس است
راست علی هذا القیاس سایر اعضا وبدین گونه امتزاج کند

اع ب ع ت ع ث ع ط ع ظ ع ف ع ق ع ل ع لا ع ی ع وبعد از امتزاج
ترکیب برین وجه اعبع تعثع طعظع فعقع لعلاعیع واگر بار ها
امتزاج داده باشد ترکیب آن برین وجه است ارعر تر ثر طر ظر
فر قر لر لار یر بعد از آن صاحب درد آن رقعه را با خود نگاه دارد
اگر فایده ظاهر شود فبها والا حروف دوم اسم آن عضو را بهمین
اسلوب در ذیل معمول امتزاج وترکیب داده با خود دارد تا نتیجه
مترتب شود واگر آن نیز تاثیر نبخشد حرف سیم اسم را بهمان
اسلوب در ذیل معمول بعمل آورد البته آن وجع زایل شود ودر سایر
امراض که بر بدن وارد گردد عمل برین نحو خبیست ودر بسیاری
از مطالب ومقاصد این عمل را اجرا میتوان کرد والله اعلم وهمچنین
امتزاج حروف اسم متالم عضو با اه بدستور متصل ومنفصل
همین خاصیت دارد مثلا رمد را اعه ایه انه یا منفصل
اع ه ای ه ان ه وبعضی حروف اسم عضو متالم را بعد از حرف
اه بطریق اتصال وانفصال بدستور طریق معمول داشته اند اهع اهی
اهن یا منفصل اه ع اه ی اه ن والله اعلم فصل سیم
در بیان مداوای علل وامراض بتربت مقدسه وآب نیسان این
دعا را بر تربت مقدسه بخواند وبیمار از آن بخورد بقدر کمتر از

بخوردی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بحق هذه التربة المبارکة الطاهرة
المطهرة وبحق الملك الذی هو خازنها والملائکة الموکلین علیها
وبحق الوصی الذی وارته اجعل فی هذه التربة لی رزقا واسعا
وعلما نافعا وعقلا کاملا وفهما وادراکا وذهنا فی العلم وشفاء
من کل داء وامانا من کل خوف وخصم وامانا من کل ظالم وحفظا
من کل سوء برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله
وبجهة طلب علم ووسعت روزی وقضاء حوایج نیز نافع است
ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود
هر که تربت را بقصد شفا بخورد چنانست که گوشت ما را خورده
وچون بقصد شفا خورد بگوید بسم الله وبالله اللهم رب
هذه التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه و
رب الجسد الذی سکن فیه ورب الملائکة الموکلین بها اجعله
لی شفاء من کل داء کذا وکذا وآن آزار را ذکر کند پس تربت را بقدر
نخودی بخورد وجرعه آبی بعد از آن بخورد وبگوید اللهم اجعله رزقا
واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم چون چنین کنی دفع
میشود انچه در خود می یابی از درد وبیماری وغم واندوه ودر روایت
دیگر فرمود که در وقت خوردن تربت ابیه عالخوان بسم الله وبالله

اللهم

اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء
انك علی کل شیء قدیر اللهم رب هذه التربة المبارکة ورب الوصی
الذی وارته صل علی محمد وآل محمد واجعل هذا الطین شفاء من
کل داء وامانا من کل خوف نوع دیگر آنست که همین تربت مقدس
را با قدری زعفران وعسل وآب باران یا آب روان معجون ساخته
در امراض مداوا نمایند وطریقه دیگر آنست که هفت حب از تربت
مقدس که هر یك بقدر عدسی باشد وهفت دانه سیاه دانه وهفت
قطره عسل را در آب یا در روغنی کنند وسوره حمد ومعوذتین وآیة
الکرسی واول سوره حدید تا ترجع الامور ولو انزلنا تا آخر سوره
حشر بر آن بخوانند واستعمال نمایند شفا یابد انشاء الله تعالی
اما طریقه استشفاء بآب باران نیسانی هر یك از فاتحه وآیة
الکرسی واخلاص ومعوذتین وجحد را هفتاد نوبت بخوانند بر آب
باران نیسانی که قبل از رسیدن بر زمین گرفته باشند وبروایتی
قدر وتکبیر وتهلیل وصلوات بر پیغمبر وآل او را نیز همان قدر بخوانند
وهفت روز متوالی صبح وشام از آن بیاشامد شفا یابد از هر دردی
که در بدن داشته باشد وهر خوی بدی که در آن باشد واگر عنین
باشد عنت او زایل شود وهر فرزندی که خواهد از ذکر واناث او متولد

و درد چشم و سر را نافع باشد و بیخ دندانها را محکم کند و دهن خوشبوی
کند و دفع کند سیلان لعاب را از دهن و بلغم را و تخمه را و بادها را
ازو و فالج و زکام و درد پشت و شکم و دندان و معده و کرم آنرا و
قولنج و ناسور و حکه و آبله و جنون و جذام و برص و رعاف و قی
و کوری و کری و گنگی و زمانت و آب سیاه از چشم فرود آمدن و دردها
و فساد صوم و صلوة و وسوسه و جن و شیاطین و خیانت و غش
و عیب و خسر و کبر و بخل و حرص و غضب و عداوت و افتادن
در زبان مردمان و غیر آن را نافع بود نوع دیگر آب هر بارانی که بوده
باشد بگیرند و حمد و توحید و معوذتین هر یکرا هفتاد بار بر آن بخوانند
و هر صبح و شام قدحی از آن بیاشامند حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود بخدای که مرا بنبوت اختصاص فرمود که برای هر علتی و المی
که بیاشامند ازین آب آن علت را از بدن و استخوان و عروق بیرون
میبرد والله اعلم فصل چهارم در مداوای علل و امراض بتصدق
دادن و قربان کردن و غیر آن بدانکه صدقه دادن بلیات را دفع
میکند و علل و امراض را زایل میگرداند و در عمر و روزی می افزاید
و دعای سایل را در حق معطی اجابت میکند و احادیث بر طبق این
مراتب زیاده از حد و احصا وارد شده اما دستور دعا کردن

در حین تصدق بیمار بدینطریق است که اول این دعا را بخواند
و بعد از آن موازی یکدینار شرعی که چهار دانگ و نیم مثقال است
از طلا تصدق کند به پنج نفر یا بیشتر از مستحقان که علوی نباشند
مگر آنکه بیمار علوی باشد که در این صورت بمستحق علوی دادن ضرری
ندارد و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسألك باسمك
الذی اذا ذکرت به سجدت له الملائکة و سبحت و بالاسم القدوس
القدیم و بالاسم المخزون المکنون و بالاسم الذی سمیت به نفسك
و بالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق العرش و بالاسم الذی هو مکتوب
علی سرادق البهاء و بالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق الجلال و با
لاسم الاکبر الاکبر و بالاسم الاعظم الاعظم المحیط بملکوت السموات
و الارض و بالاسم الذی به الخضر علی الماء فلم تبتل قدماه و بالاسم
الذی کشفت به ضر ایوب و بالاسم الذی وهبت به لزکریا یحیی
ان تشفینی من مرض الذی انا فیه [illegible] مریض بکندم
در حدیث معتبر از داود رقی روایت کرده که بیمار شدم در مدینه
بیماری سختی چون اینخبر بحضرت صادق ع رسید بمن نوشت
که یکصاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز
و نثار کن و بگوی اللهم انی اسألك باسمك الذی اذا سألك

المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له ما فی الارض وجعلته
خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد وال محمد وعلی اهل بیته
وان تعافینی من علتی پس درست بنشین وگندم را جمع کن
وبار باید عار الجوان وان گندم را چهار قسمت کن وهر قسمتی
را بیک فقیری بده وبار باید عار الجوان داود گفت من چنان
کردم گویا که از بند رها شدم وبسیار کسان کردند وشفا یافتند
اما طریق قربان کردن گوسفند بگیرد گوسفندی به نیت قربانی
فدای بیمار وسر تو بر باید عار الجوا بدو بر دهان گوسفند بدمد
ودر حین ذبح نیز بخواند اللهم ان هذه الشاة لک ومن
فضلک وکرمک وصل الی وانا افدیها بعبدک فلان بن
فلان اللهم ان هذا فداؤه لحمه بلحمه ودمه بدمه اللهم
تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابرهیم علیه السلام حین فدی
لولده اسمعیل علیه السلام بحرمة محمد رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم
هذا فداؤه فتقبله منی بعد از ان بگوید الله اکبر الله اکبر
الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم وذبح کند در محلهالی که
مسقف باشد وخون اورا گودی کند ودر موضعی که مردمان
پای ننهند سرگین او را در خاک کند ودو دست وپای اورا

ازپوست

از پوست جدا نکند چنانچه پوست ودست وپای یکپارچه باشد و
سر یکپارچه وانچه در شکم است یکپاره که از هم جدا نشده باشد وگوشت
آنرا بیخاه وهفت پاره کند ودرمیان پوست کند وهر یکپاره را
به نیت فقیری ومسکینی بیرون آورد وبهمانکس که به نیت او بیرون
آورده تا شصت کس تمام شود اما مداوا بصدقه دادن وحمیه کردن
بدانکه در احادیث تاکید وکید وتحریص شدید وارد شده بجهت
تصدق کردن در دفع بیماریها ومنقولست که تصدق بلاهای
اسمانی را دفع میکند وقضاهای محکم را برطرف میکند وحضرت
امام رضا علیه التحیه والثنا فرمود که بیماری را نمی برد چیزی مانند
دعا وتصدق واب سرد وفرمود که منتهای پرهیز وامساک
چهارده روز است وپرهیز نه آنست که چیزی نخورند بلکه آنست
که کمتر بخورند وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که دوا کنید
بیماران خود را بتصدق منقولست که شخصی بحضرت امام
موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیال ام بیماریم
فرمود که ایشانرا دوا کن بتصدق که هیچ چیز بیشتر وبهتر وزودتر
از تصدق دفع نمیکند واما توسل بحضرت امام موسی کاظم ع
بجهت شفای همه دردها اعضا خصوصا درد چشم وتجربه رسیده

وان بدین طریق است که بگوید اللهم بحق ولیک موسی ابن جعفر
الکاظم علیه السلام الا سلمتنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها وما بطن
یا جواد یا کریم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین واما دعا کردن
مادر بجهة فرزند وان بدو طریق میباشد اول آنچنانست که مادر
دو رکعت نماز کند و در سجود بگوید اللهم انک وهبته لی ولم
یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة راوی گوید بیماری داشتم
حضرت صادق عم بعیادت من آمد چون جزع مادرم استشنید
باین دستور تعلیمش فرمود چون صباح شد بنحوی صحت یافته
بودم که هر بسته بخته بودند من نیز با ایشان شراکت کردم
وا نیطریقه در روایت دیگر چنین آمده که راوی گفت مردم آمده
بودند که بر جنازه حاضر شوند حضرت صادق علیه السلام بمادرم فرمود
که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بگذارد
بعد از نماز بگو اللهم انک وهبته لی ولم یک شیئا اللهم
انی استوهبکه مبتدیا فاعرنیه دوم آنست که مادر بیمار
بر بام بالا رود ومقنعه از سر بردارد و موی سر باسمان گشوده
بگوید اللهم انت اعطیتنیه وانت وهبتنیه فاجعل
هبتک الیوم جدیدة انک قادر مقتدر هنوز سر بر نداشته

باشد

شفا
باشد که فرزندش یابد انشاء الله تعالی [illegible] در ادعیه
ودواء درد مفاصل و جمیع دردها و ضربان عضوها مرویست
که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت از درد مفاصل نمود
که این دعا را بخوان اللهم انی اسألک باسمک وبرکاتک ودعوة
نبیک الطیب المبارک المکین عندک صلی الله علیه وآله وبحق ابنته
فاطمة المبارکة وبحق وصیه امیر المومنین وبحق سیدی
شباب اهل الجنة الا اذهبت عنی ما اجد بحقهم بحقهم بحقهم
یا اله العالمین چون این دعا را بخواند در ساعت درد ساکن
شد و در کتاب مکارم آورده که بجهت جمیع آلام واسقام بنویسد بر
کاغذی و بر بیمار بندد نافع است وبالحق انزلناه وبالحق نزل
وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمومنین وما محمد الا رسول قد خلت من قبله
الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب
علی عقبیه وامنوا بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر
عنهم سیئاتهم واصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم
ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما
محمد رسول الله والذین معه اشداء الی قوله ومثلهم فی الانجیل

علی الکفار رحماء
بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله
ورضوانا سیماهم
فی وجوههم من اثر السجود
ذلک مثلهم فی التوریة
ومثلهم فی الانجیل

وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ
قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا الْمُلْكُ
لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ پس بگوید بسم الله المکتوب علی ساق العرش
و از خواص ابجد و هفت که بجهت جمیع دردهای بدن با خود دارند
ا ح ح ح ط ک ل م ن و س ص ه ی ایضا بجهت صنز ما بن
از درد سر و مفاصل این اشکال را بر پارچه کاغذی یا ورقی نوشته
بر موضع وجع بندد و هر گاه وجع بعضوی دیگر نقل کند نوشته را
بدان موضع نقل کند تا بالکلیه وجع زایل گردد ان شاء الله تعالی

ت ت ت ت عٓسه ا عٓسه ت ت ت ت

و در کتاب بحر المنافع آورده که تالیف سید محمد خواجگی هندیست که یکبار
بگوید تا موضع درد را محکم بگیرد و این دعا بخواند و بکارد در زمین
خط بکشد نیکو شود اینست بسم الله الرحمن الرحیم اسکن یا
ریح بحق الباری و همچنین گفته است که در زمین هفت خط
بدین شکل بکشد ||||||| و در وقت خط کشیدن بگوید
اسکن یا ریح بحق الباری بعد از آن کارد را بجانب چپ خط فرو
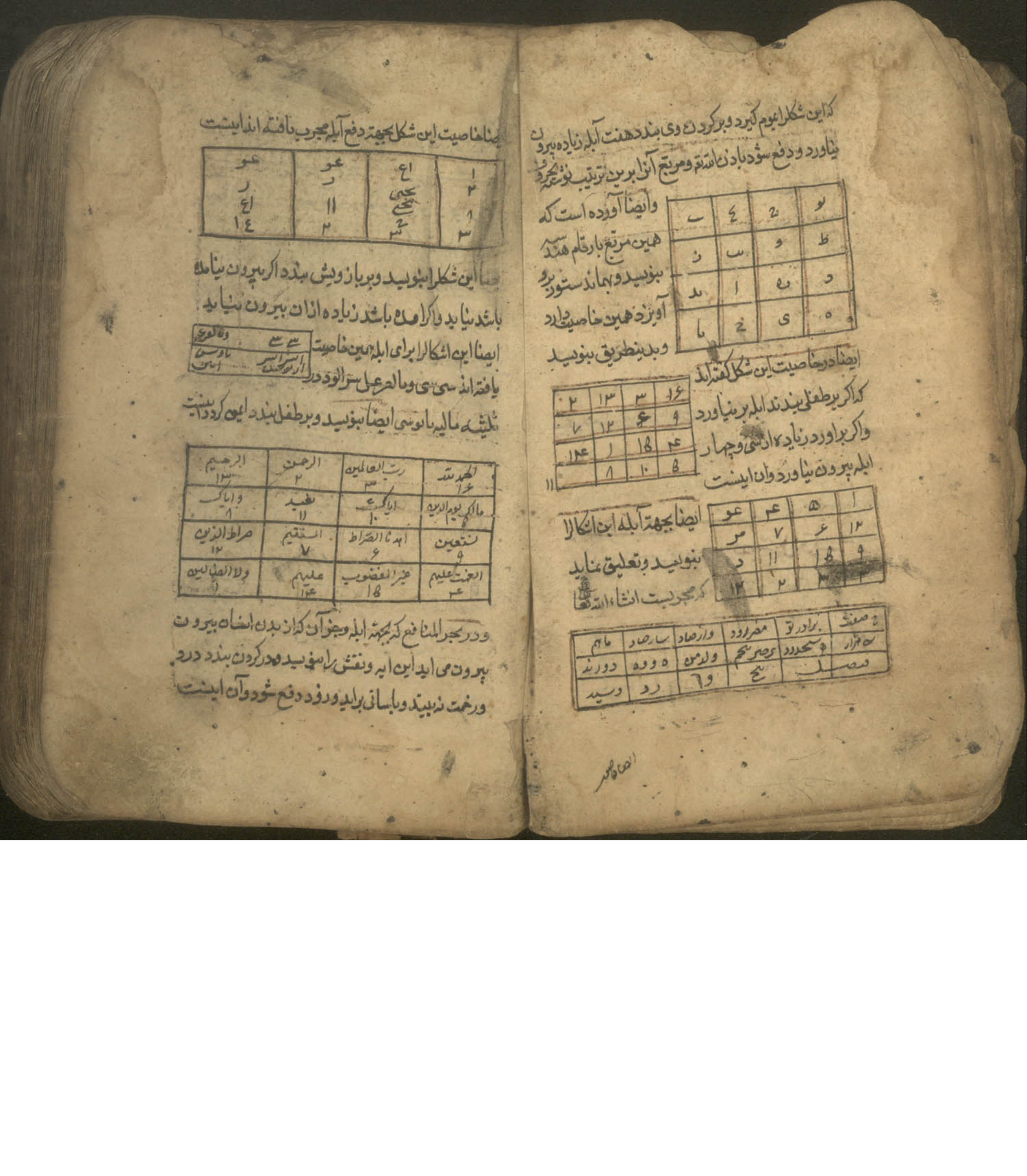
برد

برد و محل درد را محکم بانگشت بگیرد و هفت بار بسکیدم بخواند که
اسکن یا ریح بحق الباری و بعد از فراغ مریض را بگوید تا برود فی
الحال بهتر شود ایضا سفال آب ندیده را بشکند و هفت وصله بردارد
و هر وصله را بر موضع درد بزند و بگوید درد و ضربان دفع شود
کهین کهین اخرج ایضا بجهت درد هفت اندام و استخوانها که گویا آن
درد درهم میشکند از اول سوره فتح تا قوله نصرا عزیزا نوشته تعویذ
نماید مجربست ضماد مسکن الاوجاع منقول از تحفة المومنین
حکیم امیر محمد مومن تنکابنی رحمه الله در تسکین درد مفاصل حاره
و بارده مجربست حلبه را با آب و سرکه یا التسویه طبخ نماید تا مهرا شود
و عسل بوزن حلبه اضافه کند و بجوشاند تا غلیظ گردد و نیم گرم کرده
طلا نماید نافع بود والله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب

باب اول در علل مشوهه مستکرهه و
دفع آن و درین چند فصل است فصل اول در دفع
ابله طفلان کتاب مکارم این شکل را برای دفع ابله طفلان و کلم بیرون
آوردن نقل کرده است و بهتر
آنست که بترتیب عدد بنویسد
و در نسخه دفع و رفع آورده است

١٣

	٢	٣	١۶
۵	١١	١٠	٨
١٢	٧	۶	٩
١	١۴	١۵	۴



که این شکل را بوم گیرد و بر گردن وی بندد هفت آبله زیاده بیرون
نیاورد و دفع شود باذن الله تعالی و مربع آنرا برین ترتیب نوشته [illegible]

لو	ج	٤	ب
ط	و	س	ز
د	یه	ا	ید
ه	ی	ج	یا

وایضا آورده است که همین مربع با رقلم هندسه بنویسید و بماند ستور برو آویزد همین خاصیت دارد و بدینطریق بنویسید

ایضا در خاصیت این شکل گفته اند که اگر بر طفلی بندند آبله بر نیاورد و اگر بر آورد زیاده از سی و چهار آبله بیرون نیاورد و آن اینست

١٦	٣	١٣	٢
٩	٦	١٢	٧
٤	١٥	١	١٤
٥	١٠	٨	

١١

ایضا بجهت آبله این اشکال را بنویسید و تعلیق نماید که مجربست انشاء الله تعالی

١	٥	عم	عو
١٢	٤	٧	مر
٩	١٥	١١	د
[illegible]	٣	٢	١٢

٤ صفنگ	برادر تو	مصر رود	وار صاد	سار صاد	ماهم
سه هزار	سحرود	عصر نجم	ولامن	٥ ووه	دورند
قصد	ـلـ	نج	و٦	رد	وسید

ایضا خاصیت این شکل بجهت دفع آبله مجرب یافته اند اینست

١ ٢ ٩ ٣	اع یحی یحی ٣	عو د ١١ ٢	عو ر اع ١٤

ایضا این شکل را بنویسید و بر بازویش بندد اگر بیرون نیامده باشد نیاید و اگر آمده باشد زیاده از آن بیرون نیاید

٣ ٣	وتالوع
اسر اسر	ناوسی اسی

ایضا این اشکال را برای آبله همین خاصیت یافته اند سی سی و ما الحر علی سرا لود در
ثلثه مالیه یانوسی ایضا بنویسید و بر طفل بندد ایمن گردد اینست

الحمد لله ١٦	رب العالمین ٣	الرحمن ٢	الرحیم ١٣
مالک یوم الدین ٥	ایاک ١٠	نعبد ١١	وایاک ٨
نستعین ٩	اهدنا الصراط ٦	المستقیم ٧	صراط الذین ١٢
انعمت علیهم ٤	غیر المغضوب ١٥	علیهم ١٤	ولا الضالین ١

و در بحر المنافع که بجهت آبله و جز آن که از بدن انسان بیرون
بیرون می آید این آیه و نقش را بنویسید و در گردن بندد درد و
زحمت نه بیند و باسانی برآید و زود دفع شود و آن اینست

بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون ما تشركون

م ٩٩ ١١١ ٩٩ ١٤ ٢١١٤ ٣١٤ ٩ه م ١١ ط ـه

ایضا ابیاتی که در فصل آینده خواهد امد بران بخواند زیاده
بر سیاورد و در خواص الایات مذکور است که بجهة ابله چشم مجرب است
ریسمانی که رشته کودکی که هنوز دندان او نیفتاده باشد هفت
لاکند و الم نشرح میخواند و هر کاف که رسد یك گره بران زند تا
هفت گره شود و بعد از ان هفت بار سوره مزبوره را بران بخواند
و از پیش چشم کسی که ابله داشته باشد بیاویزد ابله زایل شود و گفته اند
که اگر پاهای محدور را حنا بر بندند ابله در چشم او بر نیاورد و ابن
تمیمی در خواص خود آورده که آب طرخون و رازیانه تر و شربت کاوی
منع آبله و حصبه میکند اما اگر ابله در چشم افتد این ایه بر گندم یا
بر نمك خواند و در آب اندازد نبی ومیة وواردی وواردیة
فانما هي زجرة واحدة فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد
اولى لك فاولى ثم اولى لك فاولى الى قوله من مني يمنى بقدرت الله
برطرف شود فصل دویم در مداوا و دفع دمل و قرحه
و جراحت و بثور و خراج و جرب و ناسور و مانند ان از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث صحیح منقولست که هیچکس از بنی
آدم

ادم نیست مگر انکه او را دو رگ میباشد یکرگ در سرش که خوره را به
حرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد پس چون
رگ سر بحرکت می اید الله تعالی زکام را بران مسلط میگرداند که دردهای
سر را میکشد و اگر ان رگ بدن بحرکت می اید حق تعالی دمل را بهم می
رساند پس خدا را شکر کنید و در روایت دیگر فرمود که این دملها
و بثور اکثرش از خون فاسدیست که در وقت طغیان ان که از بدن
بیرون نمی کنند بیرون می اید پس اگر کسی که اینها در او حادث شود چون
برخت خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظيم وكلماته التامات
التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر كل ذي شر تا از اینها و
سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر فرمود که بثور و دملها
رینه که در بدن بیرون می اید اول که اثرش ظاهر شد انگشت شهادت
بر دورش بگرداند و هفت نوبه بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم و در
مرتبه هفتم انگشت را بقوت فرو گیرد یعنی بیفشرد و در روایت
دیگر منقولست برای جرب یعنی گری و دمل و قوبا این ایات را بخواند
و بنویسد و با خود نگاهدارد بسم الله الرحمن الرحيم ومثل كلمة
خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض ما لها من
قرار منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى

الله اکبر انت لا تکبر الله یبقی و انت لا تبقی الله علی کل شیء قدیر و ایضا
در کتاب طب الائمه مسطور است که این کلمات را بر کاغذی بنویسد
و صاحب دمل بلع نماید دفع شود لا الاه الا الاول یا الله محیط به
علمك ك ع س ل ع و ن و از مجربات اطبای حاذق است که در
ابتدای بروز دمل تار عنکبوت را چون بسر که ترکنند و بران ضماد
نمایند رفع آن میکند و همچنین تکرار ضماد طحلب که آن را خرو الضفادع
گویند سریع الاثر است و در بحر المنافع آورده که تبر بر سنك زنند و
پارهای خورده که از آن بجهد بدست و دامن برگیرد و بر صاحب دمل
بندد بر شود و همچنین در آغاز دمل موم را نیم گرم کرده بر آماس
دمل بندد فرو نشیند اما بجهة انفجار و گشوده شدن دمامیل و
اورام طلاء سلاخه که بول بز کوهی است که در سنك لاخها منجمد میشود
بغایت مجربست و همچنین ضماد انگشت پوست درخت لسان
العصافیر نیز مجربست ایضا بجهة منفجر و گشوده شدن خراج
حضرت امام علی النقی علیه السلام بجهة متوکل ملعون که باین بلیه مبتلا شده
بود مداوا فرمود که سرگین گوسفند را که در زیر دست و پای گوسفندان
سرشته میشود گرفته با گلاب مخلوط کردند و بران خراج گذاشتند
منفجر گردید ایضا بجهة دمامیل و اکثار بول و صداع دست بران

نهد

نهد و بگوید اسکن سکنتك بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار
و هو السمیع العلیم و در بحر المنافع آورده که بجهة دفع بثور و دمامیل
و آماس آنها گرد اگرد آن بنویسد یا میموت فی جسدی الذی یموت
مت مت بحق الحی الذی لا یموت ایضا بنویسد و بران چسباند
لحــــــ و الوح ایضا بجهة دفع خیارك و دمل و جراحات که
و خنازیر و غیره خراج که از بدن انسان بر می آید گرد اگرد آن را
خط بکشد و این شکل را بقلم خشك بنویسد یا بر کاغذ بنویسد
و بران چسباند [figure: یا طلیقا یا علیقا یا سلیقا بحق الله بسم الله الرحمن الرحیم ـ لا اله الا الله محمد رسول الله] ایضا این
ابیات را بر آب خواند و بخوراند نافع باشد و دمل را انفراح و اماسی
فرو نشیند و چون ابلر نمود کرده باشد چنین کند زیاده بیرون
نیاید انت العروش تحتفل تغتال او تکتحل کل شیء
تغتفل غیر ان لا یرضی تر تحل و همچنین این ایه را بر خاك
خواند و بر جراحت افکند و بر جراحت خواند و بعد صحت یابد منها
خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری آورده است که
اگر این افسون را بر انگشت سر مسعوق خواند و بر زخم تیغ و تیر
و غیر آن بندد نیکو شود ابیت طایر متا ممتنا سیرورا
و همچنین اگر این افسون را بر خاکستر خواند و بر زخم افکند نیکو شود

ودرد سخت نکند مجربست اوام تا پسند توای جوان و آورده
که اگر از زخم یا جراحت خون وریم بسیار آید و نه ایستد خون کاو را
بران بمالند در حال باز ایستد و اگر کمیز کودک نابالغ با خاکستر
مرهم کند و بر جراحت مالد نیکو شود و خاکستر بزر الاغ نیز همین
خاصیت دارد ایضاً بجهت قروح و جروح این آیه را بر هفت پاره
کلوخ هفت بار بخواند و بر هر پاره یکبار و بر زخم مالد و در آب
روان اندازد شفا یابد ایود احدکم ان تکون له جنة الی قوله
لعلکم تتفکرون از آنها سوره البقرة و در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که هر کرا آدمی یا جراحتی باشد کاردی را
بگیرد و بران موضع مالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید
ومن الاثر والعود ومن الحجر الملبود ومن العرق العاقر ومن
ورم الآجر ومن الطعام وحره ومن الشراب وبرده امض الیک
باذن الله الی اجل مسمی فی الانس والانعام بسم الله فتحت وبسم الله
ختمت پس آن کارد را در زمین فرو برد که کرد ریدن بهم رسد
مانند خشک و درد و ن وجوششی که زرداب از آن تراود خطی
بر دور آن بکشد و در وسط آن بنویسد یوما یوما مرثاثا ادعی
اصواتا وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر

بما تفعلون ایضاً بمانند سنور در صباح ناشتا بنویسد و اگر
روز چهارشنبه باشد بهتر است هر یقر مویقر حتی تحت الطریقه
ایضاً در صباح بهمان طریق بعمل آورد قهر ید قهر ابید کسر من
کروهن سالا رخشک باد بحق الملک القدوس ایضاً بتجربه
رسیده که بر سر قطعه چوب بید تر این اشکال را بنویسد و بجای
بیاویزد چون چوب خشک شود اثر آن برطرف شود ۱ خلقه
بلقه خلق خالق بالغ برجوار الله ۲ خلقه بلقه خلق خالق بالغ
خشک من نضر الاموی ۳ خلقه بلقه خلق خالق بالغ کشته
ارد بوم باسم فلان بن فلان ایضاً در خواص آیات قرآنی آورده که
هر که آیه ویسألونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها
قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا را بر ظرف پاک بسیاهی
بنویسد و بروغن بنفشه محو نماید و بر دمل و آبله و جراحتی که در
بدن باشد بمالد شفا یابد ایضاً در نسخه دیگر بنظر رسید که بجهت
دفع ریش و جرب و دور آن خطی بسیاهی بکشد و این دوا یرا
بران خواند خشک شود ایه اول کمثل کلمة خبیثة تا من قرار و ایه
دوم ویسألونک عن الجبال تا امتا امت [illegible] الی عرق مدنی که رشته
گویند و دهو نیز نامند اذا هویه کثیف و [illegible] غلیظه بهم رسد صما

در بلاد لار و اکثر از مفاصل مانند ختیا طر بیرون می آید باید بچوب
و مانند آن هر روز بر پیچد برفق تا تمام بیرون آید و پاره
نشود که هر گاه قطع شود از جای دیگر بروز میکند و در کتاب
مکارم مذکور است که بجهت عرق مدنی پشم شتر را بدست بکند نر
بکارد و مقراض و بتابد و هفت گره بران بزند و بر گرهی سه بار
سوره حمد بخواند پس سه مرتبه دیگر بر آن شخص این دعا را بخواند
بِسْمِ اللّٰهِ الْاَبَدِ الْاَیَدِ الْمُحْصِی لِعَدَدِ الْقَرِیْبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ
عَنِ الْوَلَدِ الْعَالِی عَنْ یُوْلَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِیْزِ بِلَا عَدَدٍ
الْقَوِیِّ بِلَا مَدَدٍ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَہٗ کُفُوًا اَحَدٌ یَا
خَالِقَ الْخَلِیْقَۃِ یَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْخَفِیَّۃِ یَا مَنِ السَّمٰوَاتُ بِقُدْرَتِہٖ
مَرْفُوْعَاتٌ یَا مَنِ الْاَرْضُ بِعِزَّتِہٖ مَدْحُوَّۃٌ یَا مَنِ الْجِبَالُ بِاِرَادَتِہٖ
مُرْسَاۃٌ یَا مَنْ نَجّٰی بِہٖ صَاحِبَ الْعِرْقِ مِنْ کُلِّ اٰفَۃٍ وَبَلِیَّۃٍ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ خَیْرِ خَلْقِکَ وَاشْفِ اللّٰهُمَّ فلان بن فلان
بِشِفَائِکَ وَدَاوِہٖ بِدَوَائِکَ وَعَافِہٖ مِنْ بَلَائِکَ اِنَّکَ قَادِرٌ عَلٰی
مَا تَشَاءُ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ وصلی الله علی محمد و آله ایضا هنوز
بیرون نیامده چون شروع بخاریدن کند بران بنویسد و یسألونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا امتا و صبر بران بمالند نافع باشد و ایضا

این

این معجون را بجهت عرق مدنی نافع دانسته اند و خوراکی سه مثقال
فرموده اند پوست هلیله پوست بلیله آمله مقشر تربد ستور زنجبیل
قنبیل بالسویه با عسل و زن بسرشند و مرهمی که بروز آمدن آسان کرداند
هر گاه عرق پاره شده باشد موضع را بطول بشکافند و این مرهم باید
استعمال نمود موم بیست و پنج مثقال مردارسنگ سه مثقال حنا کستر
نی مثقال آهک یکمثقال موم را با روغن کل کداخته ادویه را مخلوط
کنند و بجهت التهاب بذر قطونا را با روغن کل بنفشه مخلوط کرده
استعمال نمایند و در بحر المنافع آورده که بر ریسمانی که دختر نابالغ
تابیده هفت گره زند و بر هر گرهی هفت نوبه بخواند و بر صاحب عرق مدنی
ببندد دفع شود و اگر بر عورتی بندد که فرزند نارسیده از وجدا شود
سالم ماند وَاِنْ کُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَیْهَا حَافِظٌ فَلْیَنْظُرِ الْاِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ
مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ و ایضا مکرر این
رباعی را بخواند و بران دمد دفع شود الهی درد هار از تو دارد شفا
بحق مرا ز درد نارو شفایم ده ازین دردم الهی بحق نور لم یمسسه
نار و ایضا بر موضع بقلم خشک بنویسد یا علیقا یا طلیقا انت
طوبی یا سلیقا ایضا بر حوالی آن این شکل بنویسد دفع شود این است

	طلقة	
علقة		الله
	ملقة	

ایضا این شکل را
برحوالی آن بنویسد

نارو

اما معالجه بثور لبجنیه که انرا بفارسی نیز گویند آن بثوری باشد که از
حرارت و خون حادث شود و زرداب تراوش کند و زود خشک و
ریشه گرده و وبا او حکه و حرقه باشد و در اندرون او اب تنک باشد و در
ابتدای ظهور آن خطهای سرخ ظاهر و سیاه مانند زبانه آتش باشد معالجه
آن حضض و کافور را با لعاب سنگو ضماد سازند و مازو و فوفل با سرکه
نیز مفید بود و از حلاوی و گوشت احتراز نماید و همچنین مردارسنگ
را با سرکه سحق نمایند و بروغن گل تطلیه نمایند و سفیداج قلعی
سرشته ضماد نمایند و انشاء الله تعالی رفع شود و افسون چندی بجهت قروح
و جروح و سایر آزارها و کوفتها مانند آتشک و جذام در فصل دفع
خنازیر و سرطان و سرخ باد و غیره عنقریب مذکور خواهد شد
اما معالجه بنات اللیل یعنی بثور غیر متقرح با حمرت و خارش قطعه
قطعه که او را بفارسی ایزد گهیر خوانند صبر زرد و مرصاف و عدس
با سرکه و عسل بمالند و بدستور سرکه و بوره و حنا و زعفران بغایت
مفید است و آشامیدن یکدرم قاقله با آب سرد از مجربات است و بدستور
طلا نمودن هلیله زرد با صبر زرد و اگر با حرارت باشد مالیدن آرد
جو با آب کاسنی و آب کشنیز و بدستور آب برگ درخت بر یا صندل
و پوش در بندی از مجربات است و در ساعت دفع نماید اما معالجه
ناصور که آن دانهایست بقدر نخود و بزرگتر و کوچکتر که بر حوالی مقعد

و گوشه

وگوشه چشم و بینی و سایر محلها بر می آید و خارش بسیار کند و چون
شکافته شود زرداب با کف بیرون تراود و استخوان آدمی را سوخته
خاکستر آنرا با لعاب صبر سحق و طلا کنند نافع آید و همچنین اخراطین
را با خون دراز گوش بسایند و بر ناسور طلا کنند اگرچه کهنه دفع کند
و در تحفه المؤمنین این مرهم را بجهت ناسور و باصور و ضربان و غیره
ضربانی ذکر نموده زرد چوبه و مردارسنگ هر یک ده درم نرم سائیده
با چهار مثقال روغن گل و دو درم موم و آب خالص بقدری که او را
بپوشد با آتش نرم چندان بجوشانند تا موهم شود و ضماد نمایند و
ایضا از طبیبی استماع و تجربه نمود تریاک یکدانگ و زعفران یکدانگ
هو چوبه یکمثقال کوبیده ناخن البیض سرشته با روغن گل یا روغن کنجد
رزده مجرع
ضخیم نموده طلا نمایند نافع باشد فصل سیم در رفع ثالول
و سلعه و خزار و مداوای آن از علی بن یقطین منقول است که بخدمت حضرت
امام رضا علیه السلام عرض کردم که ثالول بسیاری که بفارسی گندمه گویند در بدن
من بهم رسیده و بآن سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت
جو بر گیر و بر هر جو هفت بار اذا وقعت الواقعة تا هباء منبثا و هفت نوبت
و یسئلونک عن الجبال تا قوله امتا بخوان پس هر جوی را یکبار بر هر ثالولی
بمال و مجموع را در پارچه نوی بر بند و در چاهی بینداز و بهتر آنست که اسفل

بحق الشعلو بکی زاوی گفت چنان کردم بعد از یک هفته تمام برطرف
شده بود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دست بر ثالول
بمالد و سه نوبه این دعا بخواند بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که در کاستی ماه هفت روز پی در پی
بر ثالول بخوان زایل میشود و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت
من فوق الارض ما لها من قرار و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا
ایضا بر گندم بخواند کما استر یا ولی الله و آن گندم را ببرد و بران بمالد
و در زمین نمناک دفن کند ایضا سوره توحید را بعد از آن بر گندم خواند
و بران مالد و بدستور بر زمین نمناک دفن کند بزودی دفع شود و
ایضا وصله نمک بردارد و بران مالد و سه نوبت لو انزلنا تا آخر حشر بران
خواند و در تنوری سوزان اندازد و باز گردد دفع شود ایضا این اشکال
را بر کاغذی بنویسد و بر ثالول مالد و در زمین نمناک دفن کند چون
کاغذ مضمحل شود ثالول نیز بتحلیل رفته زایل گردد اشکال اینست سحالی
ولکسوا بحد دم اطبا در خواص نخود گفته اند که چون در اول هلال
بعدد ثالیل هر یک از آن یک عدد نخود را مالیده مجموع را در لته بسته
از میان هر دو پا یا از بالای شانه آن لته را بجانب عقب بیندازد در آخر
ماه

ماه جمیع ثالیل برطرف شده و در بحر المنافع آورده که بعدد زخ یعنی
ثالول در شب یکشنبه دانه ماش شماره کند و در لته بندد و بامداد بگاه
هر ماشی را هفت بار بر ثالول بمالد و با هیچکس سلام نکند و جواب
ندهد و سخن نگوید برده در حوضی یا چاه آب اندازد و چون ماش
گندد و مضمحل گردد ثالول زایل شود ایضا انگشت وسطی دست راست بر
کف دست چپ بمالد و سه کرت این افسون بخواند و بر ثالول دمد دفع شود
عن زخ زخا من زخ زخا تبندد زخا فما له من قوة ولا ناصر
ایضا بعد از نماز بامداد سه بار بران خواند برطرف شود بسم الله الرحمن
الرحیم ازخ زخ من زخ زخ تبدد زخ فما له من قوة ولا ناصر در
بعضی از نسخ اطبا بنظر رسید که اگر کسی وزغ را در وقتی که از آب بیرون
می آید بگیرد و بر ثالول مالد و بعد از آن او را بجز قه بندد و در زیر
سنگی گذارد ثالول زایل گردد و همچنین گفته اند که جهت رفع ثالول و قوبا
حجل را با آب سائیده بمالند در روز زایل گردد اما معالجه سلعه
کدان گوشت زایده ایست که در زیر پوست بدن آدمی حادث میشود مانند
غدد و حرکت مینماید در گوشت بدن و از اعلاق میباشد که از عضو
خارج بود و مقدار او از نخودی تا بطیخی میباشد در حدیث منقول است
که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که گنده و ماده در بدن

من ظاهر شده است حضرت فرمود که سه روز روزه بدار و در روز
چهارم در وقت زوال غسل کن و بجهر ابا بام بلندی برو و چهار رکعت
نماز کن هر سوره که خواهی بخوان و تا توانی سعی کن که در گریه و تضرع
و خضوع قلب باشی و چون از نماز فارغ شدی جامهای خود را بیندازی
و جامه کهنه پاکیزه بطریقی لنگ بر خود ببند و بر خاک بسجده برو و
پهلوی راست روی خود را بر خاک بگذار و بزاری و خضوع این دعا را
بخوان و در آخر فرمود که در وقتی تاثیر میکند که خاطر مطمئن باشد
و صاحب یقین باشی که تاثیر می بخشد آن شخص چنین کرد برودی
عافیت یافت دعا اینست یا واحد یا احد یا صمد یا کریم یا جبار
یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف
ما بی من ضر و البسنی العافیة الشافیة الکافیة فی الدنیا و الآخرة
و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد آذانی و غمنی و ایضاً
چون سوره انشقاق را بر سلعه خوانند آن را ساکن کرداند اما
معالجه خراز که بفارسی کچلی نامند بغایت آزموده است سر را تراشیده
بروغن کنجد چرب کنند و کشک و پشم و جوهر یکرا سوخته بالسویة
بپاشند ایضاً جهت خراز مجربست زرد چوبه برگ حنا و هلیله
زرد و عفص و مردار سنج و آمله مقشر و سرکه هر یکرا جزوی روغن
مازو

کل

سرخ چهار جزو ضماد نمایند [illegible] در دفع خنازیر
و سرطان و حمره و آتشک و افلیج و لقوه و کلف و خدره و داء
الثعلب و غیر آن در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلم
منقولست که فرمود دختری در خانه ما در گردنش خنازیر احمر بهم رسیده
بود شخصی در خواب بمن گفت که بگو این دعا را تکرار کند یا رؤف یا
رحیم یا رب یا رب یا سیدی پس چنان کرد عافیت یافت
افسون هندی که جهة جمله بادها و دردها و زهرها و قروح و جروحی
که در هفت اندام بهم رسد مانند خنازیر و سرطان و نقرس و هر
علتی که هیچ دوا چاره پذیر نباشد بنویسد و هر جا که علت بود به
بندد و بر پاره کاغذی بنویسد و بشوید و بخورد سه روز متوالی بحت
یابد یا بر روغن بادام تلخ سی و یکبار بخواند و بر عضو متالم مالد نفع یابد
و جهة دفع دیو و پری و سحر و جادوی بدستور بر آن روغن خواند و بر
اعضا مالد یا پنج چهل بار بر آب خواند و از آن غسل کند و سیاست امد دفع
شود و جهة دفع درد شکم پانزده بار بخواند و بخور اند صحت یابد اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اوام امرها ام هکلا کجیها ارحما
ترحما اوام مت هبت سواها بحق محمد سواها ایضاً در کتاب
مکارم آورده که سر و نهر روز سه بار بر خنازیر باید خواند که بسم الله

دنباله الله اکبر الله اکبر وهو یامرک ان لا تکبر بس سه بار باید گفت
ابتدر بالفضل قبل ان تبتدی بک و در هر بار آب دهن بران باید
انداخت ایضا بجهة خنزیر بعد از آنکه نماز دیگر گذارده باشد ۱۲
بار یا ۱۳ بار بخواند و بران دست فرود آرد سوی مهاسری شده
و قصری جرجانی سند قیر لاه خنجر بحق ابرهیم خلیل الله ایضا
بجهة دفع خنزیر و دمل و اماس گلو و غیره خراج در ان موضع بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم یا مبعوث فی جسد من یموت اخرج بحق الحی
الذی لا یموت ایضا این شکل بنویسد و بر موضع خنزیر بندد و دفع
شود و مجربست لحـ ✳ ـو الریح و اطبا بتجربه یافته اند که چون
سرب را با آب کاسنی بسایند تا غلیظ شود و روغن گل یا روغن بادام
با لیسوتیر بر سرطان متقرح و جرب حار و حکه حار و اورام حاره
ضماد نمایند نافع باشد و اگر با آب گشنیز یا آب مارتنک بسایند
بدستور نافع آید افسون هندی بجهة دفع سرخ باد و آتشک
سه روز بعد از طلوع و غروب آفتاب بران خواند و کارد آهنی که دسته
ان نیز سرخ آهن باشد بدست بگیرد و بدان حمله آورد و اشاره
نماید بر طرف شود یا چند خاشاک بستاند و بر صاحب باد سرخ و آتشک
فرود آورد بعوض کارد و سه روز چنین کند دفع شود اینست ابر سرخ

بحیثیتی که صاحب آن تصور میکند که اعضوا زو افتاده است
این آیات را بنویسد و با خود دارد و بران نیز بخواند نافع است
بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب
الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة
مثنی وثلث ورباع باسم فلان بن فلان ایضا از حضرت امام
محمد باقر علیه السلم مرویست که بجهة فالج و قولنج و بادها از هر علتی
که بوده باشد این دعا مفید است حمد و معوذتین و توحید را
بر جامی بمشک و زعفران بنویسد و این دعا را بر پای ان بنویسد
اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته التی لا
یمتنع منه شیئا من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر
ما احذر منه و اگر خواهد بر لوحی یا شانه گوسفندی بنویسد نیز
خوبست و باب باران بشوید و بیاشامد و وقت بیاشامد نافع و
مبارک باشد و در بحر المنافع بجهة مفلوج شدن اندام این آیات
را ذکر کرده که بر زعفران بنویسد و سه روز بدهد تا بخورد شفا
یابد بسم الله الرحمن الرحیم من یطع الرسول فقد اطاع الله و من
تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا و یقولون طاعة فاذا برزوا
من عندک بیت طائفة منهم غیر الذی یقول والله یکتب ما

يبيتون فاعرض عنهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ايضا بر سر دانه
انار وبر سر برك كنار بر سر دانه وبر كى يكبار بخواند كه لا تاخذه سنة
ولا نوم له ودر دهن اندازد وبيرون نيا ورد تا تماشا ببيند اما
معالجه لغوه مرويست كه شخصى بخدمت حضرت صادق عليه السلم
عرض كرد كه بادى از سر تا پاى مرا فرو كرفته فرمود كه عنبر وروغن
زنبق بيناشتا در دماغ بچكان ودر روايت ديكر وارد شده كه شخصى
را لقوه عارض شده بخدمت حضرت صادق عم عرض كرد فرمود
كه برو بروضه رسول الله صلى الله عليه واله ودو ركعت نماز بكذار ودست
بران بكذار وبكوى بسم الله وبالله بهذا اخرج اقسمت عليك
بالذى اتخذ ابرهيم خليلا وكلم الله موسى تكليما وخلق
عيسى بروح القدس لما هدأت وطفئت كما طفئت نار ابرهيم
خليلا اطفئى باذن الله دو مرتبه چنين كرد عافيت يافت ودر
روايت ديكر فرمود كه سوره اذا زلزلت بنويسد تا در ان تا نظر دران
كند شفا يابد ودر نسخه بنظر رسيد كه اين سوره را در آيينه فولاد
بنويسد ودر خانه تاريك بدان نظر كند ومرويست كه اكر سه نوبت
بنويسد اين سوره را وبشويد وصاحب لغوه بياشامد شفا يابد باذن
الله وبركة القران ودر روايت ديكر منقولست كه صباح بن محارب

بحضرت

بحضرت امام موسى عليه السلم عرض كرد كه شخصى را باد لغوه در روى رسيده
وهر دو چشمش را ابر كرد اينده فرمود كه پنج مثقال از قرنفل بكيرد ودر
شيشه كند وسرش محكم سازد وكل ءالد ودر افتاب بكذارد بقدر يك روز در
تابستان وبقدر روز در زمستان پس ان شيشه بيرون آورد ونرم بكوبد
وباب باران مخلوط سازد وبر پشت بخواند وبران مطلوب بدن كه كذشته است
بمالد وبد الحال خوابيده باشد تا انكه قرنفل خشك شود چون چنين
كند آن مرض از وبر طرف شود ايضا در نسخه بنظر رسيد كه اكر كسى را روى
بكردد ودهان كج شود بنويسد اين آيات را وبشويد وبياشامد وروى را
بدان بشويد شفا يابد فسخرنا له الريح تجرى بامره رخاء حيث اصاب
والشياطين كل بناء وغواص واخرين مقرنين فى الاصفاد هذا
عطاؤنا فامنن او امسك بغير حساب الم نجعل له عينين ولسانا
وشفتين وهديناه النجدين ودر خواص القران آورده كه هر كه
آيه قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضيها تا
قوله تعالى عما تعملون از سوره البقره را بر جام روئين كه از اسنك
جلا داده باشند بمشك وكلاب واب پاك بنويسد وبشويد وصاحب
لغوه روى خود را از ان بشويد وبعد از انكه صاحب لغوه سه ساعت دران
جام نظر كرده باشد تا سه روز چنين كند لغوه از و زايل كردد واكر از بن

آب بر صاحب فالج و تشنج ریزند از مرض ارتعاش زایل گردد اما معالجه
حذر شدن اعضا در خبر آمده که چون نام کسی را که دوستتر و عزیزتر
دارد بر زبان راند خدره برطرف میکردد اما معالجه کلف و نمش
وداء الثعلب در بحر المنافع اورده که خون خرکوش تازه و کرم بر کلف
مالیدن کلف را زایل میکرداند ایضا بجهة ورم روی و کلف بنویسید و
بشوید و بر روی مالد کلف را زایل سازد اما باید چونی کند که اب بر زمین
نریزد بسم الله الرحمن الرحیم قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرآنا عجبا ایضا بدستور مذکور این دعا را سه روز
بعمل آورد کلف و نمش زایل شود یا سمیع انت صاحب کل غریب لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من
الغم وکذلک ننجی المؤمنین استجب دعوتی واقض حاجتی وفرج همی و
غمی برحمتک یا ارحم الراحمین اما معالجه داء الثعلب در بحر المنافع
اورده که بجهة ریختن موی سبلت بر روغن بخوانند و بر ان مالد و
یرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء وهم یجادلون فی الله و هو
شدید المحال ایضا بجهة دفع ریختن موی ریش بدستور
معمول دارد بسم الله الرحمن الرحیم فاستغفروا الله واستغفروا
لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم

یعلمون

یعلمون و اطبا بجهة کلف را نموده اند که انزروت را در زهره گاو
حل نموده بمالند و بدستور جهة ازاله کلف و نمش و امثال آن بتجربه
رسیده که بیخ سوسن و سرکین گنجشک و قسط تلخ با آب و سرکه طلا
کنند و روز دیگر با آب سبوس گندم بشویند و بجهة داء الثعلب کندش
وشیطرج هر یکجزوی و زرنیخ سرخ دو جزو با روغن زیتون طلا
کنند که بی عدیل است اما ادویه رضویه را که در طب الائمه از حضرت
روایت کرده که بجهة فالج و لقوه وغیره کوفتها استعمال باید نمود
فرمود که بجهة فالج و لقوه یکحب ایزا با آب مرزنکوش در بینی بچکانند
نافع است و فرمود که اگر بجهة آزار سپرز یکحب ایزا با آب سرد و اندک
سرکه بخورد منتفع میکردد و از حضرت علی النقی علیه السلم مرویست که اگر
یکحب ایزا با آب حلتیت بکسی بخورانند که او را مار یا عقرب گزیده باشد
و بیم هلاک باشد در ساعت شفا می یابد و ان اینست سنبل و زعفران
و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید اجزای
مساوی هم و فرفیون دو چندان هر یکرا از این اجزاء بسیار نرم بکوبید و از
حریر بیرون کنند و بعسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنند و حبها
سازند و در وقت احتیاج بکار برند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلم
مرویست که هر که از این دوا بجهة سردی معده و خفقان قلب یکحب ایزا

با آب زیره که پخته باشند بخورند عافیت یابند و فرمود که بجهت شوصه
که ورمی است یا بادی که در پرده ضلع و عضو پیدا میشود بیجب آنرا
با زعفران بر حوالی آن طلا نماید عافیت یابد و اگر بیجب آنرا با آب سداب
یا آب ترب بپخته بخورند بجهت اسهال منتفع گردد و از حضرت امام
رضا علیه السلم روایت شده که بجهت اسهال یک حبش را با آب مورد بپخته
بخورند و از برای درد پهلوی راست یکحبش را با آب زیره که پخته
باشند و بجهت درد پهلوی چپ با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند
و این خواص دواء در احادیث متفرق بود بنا بر اختصار و اقتضای
اختصار شد فصل پنجم در دفع بهق و برص و جذام
و اکله و جرب و قوبا و حکه و نقرس و در حدیث معتبر منقولست
که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق عم از بیسی که در روی
او بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود بنماز
شب برخیز و وضو بساز و در سجده آخر دو رکعت اول از نماز
شب بخوان این دعا را یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع
الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی
من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اصرف عنی من شر الدنیا
و الآخرة ما انت اهله و اذهب عنی الوجع و نام این درد را ببرد

فانه

فانه قد غاظنی و احزننی و مبالغه کن در تضرع و دعا راوی گفت هنوز
بکوفه نرسیده بودم که بیسی از من زایل شده بود و در روایت دیگر
منقولست که اسحاق بن عمار و غیر او از همین علت بحضرت شکایت
کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای
الهی بجای آورید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید و بگوئید یا الله
۳ یا رحمن ۳ یا رحیم ۳ یا واحد ۳ یا احد ۳ یا صمد ۳ یا ارحم
الراحمین ۳ یا اقدر القادرین ۳ یا رب العالمین ۳ یا سامع
الدعوات ۳ یا منزل البرکات ۳ یا معطی البرکات الخیرات ۳
صل علی محمد و آل محمد و اعطنی خیر الدنیا و الآخرة و اصرف عنی
شر الدنیا و الآخرة و اذهب عنی ما اجد فقد غاظنی الامر و احزننی
راویان گفتند و الله که از مدینه بیرون نیامده بودیم که مانند سبوس
از ما فرو ریخت و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که خوردن
شوربا بگوشت گاو برص و جذام و برص را زایل میکند و از حضرت
صادق علیه السلم مرویست که فرمود سوره انعام را با عسل بر ظرفی
بنویس و با آب بشوی و بخور تا برص بر طرف شود و در روایت
دیگر سوره یس مذکور شده و در روایت دیگر فرمود که هیچ چیز
نافعتر نیست از برای برص از تربت مقدس قبر حضرت امام حسین ع

باب باران خوردن و بر آن موضع مالیدن و در روایت دیگر فرمود بمار
که موی زیر را با آب بخیسان و آن آب را بخور چنان کرد منتفع شد و در روایت
دیگر شخصی که از بهق و برص بد و شکایت کرد فرمود که بحمام رو و
حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر اثر آن نخواهی دید
و از حضرت امام رضا منقولست بجهة دفع لکهای که در بدن بهم رسد
با اول ستاره که شب بیرون آید تیز نظر کن و قبضه خاک بردار و بر آن
لکه بمال و بگوی بسم الله و بالله رایتنی ولم ارک سیعود نصرک والله
یخفی اثرک ارفع بالیلی معک و اطبا بتجربه یافته‌اند که موضع بهق را
سوزن بخلانند اگر خون بر آید علاج پذیر باشد و اگر خون بر نیاید
مداوا تاثیر نکند و در بحر المنافع آورده که خاکستر چوب سپندان
را باب تر کنند و این دعا را بیست و یکبار بر آن خوانند و بمدت تا هفت
روز بر آن طلا کنند دفع شود اینست بسم الله الرحمن الرحیم و توکل علی الحی
الذی لا یموت ایضا بجهة دفع برص بتجربه یافته‌اند که چهل روز
متوالی هر روز بعد از نماز سنت بامداد چهل و یکبار سوره فاتحه را متصل
بیسمله بخوانند یعنی کسره میم رحیم را بلام الحمد وصل کنند و اگر یکروز
فاصله شود باز از سر گیرد اما معالجه بهق مجرب شده که بنویسند
بر محل بهق این آیه وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا

بقدر

بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و در
بحر المنافع آورده که بجهة بهق و برص بر آن خواند و تعویذ کند و سخر
لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعا ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون
و همچنین نوشتن آنکه بسوره لم یکن و تعویذ کردن همین خاصیت دارد
ایضا بجهة دفع بهق تعویذ نمایند ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا
فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون اولئک اصحاب الجنة خالدین فیها
جزاء بما کانوا یعملون و وصینا الانسان بوالدیه حسنا حملته امه
کرها و وضعته کرها و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و در بحر المنافع آورده است
که آب بینی را بر بهق مالد دفع شود اما معالجه جذام و اکله این آیات
را بخواند و بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما
یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع با اسم فلان بن فلانه
و نام مادرش را بنویسد و در بحث معالجه جرب بعضی مداوا بجهت
رفع بهق مذکور خواهد شد و اطبا گفته‌اند گرده بز سیاه را سرخ کرده
گوگرد بر آن پاشیده کباب نمایند و از آب مترشح آن بر بهق طلا نمایند
در روز زایل گردد و از مجربات شمرده‌اند و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام و امام موسی کاظم علیهما السلام مرویست که خوردن شلغم را که خوره را

میکدارد خواه خام و خواه پخته از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
مرویست که شارب گرفتن در هر جمعه از جوزه و در بحر المنافع آورده
که بجهة جوزه این آیات را تعویذ نماید انه من یات ربه مجرما فان له
نار جهنم لا یموت فیها ولا یحیی و من یات مومنا الی قوله لهم الدرجات
الدرجات کل نفس ذائقة الموت و نبلوکم بالشر والخیر فتنة
والینا ترجعون و اطبا از برای دفع اکله و تجفیف قروح مجرب
دانسته اند موی سوخته دو جزو پوست پیاز سوخته یکجزو و تخم
ریحان بو داده نصف جزو کافور قیصوری ربع جزو در ور نماید
ایضا این درور بجهة اکله و قروح ساعیه و بواسیر الانف و نواصیر
مجربست استخوان رمیم با سوخته صبر زرد بالسویه درور نماید
همچنین برگ عناب خشک را درور نماید بجهة اکله بی عدیل است
و ضماد برگ زردک نیز همین خاصیت دارد و آشامیدن یک درم
سلاحر بول بز کوهی است که در سنگ لاخها منجمد هر روز با سکنجبین
تا چهل روز باعث شفای جذام مستحکم دانسته اند اگرچه بحد
ریختن اطراف رسیده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست که فرمود این تعویذ است بجهة کسی که مبتلا شده باشد ببلاء
از بلاهای فادحه مانند اکله و غیر آن دست بر سر آن مریض گذارد

دیکوید

و بگوید که بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله ابرهیم خلیل الله موسی کلیم الله نوح نبی الله عیسی روح الله
محمد رسول الله صلوات الله علیه و علیهم اجمعین من کل بلاء فادح و وجع
و کل دوح و ارواح و اوجاع قسم من الله و غرایم منه لفلان بن فلان
لا یقربه الاکله و اعیذه بکلمات الله التامات التی سالها ادم علیه السلم ربه
فتاب علیه انه هو التواب الرحیم الا انها حرز اتیتها الاوجاع والارواح
لصاحبه باذن بعون الله بقدرة الله الا له الخلق والامر تبارک الله
رب العالمین بعد از آن سوره حمد با آیة الکرسی و یکعشر از اول سوره
یس بخوان و بگو اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد و ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تشفیه من علته هذه بحرمة محمد و آل
محمد اما معالجه جرب و حکه و قوبا و نقرس در فصل دفع دمل
دعای آن گذشت و در ذکر معالجه سرطان نیز بعضی از آن ادویه
مذکور شد و اطبا ضماد شیر الخیوع را با آرد جو جالی جرب متقرح
و قوبا و کلف و بهق دانسته اند و همچنین گفته اند که جعل را با آب شسته
در زنا لیله و قوبا بمالند در زرو زایل گردد و طلای کتیرا با بوره
و کوکرد بجهة جرب و حکه و باس گرد جهة بهق و برص و بالعابها بجهة شق
شدن موی مجرب دانسته اند و طلا نمودن مغز تخم کدو و هندوانه

باشیر دختران جهت حکه که با حرارت باشد از مجربات است و کذشت که
سرب را با آب کاسنی یا کشنیز یا بارتنک سایند تا غلیظ شود و
با روغن کل و بادام بالسویه بر سرطان متقرح متقرح و جرب و جار
و حکه و اورام حاره ضماد نماید نافع باشد و مجرب داشته اند و
بدستور خشخاش مسحوق بسرکه و همچنین صبر زرد و نشاسته
و آب کاسنی جهت رفع حکه که با حرارت باشد موثر است و همچنین
تضمید حی العالم یعنی همیشه بهار با حنا جهت خارش بدن آزموده اند
و طلای سفال تنور با سرکه جهت حکه و جوششها و خزاز و سعفه و جرب
و نقرس نافع است و همچنین ضماد ابحی العالم بارد جهت قروح
خبیثه و درد مفاصل حاره و زخمهای کهنه و سوختکی آتش و نمله و
اورام حاره چشم و نقرس مجرب داشته اند و ضماد برک پنبه با روغن
کل جهت نقرس بی عدیل داشته اند و همچنین نطول جوشیده بول
شتر با حرمل بجهة نقرس و فالج و هذا و اورام مجربست و از خواص
این اشکال است که هرگاه کسی را کری و خارش در بدن باشد در سلخ
هر ماهی که بوده باشد بنام او نوشته در زیر خاک دفن کند تا هفته
دیکر خلاص شود باذن الله تبارک و تعالی ا ه ع ر ه ه سلعل جمار
هقاعلی اه ج و ما فی ابهوره محال الحاجات و [illegible] المنافع

آورده

اورده که این وصف صدور قوم مومنین را با این قد جاءکم
موعظة من ربکم و این و ننزل من القرآن تا قوله للمومنین را بنویسد
و بشوید و از آن آب بیاشامد و وضو کند و نماز کذارد و کری را نیز
با آن آب بشوید و در این روز هیچ مسکری نیاشامد صحت یابد ایضا
بنویسد و سه روز متوالی باعتقاد درست و بشوید و بخورد و ما
توفیقی الا بالله اذهب یا جرب باذن الله الملک العزیز الاحد الصمد
بسم الله و بالله مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض
ما لها من قرار الشافی هو الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم
الله الرحمن الرحیم لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه فمن کان یرجو
الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا فصل ششم
در دفع کند دهان و زیر بغل و سایر اعضا و عرق و در دفع ورم مروی است
که شخصی بحضرت امام موسی کاظم ع از کند دهان شکایت کرد فرمود که
در سجود بکوی یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رب الارباب و یا اله
الآلهة یا مالک الملوک و یا ملک الملکوت اشفنی بشفائک من هذا
الداء و اصرفه عنی فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک راوی
کفت که یکمرتبه این دعا را در سجود خواندم شفا یافتم و از حضرت امیر
المومنین و امام المتقین و یعسوب الدین علی بن ابی طالب علیهم

الملک

منقولست که موی زیر بغل را کندن کند بغل را بر طرف میکند و پاک
کننده است و سنت رسول خداست صلی الله علیه و آله و از حضرت امام
علی النقی علیه السلم منقولست که خوردن خرمای برنی کنده دهان را بر طرف
میکند و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که بجوز بید الجنیور را که
برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کنده دهان را بر طرف میکند و استخوانرا
محکم میسازد و موی دریدن بیرویاند و درد دهانرا میبرد ایضا
سنون مضمضه کردن جلنار را با سرکه بجهة بدبوی دهان و استحکام
لثه و اسنان و قلاع موثر دانسته اند و بجهة بدبوی زیر بغل اطبا
گفته اند که اول باید موضع را با تیغ خدشها نمود و ایت دو را اما الید تا قدری
خون دفع شود و بعد از یکشبانه روز موضع را بشویند و تصریح
نموده اند که دیگر عود نمیکند و مجربست راسن خشک محرق زراوند
طویل محرق زجاج فرعونی محرق زعفران هر یک جزوی با آب مورد
تازه بسرشند و قرص سازند و بجهة بدبوی عرق بغایت موثر است
مرداسنج توتیای مغسول خاکستر برگ سوسن مرصاف صبر زرد
گل سرخ بالسویه با گلاب و امثال آن طلا کنند و بجهة بدبوی انگشتان
پای بستن برگ تازه سوسن از مجربات است و ایضا بجهة بدبوی زیر بغل
و کنج ران صندل اسفید سنبل شب مرصاف مشک گل سرخ هر یک سرخ و

کافور نیم جزو با گلاب بجیب سازند و استعمال نمایند اما معالجه اورام
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم مرویست که هر ورمی که در بدن بهم رسد
و ترسی که بجای بدی منتهی شود در آنوقت که وضو بسازی اول برای غسل
واجب پیش از نماز بران ورم آخر سوره حشر لو انزلنا را تا آخر بخوان
و بران بدم چون چنین کنی آن ورم بزودی ساکن شود و در خواص
آیات قرآنی آورده که سه روزی در پی هر روز هفت بار این آیات را
بخوانند و بعد از روز سیم بر جام آبگینه زعفران بنویسند و بآب باران
محو کنند و صاحب ورم بیاشامد زایل شود و از خواص این حروف است
که بنویسند و بر صاحب ورم ببندد یا بر ورم بنویسند فرو نشیند شفت ا
وج اد و ه ی ط ح و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
منقولست که بر هر ورمی آیات آخر سوره حشر را سه مرتبه بخوان و در هر
مرتبه آب دهان بر آن موضع بیندازد ساکن گردد و در فصل دفع دمل
و قرحه نیز افسونی بجهة ورم مذکور شد منقول از حضرت صادق علیه السلم
و در فصل هشتم نیز بعضی از معالجات بادهای فاسد مذکور خواهد
شد انشاء الله تعالی **فصل نهم** در دفع زکام و ضیق النفس
و سرفه و فواق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست در معالجه
زکام که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت بر مقعد گذارد زکام

ضیق النفس زکام

دفع شود و در چند روایت وارد شده که زکام را معالجه مکنید و در
روایت دیگر فرمود که یکدانگ سیاه دانه و نیمدانگ کندس را نرم
بکوبند و در دماغ بدمند زکام را برطرف میکند و اطبا جهت زکام
سیاه دانه را بروی سنگ تافته ریخته دود انرا استنشاق نمودن
مجرب و نافع دانسته اند و ایضا سیاه دانه را نیمکوب کرده چند قطره
نمک اب بران پاشیده نیم گرم کرده بر سر بستن و بدون کوبیدن بدستور
استعمال نمودن بغایت نافع است و اگر زکام بسته شده باشد و خواهد
که گشاده شود قدری زعفران و قند را بر اتش ریزد و سر را ببخار ان
دارد گشوده شود اما معالجه ضیق النفس در روایت امده که مفضل
بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که تنگی نفس دارم که اگر
اندک راهی میروم نفسم تنگی میکند و می نشینم فرمود که بول شتر بخور
تا ساکن شود ایضا بتجربه اطبا رسیده بجهة عسر النفس که هدهد یعنی
پوپو را در سفال نو بسوزانند و با عسل مخلوط کرده روزی یک وقیه
تا دو وقیه بنوشند و وقیه هفت مثقال و نیم است و همچنین غرغره
و نفوخ و ضماد سرگین خشک سگ را جهة خناق مجرب دانسته اند
خصوصا چون تعلیف باستخوان فقط کنند ایضا غرغره باب که عدس
دران خیسانیده و جوشانیده باشد و در بحر المنافع بجهة ضیق النفس

وربود

وربود هفت هفت این ایه را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذی
ان شاء جعل لک خیرا من ذلک جنات تجری من تحتها الانهار
ویجعل لک قصورا ایضا بخوانند و بوی خورانند وان فاتکم شیء من
ازواجکم الی الکفار فعاقبتم فاتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ما
انفقوا واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون متکئین علی الارائک ولکل
وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرات اما معالجه سرفه در حدیث
حسن مرویست که شخصی بخدمت انحضرت از سرفه شکایت کرد حضرت
فرمود که قدری انجدان رومی را با همان قدر نبات سفوف کن یک روز
یا دو روز بخور انشخص گفت یکمرتبه خوردم برطرف شد و در روایت دیگر
مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام از سرفه کهنه
و سرفه تازه هر دو شکوه کرد حضرت فرمود که بگیر از فلفل سفید
و خربق سفید سنبل و قاقله از هر یک جزوی و از فرفیون دو جزو
بکوب و از حریر بیرون کن و بعسل کف گرفته سرشته کن و از برای
سرفه کهنه و تازه یکحبه از ان با اب بادیان نیم گرم در وقت خواب بخور
و در بحر المنافع بجهة دفع سرفه این ایات را تعویذ کند و بخواند بسم
الله الرحمن الرحیم ملعونین اینما ثقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلا
ویوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملئکة تنزیلا لقد انزلنا ایات

مبینات والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم و در طب الائمه از امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده از پدر ایشان نقل فرموده که حضرت امیر
المومنین علیه السلام که هر که درد گلو داشته باشد و بسیار سرفه کند و یبس
و خشکی او سخت باشد پس باید که تعویذ کند باین کلمات و این تعویذ
را جامع از برای همه چیز تمام کرده بود اینست اللهم انت رجائی
و ثقتی و عمادی و غیاثی و رفعتی و جمالی و انت مفزع
الفزعین لیس للهاربین مهرب الا الیک و لا للعالمین معول
الا علیک و للراغبین رغبة الا لدیک و لا للمظلومین ناصر
الا انت و لا لذی الحوائج مقصد الا الیک و لا للطالبین عطاء
الا لدیک و لا للتائبین متاب الا الیک و لیس الرزق و الفرج
و الخیر الا بیدک ضربتنی الامور الفادحة و اعیتنی المسالک
الضیقة و احرستنی الاوجاع الموجعة و لم اجد فتح باب الفرج
الا لدیک فاقمت تلقاء وجهک و استفتحت علیک بالدعاء
اغلاقه فافتح یا رب للمستفتح و استجب للداعی و فرج الکرب
و اکشف الضر و سد الفقر و اجل الحزن و انف الهم و استنقذنی
من الهلکة فانی قد اشفیت علیها و لا اجد لخلاصی منها غیرک
یا الله یا من یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء ارحمنی و اکشف

مابی

مابی من غم و کرب و وجع و داء رب ان لم تفعل لم ارج فرجی
من عند غیرک فارحمنی یا ارحم الراحمین هذا مکان البائس
الفقیر هذا مکان المستغیث هذا مکان الخائف المستجیر هذا
مکان المکروب الضریر هذا مکان الملهوف المستعیذ هذا
مکان العبد المشفق الهالک الفرق الخائف الوجل هذا مکان
من انتبه من رقدته و استیقظ من غفلته و افرق من
علته و شدة وجعه و خاف من خطیئته و اعترف بذنبه
و اخبت الی ربه و بکی من حذره و استغفر و استعبر و
استقال و استعفی اناب الی ربه و رهب من سطوته و ارسل
من عبرته و رجا و بکی و دعا و نادی رب انی مسنی الضر
فتلافنی قد تری مکانی و تسمع کلامی و تعلم سرایری و علانیتی
و تعلم حاجتی و تحیط بما عندی و لا یخفی علیک شیء من امری
و تعلم من علانیتی و سری و ما ابدی و ما یکنه صدری فاسالک
بانک اعلم علی التدبیر و تقبل المعاذیر و تمضی المقادیر سؤال
من اساء و اعترف فظلم و اقترف و ندم علی ما سلف و اناب
الی ربه و اسف و لاذ بفنائه و عکف و اناخ رجاءه و عطف
و تبتل الی مقیل عثرته و قابل توبته و غافر حوبته و راحم

غربته وكاشف كربته وشافي علته فاغفر لي جميع ما
اخطاته واحصاه كتابك وما مضى من علمك من ذنوبي
وخطاياي وجرائري في خلواتي وفجراتي وسيئاتي وهفواتي
وجميع ما تشهد به حفظتك وكتبته ملائكتك في الصغر
وبعد البلوغ والشيب والشباب بالليل والنهار والغدو و
الاصال وبالعشي والابكار والضحى والاسحار في الحضر والسفر
في الخلاء والملاء وان تجاوز عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد
الصدق الذي كانوا يوعدون اللهم اني اسالك بحق محمد
واله وان تكشف عني العلل الغاشية في جسمي وشعري وبشري
وعروقي وعصبي وجوارحي فان ذلك لا يكشفها غيرك يا
ارحم الراحمين ومجيب دعوة المضطرين واطبا سائيده
نی را با عسل جهت سرفه نافع دانسته اند و در کتاب خزائن الاسرار
مذکور است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که
سوره زخرف را بنویسد و باب باران بشوید و کسی که سرفه کند
از آن بیاشامد شفا یابد ایضا از خواص این آیه است که چون
بر آب بخوانند و صاحب سرفه بیاشامد شفا یابد افحسبتم انما
خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق

لا اله

لا اله الا هو رب العرش الكريم ايضا [illegible] و در کتاب
خواص القرآن آورده که اگر کسی را قی بسیار آید یا قولنج باشد این
آیه را بنویسد و بشوید بخورد شفا یابد ولو نشاء لمسخناهم على
مکانتهم فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون ومن نعمره
ننكسه في الخلق افلا يعقلون و در مجمع المنافع آورده که
هر که سوره والطارق بر هر چیزی که بخوانند و بخورد قی ایمن
گردد ایضا بجهت دفع قی مجرب است بر آب بخوانند و بخورانند
وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم قل اغير
الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض وهو يطعم ولا يطعم
و بجهت دفع آروغ بخوانند و بخورانند دفع آروغ و جشا و امثال آن
شود بسم الله الرحمن الرحيم والق عصاك فلما رآها تهتز كانها
جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انى لا يخاف لدى
المرسلون فصل هشتم در دفع شقاق و ترکیدن دست و پا
و دفع نزلات و بادها و دفع رگ باد افکندن تضمید عنب الثعلب
بر ترکیدن دست و پای بغایت مجربست و طلای کتیرا بجهت شقاق
لب مجربست و بجهت شقاق آزموده است که زاج و صبر و سیاه
بالسویه با نفط سیاه بمالند و دست را بر نزدیک آتش بدارند و بجهت

لمسخناهم

شقاق باشد یا و کف یا پنج مثقال مرداسنک را در بیست مثقال
روغن زیتون بجوشانند تا بقوام زفت رسد و بعد از آن که پای
را در آب گرم گذاشته باشد و بسیار نرم شده باشد ضماد نمایند و
قدری را بسیار گرم نموده در شکاف آن بچکانند و بدستور پیه
بز گداخته پنج مثقال عفص ساییده مثال غبار نماید مخلوط
و در شقاق مزمن بچکانند نفع تام معالجه نزلات و بادها در سر
و روی و غیره جمع کثیری تجربه نموده اند که هرگاه سوره قدر را بر
رشته که دختر غیر بالغه رشته باشد هفت توی کرده هفت نوبت بر آن دم
بخوانند و هر نوبه بر آن دمد و گره زنند و بگوید عقدت نزله فلان
بن فلان بقوله و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و صاحب
نزله با خود دارد رفع شود ایضا در نسخه دیگر بنظر رسید که
بدستور مذکور بر آن رشته هفت نوبه این آیات بخوانند و هر نوبه گرهی
بزنند و بر آن دمد و صاحب نزله آن ریسمان بر انگشت وسطی و خنصر
ببندد بعد از شفا یافتن آن را در آب اندازد که بتجربه رسیده است
بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمة ربك عبده زکریا
اذ نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل
الراس شیبا و لم اکن بدعائك رب شقیا فمن کان منکم مریضا

شقیا

اوبه

او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسك و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ایضا بجهت رفع نزله
این شکل را بنویسد و رو بقبله میخ آهنی بچشم میم زند اگر زایل
شود فبها و الا در چشم فا و الا در چشم طا و الا در چشم عین البته
زایل شود اینست مقطع [illegible] المنافع بجهت نزلات و سایر
بادهای که در اعضای انسان بهم رسد آورده که سنگی که در سنگدان
خروس میباشد بگیرند و هر کس با خود دارد هر باد فاسدی که در
بدن او باشد زایل شود ایضا بجهت رفع نزلات و سایر بادها
که در اعضا بهم رسد این عوذه را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله و من یتوکل علی الله فهو حسبه و امان من الله بسم الله
و الله اکبر ایها الملکان الاکبران اعوذ بالله مما قضی الله ربی و ربکما
و خالقی و خالقکما من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر الریح الاحمر و
الاصفر و الاسود و الازرق فی الانفس و الدم و اللحم و الشحم و العروق
و ارواحه سبحانه تسبیحا اذا اراد شیئا فخبر ان یقول له کن فیکون ٥
فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید سلام قولا من رب
رحیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین
الا خسارا ایضا این افسون تعویذ است بجهت بادهای که در بدن

بهر سه بار بخواند بسمله اللهم انی اسالك باسمك الطاهر المطهر
القدوس المبارك الذی من سالك به اعطیته ومن دعاك به اجبته
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعافینی مما اجد فی راسی وفی سمعی و
فی بصری وفی بطنی وفی ظهری وفی یدی وفی رجلی وفی جسدی وفی
جمیع اعضائی وجوارحی انك لطیف لما تشاء وانت علی كل شی قدیر
اما معالجه رك افكندن در كتاب مكارم آورده كه هر كاه رك عضوی
از عضوهای افكنده شود واحدی این آیه را بخواند ویك انكشت از انكشتان
خود را بشكند تا باواز آید باسم صاحب درد نافع باشد اولم یری
الذین كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما و
جعلنا من الماء كل شی حی افلا یومنون ایضا لحمه بر جیدن
رك میباید كه در شب شمع روشن كند ودر ستاره نظر كند وسه بار
این كلمات را بكوید وهر بار بصاحب مرض كوید بجنب چون بجنبد
از درد خلاص شود واكر در طرف طلوع وغروب كاردی بردارد و
همین كلمات را سه بار بخواند وبموضع درد اشاره كند وهر بار سر كارد
بر زمین فرو برد وبصاحب درد كوید تا حركت كند خلاص شود
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم وما رمیت اذ رمیت ولكن
الله رمی ولیبلی المومنین منه بلاء حسنا ربنا اكشف عنا العذاب

وانا

وانا مومنون باهیا شراهیا اذونی اصباوث ال شدای
در معالجه درد ضربه وكوفته شدن اعضا بتجربه رسیده كه
سوسن را باشاخ وبرك كوفته وپخته بر موضع درد ببندند ساكن
كردد ودر بحر المنافع آورده كه اكر كسی را زخم وضرب سنك یا خشت
یا چوب رسیده باشد وافكار شود سپندان وزردچوبه با آب و
حلبه بساید ودر روغن كنجد اندازه ودر آتش كرده طلا نماید نیكو
شود ایضا اكر كسی را اسب واستر یا مانند لكد زده باشد واز
درد آن بیقرار باشد جامه در آب تر كند وبر موضع درد ببندد واز
لولا افتابه رود از وداب بر بالای آن بریزد درد ساكن كردد البته
فصل تمام در دفع وبا وطاعون كوسفند سیاه قربانی كند
ودر محل ذبح بخواند الهی بحرمة محمد صلی الله علیه واله الهی بحرمة
جبرئیل الهی بحرمة میكائیل الهی بحرمة اسرافیل الهی بحرمة عزرائیل
الهی بحرمة محمد وعلی وفاطمة الزهراء والحسن والحسین احفظنا
واحفظ اولادنا واحباءنا واتباعنا وجمیع المومنین والمومنات
من الوباء والطاعون یا حفیظ یا حفیظ یا حفیظ ادركنی یا رسول الله
ایضا این اشكال را نوشته با خود دارد ودیكری را نوشته در خانه
بیاویزد اهیا ادوها ملنوماه صالح هوحم ساهوما استراها

اردبا دوبا بوبه بسا له هالی الوهی امدد هم اسها بریاهادم
اردار صعبراب هف هوبرا بوره ها اهبه ادر بوی سموسد
صالح همه وجم ساهده اسراهبه لووو بسوا بالوساه
سوال ایضاً این اشکال را با خود دارد ۱۱۱۹ط۹۱۲ ایضاً این
شکل را در اب شسته بیاشامد امین مانند انشاء الله تعالی ۱۱۱۱طع لا
اصبح صم ۱۱۱عط۱لا۱۱۱صم ایضاً این اشکال را بنویسد
و در سر اسیا و برند و بر پارچه کدوی بنویسید مرد بر بازوی راست
و زن بر بازوی چپ ببندد اینست نسخه
اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کل داء و دواء یا حافظ
احفظ فلان بن فلان یا لطیف ایضاً بجهة دفع وبا و طاعون
بعد از فریضه هفت بار بخوانند و دیگر بیکبار صلوات بر محمد و آل
محمد بفرستد اینست ه یا من لطیف لم یزل ه الطف بنا فیما
نزل ه انت القوی نجنا ه عن قهرک یوم الخلل در نسخه
دیگر بسیار تکرار نماید ه لی خمسة اطفی بهم حر الجحیم الحاطمة
المصطفی والمرتضی وابناهما والفاطمة و در فضل این دعا
که برای وبا و طاعون ماثوراست چنین بنظر رسید که پیغمبر صلی الله
علیه و آله در مسجد نشسته بود که در آن مجلس مذکور شد که در زمان عیسی ع

طاعون واقع شد و افلاطون حکیم در دفع ان اهتمام بلیغ مینمود
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که آیا طاعون در آن عصر
بچه مرتبه بود گفتند که از ابتدای طاعون تا حین برطرف شدن آن
نصف مردم برطرف شدند پیغمبر صلی الله علیه و آله دلگیر شد و مناجات
نمود که الهی آیا در میان امتان من وبا خواهد بود یا نه جبرئیل نازل شد
و گفت یا محمد هرگاه در میان امت تو طاعون بهم رسد این دعا را
هفت نوبت بر گوسفندی بخوانند و انرا ذبح کرده هرکه از گوشت آن
بخورد از طاعون ایمن گردد و اگر این دعا را بخوانند و بر اهل و اولاد
خود بدمند از ان ایمن شوند اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انا نسالک باسمائک یا مؤمن یا مهیمن یا مزین خلصنا من الوباء
یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان یا حنان یا منان یا رازق یا ذا النعم
السابغة یا ذا الکرامة الظاهرة یا ذا الحجة البالغة خلصنا من الوباء یا
الله یا الله یا الله الامان الامان الامان یا ملیکا لا یرام یا عزیزا لا یضام
یا قیوما لا ینام خلصنا من الوباء یا الله الامان یا دائما
لا یزول یا عالما لا ینسی یا باقیا لا یفنی خلصنا من الوباء یا الله
الامان یا حیا لا یموت یا صمد لا یطعم یا غنیا لا یفتقر خلصنا
من الوباء یا الله الامان یا ارحم من کل رحیم یا اعظم من کل

عظيم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم يا اكرم من كل كريم
خلصنا من الوباء يا الله سه الامان سه يامن هو في سلطانه
قديم يامن هو في ذاته قوي يامن هو في علمه محيط يامن هو في
عزه لطيف يامن هو في لطفه شريف يامن هو في ملكه غني يامن
خلصنا من الوباء يا الله سه الامان سه يامن عليه يتوكل
المتوكلون يامن اليه يلجأ الملجؤن يامن هو اليه يفزع
المذنبون خلصنا من الوباء يا الله سه الامان سه ونسألك
باسمائك يا عالم يا قائم يا حاكم يا غفور يا شكور يا صبور يا ودود
يا رءوف يا غيور يا قدوس يا قيوم يا سميع يا منيع يا مرتفع يا
رفيع يا شفيع يا بديع يا واسع يا حافظ يا مغيث يا مميت يا خالق
النور يا نور قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نور مع كل نور خلصنا
من الوباء يا الله سه الامان سه يامن قوله فصل يامن ذكره حلو
يامن انسه لذيذ يامن ملكه قديم يامن فعله لطيف يامن هو
عطاؤه شريف يامن هو امره حكم يامن هو عذابه عدل خلصنا
من الوباء يا الله سه الامان سه يامن هو في الاموات قدرته
يامن هو في القبور قضاؤه يامن هو في القيمة حكمته يامن هو
في الموقف هيبته يامن في العقوبة عدله يامن في النار عذابه

يامن هو في الجنة رحمته خلصنا من الوباء يا الله سه الامان
سه انا نسألك يا اول الاولين ويا اخر الاخرين يامن هو ارحم
الراحمين نسألك بحق هذه الاسماء ان تصلي على محمد وال محمد
يامن انت الذي نجيت ابرهيم من النار فجعلتها بردا وسلاما
يامن انت الذي كشفت الضر عن ايوب ووهبت له اهله ومثلهم
معهم رحمة من عندك وذكرى للعالمين يامن انت الذي
مننت على موسى وهرون ونجيتهما من الكرب العظيم يامن انت
الذي سمعت نداء زكريا ووهبت له من الكبر غلاما زكيا يا
من انت الذي اخرجت يوسف من الجب والسجن يامن انت
الذي رددت على يعقوب بصره بعد ان ابيضت عيناه
من الحزن يامن انت الذي تنجينا من شر الوباء وافة الدنيا
وتجيرنا عذاب القبر وتنقذنا من اهوال القيمة وتسلمنا
من عذاب النار وتدخلنا الجنة اللهم انت القادر ونحن
المقدورون وانت القوي ونحن المضعفون وانت الغني
ونحن المفتقرون وانت الغفور ونحن الخاطئون وانت
الباقي ونحن الفاني وانت المعطي ونحن السائلون وانت
الباعث ونحن المبعوثون وانت حي لا تموت ونحن عباد سوء

بموت اجرنا من النار بعفوك وادخلنا الجنة برحمتك وارزقنا
النظر الى وجهك الكريم في الاخرة بكرمك واصرف عنا الوباء والطعن
والطاعون بفضلك واغفرلنا ولاباينا وامهاتنا واولادنا
وازواجنا وذرياتنا ولجميع المومنين والمومنات عامة انك
على كل شئ قدير وبالاجابة جدير برحمتك يا ارحم الراحمين و
صلى الله على محمد واله اجمعين يا حي يا قيوم بحق بسم الله الرحمن
الرحيم وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمومنين يس سوره
حمد بخواند ايضا بجهة وبا و طاعون بخواند دفع شود اينست
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا ولي الولاء ويا كاشف الضر والبلاء يا الله
يا الله يا الله الامان الامان من الطاعون والوباء بحق
محمد المصطفى وبحق علي المرتضى وبحق فاطمة الزهراء وبحق الحسن
المجتبى وبحق الحسين الشهيد بكربلاء الامان الامان الامان من
الطاعون والوباء يا الله يا الله يا الله احفظنا من كل شدة
ومحنة ومن شر فتنة الطاعون والوباء بفضلك وجودك
وكرمك يا ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين بحق محمد و اله الطاهرين
فصل دهم در دفع بسیاری بول کردن ودر خواب بول
کردن وسلس البول وتقطير البول وسيلان مني

ومذی

ومذي وودي از عبد الله عباس منقولست که هر کس را بول بسیار
اید در اول صباح بناشتا هفت بار لو انزلنا هذا القران تا اخر سوره
حشر را بخواند شفا یابد ودر روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر عليه السلام شکایت کرد از انکه بولش قطع نمیشود وهمیشه قطرات
بول از وی می امد فرمود که اسفند را بکبیر وشش نوبه باب سرد وبکنوبه
باب گرم بشوی ودر سایه خشک کن بیمار وغ نکل حرب وسفوف کن
وبخور ودر کتاب مکارم اورده بجهة بول کردن اطفال در شب
ودفع ان این اشکال را بر ورق اهو نویسد وبر انکس اویزد هف هف
هد هد هف هف هات هات ابا له کف کف هف هفف مهسم مسعر
لم قل هو الله احد الغالب من حيث يسخر العدو والمبين شيخ لبني ادم
كالذي سجد لادم الملئكة باذن الله اية كرعم بنت كريمه وولد فلان
بن فلان ههههههه سددت سددت لسوره سوره صعر
صعر ختمت بخاتم سليمان بن داود بيه رب العالمين ايضا
دفع بیشاب کردن در خواب واز برای جستن از خواب اطفال بر ایشان
ببندد بسم الله الرحمن الرحيم من محمد رسول الله النبي الامي العربي
الهاشمي المدني الابطحي التهامي صلى الله عليه واله من حضر الدار من العمار
اما بعد فان لنا ولكم في الحيوة سعة فان تكن فاجرا مقتحما او داعي

حق مبطلا ومن یؤذی الولدان ویفزع الصبیان ویبکیهم ویبولهم
علی الفراش فلیتوصلوا الی اصحاب الاصنام والی عبدة الاوثان و
ولیخلوا عن القرآن فی جوار الرحمن ومحاذی الشیطان وغ ایمانهم
الفزار وصلی الله علی محمد وآله ایضا بجهت دفع بول کردن اطفال
در رخت خواب بر صفحه یا ورقها این اشکال نقش کند و بر وی آویزد
و باید که در روز جمعه یا یکشنبه یا سه شنبه بوده باشد بعد از بسمله
هو هو پانزده بوبرا او او الله انه کیف هو هو سف قل هو الله احد
تا آخر سوره و در کتاب جمال الصالحین بجهت غلبه بول در خواب آورده
که بر جام نوی با زعفران بنویسید بسم الله الرحمن الرحیم و این آیه را
مکرر بنویس آنقدر که جام پر شود ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا پس با آب سرد بشوی و بآن جوانکا هد از بعد از آنکه بار دیگر بول
بامداد همین آیه را بنویسید با الحمد و سوره توحید و معوذتین و آیة الکرسی
و لو انزلنا تا آخر سوره حشر و آیه قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
تا آخر سوره بنی اسرائیل بعد از آن بسمله را بنویسید و باز آیه ان الله
یمسک السموات را تا آخر بنویسید و بعد از آن بنویسید یا من هو هکذا
ولا هکذا غیره امسک غ فلان بن فلان ما یجد من غلبة البول پس

اگر مرد باشد تعویذ را بر پشت زهار بزد و اگر غایب بود و اگر زن باشد
بر زانویش پس قدری زعفران و دو برابر آن سعد هر یک را جدا بکوبد
و سعد را از حریر بیرون کند و هر دو را با هم با عسل بسوم معجون سازند
کلولها بسازد و در وقت خواب یکگلوله از آن معجون با قدری از آن
آب بیاشامد و در آن ایام آب کمتر بخورد چه علت زایل شود تعویذ
را بگشاید تا حبس البول نشود واطبا شرب سم سوخته بز نر را
با عسل جهت رفع بول در فراش مجرب دانسته اند و قدر شربتش تا دو
درهم گفته اند و همچنین بقدر نیم درهم تا یکدرهم سرگین خرگوش
را شربا جهت سلس البول و بول در فراش نافع دانسته اند و همچنین
سنجره خروس را سوخته از دانگی تا دو دانگ با آب فاتر یعنی نیم گرم
خوردن مفید دانسته اند و در دیگر المنافع آورده که اگر بول کردن
در هوای سرد باشد از سردی خواهد بود نیم سیر سپندان با همو زن
آن قند و روغن گاو حلوا کردن و خوردن تا سه روز نفع دهد و همچنین
نیم سیر کنجد سیاه را با شکر سرخ بکوبند در وقت خواب خوردن
مفید باشد و اگر در هوای گرم باشد از گرمی میباشد دو درم و نیم
کشنیز خشک را سحق نموده با دو چندان شکر سرخ بکوبند بخورد نفع
نماید و اگر بسبب بسیاری بول باشد همان کشنیز را یکدرم تا دو درم

باشکر سرخ بخورد هر روز نفع یابد و همچنین یکدرم تخم شاهسفرم
با یکمثقال شکر در شب خوردن نافع باشد از برای بول در خواب کردن
و اکر دل خروس را بریان کرده یکهفته بکودک دهد در رخت خواب
بول نکند و همچنین خایه کوسفند بز را بریان کرده بخوراند
همین خاصیت دارد و اکر دیکی را که شب در آن طعام پخته و خورده اند
بامداد آنرا بشوید و بوی خوراند سه روز همچنین کند دفع شود بامر الله
اما بجهت قطع سیلان منی و ودی و مذی این سفوف را اطبا
مجرب یافته اند تخم کاهو تخم سداب و تخم پنج انکشت سه درم سعد شهد آنج
سه درم کلنار یکدرم شربتش دو درم با آب سرد و همچنین خوردن
مسحوق پوست ثانی کردکان را هر روز تا دو مثقال جهت تقطیر البول
نافع دانسته اند و همچنین زهره جغد را با خاکستر چوب کز با عسل
آمیخته نوشیدن بجهت سلس البول و بول الفراش آزموده است
و همچنین خوردن کوشت خرکوش جهت بول الفراش و سلس البول
و رعشه و فالج و امراض بارده نافع است و همچنین خوردن تخم کاهو را
جهت نزله و زکام و درد سینه و تقطیر البول و سیلان منی نافع یافته اند
معجون ماسک البول بجهت سلس البول و تقطیر آن نافع است بلوط
مقشر حرف و مرو تخم سداب هر یك یکدرم کند رحب الآس جوز بوا

سباسه

سباسه قرنفل هلیلج از هر یك دو درم سعد و شونیز هیل از هر یك
سه درم انجیر خشك پنجدرم با عسل بسرشند قدر شربت از سه مثقال
تا پنج مثقال و در بحر المنافع آورده که پوست بیضه مرغ بریان کردن
و خوردن بجهت تقطیر البول مفید است و از خواص این آیه است که
بنویسد و بشوید و بخورد و دیکری بنویسد و در کمر بندد تقطیر البول
و مذی و ودی زایل کردد وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعاً
قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون
فصل یازدهم در دفع خیالات فاسده و وساوس و آرزوها
در خواص آیات قرآنی مذکور است که چون کسی را خیالات فاسده تشویش
دهد و وهم بر او غالب باشد این آیات بر او خوانند از و زایل کردد و اکر
و اکر بر قطعه صوف کبود یا ورق آهو بنویسد و بر کسی که بد و از جن و
پری زحمت رسیده باشد بندد خلاص شود اینست واذا قرئت
القرآن جعلنا بینك وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجاباً مستوراً
وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقراً واذا ذکرت
ربك فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفوراً فان تولوا فقل حسبی
الله لا اله الا هو توکلت وهو رب العرش العظیم و در حدیث وارد
شده که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده

دوساوس شیطان که بر و دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار
و سه مرتبه بگوی بسم الله و بالله اللهم انت مننت علی بالایمان
واودعتنی القرآن و رزقتنی صیام شهر رمضان فامنن علی
بالرحمة والرضوان والرافة والامتنان وتمام ما اولیتنی من
النعم والاحسان یا حنان یا منان یا دائم یا رحمن سبحانك
لیس لی احد سواك سبحانك اعوذ بك بعد هذه الکرامات من
الهوان واسالك ان تجلی عن قلبی الاحزان وصلی الله علی محمد
وآله الطاهرین ودر حدیث دیگر وارد شده که شخصی بحضرت
شکایت کرد که از آرزوهای بسیار کردن و وسوسهای سینه آزار
بسیار میکشم فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله وبالله محمد
رسول الله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم امح عنی ما اجد پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان این
دعا را آن شخص چنین کرد و آن حالات از و زایل شد ایضا بجهة وسوسه
وحدیث نفس در حدیث وارد شده که بگوید توکلت علی الحی الذی
لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا ودر حرز الامان مسطور است که هر که آیه و اما ینزغنك من
الشیطان نزغ تا مبصرون را از آخر سوره اعراف در روز جمعه

شریک فی الملک ولم یکن له

فاستعذ بالله انه سمیع علیم ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون

وقت

وقت طلوع آفتاب بزعفران و گلاب بر هفت ورق کتابت کند و
هر روز یکورق را در هم پیچیده ابتلاع نماید و در هشتم و نوبرد و بر بالای
آن یکجرعه آب بیاشامد بعد از اتمام اینعمل حق سبحانه وتعالی وسوسه و
فزع وحدیث نفس و خیالات فاسده از دماغ او بیرون برد و هر که خوف
و رعبی که از امری داشته باشد بالتمام از دل او زایل گرداند بمنه وجوده
ودر خزانة الاسرار آورده که هرگاه کسی را وسواس و افکار و خیالات
فاسده تشویش دهد وان یکاد الذین کفروا تا آخر سوره را بنویسد
و در غلاف آهنین نهد وتعلیق نماید انها از و زایل شود و شیخ
ابو العباس بونی آورده که هر که سوره قل اعوذ برب الناس را در چهاردهم
ماه بر ظرفی نویسد که از ان آب نخورده باشد و بشوید و از ان آب بخورد
و وضو بسازد از وسواس ایمن گردد فصل دوازدهم در دفع بیخوابی
و رفع غلبگی خواب و دفع احتلام و دیدن مطالب در خواب و در خواص
القرآن آورده که هر که آیه واذ جعلنا البیت مثابة للناس را تا والرکع
السجود از سوره البقره در وقت خواب بخواند و از خدای تعالی درخواهد
که در وقت معین از شب بیدار شود مطلوب حاصل شود ایضا
آورده که آیات سخره را از سوره اعراف قوله ان ربکم الله الذی خلق السموات
والارض تا من المحسنین را در وقت بخوانی در وقت خواب و بیخوابی راست

سوره انبیا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

کند خواب او کمتر شود ایضا آورده که هر که ایه و ذا النون اذ ذهب
مغاضبا تا انی کنت من الظالمین را بر پوست اهو نویسد و در میان
بندد و بخواب رود بیدار نشود تا این دعا را از وجدا نکنند و این دعا
بیماران و کسی را که خواب نمیبرد مناسب است و در کنز المنافع آورده
که اگر کسی یا بیماری را خواب نیاید پنج کاغذ که آنرا عروسک پس پرده می
نامند با ریسمان لعل در کوش او بندد خواب کند ایضا آورده
اگر خواهد که کسی را خواب گران کرد بحیثیتی که چون بخواب باشد بیدار
نشود این ایات را بنویسد و در زیر بالین انکس نهد از خواب بیدار
نشود وجعلنا نومکم سباتا تا الی قوله سراجا وهاجا و در مکارم الاخلاق
آورده که بجهة غلبکی خواب که این ایه را بر آب خواند و روی خود را بآن
بشوید ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه تا انا اول المؤمنین
ایضا بجهة دفع غلبکی خواب بخواند یا محیی الاات لا تأخذه سنة
ولا نوم و در حدیث معتبر منقولست که حضرت فاطمه علیها السلام
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله شکوه نمود از بیخوابی فرمود که این دعا
را بخوان یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجسوم العاریة و
یا مسکن العروق الضاربة و یا منوم العیون الساهرة سکن
عروقی الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا و در حدیث دیگر از

حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر کرا بیخوابی عارض شود و خواب
نبرد این دعا را بخواند سبحان الله ذی الشان دائم السلطان کل یوم
هو فی شان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که در وقت خوابیدن ایه قل انما انا بشر مثلکم از آخر سوره کهف بخواند
در هر وقت از شب که خواهد بیدار شود بیدار میشود و مجربست
و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که در آخر
شب بیدار شود و برخیزد چون خواهد که بیدار شود بگوید اللهم
لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین اقوم
ساعة کذا وکذا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند حق
تعالی ملکی بر او موکل کند که او را در آن ساعت بیدار کند و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که خواهد در شب بیدار شود در
وقت خوابیدن بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک ولا تؤمنی مکرک ولا تجعلنی
من الغافلین وانبهنی لاحب الساعات الیک ادعوک فیها فتستجیب لی
واسالک فتعطینی واستغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
یا ارحم الراحمین چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد که او را
بیدار کنند و اگر بیدار نشود آن دو ملک را امر کند که از برای او استغفار
کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و هر حاجتی که طلب کند

در خواب

خدا با وعطا بفرماید و در خلاصة الاذکار مذکور است که اگر
خواهد میتی را در خواب ببیند در وقت خوابیدن این دعا را بخواند
اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منك بدت
الاشیاء والیك تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر
منها لم یکن له ملجأ ولا منجی منك الا الیك فاسالك بلا اله
الا انت واسالك ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق حبیبك محمد صلی الله
سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة
النساء العالمین وبحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما
سیدی شباب اهل الجنة علیهم اجمعین السلام ان تصلی علی
محمد وال محمد وان ترینی میتی فلان بن فلان فی الحال التی هو فیها
واز مشایخ ما رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد که یکی از انبیاء
یا ائمه هدی علیهم السلم یا سایر مردم را در خواب ببیند همین دعا را بخواند
تا آنجا که ان تصلی علی محمد وال محمد پس بگوید ان ترینی فلانا و بعد
از ان سوره والشمس و واللیل و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین
بخواند و بعد از ان صد نوبت سوره توحید را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد و با وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را که خواهد ان شاء الله تعالی
در خواب می بیند و سوال و جوابی که خواهد در میان ایشان میشود و در روایت

دیگر

دیگر آمده که اینطریق را هفت شب باید عمل نمود و در کتاب بلد الامین
کفعمی و مشایخ رحمهم الله در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی باشد
یا مهمی و مشکلی پیش آید و بدر شد آنرا نداند و درمانده باشد با طهارت
در فراش و لحاف پاکی بخوابد و زنی با او همخواب نباشد و در وقت خواب
سوره والشمس و واللیل هر یک را هفت بار بخواند و بعد از ان بگوید
اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا در شب اول یا پنجم یا
یا هفتم شخصی بخواب او در اید و بدر شد از ان مهم بر وی نماید ایضا
بتجربه رسیده که هر کرا مهمی پیش اید و در ان سراسیمه باشد یا حاجتی
روی دهد و خواهد بران مطلع شود که بر آورده میشود یا نه سوره زلزله
را در وقت خواب هفت مرتبه بخواند و بعد از ان بگوید یا ملائکة ربی
بحق هذه السوره و من انزلها و بحق من انزلت علیه و بحق اسم الله
علیکم و ایاته التامات کلها الا ما اخبرتمونی بخبر کذا و کذا و ذکر
حاجت و مهم نماید بدرستی که انچه طلب نموده در خواب بدو نموده میشود
والله اعلم و در روایت صحیح از حضرت صادق مرویست که هر که ترسد
که محتلم شود چون برخت خواب رود این دعا بخواند تا ایمن شود اللهم
انی اعوذ بك من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب
بی الشیطان فی الیقظة والمنام و در خواص سوره والطارق

مذکور است که چون در وقت خواب بخواند از محتلم شدن ایمن میاند
و از خاصیت این اشکال آنست که هر که با خود دارد محتلم نشود
محمحمحر لسلمس محمحر م ‌ه ایضا خوردن تخم کاهو
مانع احتلام دانسته اند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
مرویست که چون کسی در خواب برسد یا از بیم دزد بیخوابی برو ایضا
گفته اند که اگر کسی خواهد که بداند که مهم و حاجتی که قصد نموده و ایشود یا
نه این کلمات را بر ناخن های دست چپ بنویسد و بخوابد اگر شیرینی در خواب
بیند آن مهم کفایت شود و اگر ترشی در خواب بیند آن کار بر نیاید
انگشت بزرگ هو سبابه هوه وسطی یلیو هو خنصر هو
بنصر اقناوین و کفعمی روایت کرده که در کتاب لقط الفواید مذکور است
که هر که افحسب الذین کفروا را تا آخر کهف بخواند پس بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد و ارونی بیاضا ان کان لی فی کذا و کذا خیرة و
ان کان لی فی کذا و کذا شرا فارونی سوادا او حمرة پس بخواب رود
اگر سفیدی در خواب بیند آن قصد خوب باشد بعمل آورد و اگر سیاهی
یا سرخی بیند بد باشد باید ترک نماید البته یکی از این دو را در خواب بیند
و در حدیث صحیح از حضرت صادق مرویست که هر که بترسد
که محتلم شود چون بر تخت خواب رود این دعا بخواند تا ایمن گردد اینست

اللهم

اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب
بی الشیطان فی الیقظة و المنام و از خواص سوره و الطارق مذکور است
که چون در وقت خواب بخواند از محتلم شدن ایمن میاند ایضا
و از خاصیت این اشکال آنست که هر که با خود دارد محتلم نشود محمحمحر
لسلمس محمحر م ‌ه) و اطبا تخم کاهو را خوردن مانع احتلام دانسته اند
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که چون کسی در خواب بترسد
یا از بیم دزد بیخوابی برو مستولی باشد این آیه را بخواند و ضربنا علی
اذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی
لما لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار گرید و بخواب نرود بر او خوانند از گریه
باز ایستد و آرام گیرد اما دفع خواب شوریده چون کسی خواب شوریده
و پریشان بیند از آن پهلوی که خواب پریشان دیده به پهلوی دیگر بگردد
و این آیه بخواند و با کسی نقل نکند حق تعالی بفضل خود بدی آن را به نیکی
بدل کند انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا و لیس
بضارهم شیئا الا باذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون بعد از آن
این دعا بخواند عذت بما عاذت به الملائکة المقربون و انبیاء
المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رایت و رؤیای و من
شر الشیطان الرجیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

باب دوم در دفع شر و بلیات ودرین باب
چند فصل است فصل اول در دفع هر شر و بلیتی هو نویسد
این تعویذ را و با خود دارد ایمن ماند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسالك ان تحفظنی من الجن والانس اعوذ بوجه الله
الکریم وبکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر
ما ینزل من السماء وما یعرج فیها من شر ما ینزل الی الارض منها
وشر ما یخرج منها ومن شر اللیل والنهار الا طارقا یطرق بخیر
منك یا رحمن یا رحیم بفضلك وجودك وکرمك یا ارحم الراحمین
باسم فلان بن فلان بحق هذه الاسماء محمد ١٣٧ هوه
٢٦ م م ١١١١ هو الساعة العجل الوحا ایضا بنویسد و با خود
دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو یا من لیس هو الا هو
صل علی محمد وآل محمد واحفظ حامل کتابی هذا من کل هم وغم
والم وخوف وغیرها ومکروها یا ارحم الراحمین بمحمد وعلی وفاطمة والحسن
والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن
ومحمد صلوات الله علیهم اجمعین ایضا بجهة دفع هر شر

٤		٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

و بلیتی که در شب و روز نازل میشود این
مربع را که وفق آن نوزده و بسمله است بر ترتیب عدد بنظر آورد که

ظهر او سطرا

٢٦

ارباب

ارباب علوم این فن که بصورت مفیاشکالی که در حوالی آن نوشته شده
بحضور و منظر ایا سعاء الله سبحانه و برهانی که در وی این باب بیان نموده اند
است که بسمله نوزده حرفست بعدد زبانیه دوزخ هرکه ملازم آن شود
از آنها ایمن ماند و از شروری که از نتایج نوزده کانه متمر میشود
نجات یابد و مراد از قوای نوزده کانه خمس ظاهری که آن باصره
وسامعه و ذائقه و شامه و لامسه است و حواس خمسه باطنی که آن حس
مشترك و متخیله و متوهمه و حافظه و هیالست و قوه شهوتیه
و غضبیه و هفت قوای دیگر که طبیعیه است که آن غاذیه و نامیه
و مولده و محرکه و مدرکه و عاقله و عملیه است و گفته اند نیز حضرت الله تعالی
زبانیه جهنم را نوزده مقرر داشته بی زیاده و کم در ازای هر قوتی
خزنه بنا بر آنکه این قواها منبع شرور و وسیله صدور ذنوب میباشند
و قوله تعالی وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم اشاره بنتایج
این قواهاست و همچنین هر شبانه روزی بیست و چهار ساعتست
پنج ساعتش بازای پنج وقت نمازاست و نوزده ساعت دیگر باقی
میماند بملازمت و مواظبت بسمله از شرور و بلیات که در این ساعات
میشود امان و نجات حاصل میشود زیرا که حروف آن بعدد آن ساعات
مساویست والعاقل یکفیه الاشاره خواص بسیار دیگر بوده اند بهمین قدر اکتفا نمود

قوای

الله الرحمن الرحیم

قدوس واحد	رب	کافی	معید ودود طالب
نعم	کهیعص	طب لا اله الا الله	قاسم
الله سند ظهر	منان مهدی	حق وفی	ابد معدوم
بار	باسط سنی	ملی مجمل	منیع وحید

۲۰ ۳ م ۱۲ م ۳ ۵ ۱۳ ۷ ص ۳ م ۱۰ ۱۳ ۷ م ۲۰ م

۱۹۹	۲۰۲	۱۹۶	۱۹۶
۲۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۶	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۱

فصل دویم در دفع شر جن و شیاطین و اختلال دماغ

مرویست که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بود بحضرت امام
جعفر صادق عم عرض نمود حضرت فرمود که هر شب در هنگام خواب
این دعا را بخوان بسم الله و بالله وامنت بالله وکفرت بالطاغوت
اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی اعوذ بعزة الله وجلاله مما اجد

واعوذ

وَاَحذَرُ و ارجو رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از شیاطین
و جادوگران بترسد این سوره تا قریب من المحسنین را بخواند تا از شر ایشان
ایمن باشد ایضاً بجهة شر جن و شیاطین بنویسید و با خود
دارد اَعوذُ بنور وجه الله الکریم و بکلمات الله التامات تا آنجا که بطرق
بخیر منک یا رحیم چنانچه در فصل سابق گذشت ایضاً دعا از
کمار سید علی همدانی نقل شده بجهة دیو و پری زده کسی را که جن و
شیاطین بر او مسلط باشند تاثیر عظیم دارد و چون بر او بخوانند
بزودی خلاص شود و طریق خواندن آنست که بر گوش چپ یا راست
مصروع بتانّی از سر توجه و تحکم و هیبت بخوانند و اگر بر کف چپ
مجنون یا راست او بنویسند خوبست و اگر بر کف نوشتن معذور باشد
بر ساعدی بدستور تعویذات بنویسند و در وقت نوشتن بزبان
بخوانند و بدست بنویسید و جهد نماید که در حالت نوشتن نیز از سر توجه
خاطر و حضور قلب باشد و اگر در مکانی که جن در آنجاها یی گرفته و
مردم را ایذا میرسانند بتانی و حضور و توجه بخوانند جن از آنجا
فرار نماید و دیگر کسی ایذا نرساند اینست اَرقَاشٍ قَاعِشٍ مَرقَاشٍ
اِستِلفافٍ اِستِطافٍ خَطُوفٍ خَطافٍ شَعَداسٍ فَرداسٍ اللهُ رَبُّ
العِزَّةِ یا طَهسَلُو اشبُوحٍ اَرفَخٍ شَنُوجٍ اِرمُوا حَتِینًا القَدِیمُ الاَزَلی

الابدي ان الذين فتنوا المومنين والمومنات ثم لم يتوبوا فلهم
عذاب جهنم ولهم عذاب الحريق انشدكم يا معشر الجن بالله
العزيز القهار الواقي وبالعهد الذي اخذ عليكم لسليمان بن
داود ان لا تضروا بحامل هذا الهيكل ١٢ ابن ١٢ وان تتركوه
في حرز الله وحمايته بحق محمد وآله اجمعين ايضا بتجربه رسيده
بجهت دفع تسلط جن بمشك وزعفران بر قدحي نو يا جام آبگينه
يا چيني بنويسند و باب باران و يا با آب و گلاب و نبات حل كرده
هفت روز بياشامد خلاصي يابد بسم الله وبقدرة الله احرقك
يا تابع ١٢ ابن ١٢ هه هه ٩ مرتبه اه اه ٤ مرتبه سه سه ٤ بار
هو هو ٤ بار اوه اوه ٤ بار ١١١ ١١١١ ٧ ١ ٦ ٥ ١١ ١١ ١١١١
ك ١١١٩ ١٢ ١٢ ٩ ٢ ٥ ٦ اط ١١ اط ح محمد بسم الله العظام المرتعه
احرقك احوامن دهي الشامن الصواعق يحرقك بشهاب ثاقب
اطفستك من نار ونحاس فلا تنتصران احرقك بقاع من العواع
الله احرقها حريق فذوقوا عذاب الحريق العزدادبرها الذين كفروا
وبئس المصير احرقك بسلطان وتلبس اقيل المشعل وبعذاب مالك
وهو مالك جهنم ومعه تسعة عشر احرقك بغضب الله ان تقوموا
عن عصى الله والنافقو بيس المفود من السبيل وعذابا قد سلطك .

الله

الله فاحرقك ثم احرقك بعذاب اليم اللهم انت القادر القاهر القادم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله اجمعين
فضل سيم درد فع رنجانيدن جن ودفع صرع مرويست
كه حضرت امام رضا عليه السلام شخصي را ديد كه صرع گرفته فاتحه آيه
طلبيدند و سوره حمد و معوذتين بر ان خواندند و بر سر و روي او
پاشيدند بهوش باز آمد ودر حديث ديگر از حضرت امام محمد باقر
منقولست كه كسي را كه باد جن گرفته باشد بر او سوره حمد و معوذتين
هر يك را ده بار بخوانند واين را بنويسند در جامي بمشك و زعفران و باب
بشويند و باو بخورانند ودر آب وضو وغسلش داخل كنند خلاص
شود ودر روايت ديگر با جو دارد واز خواص سوره رحمن است
كه تا احز بنويسند و آية الكرسي را بر حوالي بنويسند و بر كسي آويزند كه
جن باو اذيت ميرساند ترك اذيت او نمايند واز حضرت رسول
منقولست كه در خانه كه جنيان سنگ اندازند آن سنگ را بردارد و
بگويد حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعى ليس وراء الله منتهى ودر مكان
آورده كه اين وما لنا الا نتوكل على الله وقد هدانا ولنصبرن على
ما اذيتمونا وعلى الله فليتوكل المومنون بنويسند و بروي آويزند
جن ايذا نرساند ايضا بنويسد و با خود دارد بسمله بسم الله وبالله

سبلنا

واعلم ان الله على كل شی قدیر وان الله قد احاط بكل شی علما وحسبنا الله
ونعم الوكیل علیه توكلت وهو رب العرش العظیم اعیذ صاحب كتابی هذا
۱۲ بن ۱۲ من جمیع الاوجاع والاسقام من الجن والانس ومن الصادر
والوارد والصادق ومن الداخل والخارج ومن العامر والعابر والقاطن
والبادی ومن الصایب والطارق وصاحب اللیل وما عسعس والنهار
وما ضحی ومن جمیع الطوارق الا طارقا یطرق بخیر فانی اعیذه بالله
واحوزه واسعه بالله الذی لا اله الا هو الذی امنت به بنوا اسرائیل
وبالذی انزل علی عبده الكتاب ولم یجعل له عوجا قیما والصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتالیات ذكرا ویس والقران ذی الذكر و
الذاریات ذروا فالحاملات وقرا فالجاریات یسرا وبق والقران المجید
واعیذ بالطور وكتاب مسطور وبالنجم اذا هوی وباللیل اذا یغشی
والنهار اذا تجلی وبالطاهر الطهر وبالعظیم الحنان المنان وبالسبع
المثانی والقران العظیم اعیذ بالله من كل سوء وسقم وكل جنی وجنیة
وشیطان وشیطانة وساحر وساحرة وغول وغولة وقریب وبعید و
من ذكر وانثی من اعجمی وفصیح وسقیم وصحیح داخل وخارج اعیذ
بالله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المومن المهیمن العزیز
الجبار المتكبر سبحان الله عما یشركون هو الله الخالق البارئ المصور له

الاسماء

نقل

الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحكیم ایضا
حرز ابو دجانه كه از اكمال الدین در كتاب حیوة الحیوان نموده ملخص
قصه چنانست كه ابی دجانه شكوه كرد بحضرت رسول صلی الله علیه واله كه شبها
چیزی بنظرم می اید بغایت هولناك و از او صدائی است مانند صدای
آسیا و زنبور عسل و گاهی مانند برق میدرخشد و گاه تیره میشود
مثل ظلمات شب و در صحن خانه من ایستاده گاهی بلند میشود
و گاه دراز میشود و گاه كوتاه شبی مضطرب برخواستم و دستم
بدو رسید پوست او را مثل پوست خارپشت یافتم و دیدم كه از و
بر روی من آتش بارید پس حضرت فرمود ای ابو دجانه او عامر خانه
تست بعد از ان حضرت امیر المومنین علیه السلام را طلبید و این حرز را
بدو املا كرد و انحضرت نوشت پس ان نوشته را ابو دجانه گرفت
و بخانه خود رفت ابو دجانه گفت چون خوابیدم ان نوشته را بر زیر
سر خود نهادم ناگاه از خواب بصدای ناله و زاری بیدار شدم شنیدم
كه شخصی میگوید ای ابو دجانه امان امان این نوشته را از خود دور
كن كه هلاك شدیم و عهد كردیم كه دیگر بخانه تو نیائیم و در مكانی
كه اینده عائذ و نوشته را در انجا بگذاری نرویم ابو دجانه گفت دیگر
آن حالت بر من وارد نشد اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا كتاب محمد

رسول الله صلی الله علیه و آله رسول رب العالمین الی من طرق الدار من
العمار والزوار الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحیوة
سعة فان یکن عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما فهذا کتاب الله
ینطق علینا وعلیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون ورسلنا
یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب کتابی هذا وانطلقوا الی عبدة
الاوثان والی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک
الا وجهه له الحکم والیه ترجعون حم لا ینصرون حمعسق تفرقت
اعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة الا بالله فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم ایضا درگوش راست مصروع سه مرتبه
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم علی امیر المومنین ابن ابی طالب یقول
لک هشا شا مخا جا اخرج ودرگوش چپ او نیز همین را بخواند بشرط
تقدیم مخا جا بر لفظ هشا شا در حال صرع او زایل شود ودر مجر
المنافع آورده که اگر کسی باد صرع که ظاهر باشد سوره واللیل بر مصروع
بیهوش گشته بخواند وبدمد نیکو شود اگر دیو با صرع هم باشد بکلی
برود والرایضا بنویسد وبر او ببندد وبوی بخوراند صرع زایل
شود بسم الله الرحمن الرحیم فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة
واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا وصلی الله علی محمد و آله اجمعین

حمعسق بحق لا اله الا الله محمد رسول الله باب ... در دفع
اقسام تب ودرین باب چند فصل است فصل در دفع
تب از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که حضرت رسول صلعم
را تب گرفت جبرئیل بعیادت آنحضرت آمد واین افسون را بر او خواند
در ساعت زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله اداویک
من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله
الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرءن باذن الله تعالی واز حضرت
امام رضا ع منقولست که این تعویذ تبهاست برای شیعیان مو تبرا این
دعا را میخوانی تا خدای شفا دهد بحول وقوت خدا ارسل یا الله یا رب
الارباب یا سید السادات یا اله الالهة یا ملک الملوک یا جبار السموات
والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک وابن عبدک اتقلب
فی قبضتک وناصیتی بیدک ودر حدیث آمده که شخصی بخدمت حضرت
صادق علیه السلام شکوه کرد از تب وعرض نمود که [illegible] است که تب میکشم
وانچه اطبا گفتند عمل آوردم و بر طرف نشد حضرت فرمود که بندهای
پیراهن را بگشا و سر در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامه
بگوی وهفت مرتبه سوره حمد و توحید ومعوذتین را بخوان آن شخص
گفت چنان کردم گویا کار بندی رها شدم ودر روایت دیگر آمده که

بیمار بسر در کریبان خود داخل کند و اذان و اقامت بکوید و سورهٔ
حمد و توحید و معوذتین را بخواند و بکوید اعیذ نفسی بعزة الله
و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و بجلال الله و بجمع الله و برسول
الله و بعزته صلی الله علیه و آله و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر
و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی
من بلائک **و در حدیث** دیگر فرمود که سوره حمد و معوذتین و توحید
و قدر و آیة الکرسی را بخواند و بانکشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویسد
اللهم ارحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق من سورة الحریق یا ام
ملدم ان کنت آمنت بالله و الیوم الآخر فلا تاکلی اللحم و لا تشربی الدم
و لا تفوری من الفم و لا تنهکی العظم و لا تصدعی الراس و انطلقی عن فلان بن
فلانه نام مریض و مادرش را بنویسد الی من یزعم ان مع الله الها
آخر لا اله الا الله تعالی الله عما یشرکون علوا کبیرا **ایضا** حرز حضرت
فاطمه صلوات الله علیها که بسلمان فارسی علیه الرحمة تعلیم فرمود و کفت
پدرم صلوات الله علیه بمن آموخت و فرمود که اگر خواهی که در دنیا
باشی از تب بکشی بر این دعا مواظبت نمای و سلمان کفت که این دعا
را بزیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه تعلیم کردم و ببرکت این دعا

هم تب

هم تب داشتند و نجات یافتند اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
النور بسم الله النور النور بسم الله نور علی نور بسم الذی هو مدبر الامور
بسم الله الذی خلق النور من النور و الحمد لله الذی خلق النور من النور
و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی
نبی محبور و الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی
السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین **ایضا**
بخط حضرت امام رضا علیه السلام یافتند که نوشته بود که بجهت تب بر
قطعه کاغذ بنویسید و تب دار هر روز یک قطعه آنرا بلع نماید بعد
از آنکه سه نوبه بر آن قطعها سوره توحید را خوانده باشند **ا** بسم
الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین **۳** بسم الله الرحمن
الرحیم الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین **و در بعضی** از کتب
منقولست که برای تب این تعویذ را بنویسید و بر بازوی راست ببندد
بسم الله الرحمن الرحیم سوره فاتحه تا آخر بسم الله و بالله و اعوذ بکلمات
الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق
و ذرء و من شر الهامة و السامة و العامة و اللامة و من شر طوارق
اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و
الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها

انت انت الاعلی ... [illegible]

ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا والیک المصیر یا نار
کونی بردا و سلاما علی ابرهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلان ربنا لا تواخذنا ان نسینا
او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت
مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه
وکیلا وتوکل علی الحی الذی لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده
خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق وعده ونصر
عبده وهزم الاحزاب وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله
لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم الغالبون
ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد
واله الطاهرین نوع دیگر در مکارم اورده که بر سه قطعه کاغذ بقلم
باریک جنانچه بتوان خواند بنویسید و اثرا به بجد مدور و هر روز ناشتا
محموم یکی از انها را ببلع نماید بسم الله ذی العز والکبریاء والنور نوع
دیگر بر سه پاره قند بنویسید و هر روز یکی را بخورد ۱ عقدت باذن
الله ۲ سددت باذن الله ۳ سکنت باذن الله نوع دیگر از ائمه
معصومین علیهم السلم منقولست که بر ورق بنویسید و بر صاحب تب

هدم

بندد اللهم انی اسالک بعزتک وقدرتک وسلطانک وما احاط به
علمک ان تصلی علی محمد وال محمد وان لا تسلط علی ۱۲ ابن ۲ اشیا
مما خلقت بسوء وارحم جلده الرقیق وعظم الدقیق من فورة الحریق یا
ام ملدم یا اکلة اللحم وشاربة الدم حرها وبردها من جهنم ان کنت امنت
بالله الاعظم ان لا تاکل لفلان بن فلان لحما ولا تمصی له دما ولا تنهکی
له عظما ولا تفوری علیه حما ولا تهیجی علیه صداعا وان تنقلی عن شعره
وبشره ولحمه ودمه الی من یزعم ان مع الله الها اخر لا اله الا هو سبحانه
وتعالی عما یشرکون ودر کتاب بحر المنافع از اطبا اهل هند مذکور است
وبیان نموده که گفته اند که هر تبی که آغاز او در بامداد باشد از بلغم بود و هرچه
در میان روز بود از سودا بود و هر تبی که وقت نماز خفتن آید از خون
باشد و تبی که در شب آید از باد بود یعنی صفرا ودر خلاصه التجارب بجهة
تبهای کهنه اورده که دختر نارسیده بگوید تا سر بادام را به نیت محموم بشکند
بنحوی که مغز ان درست باشد و هوای بیرون نه بیند و در زیر سر محموم
گذارند و علی الصباح پیش از طلوع افتاب و با کسی تکلم کردن بر ان بنویسید
۱ بسم الله ۲ بسم الله الله ۳ بسم الله الله الله وهر روز ناشتا مریض
یکی را بخورد شفا یابد نوع دیگر بر تخم مرغ در صباح چهارشنبه قبل از
سخن کردن بر ان تخم بنویسید بسم الله جارما الرحمن طارما الرحیم
ابرما بستم تب فلان بن فلان را براو میا بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی

تسوری

الله بعد از آن ریسمانی که بکو رشته باشد بهمین سر تو بر میان تخم
بجد وه رزیر خاکستر بخته کند و ده از آن محموم بر ور ناشتا
بخورد و سفیده آن را بک چهار چشم بدهد به نیت رفتن تب او
و پوستهای آن را در آب روان فرو اندازد بهمان نیت و ریسمان
بر بازوی راست محموم ببندد شفا یابد **نوع** دیگر محمد بن الحسن الصفار
روایت کرده که بخدمت مولای خود امام جعفر صادق علیه السلام رفتم در حالی
که تب داشتم آنحضرت پرسید که سبب چیست که ترا حزین می یابم گفتم
ای مولای من تب دارم فرمود که هر گاه یکی از شما تب میکند تنها بخانه رود
و دو رکعت نماز گذارد و جانب راست رخساره خود را بر زمین نهد و ده
بار بگوید: یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله اتشفع الی الله بك
فیما نزل بی که شفا می یابد انشاء الله تعالی **نوع** دیگر آزموده شده
و مشهور است که این مربع را بنویسند و در زیر سر صاحب تب نهند مفید بود

اما تعالجه حمی اللیل یعنی شب تب ایرام جیبب

ان اصحاب الکهف والرقیم
کانوا من ایاتنا عجبا الی قوله
امرنا رشدا از سوره کهف
بنویسد و در زیر سر کسی

ولاحول
ولا قوة
الا بالله
العلی العظیم

که شب تب کند نهند تب او زایل شود انشاء الله تعالی **فصل دوم** در
معالجه تب ربع و تب غب و قشعریره و تب سرد که از آن لرز کند
اما معالجه تب ربع منقولست که این آیه را بنویسد و بر او ببندد و در نسخه
دیگر بر نان نویسد و بدهد تا بخورد یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم
و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین **طریق** دیگر از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که بر دست راست او بنویسد بسم الله
جبرئیل و در دست چپ بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل
و بر پای چپ لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا و در میان کتف او بسم الله
العزیز الجبار حضرت فرمود که اگر کسی شک آرد نفع نمی یابد و این بجا
فا ترا این احقر میرسد اولی آنست که مریض با طهارت باشد در اثنای
نوشتن تا تاثیر زودتر بعمل آید **نوع** دیگر از وشا روایت شده که گفت
مردی بخدمت امام رضا علیه السلام آمد حضرت از او پرسید که ترا چه میشود
که رنگ ترا زرد و متغیر می یابم عرض کرد که تب ربع با من لجاجت مینماید
حضرت دوات و قلم طلبید و بر کاغذی نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
ابجد هوز حطی غ فلان بن فلانه باذن الله تعالی و در زیر آن نوشت
خاتم سلیمان هفت مرتبه پس بخادم خود مغیث نام فرمود که رشته
بیاور که آب دهن بآن نرسیده باشد پس خادم رشته آورد پس آن



رقعه بست و بنزد دهن خود آورد و بر جانب راست چهار کره و بر جانب
چپ سه کره و بر هر کره فاتحه و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی خواند
و بدان مرد و فرمود که بر بازوی راست خود ببندد و آیة الکرسی در اثنا
بستن بخواند و تا این رقعها با او باشد مجامعت مکن و اطبا بتجربه رسیده
و یافته اند که هدهد که آنرا پوپو گویند و خر خدا نیز می نامند با پاره
کتان یا مانند آن و بر صاحب تب ربع تعلیق نمودن رفع آن می نماید
و همچنین بتجربه رسانیده اند که باقلا را سوراخ کرده در عدد شپش
را در ان جای داده صاحب تب ربع بلع نماید رفع شود اما معالجه
تب غب بر سه برگ از هر درختی که بوده باشد و در روایتی از درخت
توت بگیرد بنام مریض و بر یکی بنویسد طیسوما و بر دیگری اوخوما
و بر دیگری ابراسوما و در آب روان اندازد دفع شود طریقه دیگر
آنکه بر کف راست مریض این اشکال را بنویسد سال هلج فلج موت مات
و بر کف چپ او بنویسد فلج هلج مات موت و در بحر المنافع آورده
که بر کف دستها و پاهای مریض نویسد قوس قوس شاماخ شاماخ
عجل عجل صحت صحت نوع دیگر در کف دست راست بنویسد
قوض منقوط و معرب و در کف چپ منقوض معرب و منقوط و در
ده ناخن دستها این حروف بنویسد و آغاز از دست راست کند اول

ناخن

ناخن ابهام ا دوم ک سیم ا چهارم ک پنجم ا و بعد از آن دست
چپ همین دستور با اعتقاد پاک و با وضو باشد حق تعالی صحت بخشد نوع دیگر
بر بیضه خام بنویسد و رشته دختر نابالغ بر آن بپیچد و بیضه در آتش
اندازد بیضه پخته شود و ریسمان نسوزد بعد بقدرة الله تعالی بیضه را
پوست کنده بدهد تا بخورد و پوست آنرا بر آب روان ریزد و رشته
بر بند دست چپ ببندد مدونه یا تونه فاتونه اتونه ایتونه یا خوسطه
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و [illegible] فكانت ابوابا اما معالجه
تب غریبه بتجربه رسیده [illegible] بنویسد بر قطعه اول اسم نمرود و
در دوم شداد و بر سیم فرعون و هر روز یکی را با کفی از اسفند در زیر
مریض بخور نماید و خود را بان بتخیر نماید رفع شود نوع دیگر آنکه بر
سه برگ بید را بجیو بنویسد و در روز یکی را در زیر دامن مریض بسوزد
۱ فرعون نمرود شداد هامان ۲ نمرود شداد فرعون قارون ۳ شداد
فرعون نمرود شیطان طریقه دیگر بر سه مغز بادام بنویسد و هر روز
یکی بخورد در محل آمدن تب ۱ بسم الله وما رمیت ۲ الرحمن اذ رمیت
۳ الرحیم ولكن الله رمى طریقه دیگر بر سه پاره کاغذ نوشته هر روز
یکی را شسته بخورد ۱ بسم الله اربط ۲ بسم الله اربطط ۳ بسم الله اربططنا
طریقه دیگر بر سه برگ انار بنویسد و هر روز یکی را در زیر دامن دود کند

کند ۱ جمهور ۲ جمهروت ۳ جماروت طریقه دیگر بر سه قطعه کاغذ
کاغذ نوشته هر روز یکی را شسته بخورد و در نسخه دیگر بر سه لقمه نان
یا عدد سیب نوشته هر روز یکی را بخورد ۱ الآن خفف الله عنکم
وعلم ان فیکم ضعفا ۲ یرید الله ان یخفف عنکم وخلق الانسان
ضعیفا ۳ ذلک تخفیف من ربکم طریقه دیگر همین دستور عمل
آورد ۱ قد قرت ۲ قد قلت ۳ قد مرت ایضا طریقه دیگر بر سه بادام
بنویسد و هر روز سه عدد را بخورد ۱ بسم الله ثارت واستثارت
۲ بسم الله حول العرش دارت ۳ بسم الله فی علم الغیب غارت اما
تب سرد دایم معالجه که از الرز گویند بنویسد و بر بازوی بیمار
بندد بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و بینهما
برزخا وحجرا محجورا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم الا ان حزب
الله هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم
لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون نوع دیگر انچه در فصل
سابق مذکور شد که بخط حضرت امام رضا علیه السلم یافتند که فرمود بر
سه قطعه کاغذ بنویسد و سه مرتبه توحید بران خوانده بلع نماید بعضی
بجهة تب سرد تجربه نموده اند نوع دیگر این تعویذ بر بازوی
راست مریض ببندد رفع شود بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرانا سیرت

به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی
یا کافی یا معافی وبالحق انزلناه وبالحق نزل باسم فلان بن فلان
ببسم الله وبالله ومن الله والی الله ولا غالب الا الله نوع دیگر بر سه
قطعه کاغذ بنویسد و بگلاب بشوید یا آب و هر روز یکی را بناشتا
بیاشامد شفا یابد انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم هطلک هطلک
هطلک هیهه شفاء من الله العزیز الحکیم بحق اطط اطیط هل ترضی
اطط اطیط هل ترضی اطط اطیط هل ترضی نوع دیگر بر نه مغز
بادام بنویسد و هر روز سه عدد ناشتا بخورد روز اول بر یک طرف
بسم الله و بر طرف دیگر سوما بنویسد و روز دوم الرحمن بر طرفی
واسوما بر طرفی و روز سیم الرحیم بر جانبی و ابرسوما بر جانب
دیگر و در کفعمی آورده که این ابیات از حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که بر صاحب تب سرد خوانده شود
زایل میشود ۝ زارت مخصصة الذنوب و ودعت تبا لها من
زائر ومودع ۝ باتت معانقتی وبت ضجیعها ۝ وزفیرها
ولهیبها فی اضلعی ۝ قالت وقد عزمت علی ترحالها ۝ ماذا ترید
فقلت الا ترجعی ۝ بالمصطفی وشفیعه وولده ۝ الا ترجعی الا
ترجعی الا ترجعی و در کتاب امان الاسفار آورده که این طلسمات

را برسه قطعه کاغذ در روز یکشنبه بنویسید یکی را در یکشنبه و دیگری را
در دوشنبه و دیگری در سه شنبه وبشوید بخوی که اثران نوشته
نماند باب یا شربت وناشتا بخورد اگر زایل نشود در روز چهارشنبه
مرتبه دیگر برسه کاغذ بنویسید یکی را در چهارشنبه و دیگری پنجشنبه
وسیم را در جمعه و بهمان طریق محو و بیاشامد البته زایل شود اینست
ر ا ا ا ۶ ا ا ط ا و ا ا ا ۲ د ا د ف ک ا ا ا ا ۲ ۹ ا ا ا و
ل ا ا ا ۹ ا ا ا ۸ ا ا ا ۹ ا ا ا ا ل ا ر طریقه دیگر منتر لرز در روز یکشنبه یا
چهارشنبه که اول غره ماه بوده باشد این منتر را بر پارچه کاغذی
بدو سطر بنویسید و برشته که دختر نابالغ رشته باشد بر سر
مریض بوضعی به بندد که از طرف شقیقه راست مریض آویخته باشد قبل
از رسیدن تب بدو سه دقیقه اگر تب نیاید فیها اگر الحال که لازم
والا بر گردن آویزد بوضعی که بر طرف راست گردن آویخته باشد البته
باذن الله تعالی برطرف شود سطر اول اننتنی هنت بر یاندون
سطر دوم تا ۵ بهنتالی هیر منتر و در بحر المنافع آورده که این نقش
را بنویسید وبشوید وبخورد تب لرز برطرف شود سح عیسی سح اسم معی ف
عیسی اسم معی طریقه دیگر بشرح مذکور این شکل را مذکور کرده اینست
عیسی محمد رسول الله صلی الله علیه وآله سح این شکل را سه مرتبه بنویسید ایضا آورده

که سه روز باین مثلث نظر کند تب لرز زایل شود ان شاء الله تعالی

نقل حکیم در معالجه غلبگی حرارت و حمرت و عرق وسل و دق از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام

٨	۴	۷
٦	۷	٨
۷	٨	٦

منقولست بجهت دفع حرارت و دردی که از وقبل سر بهم رسد بنویسند
مربعی بدین صورت بسم الله

پس بگوی بسم الله وصلی الله علی محمد و آله وسلم
بعد از آن اذان نماز را در
رقعه واقامت در رقعه

دیگر بنویسید پس رقعه را بران کس ببندد درد و حرارت ساکن
کرد و باذن الله تعالی نوع دیگر در کتاب درمکنونه آورده است
بجهت دفع غلبگی حرارت و تب و حمرت رنگ و روی بنویسید و تعویذ
نماید براءة من الله و رسوله الی ام ملدم التی تاکل اللحم و تشرب الدم
و تدق العظم و تحل الجسم اما بعد یا ام ملدم اقسمت علیک باسماء الله
و بآیات الله و بکلمات الله و بعفو الله و مغفرة الله و رحمة الله ان

لاتاکلی لحامل کتابی لحما ولاتشربی له دما ولاتهشمی له عظما ولاتتجلی له
جسما وانتقلی عنه الی عبدة الاوثان والصلبان ومن یتخذ مع
الله الها اخر لابرهان له به زولی ایتها الحمی یا زالی لم یزل یزیل الزوال
ولم یزل قلنا یانار کونی بردا وسلاما علی حامل کتابی هذا بقوة الله
وبحق سطی سطی اطی اطی کهیعص ال ال ال ال الا حم حم حم حم حم
واسروا اسرقی قی قی قی مر مر مر مر ج ج ح ح حدس حدس سوالی
سوالی ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم اذهبی ایتها الحمی والحمرة
الحامیه المحمره برحمة الرب ورضی الرب الذی یطفی غضب الرب هو
هو هو هو هو هو الله الشافی الکافی المعافی من کل سقم والم قل
هو الرحمن امنا به وعلیه توکلنا فستعلمون من هو فی ضلال
مبین والحمد لله رب العالمین اما معالجه عرق کردن بتجربه
رسیده که بنویسند این تعویذ را بر کاغذی و بر سینه مریض گذارند
بنوعی که نوشته بر پوست بدن مریض ملاصق باشد بشرط آنکه بی
نقطه نویسند و در اثنای سخن بر زبان نرانند و نخوانند که اگر نقطه
گذارد خوانده شود یا بر زبان راند اثر نبخشد بسم الله الرحمن الرحیم
وفاتحه تا آخر ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم اللهم شاف بدن
حامل هذا الکتاب بحق اسم المبارک یس حمعسق حم حم کهیعص ق ح

٣٤٨٣ ٦٦٣ ه ١١١ م ح اما معالجه سل و دق بدانکه
سل و جر باشد که در ریه حادث شود بسبب نزله که از دماغ فرود آید
یا در عقب ذات الجنب وذات الریه وسعال مزمن واقع شود وعلامت آن
حمی دق باشد و با آن سعال وذوبان وحمرت وجه ونفث مده باشد
وفرق مده وخلط آنست که مده در آب فرو نشیند وچون بر آتش
نهند نتن محسوس شود بر خلاف خلط که چون بر آتش نهند او را
نتنی نباشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که بر
صاحب سل سه مرتبه این دعا را بخوانند تا شفا یابد یا الله یا رب
الارباب یا سید السادات یا اله الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات
والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک وابن عبدک
اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک ودر حدیث دیگر منقولست
که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام از مرض سل شکایت کرد
فرمود که سنبل وقاقله وزعفران وعاقرقرحا وبذر البنج وخربق
وفلفل سفید اجزا را مساوی بگیرد وفرفیون دو برابر هر یک از
اجزای همه را سائیده از حریر بیرون کن و با عسل کف گرفته خمیر کن
وبقدر یک نخود با آب گرم در سر شب بخور چنان کرد شفا یافت
واطباشیره تخم اسفناج را شربا جهت تب ودق وسل مجرب داشته‌اند

وهمچنین خوردن شیر زنان وشیر خران بز عظیم مفید داشته اند
خصوصاً که از پستان بمکند وهمچنین ماء الشعیر یعنی جو مقشر
مطبوخ بجدی که مهرا شده باشد جهت تبهای تند وجگر حار وسل
ودق وقرحه ریه وامعا وسعال حار یابس نافع ومفید است والله اعلم

باب چهارم در دفع درد اعضای ودرین باب چند فصل است

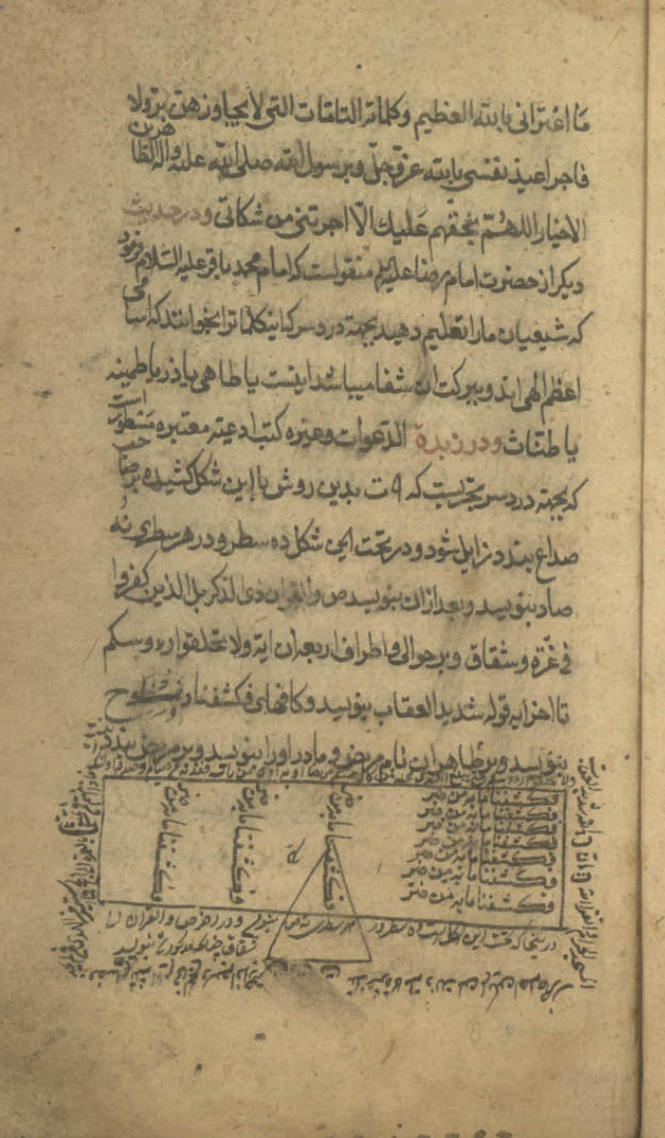
فصل در دفع درد سر ودوار در خواص الایات مذکور است
که جهت درد سر از اول سوره مریم تا قوله رب شقیا واز آخر سوره انا
فتحنا از انجا که محمد رسول الله تا آخر بنویسد وبر سر بندد درد زایل
شود **واز حضرت** امام محمد باقر علیه السلام منقولست که برای درد سر
ونیمه سر این دعا را بنویسد ودر جانب که درد میکند ببایو بزد ساکن
گردد اللهم انت لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره
ولا معك شرکاء یقضون معك ولا کان معك اله اذ عوه ونتعوذ
به ونتضرع الیه ولا اعانك علی خلقتنا من احد فنشك فیك
لا اله الا انت وحدك لا شریك لك عاف ... بن فلان وصل علی محمد
واهل بیته **ودر حدیث** معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که هر که درد سر داشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع
درد گذارد وبگوید اسکن سکنتك بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار

وهو

وهو السمیع العلیم **واز حضرت** امام علی النقی علیه السلام منقولست که ابرای
درد سر این ایه را بر قدح آبی بخواند اولم یری الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون **ودر حدیث** دیگر آمده که برای دفع درد سر دست بمال
وهفت نوبه بگوی اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی
السموات والارض وهو السمیع العلیم **ودر روایت** دیگر فرمود که برای
درد سر دست را بر بالای سر بگذارد وبگوی لو کان معه الهة کما یقولون
اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی
الرسول رایت المنافقین یصدون عنك صدودا **واز حضرت** رسول
الله صلی الله علیه واله منقولست که جهت درد سر روغن گشنیز را در بینی چکانیدن
نافع بود **ومرویست** که شخصی بحضرت صادق ع شکوه کرد از درد سر فرمود
که بحمام رو وپیش از انکه داخل آب شوی هفت جام آب گرم بر سر بریز ودر
هر مرتبه بگوی بسم الله بگوی **نقل است** که شخصی از اهل مرو بخدمت
آنحضرت از درد سر شکایت کرد حضرت فرمود که نزدیك شو بمن پس
دست بر سر او مالید واین ان الله یمسك السموات والارض ان تزولا تا انه کان حلیما
غفورا را خواند در حال صحت یافت **ایضا** منقولست که شخصی نزد آنحضرت
از درد سر شکایت کرد فرمود که دست بر موضع درد بنه وایة الکرسی را بخوان

بالجوان ویکو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر واجل و اکبر مما
اخاف واحذر اعوذ بالله من عرق النعار واعوذ بالله من حر النار
ایضا در ساعت آخر جمعه ماه مبارک در یک سطر طولانی بنویسد و با
خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الاول محیط به علمک کع
سلهع و ... وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة
للعالمین توجه حیث شئت فانک منصور باتراب باتراب باتراب
ایضا دست بر سر گذارد و مکرر این ابیات را بخواند ٥ یا رب راسی
حزینی من الم فیه سکن ٥ وعافنی وشافنی یا جاعل اللیل سکن ٥٥
احب دعائی سیدی وانت لو شئت سکن ٥ بالمصطفی والمرتضی
وفاطمة والحسین والحسن مرویست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
از درد سری که داشت شکوه کرد حضرت فرمود که دست بران بگذار
و هفت مرتبه این دعا را بخوان تا ساکن گردد بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم انی استجیر
بک بما استجار به محمد صلی الله علیه و آله لنفسه و در حدیث دیگر
مرویست که داود رقی بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع از درد سر
شکایت کرد گفت بسیار است که مرا از خواب می اندازد و از نماز شب باز
میدارد فرمود که سر را مسح کن و بگوی اعوذ بالله واعیذ نفسی من جمیع

ما اعتران



ما اعتر انی بالله العظیم وکلماته التامات التی لا یجاوزهن بر ولا
فاجر اعیذ نفسی بالله عز وجل وبرسول الله صلی الله علیه و آله الطاهرین
الاخیار اللهم بحقهم علیک الا اجرتنی من شکایتی و در حدیث
دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که شیعیان ما را تعلیم دهید بجهت درد سر که این کلمات را بخوانند که اسم
اعظم الهی اند و ببرکت آن شفا می یابند و آن اینست یا طاهی یا ذرما طیثه
یا طثاث و در زبدة الدعوات و غیره کتب ادعیه معتبره مسطور است
که بجهت درد سر مجربست که ۹ ت بدین روش با این شکل کشیده بر صاحب
صداع بندد زایل شود و در تحت این شکل ده سطر و در هر سطری نه
صاد بنویسد و بعد از آن بنویسد ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا
فی عزة وشقاق و بر حوالی و اطراف ربعان آیه ولا تحلقوا رؤسکم
تا آخر آیه قوله شدید العقاب بنویسد و کاف های فکشفنا در سطح لوح
بنویسد و بر ظاهر آن نام مریض و مادر او را بنویسد و بر مریض بندد

ودر کتاب حرز الامان از کتاب شفاء الصدور والابدان فی منافع سور
القران در علاج صداع وتسکین ضربانی آورده که آیه الم تر الی ربک
کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا
را از سوره فرقان وآیه وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
از انعام وکلمه حولقه بر رقعه کتابت کند ودر ذیل آن بنویسد یا
ایها الملک صرفنائیل یا صرفنائیل بحق الله علی الضربان والشقیق
والحمرة اج ح ح ط ک ل م اع س ص وی اسکنوا الم من ذکرت
علیه هذه الاسماء الله الشافی الکافی فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس آن نوشته بر پیشانی بندد
وهفت نوبت لو انزلنا از آخر سوره حشر را تا آخر بخوانند درد ساکن
گردد ودر فصل پنجم باب اول شکلی بجهة ضربان ودرد سر ومفاصل
گذشت واز جمله خواص انجیر وفت آنکه صاحب صداع چون بر سر
آویزد صداع او زایل شود د ل ع ل ع ل ص د ق ف ک ف ل ه و د
ایضا بجهة صداع انجیر وفرا بنویسد وبر سر آویزد لا ع لا ک ا ا ل
ک ا ح ا ح و د ودر بحر المنافع آورده بجهة درد سر که کلمه ساتنا ها
را بنویسد وکاردی بر دارد ودر دندانهای سین سا بخلانند اگر درد

قطع

سوره کشدوم

قطع شود فیها والا در [illegible] بتا بخلانند واگر باین نیز دفع نشود
نشود در چشمهای ها بخلانند البته دفع شود ایضا ایضا آورده
که این اشکال را در زمین نقش کند که ا ه ه ا ه ه واول کارد را
در چشم های اولین برند وباید که کارد را سنگ زده تیز کرده باشد
وصاحب درد سر را بپرسد که درد سر دفع شد یا نه واگر نرفته باشد
بر چشم های دوم زند وبپرسد اگر نرود در های سیم زند وبپرسد واگر
نرفته باشد در های چهارم واگر نرود در های پنجم بزند بی شبهه درد سر
بکلی دفع شود ایضا آورده که این اشکال بر پیشانی بنویسد درد سر
بر طرف شود مالولا لولا مالولا لولا مالولا لولا
ودر زبدة الدعوات آورده که بسمله وفاتحه را بحروف مقطعه بنویسد
وبا خود دارد درد سر زایل گردد اما معالجه دوار در بحر المنافع
آورده که این آیات را بنویسد وصاحب دوار بر سر بندد دفع شود
بسم الله الرحمن الرحیم ذلک بانهم کانت تاتیهم رسلهم بالبینات
فکفروا فاخذهم الله بذنوبهم انه قوی شدید العقاب ولقد ارسلنا
موسی بایاتنا وسلطان مبین الی فرعون وهامان وقارون
فقالوا ساحر کذاب فصل دوم در دفع درد شقیقه ونیم سر
واز حضرت امام محمد باقر ع در فصل سابق بجهة درد نیم سر مذکور شد

و در خواص ایات قرانی مذکور است که بجهة درد نیم سر این ایة را بر کاغذ
نویسند و بدان طرف که درد میکند ببندد بیاویزد شفا یابد کلبهم باسط ذراعیه
بالوصید لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرارا و لملئت منهم رعبا مرویست
که حبیب سیستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلم که هفت دو
بهفته مرا درد شقیقه میکیرد فرمود که بکذار دست را بر الجانب که درد میکند
و سه مرتبه بکوی یا ظاهرا موجودا یا باطنا غیر مفقود رد علی عبدک
الضعیف ایادیک الجمیلة عنده و اذهب عنه ما به من اذی انک
رحیم و در کتاب مکارم اورده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود بجهة درد شقیقه این ایات قرانی را بخواند و لو ان قرانا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات
یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا و جعلنا من بین
ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و یا ارض
ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی
الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین ایضا بدستور بدان خوانند
بشرط انکه شقیقه را بانکشت ابهام و سبابه محکم کرفته باشد فمن کان
منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او نسک ید
الله مغلولة فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه تا اجرا عظیما

از سوره

از سوره فتح اسکن سکنتک یا وجع الشقیقه بالذی سکن له ما فی اللیل
والنهار و هو السمیع العلیم ایضا بسمله با این ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب بر ان خواند اکر
تاثیر نبخشد و خوش نشود بکیرد یک نخود و نیم از نخود سفید و نرم بکوبد
و سه مرتبه قل هو الله بر ان خواند و بخورد البته شفا یابد عمار بخدمت
امام جعفر صادق ع از باد شقیقه شکایت کرد حضرت فرمود که چون از
نماز و نصیبه فارغ شوی انکشت سبابه را در میان هر دو چشم خود بنه
و هفت نوبه بکوی یا حنان اشفنی و انکشت را برابروی راست عال
بعد ازان انکشت را بهمان جا بکذار و بعد ازان هفت بار بکوی یا منان
اشفنی و انکشت را برابروی چپ عال و بعد ازان کف دست راست را
بر میان سر بنه و بکوی یا من سکن له ما فی اللیل و النهار و ما فی
السموات و ما فی الارض صل علی محمد و اله و اسکن ما بی ایضا در جواهر
ایات اورده که بعد از بسمله بکوید بنویسد الم تر الی ربک کیف مد الظل
و لو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ثم قبضناه الینا
قبضا یسیرا طریقه دیکر در مکارم آورده که بجهة درد شقیقه بنویسد
اکر مرد باشد بر سر ببندد و اکر زن باشد میان کره موی کیسوش ببندد
بسمله بسم الله من الارض الی السماء کان هبط جبرئیل فاستقبله الاجذع

فقال ابن مريد قال اذهب الى الانسان فاكل شحم عينيه واشرب من
دمه فقال بالله الذى لا اله الا هو لا تذهب الى الانسان ولا تاكل شحم
عينيه ولا تشرب من دمه انا الراقى والله الشافى افسون بجهة
درد سر و شقيقه دست بران كذارد و بخواند يا مصغر الكبراء يا مكبر
الصغراء ويا مذهب الرجس عن محمد وال محمد ومطهرهم تطهيرا صل
على محمد وال محمد وامسح مابى من صداع وشقيقه برحمتك يا ارحم
الراحمين طريق ديكر در كتاب در مكنونه اورده كه اين اشكال بجهة
درد شقيقه نوشته بران ببندد ساكن كردد اينست س س س س
ع ع ع ع ع ع ع هو هو هو هو و و و الم تر كيف مد الظل ولو شاء
لجعله ساكنا اسكن ايها الضارب والصداع كما سكن عرش الرحمن
تذنيب در ذكر تجارب اطبا قطور مغز جغد را با روغن بنفشه
در سوراخ بينى طرف موافق صاحب شقيقه اطبا مجرب شمرده اند
لزاق الصدغين جهة درد سر بر پارچه كرباس كه بقدر درهمى باشد
كذاشته بر شريان صدغين ببندند تخم كاسنى تخم كاهو ا مرطبا ف
٢ حضض [illegible] افيون يك و نيم با لعاب بذر قطونا سرشته مجربست
وعصاره حى العالم را با روغن كل سرخ جهة درد سر طلا نمودن بغايت
نافع است و ابن زهره در اختيارات از خواص فوة يعنى روناس ١٥ نوشته

كه هر كه صداع داشته باشد و از ان تعليق نمايد در ساعت ساكن شود
و همچنين سركه انكورى را جوشانيده با كلاب و پارچه را بان تر كرده
بر سر كذاشتن نمايند بجهة درد سرى كه از صفرا باشد و خون و بخارات حمام
حادث شده باشد مجرب و نافع است و همچنين پاشيدن سركه بر سنك
كرم تفيده كرده و سر و بينى را ببخار آن داشتن و بدستور سنك كرم
كرده را در سركه انداختن بخار آن بجهة درد سر مزمن و نزلات و
سرفه مزمن نافع است و همچنين بجهة صداع مزمن و شقيقه
و مواد بارده دماغى از مجربات است كه آجر آب نديده چند عدد را در آتش
سرخ كرده و در شراب انداخته سر را ببخار آن بدارند و اكر ماده نسبايد
غليظ باشد بجاى شراب آن آب انكور كنند و بدستور آب ممزوج بسركه
نيز جايز است والله اعلم فصل سيم در دفع درد كوش و كرانى و دفع
آن از ابن عباس منقولست كه هر كه را كوش كرانى كند بر خواندن
اين ايه فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا مداومت نمايد و بعد
از ان بخواند كان لم يسمعها كان فى اذنيه وقرا شفا يابد و از حضرت
امام محمد باقر عم مرويست كه براى دفع درد كوش دست بر كوش مالد و
هفت مرتبه اين دعا بخواند شفا يابد اعوذ بالله الذى سكن له ما فى
البر والبحر وما فى السموات والارض وهو السميع العليم آورده اند

که شخصی بخدمت امام محمد باقر علیه السلم از سنگینی گوش شکایت کرد
فرمود که دست بر گوش بکش واین ایات را بخوان لو انزلنا هذا القران
تا اخر اخر سوره نوع دیگر بروایت وارد شده که بجهة درد گوش بروغن
یاسمن یا بنفشه هفت مرتبه بخواند وآن روغن را در گوش بچکاند کان
لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفواد کل اولئك
کان مسئولا بجهة ریم وخون گوش مرویست که شخصی بحضرت
صادق ع شکوه کرد از درد گوش وگفت چرك وخون بسیار از گوشم
می اید فرمود که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر ونرم بکوب وبا شیر زن
ممزوج کن وبر روی اتش نیم گرم کن وچند قطره در گوشی که درد می
کند بچکان واز حضرت رسول صلی الله علیه واله مرویست که سداب
برای درد گوش نافع است ایضا بجهة درد گوش بر گوش بنویسد
وایضا سه نوبت بران بخواند بروا برو امنها خلقناکم وفیها
نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری ودر بحر المنافع آورده بجهة درد
گوش بنویسد وتعلیق نماید وبخواند وبدمد واذا قری القران فاستمعوا
له وانصتوا لعلکم ترحمون کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره
بعذاب الیم ایضا بدستور عمل اورد ومن یدع مع الله الها
اخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون بجهة دفع

خارش

خارش درون گوش ایضا در بحر المنافع اورده که بران خوانده
بدمد یس والقران الحکیم کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره
بعذاب الیم ودر بحر المنافع بجهة کری گوش آورده که این ایات را
سه روز هر روز هفت بار بر اب خواند وبخورد وبنویسد وبا خود دارد
دفع شود ذلك یبشر الله عباده الذین امنوا وعملوا الصالحات
قل لا اسالکم علیه اجرا الا المودة فی القربی ومن یقترف حسنة نزد له
فیها حسنا ان الله غفور شکور ولئن سالتهم من خلقهم
لیقولن الله فانی تؤفکون معالجه رفتن چیزی در گوش
مرویست که شخصی سنگی برداشت که گوش خود را بدان بخارد در گوش
او شکست ومحکم گردید وهرچند جهد نمود که بیرون اورد نتوانست
ومعالجان علاج ان نتوانستند که بخدمت حضرت امام محمد
باقر علیه السلم رسید از درد ان شکایت کرد بحضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که ای فرزند او را بیرون برو برون نظر کن حضرت چنان
کرد وفرمود که چیزی دیده نمیشود حضرت باشخص فرمود که نزدیك
من بیا پس انشخص نزدیك آمد حضرت فرمود که سه نوبه بگوی اللهم
اخرجها کما ادخلتها بلا مؤنة ولا مشقة وبهمان انگشت که داخل کرده
بیرون اور انشخص چنان کرد سنگ بیرون آمد باذن الله تعالی طریقه دیگر

اگر کسی را چیزی در گوش رفته باشد این چهار اسم بر گوش خواند باذن
الله تعالی بیرون آید یا علی یا عظیم یا حلیم یا علیم **بجهت کشتن**
حیوانی که بگوش رفته باشد اطبا گفته اند قطر ایزا ماب بود نه یا آب
برگ شفتالو حل نموده نیم گرم بچکانند آن حیوان کشته شود **و بتجربه**
رسیده که اگر هزار پای در گوش کسی رفته باشد روغن کنجد در آن بچکانند
بمیرد یا بیرون آید **بجهت طنین و دوی و سده و گرانی و درد**
گوش در بحر المنافع آورده که سوره اعلی را بر گوش کسی که طنین
بسیار آورد بسیار بخوانند نیکو شود **و اطبا** بجهت رفع دوی و
سده که از اجتماع چرک بوده باشد و طنین مجرب دانسته اند که خر خر
سیاه را که آن حیوانیست کوچک شبیه بملخ در کوزه سفالین
سوزانیده خاکستر او را با بول خوک در گوش بچکانند رفع نماید در
ساعت و گفته اند که مطبوخ هدبه که او را هزچند اگویند در پوست
انار که با روغن گل سرخ بجوشانند نیم گرم او را در گوش بچکانند
دافع درد گوش و کری قدیم است **بجهت اماس بنا گوش** بنویسد
و بهر جای که اماس باشد ببندد نیکو شود بسم الله الرحمن الرحیم
لده گرگر سواة بلاد مخالطت دوسر سالك محرف علیك و میم
بجو استغسی هیطا **ایضا** تا سه روز بر انجا نویسد صحت یابد

علیقا

علیقا ملیقا انت تعلم علی کل شیئ ملیقا برحمتك یا ارحم الراحمین
فصل چهارم در دفع درد چشم و علل آن در خواص الایات
آورده که هر صباح سه نوبت بر چشم خواند درد زایل شود بسم الله
الرحمن الرحیم دخل الرمد بسلامة و یخرج بسلامة و انکفت
الدمعة و انجلت الحمرة بالف لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
الله نور السموات و الارض مثل نوره تا نور علی نور **و از حضرت**
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید
که با عتقاد درست آیة الکرسی بخواند البته شفا یابد **و در روایتی** دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای درد چشم این دعا میفرمودند
که بخوانند اللهم متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارثین منی
و انصرنی علی من ظلمنی و ارنی فیه ثاری **و در حدیث** آمده
که شخصی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام آمد دید که چشم آنحضرت
آزار عظیم دارد روزی دیگر بخدمت آنحضرت آمد اثری از آن آزار
نیافت از سبب آن پرسید فرمود که باین تعویذ نمودم اعوذ بعزة
الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ
بجمال الله اعوذ بکرم الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله اعوذ
بعلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله صلی الله علیه و آله علی ما اخاف

واحدر علی عینی واجبره من وجع عینی اللهم رب الطیبین اذهب عنی
بحولك وقوتك فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید فنظر
نظرة فی النجوم فقال انی سقیم وصورکم فاحسن صورکم ورزقکم من
الطیبات تبارك الله رب العالمین یا علی یا عظیم یا جلیل یا جمیل یا
فرد یا وتر اسالك ان تصلی علی محمد وال محمد وان لا تذرنی فی
بنوی فرد او انت خیر الوارثین از حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم
مرویست که دنبلاد ازگیاه هشتست ابش از برای درد چشم نافع است
نوع دیگر بجهة درد چشم بگوید اعیذ نور بصری بنور الله الذی
لا یطفی چشم را بدست مسح کند وایة الکرسی بخواند ودر خاطر بگذراند که
البته شفا میابم شفا یابد ایضا بجهة درد چشم بردارد پنبه وتر کند
وبر چشم گذارد وبگوید عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی برد او سلاما
علی ابرهیم ایضا در وقت نماز شام بدیدن ستاره لعادت حسن
خود را بانگشت بگیرد واین ایه بران خواند وبر بالای چشم فرود آرد
وچند کرت چنین کند صحت یابد قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا
فمن یاتیکم بماء معین نوع دیگر آب باران نیسان که بر ان شده
ایات قرانی بترتیبی که گذشت برو خوانده باشند قدری بیاشامد وقطره
چند در چکاند وچشم را بان آب بشوید درد ساکن گردد باذن الله تعالی

از حروف مقطعات اوایل سور قرانی با فقرا ... م
که هر که در روز شنبه اولی که بعد از نوروز سلطانی میباشد بنویسد
وبشوید وبخورد در ان سال از درد چشم ایمن باشد الم المص الر الم
کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن ایضا از
خواص وضع این حروف بدین ترتیب چنانکه گذشت آنست که هر که درد
چشم داشته باشد با خود دارد درد زایل شود اه ع اه ی اه ن اه و
بطریقهای دیگر نوشته اند ومذکور شد نوع دیگر این ایات را بر کاغذ
خواند چشمها را بدان بشوید شفا یابد افلا یتدبرون القران ام علی
قلوب اقفالها ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط
فانی یبصرون فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید
نوع دیگر این ابیات را هفت نوبت بخواند وبر چشم دمد درد او
زایل شود انشاء الله تعالی متی ما مقلتی رمدت فکحلی تراب
من نعل ابی تراب هو البکاء فی المحراب لیلا هو الضحاك فی یوم
الضراب ایضا بنویسد وبا خود دارد وصبح وشام بر چشم خواند
وبدمد بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد ان فی عینی رمدا احمرار
فی بیاض حسبی الله الصمد یا بدیع فی السماء یا منزه الملك عن الولد
لم یکن له شریك ولا کفوا احد ودر رقعه کرده با خود میدارد این

اشکال را نیز بنویسد ے بح و ح ہ ع ع ہ ہجری ۹۹۴ ھه دمه الله نور السموات والارض الی قوله نور علی نور بیسکن الضارب ویهدء الرمد ویزول الوجع والالم بعون الله ورحمته انه علی کل شئ قدیر و در

تعلیقات در مکنونه بجهة درد چشم اورده که بر چشم خواند و بدمد و بنویسد و با خود دارد شفا یابد یا ناظرین بیعقوب اعیذکما کما استعاذ برا ذمسه الرمد شفاه الله اذ جاءه البشیر به بحق یعقوب اذهب ایها الرمد بنفسک العزیز هذا الزاجرة و در زبدة

الدعوات اورده که این نور و این و ان یکاد را بترتیب حسین ع بنویسند در جامی و میل در چشم کشد شفا یابد و هر وقت که کسی را چشم درد کند از ان اب در چشم کشد شفا یابد و بعد از ان این کلمات را با این حروف بنویسد و با خود دارد که مجربست اسکن ایها العرق الضارب حتی تنام العین الساهرة فی الدنیا والاخرة بحق هذه الاسماء العظیم ھ ۶۱۱۸۶۳ ۶۱۱ ھ ا ل م ن ج ع ل ك ع ی ن ی ن و ل س ا ن او ش ف ت ی ن و خواندن سوره همزه بر درد چشم باعث تسکین درد ان باشد و اطبا بجهة تسکین درد چشم بتجربه رسانیده اند که کوشتی را که خالی از دسومت باشد قطعه رقیقی مانند ورق بگیرند و در کف نگهدارند تا گرم شود و بر چشم و پیشانی

ببندند

ببندند درد فی الفور ساکن گردد و بعضی کشیدن خون تازه کرم کبوتر بچه بسمل کرده در چشمی که از درد بیطاقت باشد بسیار نافع است و جالینوس گفته است که تعلیق مگس زنده بر کسی که چشم او درد کند باعث تسکین درد می باشد و از خواص جلنار است که چون روز چهارشنبه وقت طلوع افتاب یکعدد غنچه نشکفته او را صاحب رمد و معتادین ان از درخت بدهن جدا کرده فرو برد تا یکسال رمد نکشد و مجربست اما معالجه ضعف باصره و شبکوری و سبل و ظفره و ریختن مژه و ابرو و غیره

علل چشم مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ضعف باصره شکایت کرد و گفت بمرتبه رسیده که شبکور شده ام حضرت فرمود که این نور را مکرر در جامی بنویس و باب محو کن و انرا در شیشه کن و از میل بچشم بکش راوی گفت کمتر از چهار میل کشیدم که بینائی من باز گشت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود مسواک کردن آب ریختن چشم را زایل کند و چشم را جلا میدهد و شخصی بانحضرت از آزار چشم شکوه نمود فرمود که از حبدروا و کافور و مر اجزاء مساوی بگیرد و داروی بسازد و در حدیث دیگر فرمود که این داروی بجهة ضعف چشم و خیالات نافع است و در حدیث دیگر فرمود که بجهة

الله نور السموات والارض

سفیدی که بسوی باصره بهم رسد کشیدن دهنر فرنك نافع است
واکر کسی را سفیدی در باصره بهم رسد سوره بینه را بنویسد و با خود
دارد سفیدی چشمش زایل شود و بتجربه رسیده که چون او کسی
که بیاض باصره را دید و خبر داده انکشت کوچك دست او را بسته
اندك ببرند و از خون انکشت او قطره در ان چشم بچکانند بیاض
زایل میشود بقدرة الله تعالی و در حدیث آمده که هر که هر روز انا جعلنا
سمیعا بصیرا بخواند چشم او از آفت سالم ماند و همچنین اکر همه
روز سه نوبت این فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید با
آیه ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون
بخواند از آفت چشم او سالم ماند طریقه دیکر اکر این نور را با این وان
یکاد را بتربت حضرت امام حسین علیه السلام و اب زمزم بر جامی بنویسد
و بشوید و در شیشه کند و بمیل در چشم کشد از شبکوری و ضعف
باصره ایمن کردد و در بحر المنافع آورده که اکر کسی را چشم درد کند
یا علتی باشد این افسون بر خاکستر بخواند و بر پشت چشم بکرداند
دفع کردد اینست برقونی برقا برقیا برقا دقا بلقا بیتین عدلا
و ایضا بتجربه یافته اند و کفته اند که جکر بز سیاه را چون شرحه کرده
زهره او را با و مخلوط کرده دار فلفل و زنجبیل بران پاشیده خون

مترشح کباب آنرا در چشم کشیدن شبکوری را زایل میسازد و ایضا
اکتحال خونابه و رطوبتی که در حین کباب کردن دل از ان چکد شبکوری را
نافع و مجربست و اکتحال رطوبتی که در برك نی جمع میشود جهة بیاض عین
نافع دانسته اند و همچنین اکتحال ابحی العالم را بجهة دفع رمد مفید دانسته اند
و اکتحال محرق پرستوك مقوی باصره است و دماغ او را با سرکین او و با
خاکستر او با عسل جهة ابتداء نزول اب و بیاض و جرب و سبل و ظفره
نافع است و طلا کردن آبی که بیخ خطمی را کوبیده و در لته بسته در آب
کذاشته در زیر اسمان چند ان بکذارند که اب منجمد کردد جهة رفع تقیح
پلك چشم موثر دانسته اند و اکتحال مغز سر خفاش با اب پیاز جهة رفع
نزول آب و با عسل جهة بیاض و همچنین سرکین او رافع بیاض است
منتر بجهة دانهای که در چشم بهم رسد انبابت جوشش و ناخنه و غیره
سه بامداد ناشتا هر روز هفت بار بران خواند شفا یابد مجربست بسم الله
الرحمن الرحیم نَمَیْ وَ نَمَیتٌ وَ وَارِهِیٌّ وَ وَارِهِیَةٌ فانما هی زجرة واحدة
فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید و ننزل من القران ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین و در بحر المنافع آورده بجهة ریختن موی پلك
چشم که بخواند و تعلیق نماید بسم الله الرحمن الرحیم ثم افیضوا من حیث
افاض الناس و استغفروا الله و الیوم الاخر و جاهدوا فی سبیل الله و لا

یستون عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین ایضا بجهة
دفع ریختن موی ابرو بهستور بعمل اورد ما کان حدیثا یفتری
ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل الکتاب لا ریب فیه هدی
ورحمة لقوم یؤمنون فصل پنجم دردفع درد دهان وعلل
آن از قلاع وجوشش ودرد کام وگلو وکردن وغیره مرویست
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دهان فرمود که
دست بر دهان بگذار وبگوی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه داء واعوذ بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوسا
قدوسا قدوسا باسمك یا رب الطاهر المقدس المبارك الذی من
سالك به اعطیته ومن دعاك به اجبته اسالك یا الله یا الله یا
الله ان تصلی علی محمد النبی واهل بیته وان تعافینی مما احد
فی فمی وفی راسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی وفی ظهری وفی یدی وفی
رجلی وفی جمیع جوارحی کلها نوع دیگر در بحر المنافع بجهة درد دهان
از اول سوره طه تا قوله علی العرش استوی را مذکور ساخته که تعوید
وتعلیق نماید بجهة درد روی بران خواند وبنویسد وبا یمحو نموده
وروی را بآن بشوید صحت یابد یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی
الی ربك راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی یوم تبیض

وجوه

وجوه وتسود وجوه فاما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله
هم فیها خالدون معالجه اماس لب اماسی که از طرقیدن وغیر
طرقیدن در لب بهم رسد بر روغنی خواند وبدان مالد دفع شود بسم
قل الله شهید بینی وبینکم انه کان بعباده خبیرا بصیرا فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم وحسبی الله ونعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم واطبا گفته اند که لب طرقیده را بلعاب کثیرا وبهدانه
وسنکو طلا کنند وکفی که از حنا ظاهر میشود چون قطع میکنند در این
باب مفید است وروغن بنفشه وپیه بط گرم کنند وشاخ گاو کوهی سوخته
با آن بیامیزند وطلا کنند وپوست تنکی که بر سپند کشیده است بران
نهند نافع بود وهمچنین شبیه پینه چیزی که در تجویف نی نزدیك
ابنوبه میباشد بران چسبانیدن مجربست علاج درد کام در بحر
المنافع اورده که این ایات را بنویسد وبا آب ده مضمضه نماید قال من
یحیی العظام وهی رمیم تا هو الخلاق العلیم وله ما سکن فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم لکل نبا مستقر وسوف تعلمون رب انی نذرت
لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی انك انت السمیع العلیم واطبا غرغره
کردن بطبیخ برك اجاص وبیخ او جهة ورم لهات ومنع نزلات دماغی
وورم لوزتین وتقویت بن دندان مجرب ونافع دانسته اند وگذشت

کخوردن انجیر بجهت درد دهان ومضمضه جلنار باسرکه بجهت استحکام
لثه واسنان وقلاع نافع است وذرور توت سیاه خشک بجهت جوشش
دهان وسنون زاج ازرق شقاق که ظاهر او بنیای هندی عبارت
ازان باشد وباقلی بجهت درد دندان وحرکت او وتقویر لثه وباخاکستر
بیخ کرنب جهت قلاع وغرغره وذرور او جهت ورم لثه ولهاة نافع است
وهمچنین در اوایل ظهور قلاع مضمضه باب برک علیق که بدیلمی تموشی
وبترکی بکوتیکان کویند کردن وباب بارتنک وآب بر وسرکه کهنه را
او عدس وخبازی وشاخهای تازه تاک وارد جو جوشانیده باشد
مضمضه کردن وبدستور کزمازج وکلنار وکشنیز خشک وپوست انار
وعفص را جوشانیده مضمضه وبجهت قلاع بلغمی بربجاسف نعیف
بوی مادران وبرک زیتون ومامیران وپوست انار وعفص را بالسویه
جوشانیده مضمضه نمایند نافع است وذرور برک عناب بیزلی
عدیلست ودر فصل دفع کرم دندان نیز مداوای از خدمت بجهت این علت
خواهد آمد اما معالجه درد کلو وکردن در فصل هفتم باب دوم بجهت
درد کلو وعلی مذکور شد ودر بحر المنافع بجهت درد کردن آورده که
از اول سوره بنی اسرائیل را با بحق الرحمن علم القران بنویسد وباخود
دارد ایضا بجهه درد کلو وناى وکرفتن کام بنویسد وباخود دارد

فلولا

فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون هو الشافی ایضا بجهة
درد واماس کلو بران خواند هفت مرتبه بسمله الم تر انا ارسلنا الشیاطین
علی الکافرین تؤزهم ازا نوع دیکر این شکل را بنویسد ودر سریب کیرد
وبرشته که دختر نابالغ تابیده بسته در کردن ببندد صحت یابد

٨ سمی سمی ٧١ ١٠٩٩١	ع	بدر ٦٨٨	X

اما معالجه بجهت اماس کلو وملاذه بوقت غروب افتاب هفت بار
بخواند وکاسه آب پر کند ودر پیش خود بنهد وکاردی را بان آب تر کند
وبران موضع بمالد دفع شود بسم الله الرحمن الرحیم اذهب یا ریح من
العز بعزة الله تعالی فانی اعوذ بالله من کل داء داخل وخارج فی اللحم
بحق سلیمان بن داود عم نوع دیکر بنویسد وبر کردن ببندد صحت یابد
جابجش حشن سس کلس الحمعوها الحمعوها وصلی الله علی محمد وآله
نوع دیکر بخواند وبران دمد بسم الله الرحمن الرحیم باسم الله اسکن
وبعزة الله اسکن وبجلال الله اسکن وننزل من القران ما هو شفاء
ورحمة للمومنین ایضا این شکل را بران ببندد سحر معالجه دیکر بجهة
درد کردن این آیات را بنویسد وباخود دارد افعیینا بالخلق الاول
بل هم فی لبس من خلق جدید ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس

به نفسه ونحن اقرب الیه من حبل الورید ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم مجرب رسیده بجهة اورام کلو طلاء عنب الثعلب با سشق
یعنی کل سرخ وطلای کل ارمنی وحناء چیزهای بارده مانند برک
حی العالم ومانند غرغره باب عنب الثعلب بجهة ورم حلق ودرد آن
بغایت نافع دانسته اند وسایقا نیز در فصل دفع خنازیر وسرطان
واورام اشیاء مناسب باینمقام مذکور شد معالجه ذلوی بکلو چسبیدن
اگر کسی را زلوی در کلو چسبیده باشد اینکلمات را برابر نان خوانند و بخورند
زلوی بفرمان خدا تعالی بیرون اید فتحا فتحا نصرا نصرا یا ذالجلال و
الاکرام ای زلو از کلوی فلانی برای یا فروشو بحق النبی صلی الله علیه وآله
ایضا اطبا مجرب دانسته اند بجهة اخراج زلوی که در حلق چسبیده
باشد بلع طحلب یعنی جامه وزغ ودر ساعت آب کرم از پی آن اشامیدن
که باعث قی میکردد واورا بیرون می آورد فصل ششم در دفع
درد دندان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که بجهة درد دندان
دست بر موضع سجود بمال وبر موضعی که درد میکند بمال وبکوی بسم الله
والشافی الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سخفی بحضرت
صادق ع از درد دندان شکایت کرد که از بسیاری درد شبها بیدار
میباشم فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شد دست بر موضع درد بگذار و

وسوره حمد وتوحید را بخوان وبعد از آن این ایه را بخوان وتری
الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل
شیء انه خبیر بما تفعلون و در حدیث دیگر منقولست که بجهة درد
دندان سوره حمد وتوحید ومعوذتین بخواند وبکوید که بسم الله
الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم یا نار
کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
ونودی ان بورک من فی النار ومن حولها وسبحان الله عما
رب العالمین اللهم یا کافی من کل شیء ولا یکفی منک شیء اکف
عبدک وابن امتک من شر ما یخاف ویحذر ومن شر وجع الذی
یشکوه الیک طریقه دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست که بجهة درد دندان بنویسد وصاحب درد بر خود آویزد
اولم یر الانسان انا خلقناه من نطفة تا اخر سوره یس وله ما
سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم دستور دیگر از حضرت امام
موسی کاظم ع منقولست که برای درد دندان سعد را بران بگذارند و
فرمود که سرکه که از شراب بعمل آمده باشد بن دندانرا محکم میکند
نوع دیگر بر برک سبزی بنویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر
نارا فاذا انتم منه توقدون وانرا بر دندانی که درد میکند نهند و چند

قدمی براه رود و آن برك را كرفته در پس سر اندازد و باز پس ننكرد
ساكن كردد انشاء الله تعالی **طریقه** دیكر بنویسد و با خود دارد و بران
دندان نیز بخواند بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و اله الطیبین
و بصنع الله الذی اتقن كل شیء انه خبیر بما تفعلون اسكن ایها
الوجع سكنتك بالذی سكن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو
السمیع العلیم عزمت علیكم ایها الوجع بالله الذی اتخذ ابرهیم
خلیلا و كلم الله موسی تكلیما و اید عیسی بروح القدس و بعث
محمدا بالحق نبیا لما اذهبت عن فلان بن فلان الی مدة حیوته
ولا تعود الیه **دستور** دیكر مفضل بن عمر كفت رفتم بخدمت
امام جعفر صادق ع و درد دندان داشتم شكایت بانحضرت كردم
فرمود كه نزدیك شو من بانحضرت نزدیك شدم انكشت سبابه
را بر دندانی كه درد میكرد كذاشت و اندك چیزی خواند فی الفور ساكن
شد پس كفت درد ساكن شد ای مفضل كفتم بلی حضرت تبسم فرمود
من كفتم دوست میدارم كه این افسون را بمن بیاموزی فرمود كه
حضرت فاطمه نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله رفت و از
درد دندان شكایت كرد انحضرت انكشت مبارك خود را بر دندان
او نهاد و كفت بسم الله الرحمن الرحیم اسالك بعزتك و جلالك و قدرتك

علی كل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحك و كلمتك ان تكشف
ما تلقی فاطمه بنت خدیجه من الضرس **طریقه** دیكر نیز از انحضرت
مرویست كه هفت بار بران بخواند بسم الله اسكن بقدرة الله الذی
خلقك فانه قادر مقتدر علیك و علی الجبال اثبتها فقر هتی
یاتی فیك امره و صلی الله علی محمد و اله **دستور** دیكر از ابن عباس
از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت كرده كه هر كه را دندان درد كند
انكشت خود را بران نهد و هفت بار بكوید هو الذی جعل لكم السمع و
الابصار و الافئدة قلیلا ما تشكرون **دستور** دیكر افسونیست
كه از حضرت صادق ع مرویست و تخلف نمیكند بر سه برك از برکهای
زیتون و بر روی برك بنویسد بسم الله لا ملك اعظم من الله و انت له
الخلیفه یا هیا شراهیا اخرج ایها الداء و انزل الشفاء و صلی الله
علی محمد و اله و سلم تسلیما و بر پشت برك نیز بنویسد و بخرقه پاكیزه بسته
كرده دختر نابالغی كه حیض ندیده باشد ببندد و بران رشته هفت كره
بزند و بر هر كره نام یك پیغمبری ببرد و اسامی انبیا ادم و نوح و ابرهیم
و موسی و عیسی و شعیب و محمد و صلوات بر محمد و ال او بفرستد
و صاحب درد با خود دارد درد ساكن كردد باذن الله **صاحب در النظیم**
اورده كه در بصره مردی بود كه دعای درد دندان میدانست و بان مردم

را معالجه میکرد و شفا تخلف نمینمود و در تعلیم آن بغایت ضنت داشت
چون وفات او نزدیک شد یکی را از حضار مجلس گفت دوات و قلم بیار
تا برای تو دعای درد دندان که در این مدت مخفی میداشتم بنویسم چون
میدانم که در این وقت میروم و روا نمیدارم که این دعا پنهان بماند و مردم
از آن منتفع نشوند پس نوشت که هر که را درد دندان بهم رسد باید که بر
دندان او این حروف بخوانند الم المص طسم کهیعص ذکر رحمت ربک عبده
زکریا حمعسق الله لا اله الا هو رب العرش اسکن بکهیعص اسکن
بالذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم و در بحر
المنافع آورده که این افسون بخواند و بدهن انگشت بر محل درد ساکن
گردد ایها الضرس المضروس انت فی الهم والغم محبوس اسکن بحق
الملک القدوس لکل نبا مستقر فسوف تعلمون ایضا آورده
که این اشکال را نوشته در زیر دندان گیرد درد او ساکن گردد ـلـه
ـحـلـه سـلـه ایضا ایضا آورده که هر که در وقت عطسه کردن سوره
حمد بخواند و زبان برابر دندانها از طرف بیرون بگرداند در همه عمر درد
دندان نبیند ایضا ایضا آورده [illegible] بر ستون بنویسد و یا نقش
کند مواقعوها و بعد از آن بر میخ آهن هفت بار و ان یکاد الذین
تا آخر بخواند و آن میخ را بر هر حرفی از حروفات آن کلمه میزند و استواد

میکند

میکند و از صاحب می پرسد که درد ساکن شد یا نه بهر حرفی که ساکن شود
میخ را بکوبد نوع دیگر آورده که روز یکشنبه بر کاغذ یا چوب یا دیواری
این شکل را نقش کند که سمعلونی و در وقت نقش کردن صاحب درد
را پهلوی خود بدارد پس میخ آهنی بر دارد و در چشم میم رنند و در
اثناء زدن میخ این و ننزل من القرآن ما هو شفاء تا خسارا را بخوانند
در حال درد ساکن شود و اگر درد دفع نشود میخ را در چشم عین زنند
و در اثناء زدن آیه مزبوره را بخواند فی الفور دفع شود و اگر دفع نشود
بهمین دستور میخ را در چشم واو زند بکلی باذن الله زایل شود
و از مجربات است دستور دیگر این اشکال را بر خشتی یا دیواری
بنویسد و مسماری بر حرف بحرف آن زنند و از صاحب درد استفسار
نماید که درد ساکن شد یا نه پس در هر حرفی که درد ساکن شود
مسمار را فرو کوبد تا برطرف شود الوتا یا لوثاد اعرس طریقه
دیگر بر کاغذی نویسد کهیعص و بر بالای چوبی گذارد
و مسماری در حرف عین فرو کوبد درد ساکن گردد باذن الله تعالی
نوع دیگر گفته اند که چوبی یا آجری بیاورد و این شکل را بر آن
نقش کند کسمعلهفی و در اثناء نقش کردن بخواند ربنا آتنا
من لدنک رحمة و هیئ لنا من امرنا رشدا رب انزلنی منزلا مبارکا

وانت خیر المنزلین وکارد بر حرفی از حروفات این شکل بگذارد و از ضا حب
درد بپرسد که آیا سبکی در درد می یابد یا نه تا وقتی که گوید سبکی یافتم
نوع دیگر در زبدة الدعوات آورده که شکل جیم بدین طریق بکشند
ج ع وعینی در دایره جیم بنویسد و میخ نعل اسب در چشم عین بکوبند
در اثنای کوبیدن میخ سوره والتین را هفت مرتبه بخواند و بدندانی
که درد میکند بدمد و آنکس که دندانش درد میکند باید که انگشت
بر سر دندان نهاده باشد تا درد ساکن شود معالجه بجهة درد دندان
و مواد نزله پوست خشخاش و عنب الثعلب و گل بابونه را با الستوتیه
جوشانیده سر را بخار داشتن تا عرق بر جبین ظاهر گردد
نافع و مجرب دانسته اند و آنچه در تسکین درد دندان مکرر بتجربه
رسانیده اند از مالیدن فلفل با عسل است هرگاه از رطوبات
و نزلات دماغی باشد و بدستور هرگاه فلفل را با گلاب بجوشانند
و از بیرون طلا کنند در حال ساکن گردد و مضمضه سرکه و گلاب
نیز مفید است و سنون و مضمضه کردن بجلنار با سرکه گذشت
که بجهة بدبوی دهان و استحکام لثه و اسنان و قلاع موثر است
و همچنین سنون نی سوخته جهة جلای دندان و سیلان خون
لثه مفید است و در بحر المنافع آورده که بجهة درد دندان هیچ چیز

بهتر

بهتر از کهربا نیست از آن بساید و در محلوج کند و بر دندان نهند
ساکن گردد معالجه جنبیدن دندان برگ اثلق را در دهن
گیرد و از چوب آن مسواک کند دندان استوار گردد و اثلق اسم دیلمی
گیاه پنجشکست که آنرا هندی سینهالی گویند برآمدن دندان طفل
مغز گوسفند بر دهن و بن دندان کودک طلا کنند دندان بآسانی
برآرد و درد نه بیند و از جمله مجربات است و در کتاب کفایة الطلاب
مولفش از شیخ بهاء الدین ره نقل نموده که چون ماه نو بیند بگوید
عاهدت الله الا اکل الهندبا و لا لحم الهرش از درد دندان در آن
ماه سالم ماند معالجه برآمدن دندان اطبا گفته اند که هرگاه خواهند
دندان را بآسانی قلع نمایند بدون تعب ابنرو کندن تا حنت
ضفدع را در بنیه بندد و بر دندانی که خواهد قلع شود گذارد در
ساعت قلع شود و از اسرار است و همچنین بیخ خرنوب که آنرا آل
بوری گویند بر آن گذاشتن نیز باعث قلع بآسانی میشود علاج
صریر الاسنان یعنی دندان بر هم سائیدن اطفال در خواب این
اشکال را بر و بندند بسم الله معن کنح همح ادم دم ن اطبا
متعرض معالجه صریر الاسنان اطفال شدن تجویز نکرده اند و اما
مشایخ و دنوان را گفته اند اگر عارض شود علاج آن جرب کردن

آسان م

کردنست بروغن زنبق و حیری و تناول نمودن کلقند و زاریانه و
شراب بالنکو و تنقیه بحب ایاره و فوفا یا بیز نافع و علاج شمرده اند
و از جمله اسرار است که بجهة ضربر اسنان اطفال تعلیق سنکی در چینه
دان خروس و اسمان کوش است **فصل هفتم** در معالجه دفع
کرم دندان و خون بن دندان مرویست که جبرئیل علیه السلام این تعویذ
را برای حضرت امام حسین ع آورد بجهة درد دندانی که کرم خورده است
چوبی یا آهنی بر آن دندان کذارد و هفت نوبه بخواند العجب کل
العجب لدابة فی الفم تاکل العظم و تترك اللحم انا الراقی والله الشافی
الکافی لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین اذ قتلتم نفسا فادارأتم
فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلك
یحیی الله الموتی و یریکم ایاته لعلکم تعقلون **دستور** دیکر منیحی
بکیرد و سوره حمد و معوذتین هریك سه مرتبه بخواند و بکوید
من یحیی العظام و هی رمیم یا ضرس فلان بن فلان اکلت الحار
والبارد افبالحار تسکنین ام بالبارد تسکنین وله ما سکن
فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم شددت داء ضرس فلان
بن فلان باسم الله العظیم پس آن میخ را در دیوار بکوبد و بکوید
الله الله الله **طریقه** دیکر در حدیث معتبر از حضرت امام موسی

کاظم ع منقولست که فرمود برای درد دندان حنظل را بکیرد و پوستش
را بکند پس روغنش بکیرد و اکر کرم دندانش را خالی کرده باشد در میان
دندان بکذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند اکر بن دندان
درد کند در آن کوشتی که در جانب آن دندان واقع است هر چند
شب هر شب قطره بچکاند و باز فرمود که هر که درد دهان داشته باشد
یا خون از بن دندانش اید یا درد کند یا دهانش جوشیده باشد و
رنکش بسرخی کشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده
باشد بکیرد و تمامش را بکل بکیرد و سرش را سوراخ کنند و کاردی
از آن سوراخ داخل کنند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ نشود
پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ
بریزند و بر روی آتش بکذارد که بسیار بجوشد پس بر دارد و هر وقت
که احتیاج شود بقدر ناخنی بکیرد و بر دندانها و ناخن کذارند
بعد از آن بسرکه مضمضه کنند و اکر خواهد آنچه در میان حنظل است
در شیشه یا ظرفی دیکر خالی کند هر چند ابش بر طرف شود سرکه بر
رویش بریزند و هر چند کهنه تر شود نفعش بیشتر است **طریقه**
دیکر در مکارم آورده که سوره حمد و توحید هر یك را سه مرتبه بخواند
یا ضرس ابالحار تسکنین ام بالبارد تسکنین ام بالبلم تند تسکنین

و دهان

اسکن سکنتك بالذی سکن له ما فی السموات والارض وهو السمیع
العلیم قال من یحیی العظام وهی رمیم الی قوله بکل خلق علیم اخرج
یا دود منها فانك رجیم ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون فخرج
منها خائفا یترقب دستور دیکر در بحر المنافع اورده بجهة دفع کرم
دندان بنویسد و در زیر دندان کیرد تا سه روز ساکن کردد وما
من دابة الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و
جهة فرو ریزیدن و رفتن دندان نیز همین ایه معمولست واطبا
کفته اند که اکر دندان را به بخار سیر و کندنا و تخم ترب و بیر بز بدارند
کرم بیرون اید و مضمضه و سنون حزنوب نبطی که انرا آل بوزی
کویند جهة درد دندان و استحکام ان و پوست بیخ نبات او قالع
دندان کرم خورده است بحیثیتی که محتاج بالت کنده نیست
چنانچه کذشت فصل هشتم در دفع لکنت زبان و حصول
فصاحت و رفع سلاطت این ایات را بنویسد بجهة کودکی که سخن نکوید
یا دیر بسخن آید و با و آویزد بسخن آید ما لکم لا تنطقون اقرء باسم
ربك الذی خلق خلق الانسان من علق اقرء وربك الاکرم
الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم الا من اذن له الرحمن
و قال صوابا انطقنا الله الذی انطق کل شئ ففهمناها سلیمان

از سورة انعام

و از خواص این ایات است که اذ قال ابرهیم لابیه ازر اتتخذ
تا انجا که انی بری مما تشرکون را چون بر باد بیر مس نویسند و باب باران
محو کرده بر کودکی که حرف ترند بریزند زبانش کشاده شود و دیکر
بحر المنافع بجهة درد و آماس زبان این ایه را بنویسد و بکد بسم الله
الرحمن الرحیم قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولنا علیه
توکلنا والیه انیب از خواص و اسرار حرف سین مهملاست که اکر
کسی هفتاد بار بر بدن طفل بنویسد پیش از تکلم بسخن در اید و در
حرز الامان از سکاکی نقل بوده که این حرف را ششصد بار بر بدن
طفل بنویسد و بر طفل بندد بسخن در آید و لکنت از زبان او بر خیزد
نوع دیکر در کتاب خزانة الاسرار اورده که اکر کودکی دیر بسخن اید یا در
سخن کفتن زبان او کیرد سوره بنی اسرائیل را بمشك و زعفران
بنویسد و بشوید و بدو آشامد زبانش کشاده کردد ان شاء الله تعالی
واطبا کفته اند که بجهة ثقل زبان و سستی ان و تشویش کلام این
غرغره بغایت مفید است خردل زنجبیل فلفل عاقرقرحا نوشادر
بوره شونیز صعتر نمك بالسویه نرم سائیده با سکنجبین عنصلی
یا ای که در او مرزنکوش جوشانیده باشند غرغره نمایند و همچنین
بتجربه یافته اند که فلس ماهی را کوبیده سفوف نمایند ثقل زبان کشاده

شود وبنمك وعسل بنا شتا مكر زشتن زبان نیز نافع دانسته اند وتخم قرنی
را باطفال خورانیدن معین نطق ایشان شمرده اند اما معالجه حدت و
سلاطت آن در خزانة الاسرار آورده که هر کرا ایه لا یحب الجهر بالسوء من القول
الا من ظلم وکان الله سمیعا علیما را بنویسد وبر کسی بندد که بسیار کو ومعجب
باشد خاموش وکم سخن کردد واکر زنی سلیطه وبد زبان باشد این ایه بر قطعه
جامه نویسد که از کریبان پیراهن کرفته باشند وان پیراهن را در روز پنجشنبه
بریده باشند وانرا در استان سرای او دفن کنند زبان او کوتاه کردد وهمچنین
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره زخرف را بنویسد وباب باران
حل نموده بزنی که سلیطه باشد بخوراند خوش زبان کردد ایضا در احادیث
وارد شده بجهة حدت زبان وبیهوده کوی باستغفار مداومت نمودن بر طرف
میکردد **فصل نهم** در رفع رعاف ونزف الدم از اعضا بجهة قطع
رعاف این ایات را براو خواند منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة
اخری یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا
ویا ارض ابلعی ماءك ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی
الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ومن یتق الله یجعل له مخرجا تا قدرا
وجعلنا من بین ایدیهم سدا الایه **طریقه** دیکر بجهة قطع رعاف منقول است
که بر پیشانی او بنویسد یا ارض ابلعی ماءك الایه ودر حکا دم اورده که از هان

خون

خون با زعفران بنویسد اما نوشتن بخون این کریمه را بیچ ربتی وبی ادبیست
وناشروع است تا واضح بوده باشد وهمچنین اورده که بنویسد وبر بینی
انکس کیرد که خون ازان آید که یا من حل الفیل من بیتك الحرام اسکن
دم فلان بن فلان **معالجه** بجهة حبس خون از هر جای که بوده باشد
چه رعاف وچه غیران بخواند وبر ان موضع دمد بسم الله الرحمن الرحیم
ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن الله ولیخزی
الفاسقین **نوع** دیکر از کتب نیرنجات بجهة دفع رعاف و
احتباس خون ان ذکر کرده اند که از اف خون این شکل را بر پیشانی صاحب
رعاف نویسد بایستد باذن الله ک ف ف ف **نوع** دیکر این شکل را بر پیشانی
صاحب رعاف نویسد بسته کردد طب طب مطب طب طب مطب
نوع دیکر بجهة قطع رعاف بر جبین او بنویسد شخطش **نوع** دیکر این
شکل را نوشته بر پیشانی صاحب رعاف چسباند

ح	[illegible]	ک	ا
	ط	ه	
م	ب		و

نوع دیکر در درمکنونه مذکور است بجهة که سه نوبت
این کلمات بر هر موضعی که خون ازان آید بکوید خون منقطع شود انقطع
ایها الدم بحق حوا وآدم **طریقه** دیکر جهة قطع رعاف بنویسد وبر بینی
چسباند هوطا لوطا لوطا یقطع الدم بلا ابطا ومن ینکر ذلك اخطا
از هاون خود این اشکال را بنویسد وبر پیشانی او بندد منقطع شود

بنا بينا اينشا ركبين اسكن بعزة الله وقدرته دستور ديكر بجهة قطع
رعاف بر ورق آهو نويسد وازميان دو ابروى صاحب بياويزد باز
ايستد وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل
انقلبتم انقلب يادم بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم هج هج
لح هج لح هج لح هج هج لحطاس هى حطاس هى و اگر زنى باشد كه اورا استحاضه
باشد همين را بر سر قطعه كاغذ بنويسد ويكى از جانب پيش بر دامن او
بياويزد وديكريرا از جانب پس وديكريرا احيان بياويزد كه محاذى
زير ناف او باشد خون باز ايستد **طريقه** ديكر بجهة حبس رعاف ونزيف الدم
بنويسد وبر او آويزد خون قطع شود منقول از در مكنون بسم الله الرحمن
الرحيم . ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت تا جميعا بسم الله انقطع
ايها الدم الذى يسيل من خشية الله وبعزة لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد ايها الدم الذى يسيل ارتفع بقدرة الجليل وقدرت يا
لتهليل اسكن ايها الدم وانقطع كما سكن دم ادم انا الرادك الى معاد
وقيل يا ارض ابلعى ماءك ويا سماء اقلعى وغيض الماء جار موسى بن عمران
الحجر ينبوع مد عصاه الى الماء فقال له اسكن بحق رب السموات و
الارض والاسماء الحسنى فسكن كذلك يسكن دم ١٢ بن ١٢ ورفعناه مكانا
عليا وانا على ذهاب به لقادرون افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها

وزيناها وما لها من فروج لقد خلقنا الانسان فى احسن تقويم
كفا ايها الدم الجارى وجف بقوة اسماء الله عز وجل وقدرته وهو نه
٨١ ١١١ ١١١ ص ١٣ ١١ل عمد ع ه ما و١١ه ٩١١١ ١١٨ ١١ك ١١ى
١١١ ٩ ١٥ ٢ ه ك ر م ١٥ ١١١١ ك٨ ٥ ١١١ ح ١١١١١ ه ١١ ا و ك ١
ايها الدم اسكن واسكن جريانك وسيلانك بالذى يمسك السماء ان
تقع على الارض الا باذنه سيد قوط سير قوط خير قوط جبر وقط حبر قوط
لكل نبأ مستقر وسوف تعلمون انقطع ايها الدم بالف لا حول ولا قوة الا
بالله العلى العظيم **اطبا** سوخته بيضه بقدرى كه سياه شود و
خاكستر نكردد جهة قطع رعاف مهلك مجرب دانسته اند **ايضا** فتيله
راكه سفيده تخم مرغ الوده وباهك معمول آغشته در بينى كذاشتن
در قطع رعاف مجرب يافته اند وهمچنين سعوط كرد برنج كه در حين
سفيد كردن بهم رسد جهة قطع رعاف مجرب يافته اند **ودر** بحر المنافع
آورده كه اكر رعاف بهيچ چيز باز ايستد كرد وى خالى در قفاى او بياويزد
خون باز ايستد **ايضا** سركين كاو كرم كرده در پيشانى بندد خون
باز ايستد **ايضا** آرد ماش با بخير كنند وبر تارك سر مالد خون
خشك شود خون باز ايستد **ايضا** سركين كاو را سوخته خاكستر
كرده در بينى دمد رعاف باز ايستد **واكر** تار عنكبوت را بر جراحت

تازه که بر ظاهر بدن باشد بگذارند بدون ورم خونش منقطع شود

ایضا صمغ و زاج سفید و عسل بر زخم تازه همین خاصیت دارد و

در بحر المنافع بجهة درد میانه بینی این آیه را ذکر کرده بسمله قل اؤنبئکم

بخیر من ذلکم للذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار

خالدین فیها وازواج مطهرة ورضوان من الله والله بصیر بالعباد

فصل دهم در دفع درد دستها در بحر المنافع بجهة درد

بازوها آورده که بنویسد و بران بندد وقیل یا ارض ابلعی ماءک تا

الظالمین سنشد عضدک باخیک ونجعل لکما سلطانا وبجهة

درد بازوی راست ان الذین یبایعونک تا اجرا عظیما از سوره فتح

وبجهة درد بازوی چپ بسمله واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال تا

العظیم از سوره واقعه بجهة درد مرفق راست علی الله

توکلنا ربنا افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین

بجهة درد مرفق دست چپ وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدینا

سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون

طریقه دیگر بجهة درد دستها بنویسد و بران بندد قالت الیهود

ید الله مغلولة غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان

ینفق کیف یشاء ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک

ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم

طغیانا وکفرا فلا تاس علی القوم الکافرین فصل یازدهم

در دفع درد سینه وپستان و زیاده شدن شیر در خواص آیات

قرانی آورده که بجهة درد سینه این آیه را بر سر بار بر قدری نان بنویسد

بمریض دهد تا بیاشامد و قدری بر سینه مالد شفا یابد رب اشرح

لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی مرویست

که شخصی از درد سینه بخدمت یکی از ائمه علیهم السلام شکایت کرد حضرت

فرمود که از قران شفا بطلب زیرا که حق تعالی فرموده فیه شفاء لما فی

الصدور یعنی در قرانست شفای آنچه در سینها است و در مکارم

آورده که بجهة درد سینه آیه واذ قتلتم نفسا فادارءتم تا تعقلون

بخواند و بران دمد نافع باشد نوع دیگر در بحر المنافع آورده بجهة

درد سینه و دل سوره الم نشرح بخواند و بران دمد زایل گردد نوع

دیگر این آیات را بنویسد و خوردن دهد و بر سینه آویزد صحت یابد

وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین نوع دیگر بدستور مذکور

معمول دارد ونزعنا ما فی صدورهم من غل اخوانا علی سرر متقابلین

افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه ربنا لا تزغ

قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب

الا بذکر الله تطمئن القلوب ایضا همین نحو معمول دارد و بدین

عنکم رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام اذ یوحی
ربک الی الملئکة انی معکم نا کل شئ قدیر معالجه درد پستان این
اشکال را در د رمکنونه بجهت درد پستان آورده و گفته که بنویسد و زن
بر گردن اویزد چنانچه میان پستانها باشد. اینست ع ٨٨ ٨
[illegible] ٩ ٨ ٨ ٨ [illegible]
[illegible] ١٢ = ٨ [illegible]
[illegible]
معو ساا ... ااحاه ... العطسه
سماسب مجر لوادیت ماو رما سماما و ولسعر سر اسعار فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم کما کما حومد یخرج من بین الصلب
والترائب وبالله وباسمائه استشفی اشف انت الشافی وننزل من
القران شفاء وشفاء لما فی الصدور نوع دیگر بنویسد و بر پستان
بندد یا کردن آویزد بنحوی که محاذی پستان باشد و نقش طلسم
درد ورط ... وکاتن وذللنا ها لهم فمنها رکوبهم ومنها
یاکلون فلان بنت فلان وجع الدنبان نسقیکم مما فی بطونها
من بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربین ه ه سهو
هه هو ... اما بجهة ورم پستان و دردان و زیاده

سژن

شدن شیر زنان ارد باقلا ۱ مثقال تخم بادروج ۵ مثقال با آب
بادروج یا آب ریحان سرشته ضماد کردن نافع است اما ضماد
ارد باقلا با سکنجبین بر پستان بجهة ورم پستان و ورد آن
مجرب دانسته اند و اگر او وجع بجهه بسته شدن در پستان بود علامت
آن حمرت و انتفاخ و صلابت و وجع پستان باشد حرقه بکلاب و
سرکه تر کنند و بران نهند و اگر حرارت آن عظیم باشد آرد باقلا و جو
و سفات و آب کشنیز و آب خرفه و سفیده تخم مرغ طلا کنند و ضماد آرد
عدس با برگ کرنب جهة ورم پستان و انجماد شیر زن نیز حدین با
مفید است اما بجهه زیاده شدن شیر مرضعه در بحر المنافع آورده
بنویسد این دعا و بر بالای پستان بندد بسم الله وبالله وبکلمات الله
التامات واسمائه العظیم جهل تری من یا قدیم اسالک یا سید السادات
ویا عالم السر والخفیات یا مجیب الدعوات ویا منزل البرکات یا قاضی
الحاجات ویا سامع الدعوات لا اله الا انت یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
والاکرام وصلی الله علی محمد واله اجمعین نوع دیگر ثم قست قلوبکم
فهی کالحجارة او اشد قسوة تا فیخرج منه الماء بنویسد و بشوید و
بخورد آن زن دهد شیر بغایت زیاده شود فصل دوازدهم
در دفع درد دل و طبیدن آن و فزع و دلتنگی در کتاب مکارم بجیه

در درد دل اورده که این فاذا قرأت القران فاستعذ بالله من الشیطان
الرجیم را با معوذتین بخواند و بنویسد و بخوراند نافع باشد نوع
دیگر این ایات را بر آب خواند و بیاشامد ولئن انجیتنا من هذه لنکونن
من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر الی قوله وامران الله یمسک
السموات تا غفورا نوع دیگر بدستور مزکور بر آب خواند و بیاشامد
و بنویسد و بر گردن آویزد بسمله ربنا لا تزغ قلوبنا تا لا تخلف
المیعاد الذین امنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله تا حسن ماب لئن
انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین نوع دیگر در کتاب در
مکنون اورده که بجهة درد دل این اشکال بنویسد اگر خواهد شسته بیاشامد
و اگر خواهد با خود دارد ه ه ه ه = ✕ ع ع ع ع ع ع ع ع
امل امل امل ایضا بر ظرف نو کاشی چه بنویسد و بیاشامد بسمله
سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی هدا هدا
هدا ایها الوجع بعزة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ب ت ث
ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن هو لای نوع دیگر در مجد
المنافع آورده که این ایات را نوشته تعویذ نماید و بر ظرف نو نوشته شسته
بخوراند درد دل ساکن گردد فوقهم الله شر ذلک الیوم ولقیهم
نضرة وسرورا وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا اشف فوادنا یا شافی

وضع درد دل

نوع دیگر بنویسد و بر سر دل نهد درد ساکن گردد لئن انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین ان یشا یسکن الریح فیظللن
رواکد علی ظهره ان فی ذلک لایات لکل صبار شکور الذین امنوا و
تطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب وجه دیگر که معنی مذکور است
که این ایه را بنویسد و بشوید و کسی که درد دل داشته باشد بیاشامد
ساکن گردد ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع وهو شهید
معالجه طپیدن دل بنویسد و بشوید و کسی که دلش و طپیدن نماید بیاشامد
ساکن گردد بسمله رب عیس و عابس و نفس و نافس و جبر یابس و شهاب
قابس و ماء قارس بحق اسمک العظیم و بحق اسمائک الحسنی و بحق
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سبحان یا سلطان سلام
قولا من رب رحیم ✡ ااا م ح ااااا ه ی نوع دیگر بر آب
بخواند و بامداد و شبانگاه بخورد الذین امنوا وتطمئن قلوبهم بذکر
الله الا بذکر الله تطمئن القلوب لئن انجیتنا من هذه لنکونن
من الشاکرین واز خواص سوره الم نشرح بتجربه رسیده که بجهة
دفع دلتنگی هفده روز صبح و شام یکنوبه بخواند رفع شود و ابن
تمیمی در خواصش آورده که هر که ایه افغیر دین الله یبغون تا هم
الخاسرون از سوره آل عمران بر سفال نو آب نرسیده بنویسد و آب

باران یا باب چاهی که شیرین باشد وافتاب بران نتابد بخورد
بیاشامد خفقان وفزع از دل او بیرون رود فصل سیزدهم
در دفع درد معده وضعف ان ودفع بلغم وصفرا وسودا ورطوبت
ویبوست مزاج در خزانة الاسرار مذکور است که ایه ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب را بر خرما
یا فانید سه نوبه بخواند وبکسی که درد معده داشته باشد داده بخورد
صحت یابد مجربه ثقل معده دست بر شکم مالد واین منتر را سه نوبه
بخواند که مجربست اهیو جوی نر خیر نجوی نر کورک پوچ باندر
صاحب در النظیم آورده که هر که اسم نور را مقطع بدین صورت
ن و ر پنج بار کتابت کند وبکسی که بدرد معده یا خفقان مبتلا
باشد بخورد دارد حق تعالی امرض را ازو دفع کند واگر آن نوشته بر
عضوی که متالم باشد بندد درد فرو نشیند والم وی تسکین یابد
ودر بحر المنافع بجهة قراقر شکم ودرد ناف ونفخ وکرم حب القرع
بر سه پاره شکر بخواند وهر روز نهار یکپاره بخورد ودو دفعه چنین
کند تا شش روز بگذرد روز هفتم قدری چیز تلخ بخورد صحت یابد
اینست یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم معالجه
ضعف معده در رمز مکنون آورده که اگر هفت مرتبه تار امقلوب در وقتی

که قمر

که قمر در منزل ذابح باشد بر پوست لاک پشتی بنویسد وصاحب ضعف
معده بران نظر کند از ضعف معده صحت یابد بدین طریق است
ایضا از حضرت صادق
علیه السلم منقولست که بجهة دفع ضعف معده جزاه را با اب سرد بخورند .
وان گیاهیست شبیه بکرفس که انرا بیوزا گویند معالجه کرم معده از
حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که خرما را ناشتا خوردن
کرمهای معده را می کشد واز حضرت صادق ع منقولست که هر که
هفت دانه خرمای عجوه را در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش
کشته میشود از حضرت امام رضا علیه السلم مرویست که بخورید سرکه
را که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد واطبا
خوردن دو مثقال تخم امرود را کشنده کرم معده ومجرب دانسته اند
وهمچنین خوردن قنب یعنی شهدانج وگذاشتن وضماد ان بر شکم
از خارج کشنده کرم معده که انرا حب القرع گویند دانسته اند وهمچنین
ضماد برگ الو را با سرکه جهة کشتن کرم امعا مجرب یافته اند علاج
بلغم وصفرا وسودا ورطوبت در کتاب خزانة الاسرار آورده که
کسی را که در بدن بلغم بسیار باشد وخواهد که دفع شود سوره قدر را
بر روغن گل خواند وقدری شیر زنان بران اضافه کند وبدن را بدان

چرب کند نافع باشد و در کتاب حرز الامان برای ازالهٔ بلغم و رفع
رطوبت از معده اورده که این حروف چهارگانه را بر لوحی نقش کند و از
پیش سینه بیاویزد چنانچه محاذی فم معده بود عاجل النفع است
ب ذ م ق واز حضرت صادق عم منقولست برای دفع زیادتی بلغم
بگیر کندر رومی و کندر و آیشم و زنیان و سیاه دانه اجزا مساوی
یکدیگر همه نرم بکوبد و ببیزد و با عسل خمیر کند و هر شب در وقت
خواب بقدر فندقی بخورد و در حدیث دیگر فرموده که ناشتا بحمام
رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و سودا
را دفع میکند واز حضرت امام محمد باقر عم مرویست که فرمود که بسیار
شانه کردن بلغم را کم میکند واز حضرت امام رضا علیه السلم منقولست
که بگیر از هلیله زرد یکمثقال افار خردل دو مثقال و عاقرقرحا
یکمثقال و بسیار نرم بکوبد ناشتا بر دندانها بمالد که بلغم را دفع میکند
و دهن را خوشبو میسازد و دندانها را محکم میکند مرویست که مردی
بخدمت امام علی النقی علیه السلم شکایت کرد از یبوست مزاج فرمود که ناشتا
خرمای برنی بخور و بر بالای ان آب بخور چنان کرد فربه شد و رطوبت
بر مزاجش غالب شد و باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی
را ناشتا بخور و آب بر بالایش مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد

نوع

نوع دیگر در درمکنونه اورده که هرکه بسیار این کلمه را بر زبان راند که
جمّز بخشذ جذب رطوبات ازو کرده شود که در وقت خواب از دهان
سیلان میکند و بدن را قوت دهد و همه قوای ظاهری و باطنی را تقویت
کند اطبا خوابیدن بشکم جهة جذب بلغم دماغی و تحلیل رطوبت
معده و تنقیه حلق از اخلاط لزجه مفید دانسته اند فصل چهاردهم
در دفع درد پشت و کمر در خواص ایات قرانی مذکور است که هر که از سوره
انبیا ایه ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون را
تا یومکم الذی کنتم توعدون بر ظرف پاکی بسیاهی بنویسد و باب چاهی
که آفتاب ندیده باشد بشوید و مریض از ان سه جرعه بیاشامد و قدری
از ان بر پشت او بپاشند در وقتی که درد او بشدت رسیده باشد
و سه روز بدین دستور عمل کند شفا یابد و اگر آثار بروغن بابونه از انظر
محو نماید و آن روغن را بر پشت مالند درد پشت را زایل کند و در حدیث
امده که اسمعیل فرزند حضرت امام جعفر صادق عم بخدمت پدر خود
از درد پشت و شکم شکایت کرد حضرت او را طلبید و فرمود که بر پشت
خوابید و این دعا را بر او خواند بسم الله وبالله وبصنع الله الذی اتقن
کل شئی انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالله الذی سکن له ما
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و در حدیث دیگر منقولست

کە شخصی بخدمت حضرت امیر المومنین علیه السلام شکایت کرد از درد
پشت فرمود کە دست بر اموضع نه کە درد میکند و سه مرتبه این دعا
را بخوان وما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا موجلا ومن یرد
ثواب الدنیا نوته منها ومن یرد ثواب الاخرة نوته منها وسنجزی
الشاکرین پس هفت مرتبه سوره قدر را بخوان ایضا در مکارم
آورده کە بجهه درد پشت این شهد الله انه سریع الحساب بران خواند
نافع باشد نوع دیگر این لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا
عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید با ایه والذین معه اشداء
تا اخر سوره فتح بخواند و بنویسد و با خود دارد نفع یابد طریقه
دیگر در بحر المنافع بجهة درد پشت این ایات را نوشته با خود دارد این است
بسم الله الرحمن الرحیم یخرج من بین الصلب والترائب انه علی رجعه
لقادر یوم تبلی السرائر فما له من قوة ولا ناصر یا حی یا قیوم برحمتك
یا ارحم الراحمین ایضا بجهه درد کمر بنویسد و با خود دارد لا تخاف
درکا ولا تخشی فاتبعهم فرعون بجنوده فغشیهم من الیم ما غشیهم
واضل فرعون قومه وما هدی وصلی الله علی محمد واله ایضا
بجهه درد میان کمر یا یحیی خذ الکتاب بقوة واتیناه الحکم صبیا
وحنانا من لدنا وزکوة وکان تقیا سفوف جهة درد پشت

ودرد

ودرد بول و منی وتقویه انعاظ و سستی الات وتناسل مجربست
واز حکمای هندوستان واز ترجمه باهر نقل شده فوفل ۷ مثقال
ونیم را صلایه کرده در سفال پاك اندك بوداده دارچینی هفت مثقال
ونیم را بدستور کوفته و بیخته اضافه نماید و بر روی آتش نرم کذاشته
با چهار پنج عدد زرده تخم مرغ بقدر انکه معجون شود آنچه معز
پسته دو مثقال و نیم ونبات نیز بدستور دو مثقال و نیم را کوبیده
بران نثار کند مجموع انرا در یك روز تناول نماید مجربست فصل
پانزدهم در دفع درد شکم وناف وسپرز مرویست کە مردی بخدمت
حضرت امیر المومنین عم از درد شکم شکایت کرد فرمود کە آب گرم
بخور و این دعا بخوان یا الله سه بار یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب
یا اله الالهه یا ملك الملوك یا سید السادات اشفنی بشفائك من
کل داء وسقم فانی عبدك وابن عبدك اتقلب فی قبضتك طریقه
دیگر از حضرت صادق عم مرویست کە شخصی بخدمت حضرت
رسول صلی الله علیه واله امده عرض نمود کە برادرم از درد شکم آزار دارد
فرمود کە اندك عسل با اب گرم بخورد روزی دیگر امده گفت عسل
خورد نفع نکرد فرمود کە برو و باز عسل بده تا بخورد و هفت نوبت
سوره حمد در نزد او بخوان چون انشخص برفت فرمود کە برادرش

سنافو است باین سبب خوردن عسل او را نفع نکرد دستور دیکر
در چند روایت وارد شده که برای درد شکم و قولنج بر جامی بمشک
و زعفران سوره حمد و معوذتین و توحید را با این دعا بنویسند
و باب باران بشویند و ناشتا یا وقت خواب بخورند اعوذ بوجه الله
العظیم وبعزته التی لا ترام وبقدرته التی لا یمتنع منه شیء من
شر هذا الوجع وشر ما فیه وشر ما احذر منه نوع دیکر
دست بر موضع درد نهند و هفت نوبت بکوید بسم الله اعوذ بعزة
الله وقدرته وجلاله من شر ما اجد و دست بر موضع وجع و درد
نهند و سه بار بکوید بسم الله ایضا بنویسد و بروی اویزد بسمله
قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم ولو ان
قرانا سیرت به الجبال تا جمیعا ایضا بروی خواند بسمله ما اصابکم
من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرءها
ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین
کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رءوسهم الحمیم یصهر
ما فی بطونهم والجلود فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش
الکریم لا اله الا هو وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ایضا بسمله

وایه

وایذ و ذا النون اذ ذهب مغاضبا تا ننجی المؤمنین و فاتحة الکتاب را
هفت نوبت بران خواند شفا یابد ایضا بخواند و بران دمد و لئن
انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین ان الله بالناس لرءوف
رحیم وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید
الظالمین الا خسارا ایضا [illegible] سه نوبت بران خواند که والله خلق
کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی بطنه ومنهم من یمشی علی رجلین
ومنهم من یمشی علی اربع یخلق الله ما یشاء معالجه درد ناف این شکل است
وازخواص
که بر ناخن ابهام دست چپ بنویسد و ببیند بجهة درد شکم و قولنج
مجربست لمغ فنجل معالجه درد ناف مرویست که شخصی بخدمت حضرت
صادق عم امده از درد ناف شکایت کرد فرمود که دست بر آن موضع
بگذار و سه نوبت بکوی انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه
ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و در بحر المنافع بجهة درد ناف
این آیات را ذکر کرده که تعویذ نماید و بران بخواند بسم الله الرحمن
در فصل
الرحیم الذی خلقنی فهو یهدین تا من اتی الله بقلب سلیم و کذشت
درد معده که بر سر پارچه شکر بخواند بجهة درد ناف و قراقر شکم و نفخ
وحب القرع دو دفعه و تا ششم هر روز یکبار چهار ناشتا بخورد و در
روز هفتم چیز تلخی اندک بخورد صحت یابد که یوم لا ینفع مال و لا بنون

الامن اتی الله بقلب سلیم **منتر** بجهت درد شکم بر پشت خوابیده پای
راست بر بالای پای چپ اندازد و سه نوبت این سوره لایلاف بخواند و
بعد از ان این منتر را بخواند و دست بر شکم مالد درد ساکن شود
باذن الله تعالی و مجربست اَجِرْ اَجِرْیْ تَجِرْ تَجِرْیْ تُوکُرْکْ کَبُوکْ
بَاَنْدَهْ **اما** معالجه سپرز از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
منقولست که برای دفع الم سپرز این ایات بر زعفران بنویسید و باب
[illegible] بشوید و بخورد شفا یابد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما
تدعون تا و کبره تکبیرا **نوع** دیگر مرویست که یکی از دوستان
امام محمد باقر علیه السلام بخدمت آنحضرت از شدت درد سپرز شکایت کرد که
هرچند معالجه نمودم نفع نداد و مشرف بهلاکت شده ام فرمود که بادروه
نقره بده و کندنا بخر و از ان با روغن عربی خوب بپخته کن و سه روز
بکسی که از درد سپرز داشته باشد بخوران که اگر خدا خواهد شفا میبابد
وحضرت امام موسی کاظم علیه السلام بیکی از غلامان خود که از سپرز
داشت فرمود که تا سه روز باد کندنا بخورانند چنان کردند شفا
یافت **ودر طب** الائمه اورده که این اشکال را بر ورق آهو بنویسید
و بر بازوی چپ صاحب سپرز ببندند تا هفت روز از ان درد خلاص
میشود لا س س س ح ح دم کرم له محح الله صنوه و مجربست

مجحت

مجحت به عک بان عهنا یحتاج حل ضرس یقولوا امسوا سعون
ودر مکارم اورده که بر کفهای دست صاحب سپرز سوره نصر را
سه نوبت و اینده عاوایه را که ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا
تا کنتم توعدون سه نوبت بخواند بعد از ان هر دو دست را بر محل سپرز
بمالد هفت بار چنین کند نافع بود **ایضا** ان الله یمسک السموات
والارض تا اخر و ایه انه من سلیمن و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی و اتونی مسلمین را بنویسید و بر محل سپرز بندد زایل گردد
ایضا این شکل را بنویسید بر کاغذی و در قاشق نهند و پشت
قاشق را بر موضع سپرز نهند و اخگری بر روی کاغذ نهند تا تمام
بسوزد اینست **ودر** کتاب شجره طیبه مسطور است
که بجهت دفع سپرز بر سر پارچه کاغذ این شکل را بنویسید و در میان
قاشقی که خاکستر داشته باشد باید نهاد و اتش انگشت بر ان گذاشت
تا کاغذ بسوزد و قاشق را بر روی جامه محاذی سپرز بگذارد سپرز
گداخته میشود اینست **دستور** دیگر روز چهارشنبه
اخر ماه شش پا سپرز بر روی سپرز خود بگذارد و حمد و توحید هر یک
دوازده نوبت بخواند پس از ان بر دیوار بسمت قبله میخی بکوبد بنام خود و
مادرش بعد از انکه سوره توحید را خوانده باشد چون سپرز خشک شود

او بر شود **نوع** دیگر در روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب
بنویسد و بر بازوی چپ مریض بندد و بعد از نه روز در آب روان
اندازد و اگر به نشود در روز چهارشنبه دیگر بعمل آورد و اگر به نشود در
روز چهارشنبه ماه سیم بعمل آورد البته ان درد زایل شود الم الم المص
الر الر الر المر المر حم حم حمعسق حم حم کهیعص طه طسم طس طسم
الم الم الم الم الم یس والقران الحکیم ص ق ن ان الله یمسک السموات
والارض ان تزولا انه کان حلیما غفورا و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین
فیه ارجع الیها الطحال الی موضعک بحرمت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله **نوع** دیگر
این اشکال را صاحب سپرز با خود

٤ ٨ ٤	ماومه وه	٤ م ر
٤ ٢ ٨ ٤	ماوده وه	دم ٤
ساماطامل	مم رو	لح مدد
ساماوطال	مم رو	اطالح

دارد نفع یابد اگر خواسته باشد که تجربه نماید این اشکال را بر روز بر گوسفندی
بندند و بعد از ان ذبح نمایند به بیند که سپرز ندارد اشکال اینست
[illegible] لاغلط مقد ماه عدان [illegible]
ح او ع م م اسه الایبا **نوع** دیگر این اشکال را بر تخم مرغی نوشته
در کیسه بندد و بیاویزد چون خشک شود برطرف شود عاوع ولح ووو
[illegible] و در مجربر المنافع اورده که این شکل را

بر پوست آهو بنویسد و در پوست میش گیرد و شش روز در بازوی چپ
بندد و روز هفتم بگشاید سپرز دفع شود و اگر خواهد امتحان کند
بر پوست آهو بنویسد و در پوست میش گیرد و بر گوسفند شش روز
بر بندد روز هفتم او را ذبح کند سپرز نداشته باشد [illegible]
ورم **و اطبا** جهت ورم سپرز که از حرارت باشد تجربه نموده اند که
برگ درخت گز را کوبیده با آرد جو و سرکه ضماد نمایند و بد سبوس
سبوس گندم را در سرکه پخته مندی با ان آغشته ضماد کنند نافع بود

فصل شانزدهم در دفع قولنج و نفخ و قراقر شکم و استوانه در
فصل درد شکم مذکور شد که حمد و معوذتین و توحید را با این دعا که
اعوذ بوجه الله تا آخر بر جامی بمشك و زعفران بنویسند و باب باران
حل و ناشتا یا وقت خواب بخورند بجهة قولنج نافع است **و در** نسخه دیگر آورده
که حمد و معوذتین را بر فالج و قولنج و بادهای مفاصل بخوانند و بعد
از ان این دعا را بر استخوان شانه یا بر کوزه نویسد و باب باران بشوید
و ناشتا بخورد و وقت خواب نیز بخورد و بخواهد شفا یابد **و از حضرت**
امام موسی کاظم علیه السلام بجهة دفع قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی
بدن و برودت اندرون مرویست که یک کف سنبل را با یک کف انجیر خشک
بگیرد و انقدر آب بران بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند

وصاف کند و یک روز در میان بخورند تا آنکه مجموع روزها بقدر یک
قدح بزرگ خورده شود نوع دیگر بجهة قولنج بتجربه رسیده است که بنویسند
بمشک و زعفران و بشویند و بیاشامند بسمله بسم الله المبارک العظیم
تا آخر آنچه مذکور شد در فصل دوم مقدمه کتاب در کتاب در مکنون نیز
آورده که این اشکال را بر کف دست چپ نویسد و بدان نظر کند قولنج
زایل گردد ٥٥٥٥ [illegible] ی ی ی ی ی ی ه [illegible]
و در حرز الامان آورده که اگر کسی ده بار حرف عین را بدین روش بخون
کبوتر بر برگ ترنج نویسد و بگلاب محو نموده صاحب قبض و قولنج آنرا
بیاشامد گشاده گی یابد ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ایضا آخر
سوره قدر را از تنزل الملئکة تا آخر با این شکل [illegible]
بنویسد و در آب اندازد و بخورد و دیگر بار نوشته با خود دارد قولنج رفع
شود ایضا این اشکال را همین خاصیت گفته اند ااع ااا د وا ٧
ااا ااا در واع ٩ ادم و لا ادم وه وا لاه در واع اوم او قبول برده
[illegible] بجهة قولنج دفع این مثر مجرب است
دست بر موضع آن مالد و بخواند سورۂ [illegible]
در کتاب انیس العقلا آورده که بعضی اخبار نقل شده که پنج هاء و
دو خط ممتد بر بالای یکدیگر هیات تنوین مفتوح و یک صلیب

ادر

کرده و خط متقاطعند و چهار زاویه قائمه که در هر زاویه بوده باشد
یا بر بالای زاویه اعلا هفت نقطه بگذارند و بعد از آن هفت همزه و
یکواو و یکها، و یکصاد و یکمیم و لامی در میان تنوین آن بنویسند
که دنبالهٔ میم تقاطع قوس کرده باشد بدین شکلی مشابه بهتر آنرا مرقوم
سازند متضمن اسم اعظم گفته اند اگر کسی این شکل بر کف چپ کسی
بنویسند که قولنج و درد شکم داشته باشد و صاحب علت آنرا ببیند صحت
می یابد اشکال اینست [illegible]
[illegible] مؤلف گوید که این اشکال مذکور نیز با آنچه سابقا
از در مکنون استخراج و مذکور شد که در دست چپ صاحب قولنج نوشته
بدان نظر نماید و در دیوان حضرت امیر ع این اشکال و خواص آنها
را در ضمن ابیات چند مذکور است و در فصول سابقه در خاصیت آیه
لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم اشاره که بر شکر خوانده شش
روز تناول نماید و روز هفتم اندکی چیز تلخی بخورد اما معالجه
قراقر شکم منقولست که شخصی بخدمت امام موسی کاظم ع از قراقر شکم و دمدمه
شکم شکایت نمود که بمرتبه آزار میکشم که چون با شخصی سخن میگویم خجلت
میکشم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا را بخوان
اللهم ما عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه و ما عملت من سوء فقد

حذر تنبیه فلا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا احد
لی فیه او امن فیما لا عذر لی فیه **و در روایت** دیگر آمده که ذریح محاربی
بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام از درد شکم شکوه کرد و بود که چه مانع است
ترا از خوردن سیاه دانه با عسل **اما** معالجه نفخ شکم اینست دعا را بخواند
و دست بر شکم مالد بسم الله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما
و بعث محمدا بالحق نبیا پس سه نوبه بگوید یا ریح اخرجی باذن الله تعالی
ایضا بتجربه رسیده که بعد از خوردن طعام دست را بر محاذی معده
و شکم هفت مرتبه بمالد و هر بار بگوید صلی الله علی محمد و آله از نفخ کردن ایمن ماند
و ایضا تدهین مراق شکم بروغن بید انجیر و سفوف دو سر عدد انک
را زیانه مسحوق و تجرع گلاب از عقب آن یا عرق برنجاسف یا رازیانه
درین باب نافع دانسته اند **اما** علاج استونه که باصطلاح خراسان
رگ انگوخوانند قطع کل البخاری راهین و در بالای آن رگ که در حوالی ناف
میباشد گذارد و سوره مبارکه یس را بخواند بهر هفت مبین که در آن سوره است
چون برسد بنوک کارد یا قلمتراش خطی بر آن گل بکشد مشروط بر آنکه چهار
خط را در طول بکشد و سه خط را در عرض بنوعی که خطوط عرض طولانی را
تقاطع نماید و بعد از آن گل را برداشته در سایه گذارد که آفتاب بر آن
نتابد تا خشک شود چون گل خشک شود آن نیز بر طرف شود و بگوید و قت

الی

الی و برکت سوره طیبه والله اعلم **فصل هفدهم** در دفع زحیر
و پیچش شکم و درد روده و اسهال مرویست که شخصی بخدمت حضرت صادق
از پیچش شکم شکایت کرد فرمود که آبی بگیر و این آیات را بر آن بخوان پس آنرا
بخور و دست بر شکم بمال آیات اینست یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
ولتکملوا العدة سه مرتبه بعد از آن اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون **و در روایت** دیگر وارد است که همان دعای کتاب امام موسی کاظم
در دفع قراقر شکم مذکور شد بجهت زحیر بعد از فراغ نماز شب باید خواند
نوع دیگر در حدیثی دیگر مذکور است که این آیات را بر روغنی بخواند و بر
شکم مالد بسمله ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر فتحنا علیهم ابواب
کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات الآیة
نوع دیگر از ائمه علیهم السلام منقولست که این افسون را بر آب یا روغنی
بخوانند و صاحب پیچش بخورد و دست بر شکم مالد و بگوید یرید الله بکم الیسر
ولا یرید بکم العسر افسون اینست ثم السبیل یسره ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة والله اخرجکم
من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج ایها اللوی باذن الله تعالی

طریق دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام بجهت زحیر شکم مرویست
که فرمود گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش ملایم بوی داده سفوف کن
و در مصباح کفعمی آورده که هر که سوره والشمس را بنویسد و بشوید و
بصاحب زحیر دهد تا بیاشامد صحت یابد و از حضرت امام رضا ع
مرویست که فرمود کرد کان را بر روی آتش بگذار تا بریان شود پس پوستش
بکن و بخورد تا پیچش شکم برطرف شود طریقه دیگر از حضرت امام جعفر
صادق ع مرویست که فرمود که بجهت پیچ شکم هفت نوبت بر روغنی بخوان
و بر شکم بمال و در نسخه دیگر آورده که بر آب بخواند و بعد از آن روغنی در آن
آب بریزد و چون ممزوج شود بر شکم بمالد و قدری بیاشامد اینست
بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون والذین یعلمون قاعدون
فوق علیین یاکلون نورا طریا سیالون صاحبهم من النور العلوی
کذلک یشفی فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا تا افلا یؤمنون ایضا از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست
که بجهت پیچش ناف و بعضی گفته اند که در رویست در معده که بسبب سوء
معده هضم چیزی ثقیل خوردن بهم رسد این آیات را بر آن بخواند و
بیاشامد و دست بر شکم بمالد نافع است یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر او لم
یر الذین کفروا تا یؤمنون ایضا از ها بجناب مرویست که فرمود

لوی یعنی م

اذا

اذا السماء انشقت تا ما فیها وتخلت و آیه واذ قالت امرأة عمران رب
انی نذرت لک الآیه و آیه وننزل من القرآن تا للمؤمنین را یکبار بر آن
بخواند نافع است معالجه مغص و درد روده درد زمکنونه آورده که
این شکل بجهت درد روده و پیچش ناف که از امغص گویند نوشتن و تعلیق بودن تا نفعست

و ایضا این
اشکال نیز همین
خواص دارد

ایضا بجهت مغص و امانده گی در راه رفتن اینست ا ح ک ط ل لا
بنویسد و در موضع درد مغص بیاویزد ء اخ اخ سح اک ن م رح
تمت ایهی قل اعوذ برب الفلق تا اخر طلقوا القوا معالجه اسهال
از حضرت صادق ع منقولست که بجهت دفع اسهال قدری برنج را بگیرند و
بشویند و در سایه بخشکانند و در روی آتش بو دهند و نرم بکوبند و هر
بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر فرمود که بجهت اسهال برنج را
در دیگ کن و بجوشان با آب و چهار پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار
تا سرخ شود و سر قلوه یعنی پیه گرده تازه را بگیر و با آن سنگها در میان
کاسه بنه از و سر آن کاسه را بکاسه دیگر بپوشان تا بخارش بیرون نرود
و حرکت ده تا پیه آن آب شود پس چون برنج پخته شود این روغن را بر روی برنج

بریزو بخورد تا نفع یابی و در کفعمی مذکور است که حضرت امام رضا علیه السلم
بصاحب اسهالی این دعا را تعلیم نمود که بگوید اللهم انی اسألك بوجهك
الکریم واسمك العظیم وبعزتك التی لا ترام وقدرتك التی لا یمتنع منها
شئ ان تفعل بی کذا وکذا ایضا اگر سوره عم را بنویسد و بشوید و صاحب
اسهال بیاشامد زایل گردد و در بحر المنافع آورده که اگر کسی را شکم روان
باشد سه روز بر سه پاره کاغذ بنویسد و هر روز یکی را با آب پاك بشوید
و بخورد باز ایستد اول بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا هو الحی القیوم
روز دوم بسمله الم الله لا اله الا هو الحی القیوم روز سیم بسمله وعنت
الوجوه للحی القیوم بجهة دفع خون شکم هر روز بر نان نویسد و بخورد
بهنار تا یک هفته بخورد و ابتدا از روز یکشنبه کند صحت یابد بسم الله الرحمن
الرحیم لکیلا یعلم بعد علم شیئا ان الله علیم قدیر فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم ایاك نعبد وایاك نستعین بسم الله انا ارقیك والله
یشفیك من داء یؤذیك ایضا بنویسد و سر رو بخورد خون شکم
صحت یابد مرقوس مرقوس ۷ بار با این سلام قولا من رب رحیم برحمتك
یا ارحم الراحمین ایضا بجهت خون شکم قدری اسپغول را برشته
وقدری دیگر خام کوبیده و با عسل سرشته هر روز ناهار بقدر سه
انگشت بخورد نفع یابد ایضا حب رایم برشته و همان قدر خام

در یکجا

در یکجا کند و بخورد دفع شود و اطبا بتجربه یافته اند که برگ خشک
سائیده حی العالم را سفوف نمودن بجهت دفع اسهال مزمن و همچنین کشنیز
و نشاسته و صمغ عربی را مساوی بو داده اندکی زعفران و نبات داخل
نموده شیره گرفته بخورد انرا نافع آید و همچنین اگر قهوه را بطریقی بخود باریك
کرم برشته کنند که سیاه نشود بجهت قطع اسهال بغایت موثر است و همچنین
دو درهم زرورد که مراد از انچه در میان گل سرخ گلابی شبیه تخم و زرد است
با آب خوردن صاحب اسهال عسر العلاج را نافع دانسته اند خصوصا
هرگاه با اقماع گل بسایند **فصل هیجدهم** در دفع درد پهلو و تهی گاه
و گرده و جگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلم
از درد تهی گاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی دست بر موضع بکود
بال و بر موضع درد مسح کن و این ایات را بخوان افحسبتم انما خلقناکم
عبثا تا اخر سوره راوی گفت چنین کردم و برطرف شد طریقه دیگر از
حضرت صادق علیه السلم مرویست که دست بر تهیگاه مالد و سه مرتبه این دعا
را بخواند بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه واله و لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی خاصرتی و در هر مرتبه
دست بران بکشد و در بحر المنافع آورده که بجهت درد پهلوی راست
آیه الذین یذکرون الله قیاما و قعودا تا فقنا عذاب النار و بجهت جانب

حب ایة وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل تا الشاکرین را بنویسند
تعویذ نماید و همچنین این شکل را نوشتن و بر موضع درد بستن نافع است
کحی ۹ ههو وهج در حدیث وارد شده که خوردن ریزه که از سفره
میریزد درد تهیگاه را بر طرف میسازد و در روایت دیگر آمده که خوردن
انجدان رومی بجهة درد تهیگاه نافع است و منقولست که خوردن امرود دل
را جلا میدهد و درد اندرون را ساکن میکند از حضرت رسول صلعم
مرویست که هر که را درد پهلو باشد سه مرتبه دست بر محل درد نهاده هر
مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله وقدرته علی ما یشاء من شر ما اجد ایضا
بجهة درد پهلو با خود دارد والذین یذکرون الله قیاما تا عذاب النار
تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم
ینفقون با خود دارد و در کتاب حرز الامان مسطور است که اگر ایه واذا
مس الانسان الضر دعانا لجنبه تا یعملون از سوره یونس در ظرف
سفالی بنویسند بسیاهی و آنرا بروغن زیت یا بگند محو سازند و بر آتش
نرم جوش دهد و با پای دردمند را چرب کند شفا یابد و بر عضو
متالمی که با درد الم آن عضو زایل شود و اگر کسی را درد پهلوی باشد بمالید
این روغن فایده حاصل شود و اگر ایه وان یمسسک الله بضر تا الخبیر
از سوره انعام بر کاغذی بنویسد وقت سحر و بر مریضی که درد پهلو

بادرد

بادرد دست داشته باشد بیاویزد نفع بلیغ یابد و اگر هم و غمی داشته باشد
زایل شود اما معالجه درد گرده در بحر المنافع آورده که بجهة درد گرده
این ایاترا بنویسید و بشوید و بخورد و دیگری با خود دارد الله لا اله الا
هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لاریب فیه ومن اصدق من الله حدیثا
ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء قدیر
ایضا بدستور بجهة درد گرده بعمل آورد وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون اما معالجه بجهة درد جگر آورده که ایه وان لکم فی
الانعام لعبرة نسقیکم تا للشاربین بنویسید و بشوید و بخورد
و همچنین آورده که آب مورد را با آب انار و ترنج و مغز جوز و بادام
و عدس با یکدیگر ضم و بران ضماد نماید که نافع است و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم منقولست که حضرت حزقیل نبی علی نبینا واله وعلیهم
را قرحه در جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی نمود که شیره انجیر را
بگیرد و بر سینه خود از بیرون بمالد چنان کرد بر طرف شد فصل
دوازدهم در دفع استسقا و یرقان و ذات الصدر و ذات الجنب
وغیره در کتاب بحر المنافع آورده که بجهة استسقای که چون انگشت برآماس
نهند اثر آن پیدا شود و فرو نشیند این دعا را بنویسید و بر صاحب مرض

بندد و دیگری بنویسد و بخوراند بسم الله الرحمن الرحیم ولو تقول علینا
بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما
منکم من احد عنه حاجزین ولا یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم والله
علیم بالظالمین تا فینبئکم بما کنتم تعملون از سوره جمعه و هر که سوره
قصص را بنویسد و بآب باران بشوید و بخورد مستسقی شفا یابد **و اطبا**
خوردن دوازده عدد ملخ را که اطراف و سر انرا انداخته باشند و یا
یکدرم مورد سائیده باشند مجرب دانسته اند و همچنین شیر شتر
بجهه استسقا ازموده است خصوصا که با بول او امیخته باشند
و همچنین اشامیدن دو مثقال تا سه مثقال و نیم از سرکین سوخته
کاو جهه استسقا و رفع هوم ازموده است و همچنین ضماد تازه آن
با بوره و کوکرد و امثال ان درین باب مفید است **معالجه** یرقان در بحر
المنافع بجهه دفع یرقان و زردی بشره و جلد گفته است که سوره سبا را
بنویسد و بشوید و بخورد و روی را بنزاران بشوید نفع یابد و همچنین
اورده که بجهه یرقانی که چشم را زرد کند این ایات را بنویسد و تعلیق نماید
قالوا سبحانک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم
بهم یؤمنون قالوا ربنا یعلم انا الیکم لمرسلون وما علینا الا البلاغ
المبین قالوا انا تطیرنا بکم لئن لم تنتهوا لنرجمنکم ولیمسنکم منا

عذاب

عذاب الیم **ایضا** اورده است که این شکل را بنویسد و در نظر او بدارد و بدان
و نظر کند یرقانش زایل گردد

۹	۶	۲
۴		۸
۷	۹	۴

و در کتاب در مکنون
آورده که هر که این اشکال را که ارقام هندیست بزبان و خط ایشان در طاس
نو یا تازه قلعی بنویسد بمشک و زعفران و کلاب بشوید با شیرینی محو ساخته
بصاحب ناسور یا نقرس یا یرقان یا طحال یا کباد یا ذات الصدر و ذات
الجنب انرا بیاشامد بفرمان الله تعالی در ساعت شفا یافته تندرست
و سالم و از امراض مذکوره [illegible]
فصل بیستم در دفع سنگ مثانه و درد ان و ورم خصیه و
ادره و حکه و قروح ذکر و خصیه و عسر بول **از** حضرت صادق علیه السلام
بجهه درد مثانه مرویست که این ایات را در وقت خواب سه بار و بعد
از بیدار شدن یکبار بخواند الم تعلم ان الله علی کل شیء قدیر الم
تعلم ان الله له ملک السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی
ولا نصیر **و در** روایت دیگر بجهه ریگ مثانه منقولست که هلیله و بلیله و
امله و فلفل و دار فلفل و دارچینی و شقاقل و زنجبیل و انیسون و
خولنجان اجزا مساوی گرفته بکوبند و ببیزند و با روغن گاو تازه مرب
کنند و دو برابر تمام اجزا عسل صاف کرده یا شکر داخل کنند و هر شب
بقدر فندقی بخورند **[illegible]** دفع سنگ ریزه راه بول و فالج بعد از نماز

شب در سجود این دعا بخوانند اللهم انی ادعوك دعاء الذلیل الفقیر
العلیل ادعوك دعاء من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف
عمله والح علیه البلاء اما معالجه ورم خصیه طلاء زهره ماهی
بغایت نافع است ضماد جهت ورم انثیین تخم کشف را با ربع آن رازیانه
سائیده با گلاب و سرکه ضماد نمایند و بدستور گل خطمی و آرد جو و آرد
باقلا را مهرا و پخته نمایند با زرده تخم مرغ و قدری صبر زرد طلا کنند
و هرگاه ورم متحجر شده باشد زیره کرمانی ۵ مثقال موبر مقل را کوبیده
با روغن دانه خروع یعنی بید انجیر ضماد نمایند و در بحر المنافع آورده
که اگر طفلی را باد فتق بهم رسد و ورم خصیه عارض گردد گوش او را بر عکس
سوراخ کنند چنانچه اگر خصیه راست بزرگ شود میانه گوش چپ او را
و اگر در خصیه چپ بهم رسد میانه گوش راست او را سوراخ کنند و اگر درد
هر دو خصیه او بهم رسد هر دو گوش او را سوراخ کنند بفضل الله تعالی
زایل گردد ایضا جهت درد خصیه و باد فتق بر روغن کنجد بخوانند
و بدمند و بر آن طلا کنند ساکن شود بسم الله الرحمن الرحیم تلك آیات الله
یتلی علیکم ثم یصر مستکبرا کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وصلی الله علی محمد
وآله اجمعین و اطبا دزورانند یعنی سنگ سرمه جهت قروح کج کرده

خصیه

خصیه مجرب یافته اند و گفته اند اگر خطری باشد بصبر و مرداسنج
و توتیا و شادنه و گلنار و مس سوخته و اقلیمیا شسته درهم و
ضماد دزور بکار دارند و اگر کهنه باشد کندر و کاغذ سوخته و پوست
چوب سرو سوخته و مر استعمال کنند و در حکه قضیب و خصیه عضو را
با آب گرم بشویند و سفیده تخم مرغ طلا کنند یا سرکه و گلاب و آب گرفس
و مامیثا طلا کنند و اگر ساکن نشود ارسال علق یعنی زلو بچسبانند
و ادویه جرب استعمال کنند و تنقیه بفصد و اسهال نمایند اما
معالجه عسر البول در خواص الآیات آورده که هر که این آیه ثم قست قلوبکم
فهی کالحجارة تا عما تعملون را جهت عسر بول و قولنج بخواند و بر صاحب
علت بدمد شفا یابد نوع دیگر در مکارم جهت دشواری پیشاب
آورده که این دعا را بخوانند ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم
اسمك فی السماء فاجعل رحمتك فی الارض واغفر لنا ذنوبنا و خطایانا
انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتك و شفاء من شفائك
علی هذا الوجع ایضا هر دو پای را بشوید و بر ساقها بنویسد
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر تا لمن کان کفر نوع دیگر حمران
گوید که بخدمت امام علی النقی علیه السلم نوشتم که جانم فدای تو باد نزد
ما یکی از دوستداران شما نام بعسر خادم عسر البول دارد و التماس

دعای از شماداردکه ببرکت آن شفا یابد انحضرت درجواب نوشت
که ببرکت خدا تعالی دفع مضرت بکند و از مکروهات دنیا بردارد
ومبالغه بسیار نمود برانکس که باید قران بسیار بخواند که ببرکت آن
شفا یابد ایضا بجهت حبس البول این اشکال را بنویسد و بر زیر ناف
بندد فتح شود بسم الله الرحمن الرحیم یا سکیملهسا یا مکتفیا
یا دیناسا انوارہ بلاحول ولا قوة الا ایضا بنویسد و بشوید و
بخورد بول کشاده کردد بسمله طه ما انزلنا علیك القران لتشقی
تا وما تحت الثری واطبا بجهت رفع احتباس بول کل کافشه که
عصفر نامند در شیر بخته نیموزن آن شوره اضافه نموده ضماد
نمایند و همچنین رفع احتباس کردن بول بتجربه رسانیده اند که
شپش زنده را در سوراخ احلیل بدوانند بزودی مستخلص میکردد
وبخور کردن ملخ را نیز بجهت عسر البول و بواسیر نافع دانسته اند و در
بحر المنافع اورده که سر کیف موش بر زهار مالد بول کشاده کردد و
صاحب کتاب تحفة المومنین میر محمد مومن طبیب ذکر نموده که این ترکیب
را زور اعظم نام نهاده امر و از جمله اسرار است بجهت آکله و قروح ساعینه
دهان و کلو و قضیب و سایر اعضا و قطع خون از جراحات و ا
رویانیدن کوشت و منع درد قروح و انصباب مواد ازموده مانده

موی

موی سوخته کلنار شاخ کاو کوهی سوخته و اکر نباشد استخوان
سوخته برك عناب کل ارمنی از هر یك دو جزو کندر سفید آب
قلعی توتیای شسته کرمانی هر یك یکجزو کوفته از حریر کذرانیده
استعمال نمایند و اکر قدر دو دانك افیون مخلوط کرده با سفیدی
تخم مرغ سرشته فتیله بسازند و در مجری بول بکذارند مسکن درد
و رفع سوزنك نظیر ندارد فصل بیست و یکم در دفع درد فرج
ورحم وشقاق مقعد و بواسیر مرویست که معلی بن خنیس بحضرت
صادق عم از درد فرج شکایت کرد حضرت فرمود که عورت خود را
در موضعی که مناسب بوده برهنه کرده باین سبب درد بهم رسیده دست
چپ خود را بر فرج خود بکذار و این دعا را بخوان بسم الله و بالله بلی من
اسلم وجهه لله فهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا
هم یحزنون اللهم انی اسلمت الیك وجهی و فوضت الیك امری لا
ملجأ ولا منجی منك الا الیك و در مکارم آورده که این افسون را
بجهت درد رحم باید نوشت که صاحب درد با خود دارد و ایضا مذکور
کرده و کفته چنان بخوان که خود بشنوی بسم الله الرحمن الرحیم بسم
الله و بالله الذی باسمه قامت السموات والارض فان مریم ابنت
عمران لم یضرها وجع الارحام کذلك یشفی الله فلانه بنت فلانه

من وجع الارحام ومن وجع عرق الارحام اسلم اسلم بیسم الله
الحی القیوم بیسم الله المستغاث بالله علی ما هو کائن وهلی ما قد
کان اشهد ان الله علی کل شئ قدیر وان الله قد احاط بکل شئ
علما [illegible]
بیسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین امنوا معه اشداء تا آخر
اجیبوا عرفت علی سامعه هذا الکلام بعز ابراه الشداد التی یزهق
الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا نواد اجب بیسم الله الذی قال
للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین وصلی
الله علی محمد واله الطاهرین اما معالجه بواسیر از حضرت امیر المومنین ع
منقولست که خوانده این دعا برای بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد
یا رحیم یا قریب یا مجیب یا بارئ یا راحم صل علی محمد وال محمد واردد
علی رحمتك واکفنی امر وجعی طریقه دیگر از حضرت صادق ع
مرویست که فرمود که سوره یٰس را با عسل بنویسند و باب بشویند
و بخورند بواسیر را نفع دهد و در بحر المنافع آورده که بجهه بواسیر
این افسون بر دست راست خواند و بعد از قضاء حاجت در ان
محل عالد بسم الله الرحمن الرحیم یا فارغی یا مارغی اذهب یا مراتبه
ایضا در وقت استنجا اب بکف چپ بر دارد و بران بخواند و استنجا

کند

کند چند روز بر نیمنوا العمل آورد قطع شود باذن الله تعالی ایلا بیلا
ایلا بیلا ایلا بیلا جو بھتی بسن جم ہتوی ایضا بر اب با کلوخ
استنجا بخواند دفع کرد ارجن برجن کن کو کن کو مٹا کو جاستی
اکھر بھی جو کو ھی بستکی کلا سو که بھوی ایضا بسیار مواظبت
نماید دفع کرده مجربست کیلو کس کن کپو تا کپیو سو تا بر کو نا
جو جانی بھر کنیو کونت سو ھی جرسا اید درمری چیری هون
منت پس کر کیر جیوه میکه جن دنیا سفته تا کل جوسانه هو ننه
تدیهو ننه جتر برا بہمین کار کارمہ کا وایر جبہ میر جبر کون سوا ہا
ایضا سه مرتبه بر اب بخواند و بان استنجا کند رفع شود مجربست
کا کور کور کرتا اگرت کرت ایوی میری کھتری رکھا جو نو
منطر جانی بسنبر کھتی رد را ایرا انما برما گر و کی بکت بیوی
سکت صد گرو کی کالی کال بر جو کاس کرون رکیا کرو ایضا
کفته اند که این طلسم را بر هفت پارچه کاغذ بنویسند و هر پاره
در موم کافوری گرفته هر روز یکی را بلع نماید مجربست [illegible]
ایضا این منتر را مکرر بخواند تا ضعیف شدن مرض ارنکا مرنکا
ارنکا لکن بھون اتھوا چھر جانی کوی کوتی بس جنم نر بیٹا
ھوی ایضا در حدیث از حضرت امام رضا ع این دوا بجهة دفع

بواسیر مذکور است هلیله سیاه بلیله و امله و اجزا را مساوی بکوبند
و از حریر بیرون کنند و قدری مقل ازرق گرفته در اب کنند تا
بجوشانند پس این دواها را در میان ان ریخته خمیر کنند و دست
را بروغن چرب کرده ان را بقدر عدسی حب کنند و در سایه بخشکانند
و اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند و در ان ایام دوا
خوردن از خوردن ماهی و سرکه اجتناب کنند و اطبا این ضماد
را بجهت بواسیر و شقاق مقعد و قرحات و اسهال بواسیری و نزف
و حیض نافع شمرده اند سفیداب موم سفید حضض هر یک جزوی
گل خطمی مقل هر یک دو جزو و پیه بز سه جزو و روغن گل چهار جزو
بار زرده تخم مرغ استعمال نمایند و همچنین بخور ملح نیز بجهت بواسیر و عسر
البول نافع دانسته اند و ضماد چرک بدن انسان بجهت شقاق مقعد
مجرب است و همچنین خراطین را با جعل و نبات و وردان طبخ کرده
و طلا نمودن جهت بواسیر و نزف الدم و شقاق مقعد بی عدیل دانسته اند
نوع دیگر بجهت درد و سوزش مقعد کندر را کوبیده با روغن گل و سفیده
تخم مرغ ضماد نمایند و بدستور زرده تخم مرغ و ارد جو و روغن گل همچنین
اکلیل الملک سفیداب هر یک ۵ بذر البنج ۲ بار زرده تخم مرغ
و روغن بنفشه استعمال کنند و بدستور پیاز را در خاکستر گرم پخته با

هموزن او روغن تازه گاوی ضماد کنند و بدستور برگ خطمی گل بابونه
اکلیل الملک تخم حلبه تخم کتان ۲ عدس مقشر ا مجموع را پخته با زرده
تخم مرغ استعمال نمایند و همچنین روغن وزغ بجهت ورم مقعد و درد بواسیر
بغایت ازموده اند هر گاه از خرابی باشد وزغ را با پیه بز کوبیده در
اب بجوشانند تا مهترا شود و روغنی که بر اب بعد از سرد شدن بسته شود
بردارند و اگر دنباله بادنجان را سائیده اضافه کنند جهت بواسیر بلارد مجرب است
و داغ کردن مابین خنصر و بنصر دست چپ جهت قطع خون بواسیر و دادغ
مفصل ترقوه جهت ریاح بواسیر انجیر یابست و در قطع بواسیر اکثر اطبا
مجرب دانسته اند اقماع دنباله بادنجان را با مثل ان بادام تلخ نرم کوبیده چون
و طلا نمایند فصل بیست و دوم در دفع درد ران و پاها از عرق
النسا و درد زانو و باطن قدم و نقرس و غیره مرویست که شخصی بحضرت
امیر المؤمنین ع از درد ران شکایت کرد فرمود که اب گرمی در طشت کن و
در میان اب بنشین و دست بر موضعی که درد میکند بگذار و این ایه بخوان
اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض تا اخر و در حدیث دیگر مرویست
که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هر گاه
این مرض ظاهر گردد دست بر ان موضع بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
و بالله اعوذ باسم الله الکبیر و اعوذ باسم الله العظیم من شر کل عرق نعار

در روغن بنفشه

ومن شرها ان را ایضا بجهة عرق النسا و درطب الائمة مذکور است
که قلامه ناخن کسی را که صاحب عرق النساء کرفته بر موضع عرق ببندند
منتفع کردد و امین الدوله محمد بن احمد نقل نموده اند که مجربست و مکرر
بصحت رسیده که چون حردون را که در طبرستان ماجر کولی و باصفهان
مال مالی نامند باسم صاحب عرق النساء صید کرده رك باطن ران او
جستن موضع را شکافته آنرك را باسم صاحب عرق قطع کند و بعد از آن
بادست ریزه نماید بدون التی بالخاصیه رفع آنعلت شود مداوا بجهة
هتکو و درد کمر و زانو تخم جزر و تخم شلغم و زنجبیل و پوست خیار و سورنجان
مساوی یکدیکر کوفته و بیخته در عسل سرشته هر صبح و شام بقدر دو
مثقال و نیم بخورند نافع باشد و در حدیث دیکر منقولست که شخص
بخدمت حضرت امام حسین عم شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول سوره
فتح تا عزیزا حکیما را بران بخواند نوع دیکر منقولست که سالم بن محمد
بحضرت صادق عم از درد ساق شکایت کرد و کفت مرا از کار عاجز کرده
حضرت فرمود که این ایه هفت نوبه بران بخوان که اتل ما اوحی الیك من
کتاب ربك لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا ایضا بجهة
درد پا بنویسد و باخود دارد از اول سوره اتی امر الله تا لغفور شکور
و در بحر المنافع بجهة درد ران تعویذ کند و لیعلمن الله الذین

و لیعلمن المنافقین ومن دونهما جنتان فبای الاء ربکما تکذبان
ایضا بجهة درد زانو تعویذ نماید و اذا رایت الذین یخوضون فی
ایاتنا فاعرض از سوره انعام تا مع القوم الظالمین قل کل متربص
فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی ومن اهتدی و بحق
والفجر ولیال عشر و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا
واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما والذین یبیتون لربهم سجدا
وقیاما بجهة درد انکشتان ما کان علی النبی من حرج فیما فرض
الله له سنة الله فی الذین خلوا من قبل وکان امر الله قدرا مقدورا
واذا رایت الذین یخوضون فی ایاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی
حدیث غیره واما ینسینك الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع
القوم الظالمین ایضا معالجه درد ساق هر زحمت و مشقتی که
در ساق پا باشد بدان بنویسد الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا
لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة من فضله لا یمسنا فیها نصب
ولا یمسنا فیها لغوب ایضا بران خوانند والتفت الساق بالساق
الی ربك یومئذ المساق فلا صدق ولا صلی ولکن کذب
وتولی اولی لك فاولی ثم اولی لك فاولی و در بحر المنافع اورده که بجهة
درد پهلو و ساق پای و هر دردی و زحمتی که بوده باشد این آیه را

برصدف نبساهی بنویسید ودران روغن خوشبوی کرده محو نماید و بآتش
نرم کرده طلا نماید بر موضع درد ساکن کردد و اذا مس الانسان الضر
دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم
یدعنا الی ضر مسه کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون بجهة
درد عرقوب که پی سافنست که با پاشنه پاپیوسته و درد باطن قدم
وان حضرت امام حسین علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت
عرض کرد از درد پی ساق و پا و باطن قدم و کفت مرا از پا خواستن
عاجز کرده کفت چرا از تعویذ غافلی کفت نمیدانم فرمود که هرگاه احساس
الم کنی دست بران بگذار و بگوی بسم الله و بالله والسلام علی رسول الله
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بجهة اطبار بجهة قروح ساق
ضماد خاکستر کاه و نمک طعام بالسویه با سرکه نافع دانسته اند و
مداوای نقرس که درد بند پاها باشد سابقا کذشت باب
پنجم در دفع ضررها و ترسها و درین باب فصولست فصل
در دفع ضرر خصم و محاصره دشمن و خوف ظلم و موذیان و
دفع ایشان و اطفاء غضب سلطان بجهة بجهة دفع ضرر خصمان
آیات کفایت را که در فصل اول مقدمه کتاب کذشت چهار نوبت

بخوانند

بخوانند ضرر خصمان از و کفایت شود و از خواص حروف سین است که اگر
خواهد که با خصمی در مخاصمه و محاوره غالب آید و او را ساکت کرداند
بحیثیتی که قادر بر جواب نباشد و مقاومت با او نتواند نمود اسم خصم را در
مابین دو سین امتزاج دهد و هر چیز را ممکن باشد متصل و هر چه را
ممکن نباشد منفصل نوشته در دست کرفته با او بسخن در آید از مقاومت
او در محاوره عاجز شود باذن الله بجهة محاصره کردن دشمنان
رسول صلی الله علیه و آله بجهة دفع محاصره نمودن دشمنان منقولست
که این دعا بخوانند و بتجربه رسیده اللهم استر عوراتنا وآمن روعاتنا
و در خواص ابن تیمی آورده که چون کسی در وقت مقاتله در مقابله
دشمن ایستد و این کلمات را بگوید الله الغالب الله القاهر الله مذل
کل جبار عنید ناصر الحق حیث کان به الحول والقوة پس این آیه را
بخواند ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون چنان رعبی و خوفی بر دشمن
غلبه کند که بی اختیار فرار نماید و در کتاب شمس المعارف آورده که اگر
خواهی که لشکری شکسته و فرار نماید قبضه خاک از میدان بر کیر و این
آیه را بخوان سیهزم الجمع ویولون الدبر تا ادهی وامر و آن خاک را به
جانب لشکر دشمن بیفکن و بکو شاهت الوجوه و اگر در آن محل باد بر
طرف دشمن وزد مناسبتر خواهد بود آن لشکر بهزیمت و فرار نمایند

اقاده ظلم واعدا واشرار در مکارم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون از کسی بترسی و خواهی که دفع شر او بکنی طلب هلال
کن و چون هلال را ببینی بپای بایست در حالتی که اعتماد بر قدمهای
خود داشته باشی و خطاب بهلال کن و بگوی ایود احدکم ان تکون
له جنة من نخیل واعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل
الثمرات فاصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه
نار فاحترقت پس ایما بکن فاحترقت بجانب انکس که از و میترسی و
او ترا ایذا میکند کرده سه نوبت بگوی فاحترقت اللهم طمه بالبلاء
طما وعمه بالاذی عما وارمه بحجارة من سجیل وطیرک الابابیل
یا علی یا عظیم پس در شب دوم وسیم نیز مثل اینعمل بجای آورد و
اگر در ماه اول مراد حاصل نشود در ماه دوم وسیم نیز بعمل آورد که
البته در ماه چهارم احتیاج باین عمل نخواهد بود باذن الله تعالی و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بجهة دفع اعداء ومودیان ظلم
این دعا مرویست که بخواند اللهم طمه بالبلاء طما وعمه بالبلاء
عما وقمه بالاذی قما وارمه بیوم لا معاذ له وبساعة لا مرد
لها وابح حریمه واطرقه بلیل لا اخت لها وصل علی محمد واهل
بیته علیه وعلیهم السلم واکفنی امره وقنی شره واصرف عنی کیده

واخرج

واخرج قلبه وسد فاه صبه صبه هفت بار واولی آنست که در عقب
ان این دعا را بخواند که تاثیر ان زودتر بمنصه ظهور میرسد ودر مجتنی
وزبدة الدعوات مذکوراست اللهم انک قلت فی محکم کتابک الکریم
فی وصف المستحقین للعذاب الالیم انما جزاؤا الذین یحاربون الله
ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع
ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض اللهم وان فلانا قد سعی
فی الارض بالفساد وقد منعنا عن اقامة الحد علیه المانع من ظلمه
نفسه وظلم العباد ومن یطهره قبل یوم المیعاد اللهم انت احق
باقامة الحد علیه فعجل له ما یستحقه بالفساد الذی قد اصر علیه
لیبصرته الله وقلت ولا یحیق المکر السیئ الا باهله وقلت ومن
نکث فانما ینکث علی نفسه اللهم وقد اجتمعت فی فلان مثل هذه
الصفات وقد احاط به حکم هذه الایات فعجل الاذن فی فعل حکمها
وقضائها وابرامها وامضائها بقوتک القاهرة وقدرتک الباهرة
واجعله عبرة فی الدنیا والاخرة یا الله یا الله هفت بار ایضا هفتاد
نوبه بقصد اعدا بخواند دفع شود اللهم شتت شملهم وفرق جمعهم
وقلب تدبیرهم وخرب بنیانهم وبدد احوالهم وقرب اجالهم واقطع
اعمارهم واشغلهم بابدانهم وخذ اخذ عزیز مقتدر یا قهار یا قهار یا قها

یا جبار یا جبار یا جبار **دفع** شر ظلمه در کتاب مجتنی خلاصه این مضمون
را نقل کرده که شخصی ماهی کبیری چند صید کرده بود یکی از چوبکیان
حاکم باو رسیده ماهی را از و بعنف بستاند آن ضعیف این دعا بخواند
آن چوبکی را در دست علت اکله و جذام بهم رسید هرچند مداوا نمود
علاج نپذیرفت تا آنکه از بال او بیفتاد تا آخر شبی در واقعه دید
که یکی باو میگوید مادام که آن شخص صاحب ماهی را از خود راضی نکنی
ازین علت خلاصی نخواهی یافت پس بنزد آن شخص رفته از و بحلی خواست
و استرضا حاصل نمود و از آن علت نجات یافت رب هذا عدل
منك خلقتنی وخلقته وجعلته قویا وجعلتنی ضعیفا ثم سلطته
علی ولا انت منعته من ظلمی ولا انت جعلتنی قویا فامتنع
من ظلمه فاسالك بالذی خلقته وخلقتنی وجعلته قویا وجعلتنی
ضعیفا ان تجعله عبرة لخلقك سریعا **ایضا** بجهة استیصال
ظلمه بسیار مداومت نماید فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله
رب العالمین **ایضا** دیگر بجهة استیصال ظلمه شش دانه از حب القطن
بستانند و بهر دانه یکبار سوره فیل را تا آخر بخوانند پس بگویند اللهم
کما کفیت شر اصحاب الفیل من اهل مکة وافنیتهم فاکفنی شر خصمی
فلان وافنه پس آن دانه ها را باتش بسوزند **ایضا** سوره مذکوره

درشب

درشب جمعه مابین نماز مغرب و عشا بروشنی چراغ بنویسید و در درخانه
خصم پنهان کند و این عمل را نشاید کرد مگر بر مستحق آن **اما** اطفاء
غضب منقولست از حضرت صادق ع که هر کرا غضب مستولی شود
اگر ایستاده بود بنشیند و اگر نشسته باشد برخیزد تا ساکن گردد
و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بدن خود را ببدن او برساند
تا ساکن گردد **و در** حدیث دیگر فرموده که وضو بسازد **و در** حدیث
دیگر فرموده که در هنگام غضب این دعا بخواند تا ساکن شود اللهم اذهب
عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلات الفتن اسالك
رضاك واعوذ بك من نارك واسالك الخیر کله واعوذ بك من
الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیا
مرضیا غیر ضال ولا مضل **ایضا** بجهة اطفاء غضب سلطان
چون نظر بر او افکند بگوید اطفأت غضبك یا فلان بلا اله
الا الله هو حسبی الله لا اله الا هو علیك توکلت وهو رب العرش
العظیم **ایضا** گفته اند که از خواص این کلماتست آنکه در برابر او بخوانند
خشم او فرو نشیند و اگر در برابر خواندن ممکن نشود در اثناء رفتن
بنزد او بخواند بحیثیتی که چون نظرش بر او افتد تمام کرده بر او دمد
از خواص اینست که اگر بنویسند و بر بازوی چپ ببندند اگر در آتش روند

مضرتی نرسد و گفته اند که اگر تجربه خواهی حاصل کنی بنویس و بر فاره ببندد و در برابر گربه او را رها کنند بدرستی که گربه قدرت گرفتن و امساک کردن نخواهد داشت فالعهدة علی الراوی والعلم عند الله

أُوْمِيَهْ بَرَهْ اَشْتَهْ كَاشْتَهْ بَدْيَلْ هَهَهْ هَهَهْ هِيَهَهْ تَذِيْرَ اَشَابَانَ بِي شَفَاهَهْ

ایضا بجهت دفع ضرر سلطان آیات کفایات را هفت بار بخواند

ایضا هفت بار در حین اراده ملاقات و مواجهه و رویت بخواند خَيْرُكَ بَيْنَ عَيْنَيْكَ وَشَرُّكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ وَبِاللهِ اَسْتَعِينُ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ اكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ

ایضا بجهت دفع شر اشرار و ضرر فجار رقعه الجیب حضرت امام الجن والانس علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا را با خود داشتن بجهت دفع شر اشرار و ضرر شیطان و سلطان و موذیات بغایت مجرب و در مهج الدعوات مسطور و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله قال اخسئوا فیها ولا تکلمون انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا اخذت بسمع الله وبصره علی اسماعکم وابصارکم وبقوة الله علی قوتکم لا سلطان لکم علی فلان بن فلان وعلی ذریته وعلی اهل بیته ستر بینکم وبینه بستر النبوة الذی استتروا به من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئیل عن ایمانکم

دسل

واسرافیل عن شمائلکم

ومیکائیل عن یسارکم ومحمد رسول الله صلی الله علیه واله امامکم والله یظل علیکم یمنع نبی الله ویمنع ذریته واهل بیته منکم ومن الشیطان ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انه لا یبلغ حلمه اناتک ولا تقبله ولا یبلغ مجهود نفسه علیک توکلت وانت نعم المولی ونعم النصیر حرسک الله یا فلان بن فلان وذریتک مما تخاف علی احد من خلقه وصلی الله علی محمد واله بعد از ان آیة الکرسی را بر وجه تنزیل بنویسد یعنی بنحوی که از آنحضرت روایت شده که بدین نحو روایت شده و آن چنانست که و نوشته له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم من ذا الذی یشفع عنده الخ بعد از ان بنویسد ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم لا ملجأ من الله الا الیه وحسبی الله ونعم الوکیل واسلم فی راس الشهباء فما لها السلسبیلا وصلی الله علی محمد واله الطیبین الطاهرین

و در نسخه این فقرات را بدین وضع نوشته اند واسلم فی راس الشهباء و لیالیها اطا السلسلا وصلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین وسلم تسلیما

ایضا حرز عامه را با خود داشتن از جهت ایمنی از جمیع مکاره و شر اشرار و حصول محبت در نظر خلایق از عام و خاص اثر عظیم دارد و مجربست بسم الله یامن وضع نیر المذلة علی رقاب الملوک

نازل

الجبابرة فهم من سطوتک خائفون یا من تعزز بالعزة والعظمة
فجمیع خلقه من خیفته وجلون و یا من یحشر العظام الدارسات
وهی رمیم یوم یبعثون یا من اعز اولیاءه بطاعته فهم من الفزع
یومئذ آمنون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون
وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین یا رب الارباب طریقه دیگر حرز
عامر بیان خاصیت که گذشت اقبل ولا تخف انک من الآمنین
لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخافا اننی معکما اسمع واری
لا تخاف درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع وآمنهم من خوف
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو
ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون
وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین ه االح الاوال ااا ب داج
اروح لا لای ولا نوزده داه درطس

فصل دویم

در دفع هول و خوف مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر
صادق ع آمد و گفت من بسیار بیابان میروم و در مواضع هولناک بسر میبرم
چیزی بمن تعلیم کن که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین
جای واقع شوی دست بر بالای سر بگذار و باواز بلند بگوی افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها

لا تخف انک انت الاعلی

والیه

والیه یرجعون راوی گفت در بیابانی واقع شدم که میگفتند که در
انجا جن بسیار است شنیدم که یکی میگفت که بگیریدش من این آیه را
خواندم شنیدم دیگری جواب میگفت چگونه بگیریم اورا و حال آنکه
پناه باین طیبه برد و در حدیث دیگر وارد شده که شخصی بخدمت
امام موسی کاظم ع عرض کرد که من جانوران درنده شکار میکنم و شب در
خرابها و جایهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه
شوی پای راست پیش بگذار و بسم الله بگو و چون بیرون آیی پای چپ
را پیش بگذار و بسم الله بگوی که آسیبی بتو نمیرسد و بتجربه رسیده
که چون خوف بر کسی غالب شود بگوید که کهیعص حمعسق
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خوف از او زایل میشود و در
کتاب مکارم آورده که بجهة خوف این دعا باید خواند حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امتنع بحول الله وقوته
من حولهم وقوتهم وامتنع برب الفلق من شر ما خلق ما شاء الله
لا قوة الا بالله و در کتاب خزانة الاسرار آورده که هر که آیه
یا معشر الجن تا فلا تنتصران از سوره رحمن را بر پوست آهو
بنویسد و بر بازوی راست بندد از هولها و خوفها ایمن گردد و از جمیع
آفات محفوظ ماند

فصل سیوم

در دفع افتادن در ورطه

چون کسی در ورطه افتد بگوید ربنا افتح بیننا وبین قومنا بالحق
وانت خیر الفاتحین ایضا ایات کفایت را هفتاد نوبت بخواند
تا از آن ورطه خلاصی یابد ودر حدیث وارد شده که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین ع این دعا را تعلیم
نمود فرمود که یا علی چون در ورطه در افتی بگوی زیرا که الله تعالی
ببرکت این کلمات بلاها را دفع میکند بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین
ودر کتاب خزانة الاسرار آورده که اگر کسی در کار خود حیران و
سرگردان بود وسررشته کار خود نداند در میان شب برخیزد و
وضو بسازد ودو رکعت نماز بگذارد وهفت بار این آیت را بخواند
وبعضی گفته‌اند که این آیت را میخوانند تا بخواب رود ودر خواب
ببیند که کسی او را ارشاد نماید واز آن حیرت خلاص شود ولئن
سألتهم من خلق السموات والارض لیقولن خلقهن العزیز
العلیم الذی جعل لکم الارض مهادا وجعل لکم فیها سبلا لعلکم
تهتدون والذی نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا به بلدة میتا
کذلک تخرجون والذی خلق الازواج کلها وجعل لکم من الفلک
والانعام ما ترکبون لتستووا علی ظهوره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم

علیه

علیه وتقولوا سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا
الی ربنا لمنقلبون ایضا آورده که اگر یکی متهم بتهمتی شده یا بدی
شهرت یافته باشد وخواهد که از آن خلاص شود روز شنبه ناخن
هر بیست انگشتان دست وپای خود را بگیرد وپاره‌ای از موی سر
وجامهٔ خود بسوزاند وآن خاکستر را با قدری خاک که مورچگان از
سوراخ خود بیرون آورده باشند بلعاب اسپغول بسرشند وصورتی
مثل آن شخص از آن بسازد ونام او ومادرش بر آن رسم کند واین آیه را
بر پشت آن صورت نقش کند وآن صورت را در جای که عبور ومرور مردم
در آن کمتر باشد دفن کند ودر حین دفن کردن بگوید اقطعت
السنة بنی آدم وبنات حوا عن ۱۲ بن ۱۲ بزودی از آن تهمت خلاص
شود آیه اینست یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن تا تواب
رحیم از سوره حجرات ودر کتاب المنافع آورده که اگر کسی در مهمی درمانده
باشد یا در ورطه افتاده باشد وراه بدر شد خود نداند یا در بند ودر زندان
گرفتار باشد این آیه را ورد خود سازد خلاصی یابد بسم الله الرحمن
الرحیم وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد الهی بحرمت آن
مردی که در غار است ودو پای او در دهان مار است ورزق او از
غیب است وبذکر خدا مشغول است چنگ زنم ودامان مصطفی کریم تا

حاجت من بر آید و تحبیب آورده که هر که در میان و فریضه و سنت
دو بیت بار بخواند که یا من یسوق المقالید الی المقادیر مهم و حاجت
او بر آید و از ورطه که در آن افتاده خلاصی یابد و اگر در زنجیر و حبس
باشد هفت بار بر آن آهن بخواند و از ایجنبانند آن زنجیر بقدرت
الله تعالی از یکدیگر ریخته شود ایضا آورده است که اگر کسی آن
دانه برنجی یا قطعه نانی را که در وقت چیزی خوردن هرگاه ناگاه
بخندد از طرف بینی جهد بگیرد و با کمیز خود بساید و بر هیچ بندد
زنجیر ما الدد ر ساعت بشکند و این از مجموعه حکمت است فصل
چهارم در دفع زبان بد بعقد اللسان در درّ مکنونه آورده
که هر که این دعا را با خود دارد زبان مردمان و بدگویان بر و بسته
گردد عقدت لسان کل متکلم من البشر من انثی و ذکر من بنی آدم
و بنات حوا عن حامل هذا الاسماء فهم لا یتکلمون بحق سوسم سوسم
چوسم چوسم روسم روسم براسم تکهوب جبک یحمل برکاته
عقدت عنه کل لسان بحق قول الله هذا یوم لا ینطقون و لا یؤذن
لهم فیعتذرون و بحق قوله لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال
صوابا و بقوله صم بکم عمی فهم لا ینطقون بسم الله اسکتنا بسم الله
اخرسنا بسم الله اعمینا بسم الله عقدنا السنة السوء الم طس طسم فهم

لا ینطقون

ینطقون

لا یتکلمون طس طسم فهم لا یتکلمون طس طسم فهم لا یبصرون طس
طسم ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا شاهت الوجوه شاهت
الوجوه و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون کهیعص حم عسق بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ
ایضا بجهت عقد اللسان اعدا نوشته با خود دارد بسم الله الرحمن
الرحیم طه طه طه طه حم حم حم حم حمعسق حمعسق حمعسق
حمعسق طسم طسم طسم طسم ن والقلم و ما یسطرون چهار مرتبه
کهیعص کهیعص کهیعص کهیعص الیوم نختم علی افواههم
و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون صم بکم عمی فهم لا
یرجعون و رد الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا و کفی الله
المومنین القتال و کان الله قویا عزیزا ایضا هر صبح و شام
بخواند زبان اعدا بسته گردد و این حرز را از حضرت امام زین
العابدین علیه السلام در مهج الدعوات روایت کرده بسم الله الرحمن الرحیم
سددت افواه الجن و الانس و الشیاطین و السحرة و الابالسة
من الجن و الانس و السلاطین و من یلوذ بهم بالله العزیز الاعز
و بالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی
اقام به السموات و الارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله و بالله

ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون مالكم لا تنطقون قال
اخسئوا فيها ولا تكلمون وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من
حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في
القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرءت القران جعلنا
بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم فهم لا ينطقون لو انفقت
ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم
انه عزيز حكيم وصلى الله على محمد واله الطاهرين نوع ديگر این
حرز را نوشته با خود دارد زبان بدان بسته گردد عقدت لسان
بني ادم وبنات حوا وسددت افواههم من صغير وكبير وذكر
انثى وحر وعبد على حامل هذا الدعاء ... ١٢ بامر الله الواحد
القهار يا بو احد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد صم بكم عمي فهم
لا يبصرون عقدت لسانهم وسددت افواههم بحق كهيعص و
حمعسق وجعلنا من بين ايديهم سدا لا يه ختم الله على قلوبهم وعلى
سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة وبالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الا

الى الله تصير الامور عقدت عقدا شديدا لا يفتح الى يوم التناد
كانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة الساعة الساعة التعجيل
الوحا الوحا ايضا بجهة عقد اللسان این مربع را بنویسد و
در زیر سنگ گران نهد به نیت هر که خواهد زبانش بسته گردد
و در کتاب بحر المنافع آورده
که هر که از اعداء و یا از چشم بدان و
غمازان و زبان حسودان بیندیشد
یا بنده از خواجه اش بترسد
یا زن از ناسازگاری شوهر یا
زیردستی از زبردستی بیم ناک این دعا را نوشته با خود دارد زبان
آدمیان بروی بسته و جمله بروی مهربان شوند در چشم همگی عزیز نماید
... یا فعالا لما یرید یا ذا العرش المجید اسألك
بنور وجهك الكريم واسمك العظيم ... اللهم
... اصباوث ... و بحق توریه و
انجیل و زبور و فرقان و صحف انبیا و ملائکه کلهم اجمعین و لا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هذا يوم لا ينطقون ولا يؤذن
لهم فيعتذرون ايضا آورده که بجهت عقد اللسان وقتی که دم

جانب راست رود هفت پاره موم را بر نیت هر که خواهد در رده‌ن
کبود و بهم را با یکدیگر بخاید تا یکی کند و با خود دارد چون بنزد آن
شخص رود زبانش بسته گردد فصل بیستم در دفع غرق
شدن و تلاطم موج و دفع ضرر آتش و آب و باد و تیر و شمشیر
وبجهة ایمنی از غرق شدن در وقت سوار شدن بر کشتی بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره تا سبحانه وتعالی
عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم وبجهة
دفع تلاطم موج بخواند یا حی لا اله الا انت سبحانك انی کنت من
الظالمین پس آیة الکرسی بخواند واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که چون بر کشتی سوار شوی بگوی بسم الله مجریها الآیة و چون دریا
بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بجانب موج اشاره
کن و بگوی قری بقرار الله واسکنی بسکینة ولا حول ولا قوة الخ
ودر بعضی روایات وارد شده که در وقت اضطراب و تلاطم دریا
باید گفت که بسم الله اسکن بسکینة الله وقری بوقار الله واهدی
باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله راوی گفت که مکرر بکشتی سوار
شدم و در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند
خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانکه گویا هرگز نبوده است

وازحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از غرق شدن بترسد
بگوید بسم الله مجریها الخ بسم الله الملك الحق وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة تا عما یشرکون ودر حدیث دیگر از آنحضرت
مرویست که چون از غرق شدن و سوختن کسی بترسد آیة ان ولیی الله
الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین را با آیه وما قدروا الله حق قدره
الخ بخواند ایمن گردد اما دفع ضرر آتش واطفاء آن ودر خواص الآیات
مذکور است که بجهة دفع سوختگی آتش بر برگ مورد بنویسد افرایتم النار
التی تورون را اذا او فعه تا للمقوین ودر سایه گذارد تا خشك شود
پس آنرا با روغن آمیخته بر سوختگی آتش طلا کنند بزودی شفا یابد وبجهة
ضرر آتش بتکبیر فرو نشاند و بگوید اذهب الباس رب الناس اشف انت
الشافی لا اله الا انت ودر کتاب درمکنون آورده که هر که این حروف را در چهاردهم
ماه بنویسد و در دیوار خانه محکم کند آن خانه از بیم سوختن و دزدی و زدن
در امان می ماند اینست ا د ذ ر ز و لا و همچنین عالمان علم حروف صاحبان
آن فن گفته اند که هر که این شکل را بر چوبی نقش کند یا بنویسد و در آتش افروخته
اندازد فرو نشیند و اگر در موضعی که آتش گرفته باشد از دور آنجا افکند آتش
فرو نشیند اهطمفش ودر بحر المنافع آورده که این افسون هندی را
بر سوختگی آتش بخواند بدمد بزودی شفا یابد حلی اك اك بر حلی الی الخ

برحلی الک حلی کنتها وهار اکیا بخته سون انار یون جیون یاش
بری نسار **ایضا** کفته است که اکر در جائی آتش کرفته باشد بسمله را تا آخر
بر سفال آب نارسیده بنویسد و در آتش اندازد فرونشیند **ایضا** آورده
که اکر بر سر پاره سفال آب نرسیده سه بار بخواند و در آتش اندازد آتش فرو
نشیند و زیادت نشود و جای دیگر نسوزد بسم الله طیسوما الرحمن
هیسوما الرحیم ابرسوما **ایضا** سه بار بر آتش خواند و بدمد افسرده
کرد بسم الله الرحمن الرحیم کو کلا حنیفة موسی سیدی احمد ابرهیم ادریس
کفته بر آتش خواند افسرده کرد د دهوم و های احب سیند مور برت اهینت
لوک کا بات دب بات دتیں بات کر برسا دین بپند بات هنر تهنبهتن
دکهتین بوی جیون کل ماندهین کهنا تی جاه بپند رهیتم نانتی خبری
بزی نه بروان جری نی تبر کوت دیوتا اکیان ایسر بار بیتی کی اکیان
جاه بپند رهیتم نانتی همنسده کر پاسنها و کفته است که اکر کسی عود و
کماد زیوس را بخاید و آهن تفیده بدست کیرد و ضرر نرسد و اکر تمام وجود
خود با بن بمالد در آتش رود نشود و اکر آهین افسون هندی بخواند
و آهن تفیده بدست کیرد نسوزد کوری مهیسر جلی کردار تنکی جلتی
مرحلی لوها بری نسار **و اکر** این شکل در موم و بر بازوی راست ببندد و
دست در روغن کرم سیدار ند نسوزد باذن الله بسم الله الرحمن الرحیم

بلیسد زبان شمع لسوزد و اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]



والله اعلم تمت یکسلح وصلی الله علی محمد و آله اجمعین **و کذشت**
که ضماد ابجی العالم باارد جو جهة سوختکی آتش نافع است **و الحینا** این
مرهم را بعد از آنکه از سوختن چند روز کذشته باشد نافع دانسته اند اهک
را هفت نوبه با آب بشویند و هر نوبه واکذارند تا ته نشین شود پس آن را
بریزند و بار تجدید نمایند تا هفت نوبه پس آن ته نشین را قدری روغن
کنجد در آن بریزند و همچنین ضماد بیضه سوخته مانع آبله کردن سوختکی
آتش است **اما** بجهة دفع ضرر باد در خواص الایات آورده است که چون
غبار باد و ظلمت هوا بسیار شود این آیه را مرة بعد اخری بخوانند تا برود
زایل شود چه در بر و چه در بحر اینست لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار
و هو اللطیف الخبیر **ایضا** بجهة دفع ضرر باد بخواند اللهم انی اسالک
خیر ما هاجت الریاح و خیر ما فیها و اعوذ بک من شر ما فیها اللهم
اجعلها علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله و تکبیر
بسیار بکویند **و در** وقت وزیدن بادهای تیره معوذتین را بخوانند
و همچنین سوره فیل را در وقت هبوب بادهای عاصف مکرر خوانند
باعث تسکین و آرام هوا دانسته اند **دفع** ضرر باران و آمدن باران
بکوید صیبا هنیئا و بتجربه رسیده که بجهة قطع باریدن باران چهل یکقافیه
بنویسند و در و بقبله بیاویزند باریدن باران قطع شود **و در** زیده الدعوات

از دلایل الرضا از آنحضرت روایت شده که در سفری باران عظیمی گرفت
واهل قافله عاجز شدند اهل قافله بحضرت متوسل شده آنحضرت فرمود
انا ابن رسول الله فاکف عنا المطر در ساعت ببرکت دعای آن عالی جناب
باران بایستاد مصنف آن کتاب ابن طاوس ره گوید که در کشتی بودیم
در وسط فرات باران عظیم گرفت چنانچه بیم غرق شدن بود این دعا را
خواندم بقدرت الهی باران بایستاد اللهم هذا المطر تنزله لمصلحة
العباد وما یحتاجون الیه من عمارة البلاد فهو کالعبید فی خدمتنا
ومصلحتنا ونحن الآن سافرنا بامرک راجین لامرک راجین لاحسانک
وبرک فلا تسلط علینا ما هو کالعبید لنا ان یضرنا واجرنا علی عوائد
العنایة الالهیة والرعایة الربانیة واحرز المطر علی عوائد العبودیة
واصرفه عنا الی المواضع النافعة لعبادک وعمارة بلادک برحمتک یا ارحم
الراحمین اما بجهة باریدن باران بنویسد وازدرخت بیاویزد و
باران بارد ومجربست جاد الامطار من غمام الرحمن وسحاب الکرام وانزلنا
السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم انهارا تاریک
سبب حیوة حیوان بفرست وز بحر کرم سحاب غفران بفرست
از بهر لب تشنه طفلان نبات از دایه ابر شیر باران بفرست
گفته اند که حبس هفت عدد جعل را در زیر طاس سرخ مس موجب باریدن

باران

باران وظهور برودت هواست ولنا دفع ضرر تیر وشمشیر از جمله
دعای تیغ بندیست که ابن طاوس در کتاب سعادات از حضرت امیر
المومنین علیه الصلوة والسلام نقل نموده وخواص بسیاری ذکر کرده مثل
آنکه هر که این حرز با خود دارد بروحی فی انسفر سلطان ودد ان واز
تیغ وسنان ایمن باشد واگر بر پوست آهو نویسند ودر نیزه سنان نیزه
محکم نمایند در هیچ جهادی مغلوب نشود ودشمنان از او مغلوب گردند
واگر در خانه گذارند از دزدان وحرامی وغارتگر محفوظ ماند بمشک
وزعفران وگلاب بر پوست آهو باید نوشت ا هیاه ادونای ۵ سوبع مایع
۵ مالح ۵ هملوحیم ساهو براه اسراهنا ۵ ادرانوا ۵ ساهای
۵ الوهی ۵ السهسا ۵ سرعارام ۱۵ ادوار ۵ صعواب ۵ هو هو بواه
لا ایضا بتجربه یافته اند که هر که در چهارشنبه آخر ماه صفر که از چهارشنبه
سوری گویند در وقت غروب آفتاب بیک نفس بنویسد و با خود
دارد تیر وتفنگ بر او بسته شده کارگر نشود بسم الله الرحمن الرحیم
ولهون ولدون اربعون اربهون بحتم مسطط مسططه
عونون ودر نسخه دیگر چنین نوشته بدون شرط یک نفس نوشتن
وو قت غروب آفتاب بسم الله الرحمن الرحیم واللهون واللدون
اربعون الدسون مشططا والله علی کل شئ قدیر وصلی الله علی خیر

خلقه محمد و آله اجمعین نوع دیگر در ساعت کسوف ماه و آفتاب بنویسید

بشرط آنکه حروفش منفوح باشد مجربست اللهوت اللدون اربعون

اربسوت نوع دیگر جهت زبستن تفنگ در روز چهارشنبه سوری

بنویسید پنج کلمه جلی را بیک نفس و چهار کلمه خفی را بیک نفس و بر باروتی

حب بیندکلوله بر جامالان کار کر نشود واللدون واللهون واللیسون

انهار هری هار

ارسلون میطرون نوع دیگر عقد اسلحه باجود دارد ورش ورش

سودنا

کوش کوش هو هو هیا هیا علیا علیا هود هود هدهد

قنقرش قنقرش واهلی واهلی خماطی خماطی هلوش علوش بیذموش

بیذموش خفنتر خفنتر حوتر حوتر بکل بکل منض منض اجیبوا

یا خدام هذه الاسماء او فعوا عنی سایر ما یکون من آلة الحرب بما

یحرم ویدم ۸ ۱۱۱ ح ۹ ۷ ط نوع دیگر تیغ بند آورده اند که اگر امتحان

خواهند بکنند بر گردن گوسفند ببندند تیغ و تیر بر او کار نکند والعهده علی الراوی

رمز ۱۱۱ ۸ ۱۱۲	عو ه الله لا اله الا الله محمد رسول الله
۴ ع ۴ ۱ ع ۴ ۱ ع ۲ ۳ ۳	۱۲۳ ۱۵۷۱۱۸
۱۱۵ ۱ ۱۱۱ ل ۱	فصل ششم در دفع وحشت منقولست که شخصی

بخدمت امام جعفر صادق ع شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی

واندوهی عارض میشود چون بمیان مردم می آیم برطرف میشود فرمود

که دست بر دل بگذار و بگو بسم الله پس سه بار دست را بر دل بمال و هفت بار

این دعا را بگو اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله

واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله

من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی ودر کتاب مکارم آورده

که شخصی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده از وحشت شکایت

نمود حضرت فرمود که مکرر و بسیار این دعا بخوان تا خوف و وحشت ترا

زایل کرداند سبحان الله رب القدوس رب الملائکة والروح خالق

السموات والارض ذی العزة والجبروت ایضا بجهت رفع وحشت

بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله انه من یتوکل علی الله فهو حسبه

ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک

وفی جوارک واجعلنی فی امانک ومنعک سعد بن ابی الوجا گوید

که براه مکه میرفتم شبی راه گم کردم از پس سر خود احساس شخصی کردم

که قرآن ~~میخواند~~ گرسیلم چون بمن رسید گفت گمان میبرم که راه

گم کرده باشی گفتم بلی گفت آیا تعلیم کنم ترا دعای که چون بخوانی در

حالتی که راه گم کرده باشی راه را بیابی و اگر وحشتی داشته باشی برطرف

شود و اگر از خواب افتاده باشی بخواب روی گفتم بلی پس این دعا را تعلیم

تعلیم نمود وچون بخواندم رفقاء خودرا جمع ونزدیک دیدم چون
آمده را جستم نیافتم اینست بسم الله ذی الشان عظیم البرهان شدید
السلطان کل یوم هو فی شان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
ماشاء الله کان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واطبا خوردن
سکنجبین را با طباشیر جهت توحش وغم ودفع کرب والتهاب مفید
دانسته اند **فصل هفتم** در دفع ترس بیابان ودفع غولان
وحجاب از مخلوقات اما دفع ترس بیابان نوع حدیث معتبر از حضرت
صادق ع مرویست که هر گاه در سفری یا بیابانی باشی واز جنیان
وغیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر بگذار وبآواز بلند بگو
افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا
وکرها والیه یرجعون نوع دیگر مرویست که چون پیغمبر صلی الله علیه وآله
بسفری میشدند این دعا را میخواندند جهت ترس بیابان یا ارض
ربی وربک الله واعوذ بالله من شرک وشر ما فیک ومن شر
ما خلق فیک ومن شر ما یدب علیک واعوذ بالله من شر
کل اسد واسود ومن شر الحیة والعقرب ومن شر ساکن البلد
ومن شر والد وما ولد افغیر دین الله یبغون الایه الحمد لله بنعمته
وحسن بلائه فانه لا حول ولا قوة الا بالله یس سوره الهیکم التکاثر

را

را میخوانند از حضرت صادق ع مرویست که فرمود چون غولان
در راه بشما برخورند اذان نماز بگویید اما کیفیت احتجاب از
مخلوقات بجهت ترس مکان واحتجاب از دزدان آورده وگفته است
که بتجربه رسیده که هر که در مکانی ترسد پنج سنگریزه بعدد حرف هاء
بردارد وبر حوالی خود بپاشد وهفت سنگریزه دیگر بعدد حروف
زای بردارد ودر نزد سر خود دفن کند وبخوابد ایمن باشد **طریقه**
دیگر اگر کسی در بیابانها ودر راهها ترسد باید که پنج سنگریزه بردارد
اول را بنام الله تعالی دوم را باسم جبرئیل وسیم را باسم موسی علیه السلم
وچهارم را بنام محمد صلی الله علیه وآله وپنجم را باسم ابرهیم علیه السلم وباخود
دارد از شر همه چیز ایمن ماند **طریقه** دیگر اگر کسی در بیابانی ترسد در وقت
خواب پنج عدد سنگریزه بردارد لفظ هاء ودر نزد سر خود دفن کند
پس پنج سنگ دیگر باسامی اولوا العزم بردارد ونام ایشانرا مذکور سازد
اول نوح ع ۲ ابرهیم ع ۳ موسی ع ۴ عیسی ع ۵ محمد صلی الله
علیه وآله پس یکی از آنها بجانب قبله بیندازد وبگوید قوله ودوم را پشت
قبله بیندازد وبگوید الحق وسیم بجانب شمال وبگوید وله ما وچهارم
را بجانب مغرب وبگوید الملک وپنجم را یعنی سنگی که در نزد سر خود دفن
کرده بگذارد وبگوید فقولوا ولا تترحوا فضرب بینهم بسور له باب باطنه

فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب بعد از آن چهل سنگ ریزه دیگر
بردارد و در حوالی خود دفن کند و بخواند که حجاب عظیمی است و در مجمع
المنافع آورده که اگر خواهد کسی که شب بجای رود و کسی او را نبیند
و نداند خصوصاً دزدان و دشمنان بر کف دست خود این آیه رب ارنی
انظر الیک قال لن ترانی تا و انا اول المؤمنین را بنویسد و بزبان
نیز بخواند و نیز آنرا نظر بر او نیفتد و مخفی ماند ایضا نظر بندی
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم عليقا مليقا حليقا حالقا محلقا
اربطني مرتضی صلی الله علی محمد و آله عصای موسی در چشم و مهر
سلیمان بر دهن برحمتک یا ارحم الراحمین

فصل هشتم

در دفع ضرر سباع و کلاب و ذئاب وارد از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که چون کسی از شر حیوانات درنده ترسد بر دور خود خطی
بکشد و بگوید اللهم رب دانیال و الجب و رب کل اسد مستأسد
احفظني و احفظ ما معی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
صادق علیه السلام بشخصی فرمود که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی
بخوان و بگوی عزمت علیک بعزیمة الله و عزیمة محمد رسول الله و
عزیمة سلیمان بن داود و عزیمة علی امیر المؤمنین و الائمة من بعده
الا ان تجتنب عن طریقنا و لم تؤذنا فانا لا نؤذیک راوی گفت

که

که بشیری بر خوردم و این دعا را خواندم شیر سر را بزیر افکند و دم را در
میان پاهای خود کشیده برگشت و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که چون شیر را ببینی سه مرتبه الله اکبر بگو پس بگوی الله اعز
و اجل من کل شیء و اعوذ بالله مما اخاف و احذر و چون سگ بر تو
فریاد کند و حمله آورد این آیه بخوان یا معشر الجن و الانس تا الا
بسلطان و در کتاب مکارم مذکور است که کسی هرگاه از سگ یا از
سبعی دیگر ترسد بگوید قل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجون
ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون و اذا قرأت القرآن جعلنا
بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا
علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و ان یروا کل آیة
لا یؤمنوا بها حتی اذا جاءوک یجادلونک یقول الذین کفروا
ان هذا الا اساطیر الاولین ایضا افغیر دین الله یبغون
و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها قالتا اتینا
طائعین ایضا بخوانند لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز
علیه ما عنتم قد بدت البغضاء حریص علیکم بالمؤمنین رؤف
رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو
رب العرش العظیم ایضا در رفع کردن سگ این اشکال را بنویسد

وبا خود دارد لا مرله علیه حمس وادسعط کلبهم باسط ذراعیه
بالوصید برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا بجهت دفع ضرر گزیدن
سگ یا شغال دیوانه این اشکال را بر نان نوشته بخورد شفا یابد
ح [illegible] طه لاصه و ۱۱۱ ۵ [illegible]
ایضا ودر کتاب خزانة الاسرار آورده که هر که اسم الحلیم الحکیم را بنویسد
وبشوید وبکسی که او را سگ دیوانه گزیده باشد بدهد تا بخورد دفع سمیت
آن از وی کرده شود باذن الله تعالی واطبا بجهت تشخیص گزیده سگ
که دیوانه بوده یا نه گفته اند که پارچه نانی را چون زخم آن آلوده
سگ غیر دیوانه اندازند هر گاه آن را نخورد علامت زخم سگ دیوانه است
والا فلا در علاج آن گفته اند اول موضع زخم را حجامت نموده مبالغه
در کشیدن وجذب سمیت واخراج باید نمود تقصید با شتاب نماید
که زخم او را وسیع کند تا به نشود مثل پیاز وتره تیزک وچغندر پخته
در روغن وسایر مرهم اکال واگر داغ کنند ودر دفع چرک آن مبالغه
نمایند اما بعد از سیزده روز پرهیز نفعی ندارد چه سمیت او سرایت
کرده در یصورت بر زخم آن جاوشیر واشیای جاذب سم باید بست
مانند نطرون با بول انسان وخاکستر تاک با سرکه وتره تیزک با
روغن وتکرار بستن سر نیم ماهی را نافع دانسته اند ودر ترطیب
تقویم

تقویت اعضای رئیسه باید کوشید واز جماع وخوردن ترشیها وهوای
سرد اجتناب لازم است وتعلیق پوست شغال جهت سگ دیوانه گزیدن
ومنع ترسیدن او از آب آزموده است [illegible] کتاب قاموس المحیط
مذکور است که هر که دندان کفتار را با خود دارد سگ بر روی او
فریاد نکند وبتجربه رسیده که هر گاه سگ بر کسی حمله آورد آنکس
سر انگشتان ابهام دست راست وچپ را بر یکدیگر گذارد وهمچنین
سر سبابتین را بدستور بر یکدیگر گذاشته وخیره که از میان آنها
حاصل میشود ابراز وهمچنان متوجه آن سگ شود چون آن هیأت
وحالت از کسی آن سگ مشاهده نماید بی اختیار از آن کس منهزم
میگردد والعلم عند الله ایضا دفع مضرت گرگ از ابن عباس
منقولست که هر که آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم تا آخر سوره توبه
بخواند وبر گله گوسفندان دمد از گرگ محفوظ ماند وایضا گفته
اند که این سه شکل را نوشته بر گردن گوسفند بندد از شر گرگ
ایمن گردد

طرید	سهو	ناسه

[illegible] زهره در خواص آورده که اگر [illegible] اسنار اگر از عود صلیب
گویند در گردن گوسفندی بیاویزند ودر هر گله که آن گوسفند
در آن باشد از گرگ آسیبی بآن گله نرسد فصل نهم در دفع

ضرر دزدان وقاطعان ودرندگان نرسد طریق وموذیان از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که هرکه در سفری باشد
وازدزدان ودرندگان نرسد بر پایل اسبش یا بنکشت بطریق کتابت
بنویسد لا تخاف درکا ولا تخشی تا برس وضرر ایشان ازا و باذن الله
رفع شود راوی گفت که من بسفر حج رفتم و در میان بیابان جمعی از
عربان امدند وقافله ما وا ارزند ومن در میان ایشان بودم واین
را بر پایل اشیم نوشتم پس بحق ان خدای که حضرت رسول صلعم را برسالت
فرستاده وحضرت امیر المومنین عم را بامامت مشرف گردانیده
که حق تعالی ایشانرا از من کور گردانید واسیبی بمن نرسانیدند ایضا
بجهت دفع دزدان در سفر این قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما
تدعوا را تا اخر سوره بنی اسرائیل با این دعا بخواند یا ودود یا ودود
یا ذا العرش المجید یا فعالا لما یرید اسالك بعزتك التی لا ترام و
ملکك الذی لا یضام وبنور وجهك ملأ ارکان عرشك ان تکفینی
شر اللصوص یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی
واز جمله اسرارست که چون کسی خواهد که از نظر دزدان وظالمان
وقاطعان طریق وموذیان مخفی گردد بگوید فقج محمت پس بر
دارد سنگریزه بعدد حرف مجرومه اینکلمه بدست چپ وآن سه حرفست

جیم

جیم وخاء وتاء وبعدد حروف منصوبات بدست راست وآنچهار
حرفست فا وقاف ودو میم پس اول این از منصوبات دست راست
را بجانب راست خود بیفکند ودر ان حالت بگوید افحسبتم انما
خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون پس دو میم را از جانب بیندازد وبگوید
یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان پس سیومین را از عقب سر
بیندازد وبگوید صم بکم عمی فهم لا یرجعون پس چهارمین را از عقب سر
بیندازد وبگوید وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون بعد از ان سه سنگ مجرومه که در دست چپ
دارد در عمامه خود با خود دارد محجوب ماند یکی از ثقات حکایت کرده
که از سفر حلب می امدیم وقافله ما بود جمعی از مکاریان وتجار وبا
ایشان بار بسیاری بود واز راهداران اندیشه ناك بودند پس من
اینعمل کردم تا از شر راهداران اهل قافله ویاران ایشان سالم
ماندند ونتوانستند متعرض ما شدند نوع دیگر بناء مدینه است
یعنی حصار وشهر ساختن از شر اشرار والجنانست که با طهارت
باشد وروی بقبله بایستد یا بسجده افتد واین دعا را بخواند که اللهم
انی احتجب الیك بنور وجهك الکریم الجلیل القدیم الرفیع العظیم

الغنی الرحیم القائم بالقسط لا اله الا انت العزیز الحکیم وبمحمد
صلی الله علیه وآله صلواتك علیه وعلیهم وباولی العزم من المرسلین
صلواتك ورحمتك علیهم اجمعین وبملائکتك المقربین رضوانك
علیهم اجمعین وببیتك المعمور وبالسبع المثانی والقران العظیم
وبکل من یکرم علیك من جمیع خلقك اجمعین لانفس اهل بیت
نبیك محمد صلواتك علیه وعلیهم ولاولادهم ولجمیع ما ملکتهم وتتفضل
به علیهم ولانفسنا ولاولادنا ولجمیع ما ملکتنا وتتفضل به علینا
من شرور جمیع ما قضیت وقدرت وخلقت وشرور جمیع
ما تقضی وتقدر وتخلق ما احییتنا وبعد وفاتنا بسم الله الرحمن
الرحیم قل هو الله احد تا اخر سه مرتبه وهر مرتبه بعد از اتمام آن
بگوید کذلك الله ربنا عن فوقهم وعن فوقنا بعد از ان سه بار
دیگر بهمین طریق سوره توحید را با بسمله تا اخر بخواند وهر مرتبه
بعد از اتمام ان بگوید کذلك الله ربنا عن ایمانهم وعن ایماننا پس
سه مرتبه دیگر بهمین روش توحید را خوانده هر مرتبه بعد از اتمام
کردن بگوید کذلك الله ربنا عن خلفهم وعن خلفنا پس سه مرتبه
دیگر همین طور بخواند وبعد از اتمام هر مرتبه بگوید کذلك الله ربنا
عن یسارنا وعن یسارهم پس سه نوبه دیگر بخواند وهر مرتبه

جمع

چون باتمام رسد بگوید کذلك الله ربنا عن حولهم وعن حولنا عصمة
وحصنا وحرزا لهم ولنا من کل سوء مسنا وضر ومکروه ومخوف
ومحذور وشقاء ما عشنا وبعد مماتنا بقدرة ربنا انه علی کل
شیء قدیر ولکل شیء حفیظ وصلی الله علی محمد واله اجمعین ایضا
دیگر در کتاب مجتنی اورده که هرگاه بخواهی که الله تعالی پوشیده دارد
ترا از نظر کسانی که از ایشان اندیشه مینمائی ومیترسی این دعا را بخوان
یا رب العالمین ایاك نعبد وایاك نستعین اسالك باسمك العظیم
الذی تجلیت به لموسی علی الجبل فجعلته دکا وخر موسی صعقا
ان تطمس عنی بصر من اخشاه وتسك لسانه وتختم علی قلبه و
تحبس یده وتعقده من رجله انك علی کل شیء قدیر دیگر از انجمله
دعائیست که در مهج از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده
که حرز بود وتعویذیست بجهة شیطان مارد وسلطان جابر وسوختن
وغرق شدن وفرود امدن سقف ودزدان ضرر رسانده ودزدان
وقاطعان طریق ویکی از رواه این حدیث نقل کرده که گفت هر شب
چون از دکان خود بیرون می امدم این دعا را میخواندم که در یك
شب فراموش نمودم خواندن اینکلما ترا پیش از بیرون امدن از دکان
چون پاسی از شب بگذشت واز خواب بیدار شدم بخاطرم آمد که در

وقت بیرون امدن از دکان و بستن در آن نخوانده ام بس همچنین
درمیان بستر خواب خوانده ام و بدست بجانب دکان اشاره نمودم چون
روز شد بجانب دکان گاه امدم دیدم که در همچنان بسته که من بسته ام
و مقفل است و مردی در درون دکانست بدو گفتم تو چه کسی و در اینجا
چه میکنی بعجز درامد و گفت باین دکان درامدم که چیزی از ان
بدزدم چون داخل شدم هرگاه اراده کردم که بیرون روم حایلی
میان من و در از دیوار اهنی پدید می آمد و تا حال بدین حال گرفتارم
بیرون دانستم که این در ان اثنا که من بیدار شده ام و خوانده ام داخل
دکان شده بود و از برکت این دعا نتوانسته چیزی دزدیدن و
بیرون رفتن و گرفتار شده است دعا اینست اللهم احرسنا بعینک
التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام واعزنا بسلطانک الذی
لا یضام وارحمنا بقدرتک علینا ولا تهلکنا وانت الرجاء رب
کم من نعمة انعمت بها علی قل لک عندها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی
بها قل لک عندها صبری فلم یخذلنی یا ذا المعروف الدائم الذی لا
ینقضی ابدا ویا ذا النعماء التی لا تحصی عددا اسالک ان تصلی علی
محمد وآل محمد الطاهرین وادرء بک فی نحور الاعداء والجبارین اللهم
اعنی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی بتقوای واحفظنی فیما غبت

عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تنقصه المغفرة ولا
تضره المعصیة اسالک فرجا عاجلا وصبرا جمیلا ورزقا واسعا
والعافیة من جمیع البلاء والشکر علی العافیة یا ارحم الراحمین
و در بحر المنافع در ذکر حکمتهای غریبه عجیبه اورده که هرکه
در شب یکشنبه چون تیر شهاب بجهد در همان اثناء جستن تیر
شهاب و پیش از انکه بجای پیوندد در رشته یا ریسمانی گره زند و اگر
در خانه یا کشت زاری که بر چهار جانب ان چیزی گرفته باشد در یک
جانب انجا ان گره را در چوبی یا چیزی بدارد هرکه بدزدی در انجا
در اید و چیزی برگیرد دستهای او بسته بماند بدان حالتی که باشد و اگر
چند نفر باشند نیز همین حالت دارد تا ان زمان که خصم بیاید و
گره را دور کند گشاده نمیشود فصل هفتم در دفع جستن
جار و اورد ضاله و گریخته و غایب و دزدیده اما جستن جار و اورد
ضاله مرویست که حضرت امام رضا فرمود که هرگاه از تو چیزی
گم شود ایه عنده مفاتح الغیب تا مبین از سوره انعام بخوان و
بگوی اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی وترد الضالة
صل علی محمد وآله واغفر لی رد ضالتی وصلی الله علی محمد وآله ایضا
بجهة رد ضاله گم شده و غایب بسیار مداومت نماید یا جامع الناس لیوم

لاریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی و بین کذا ایضا
بجهة رد گمشده بدستور مذکور عمل نماید یا من لا یخفی علیه مکتوم
ولا ینفذ علیه معلوم ولا یغالبه منیع ولا یطاوله رفیع اردد بفضلک ربّک
علی ما فی قبضتک انک اهل الخیرات ایضا خواندن سوره عبس
و والعادیات و خواندن این دو بیت ناد علیا مظهر العجائب
تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک
یا علی یا علی یا علی و خوانده این دعا اللهم یا هادی الضلالة
و رادّ الضالة اسالک بعزتک و سلطانک ان تصلی علی محمد
و آل محمد ان ترد علی ضالتی فانها من عطائک و فضلک و رزقک
و خواندن سوره توحید را سه نوبت و هر نوبت بدست چپ بند جامه
خود را یک گره زدن بتجربه رسیده که بزودی تاثیر میکند و در
جنة الواقیه مذکور است که از برای گمشده شده استغاثه کردن
با برهیم ادهم و در بعضی از کتب اصحاب ما مذکور است که پیدا میشود
و این معنی بتجربه رسیده ایضا بجهة رد گریخته نقل است از حضرت
صادق که بر ورقی یا کاغذی بنویسند و بپیچند و در میان
دو چوب نهند و از دریچه خانه تاریک در جای که آن گریخته میبوده
بیندازند بزودی باز آید بسم الله الرحمن الرحیم ید فلان بن فلان

مغلولة علی عنقه اذا اخرج یده لم یکد یریها و من لم یجعل الله له نورا فما
له من نور و بجهة جستن حمار و امثال آن بخواند یا عباد الله احبسوا زیرا که
چار وا می ایستد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست و حکایت کرده اند
که بعضی از مشایخ را در سفری استر شتر گریخت این حدیث را شنیده بود
بعمل آورد استر شتر محبوس ماند تا رفت و او را گرفت ایضا خواندن
دعای که سعد بن ابی الرجا روایت کرده و در فصل دفع وحشت همین باب
گذشت و صاحب کفعمی از حضرت امیر المؤمنین نقل کرده بجهة رد غایب
و گریخته بنویسد که اللهم ان السماء سماؤک و الارض ارضک و البر برک
و البحر بحرک و ما بینهما فی الدنیا و الآخرة لک فاجعل الارض بما رحبت
علی فلان بن فلان اضیق من مسک جمل و خذ بسمعه و بصره و قلبه
او کظلمات فی بحر لجی یغشه موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات
بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها و من لم یجعل الله له نورا فما له
من نور و در حوالی این دعا آیة الکرسی را بنویسد و سر روز در هوا بیاویزد
بعد از آن در مکانی که او جای داشته بگذارد ان شاء الله تعالی بزودی مراجعت
نماید ایضا از آنحضرت روایت شده که هرگاه بنده یا حیوانی از شخص
بگریزد این آیه را بخواند بزودی یاد کرده او ظلمات فی بحر لجی تا من نور
دیگر بجهة باز آمدن گریخته و یافتن دزدیده این آیه را بدین روش

نوشته بسمت قبله بیاویزد پیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم

وجعلنا من بین ایدیهم ایضا این دایره بکشند و در جای گریخته

دفن کند و سنگ گرانی بر بالای آن بگذارد باز آید

نوع دیگر این شکل

را بنویسد و اسم گریخته را در میان بنویسد و بیاویزد در

زمین استوار کند مجرب

ایضا بتجربه رسیده که لوح

فلان بن فلان

چهار ضرب بر یکصد سنگ ریزه بر هر یکی یکبار و در حفیره کودی

بیندازد اثر کند اللهم [illegible] اللهم

[illegible] کتاب حرز الامان بجهت سرگشتگی آبق و سارق و رجوع

ایشان بی اختیار از کتاب در النظیم نقل کرده که هر که آیه قل اتدعون من

دون الله تا العالمین از سوره انعام بر پارچه پوست سگ آب جوشیده

بنویسند بعد از انکه دایره بپرگار در آن پوست رسم کرده و باید که این

را در وسط دایره بنویسد و در بعضی نسخها بر پوست کدوی خشک

نویسد پس از آن خانه بیرون آورد چنانچه هیچ ادمی را چشم بران

نیفتد و بر خارج دایره نام گریخته و مادرش یا کشنده یا دزد برده را بنویسد

و در موضعی که قدم مردم انجا نرسد دفن کند از آن دزد و گریخته سرگردان

ومتحیر

ومتحیر شده بی اختیار و بی طاقت مراجعت نماید و در ذخر سوا کرده

بحر المنافع اورده که هزار بار با اسم گریخته بگوید یا طوطیا یابن بیاید و

همچنین آورده که بر یک و نیم نان بدین طریق بنویسد دیکنان نام فرعون

دهامان و بسک دهد تا بخورد و بر نیم نان بنویسد نوخاید بنت لاوبر

و بدختر بکر دهد تا بخورد که گریخته گرفتار گشته باز اید بفضل الله تعالی حکایه

ما تقدم این جدول را وضع و تجربه کرده اند بجهه گریخته و کشده که چون

خواهند بدانند که از ایشان می یابند یا نه باید که از هفتدهم شباط رومی که

پیش از نوروز سلطانی بیست و دو روز می باشد و تقریبا موافق و نوزده

هشتم درجه حوت است بگیرند تا روز گریختن و کشده و جمع کنند و ۳۶ و ۳۶

طرح کنند و انچه ماند درین جدول نظر کنند اگر بسرخی نوشته است باز

یابند و اگر بسیاهی نوشته است نخواهند یافت والله اعلم جدول اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بجهت رد غایب در کتاب در مکنون آورده است که اگر کسی این شکل را با آب

ریحان بر کاغذی بنویسند و در موضع تاریکی دفن کند و در وقت نوشتن

نام غایب و مادرش بر زبان راند یا در ذیل آن بنویسد قیصغظکص

باسم فلان بن فلانه غایب بزودی باز اید یا خبرش برسد دیگر
گفته اند که اگر کسی بجای رفته باشد و از و خبری نیاید یا خود رغبت مراجعت
نداشته باشد این اشکال را بر هفت قطعه کاغذ بنویسد و باسم او هفت
روز یکی را بسوزد بزودی مراجعت نماید یا خبرش برسد اگرچه درمانده
باشد که مجربست اینست عطلعلع لما افسلا حلسقون علسلح علملمه
عهت سلعم حا فلعهمهه ىلسه **ایضا** گفته اند بجهة آوردن
غایب بنویسد و بجای اویزد که باد بران وزد بزودی مراجعت نماید
کا ااع اا ااع اا ااع ٦٨٩ اا ٨ ھ ٦ ااا ٧ ٥ ٨ ٧ کا و اا ا ا ٦ ااا ٦ ط ط ھ اا ٢ ا ٢ ا ٢ ٦ ٦ ھ ٦

ایضا بتجربه رسیده که سوره فاتحه را مقلوب بنویسند و در شیشه
اندازند و قدری اب در شیشه ریخته بر آتش گذارند تا بجوشد اگر صد
فرسنگ دور باشد که آتش در دل او گرفته بزودی مراجعت نماید و همچنین
گفته اند که حصار او رو تر بر سر بلاد در بخوانند و بنام غایب و مادرش در
آتش اندازد البته بزودی مراجعت نماید **و در بحر** المنافع آورده که این ایه
و غیره را بر کاغذی بنویسد و در چاه اندازد و گوش فرا دارد اگر آواز خنده
بشنود دلالت بر بیماری غایب یا قوم انّ هذه الحیوة الدّنیا متاع و
انّ الآخرة هی دار القرار من عمل صالحا فلنفسه من ذکر او انثی بعصمتک
کا ا ا ام ا ا ٥ ا ا ٢ ا ا ٩ ا ا باسم فلان بن فلان دیگر بعد از نماز خفتن پاک غسل کند و بر کف
دست

دست بنویسد و بعد از غسل با کسی سخن نگوید در خواب بری او را از احوالات
غایب خبر دهد اینست سعصلم سح مصعصح محل العس
حل صسع لا ۱۱ ام ۱۱ ا ۱۱ **و در** کتاب خزاین الاسرار آورده که این بوزرات
بغیر حساب بر خرقه کبود بزعفران و گلاب بنویسد و اسم غایب را نیز
بنویسد و آنرا در خانه غایب بر باد اویزد بزودی مراجعت نماید **ایضا**
بجهة رد غایب نصف شب برخیزد و بایستد در کنجهای خانه و هفتاد نوبه
بگوید یا معید و در نوبه آخر بگوید یا معید رد علی فلان بن فلان در
همان هفته خودش یا خبرش برسد **امّا** پیدا شدن دزدیده در الواح
الجواهر بجهة رد ضاله و گریخته و دزدیده آورده که این مربع را بر بیضه بنویسد
و در کنار آتش دفن کند و اسم ضاله و ابق یا مسروق را نیز در آن رسم
کند و چنان دفن کند که نسوزد و حرارت آتش بدو رسد بزودی پیدا
شود و این احقر مکرر در باره مسروق عمل و قبل از آنکه هفته بگذرد اثر بخشید
ایضا بتجربه رسیده
که این اشکال را بنویسد
و در موم گیرد و بر سر
چهار راه دفن و در آتش
اندازد و بسوزد آن

من خردل فتكن في صخرة

ان دزد بی اختیار اقرار نماید و رسوا گردد اشکال این است و العهدة علی الراوی

طعه ١١٨١٢٨ ط ١٩ ٢ ـــو لا مل طلکلعلمد لا

مهـ ١١٦٧م ٩ صا ١١١ عس ط ١١٨ ٧ طدم ١١ ٨ ١ ه

ایضا بتجربه رسیده بجهت یافتن دزد برده بر لقمه نان بنویسد این آیه
را و بجماعت متهم خورانند هر که دزد باشد در گلویش بگیرد قالوا اتعجبین
من امر الله رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید نوع دیگر
از خاصیت این آیه است که بهمان دستور بعمل آورد و همان تاثیر بخشد
فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ایضا در خواص
آیه فساهم فکان من المدحضین فالتقمه الحوت وهو ملیم فلولا انه
کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون و در بحر المنافع
آورده که از آرد جو قرصها بقدر کف بسازد و بر یکطرف نام کالاو بر طرف
دیگر آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم حینئذ تنظرون با این شکل
لا ـــ و ١١١ع ـــ و به متهمین خورانند هر که دزد باشد در گلویش بگیرد
ایضا گفته همین آیه را شب یکشنبه برنج را تر کنند و بامداد سه بار بر آن
برنج بخوانند و با جماعت دهید هر که دزد باشد گلویش بگیرد ایضا
آورده که بر نان بی نمک بنویسد و بجماعت متهمین دهد هر که دزد باشد
در گلویش بگیرد افتطمعون ان یؤمنوا لکم وقد کان فریق منهم

یسمعون

یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه وهم یعلمون
ایضا آورده که این آیات را سه بار بر کف آردی بخوانند و بر جمعی که
مظنه دارد بهر یک قدری از آن آرد بدهد تا در کف خود بلعاب دهن
خود خمیر و غلوله نمایند هر که دزد باشد ببرکت این آیات آرد در
دهن او خشک شود و نتوانند از آن خمیر و غلوله کرد سلام قولا من
رب رحیم وامتازوا الیوم ایها المجرمون و همچنین بدستور مذکور
آورده و بیان نموده بالا[illegible] اینکه بر کف جماعت متهمین این شکل را
رسم نماید طسح ایضا حکماء این جدول را وضع نموده اند و حکم
معرفت جدول معرفت گریخته و گمشده است از چهاردهم حمل بگیرند و تا روزی
که دزد برده و بهمان طریق ۳۰ و ۳۰ طرح کنند آنچه بماند اگر عدد آن
بسرخی نوشته است پیدا میشود و اگر بسیاهی است پیدا نشود جدول اینست

٣	٤	٥	٦؟	٦٥؟	١٨؟	٢٣؟	٢٣؟	٢٧؟	٣٠؟	٣٣؟	٣٤؟
٢	٨	٧؟	١١	١٦	١٨	٢٠	٢٣؟	٢٦؟	٢٩	٣٣؟	٣٥؟
١	[illegible]	٧؟	١٠	١٣؟	١٥؟	١٥؟	٢٣؟	٢٨؟	٢٥؟	٣١؟	٣٤؟

فصل نهم در دفع گم کردن راه و دفع ولمانده گی و حفظ متاع

در حدیث معتبر از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که چون در راهی
روی و راه گم کنی فریاد کن که یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق
رحمکم الله مرویست که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله را واماندگی یا درد سری

عارض میشد دست را میکشودند و سوره حمد و توحید و معوذتین را
میخواندند و بعد از آن دست را میکشیدند و چون اگر کسی از راه مقصود
خود میل بسوی دیگر بوده راه مقصود را گم کرده باشد این آیه را تکرار
نماید تا براه مقصود برسد عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل و در
کتاب در مکنون بجهت درد معده و اماندکی از رفتن این شکل را ذکر
کرده و مذکور شد و از پیش کذشت اع ک ط ل ک ایضا آورده
که هر که این اسمارا نوشته بر ران بندد در راه رفتن مانده نشود است
یا کبیکج یا کبیکج یا کبیکج و در بحر المنافع آورده
که اگر کسی این پنج اسم را بنویسد در حالتی که با وضو باشد و در وقت نوشتن
با کسی سخن نکند و در ساق پای بندد از رفتن مانده نشود ما طهو
علج الذی یعفو عن المدبری و کذلست که پر عقاب و پیه بوم را کف
پای مالند و نعلین از پوست شتر کنند هر چند تعجیل و بسیار
رود مانده نشود تعویذ متاع از ضیاع در فقه الرضا علیه السلم
مذکور است که چون کسی خواهد متاعی را به بندد و نگاه دارد آیة الکرسی
بخواند و بنویسد و در میان متاع بگذارد و این آیات و دعا را نیز
با آیة الکرسی بنویسد و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فا
غشیناهم فهم لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظ الله فان تولوا فقل حسبی الله

لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم چون چنین کند آن
متاع از همه بلاها محفوظ ماند ایضا بتجربه رسیده که چون این
شکل را بنویسد و در میان متاع گذارد از تلف شدن ایمن باشد اینست
و و ا ||||| ۱۱ ۱۱ ه ح ۱۱۱۹ ۱ ||||| ۹ ۹ ه ۹۹ ۱۱۱۱ ||||| ب ه
الحکم لله ایضا همین خاصیت دارد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و
الاکرام صل علی محمد و آل محمد و احفظنی و مالی بحق محمد و آل محمد
یا حی یا قیوم و ۳۳ م ||||| ۱۱۱۱ ه ی نوع دیگر در آخر جمعه ماه مبارک
رمضان این شکل را بر کتاب بنویسد از ضیاع ایمن ماند و همچنین این
نوشته را در میان متاعی هذا از ضایع شدن ایمن ماند و دزدان
بردزدیدن آن متاع قادر نباشند لا الاء الا الاء الا الاؤک یا الله محیط
به علمک ک ع س ل ه و ن و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک
الا رحمة للعالمین ابا تراب ابا تراب ابا تراب و در کتاب خزانة الاسرار
آورده است که از صحابه منقولست که این حروفات را بر صنادیق و اقمشه
و بر دیوارهای سرای و باغ و بوستان نوشتن باعث حفظ آنها است
و حاجات آن اینست الم ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن
باب دوازدهم در دفع امراض و علل دواب و تعویذات آنها
عوده که بر چهارپای سواری بندند بجهة ایمنی از آفات اللهم احفظ

حفظ غيرك م

علي ما لو الصناع واستر علي ما لو ستره غيرك لكاع واجعل علي ظلا
ظليلا اتوقي به ممن راسني بسوء او نصب لي مكرا وهيئ لي مكروها
حتي يعود وهو غير ظافر لي ولا قادر علي اللهم احفظني كما حفظت
به كتابك المنزل علي قلب نبيك المرسل اللهم انك قلت وقولك
الحق انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون ايضا بجهة چشم زخم
جوان در طب الائمه مذكور است بسم الله وبالله خرج عين السوء
من بين لحمه ودمه وجلده وعظمه وعصبه وعروقه فلقيها
جبرئيل وميكائيل عليهما السلام فقالا الى اين تذهبين ايتها اللعينة
فقالت اذهب الى الجبل فاحرجه والدابة فاموتدها فقالا لها اذهبي
ايتها اللعينة الى البرية فتمّ لها عينان عين من نار وعين من الثلج
كذلك يطبع الله على عين السوء وعين حاسر وعين حجر يابس
ونفس نافس ونار قابس يعون الله عن السوء الى اهله في جنبيه و
كشحه وفي حبيب خلانه اليه بعزيمة الله وقوله اولم ير الذين كفروا ان
السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
كل شيء حي افلا يؤمنون فارجع البصر هل ترى من فطور ثم
ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير وصلى
الله على سيدنا محمد واله اجمعين تعويذ بجهة اسب بنويسد و در گردن كرده

اسب

خانه

بنذا اللهم احفظ الفرس من شر كل عين ناظرة والسن ناطقة واذن
سامعة وايد باطشة وارجل ماشية وصدور رخاوية فمن يستمع الان
يجد له شهابا رصدا اللهم احفظ الفرس من كل ناطقة في الميدان و
عند مقابلة الفرسان وعقدة اقدام كل فرس عن ان يجاوزه اسم الله
عليك وعلى راكبك عن العيون وقولنج والمناب بسم الله عليك
وعلى راكبك برحمتك يا ارحم الراحمين ايضا سابقا مذكور شد كلماتي
كه بر تخم مرغ بايد نوشت و در ما بين عينين حيوانات شكسته نوع
ديگر تعويذ بجهة خطا نكردن اسب بر و بندد ليهلك من هلك عن
بينة ويحيى من حي عن بينة وان الله لسميع عليم ذلك بان الله
يحيي الموتى وان الله على كل شيء قدير اللهم احفظ هذا الفرس عن
جميع البلاء والقضاء وافة السماء وشر الاعداء وشر الجن بمحمد واله
نوع ديگر تعويذ اسب برت يتر يا هو يا هو يا هو يا من ليس هو الا
هو يا حي يا قيوم بلا اله الا انت صل على محمد وال محمد وكن لهذه
الفرس درعا حصينا مضيقا بحق انك سر سرا ير اعيذك ايها
الفرس من المغل والدغل وشق الحافر والعثرة في الميدان بحق هذه
الاسماء اااك اااا دوع فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ايضا
بر گردن اسب بندد از همه افات محفوظ ماند اينست ١١٣

ط۱۱۱۱ گر و ۱۱۱۱ ه ایضا هیکل اسب جل ربی وقدر وعزربی
والله معین لمن صبر ولذکر الله اکبر اعلم ٤ ۳۳ م ۱۱۱۱ ع ف
من شر جمیع ما اخاف واحذر وشر ما خلق الله فی السموات والارض
وما بینهما من الذئاب والعیون والسباع بحق ایاک نعبد وایاک
نستعین وصلعم نوع تعویذ مشهور بتعویذ دلدل بر اسب بندد
والمهح ابولیح لحه ۵۵ البرنا یحج املح الحاهما اباما ابولیح
والبح ابوادرادة الواه الواسط ابور و لی
لواولوا۱۱ کسرا۱ درا رة ة امداف اه لهح الف
ضلح ۱۱۱۱ باط الواه و الوامدامدبالهداه البیح اباه
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین اما بجهت علل درد
در مکادم بجهت رهضه هایم یعنی رضی کر بر سیم مرکب عارض میشود
وابی که بر سم ستور می اید فتوری بیم اب ندیده بردارد و بتابد و
هفت کره بران زند و بگوید خرج عیسی ابن مریم علی حمار اقر لسم
یدخس ولم یرهص انا ارقی والله یشفی و بر رهصه بندد زایل شود
شود بجهت دفع سواجاسب بنویسد این طلسم را و بر پایل اسب بندد
تا پنج روز خشک شود ٣٣٨٨٨١٩٩١٨٩٩٥١٩١٩١٩١ لا ١ ع ع

٣٣ ٢ ع ٢	٣٣ ٢ ٦ ٣٣	٢١ ٣	٨	٦١١	٩٢ ح	١٩ ج ح	١١ را
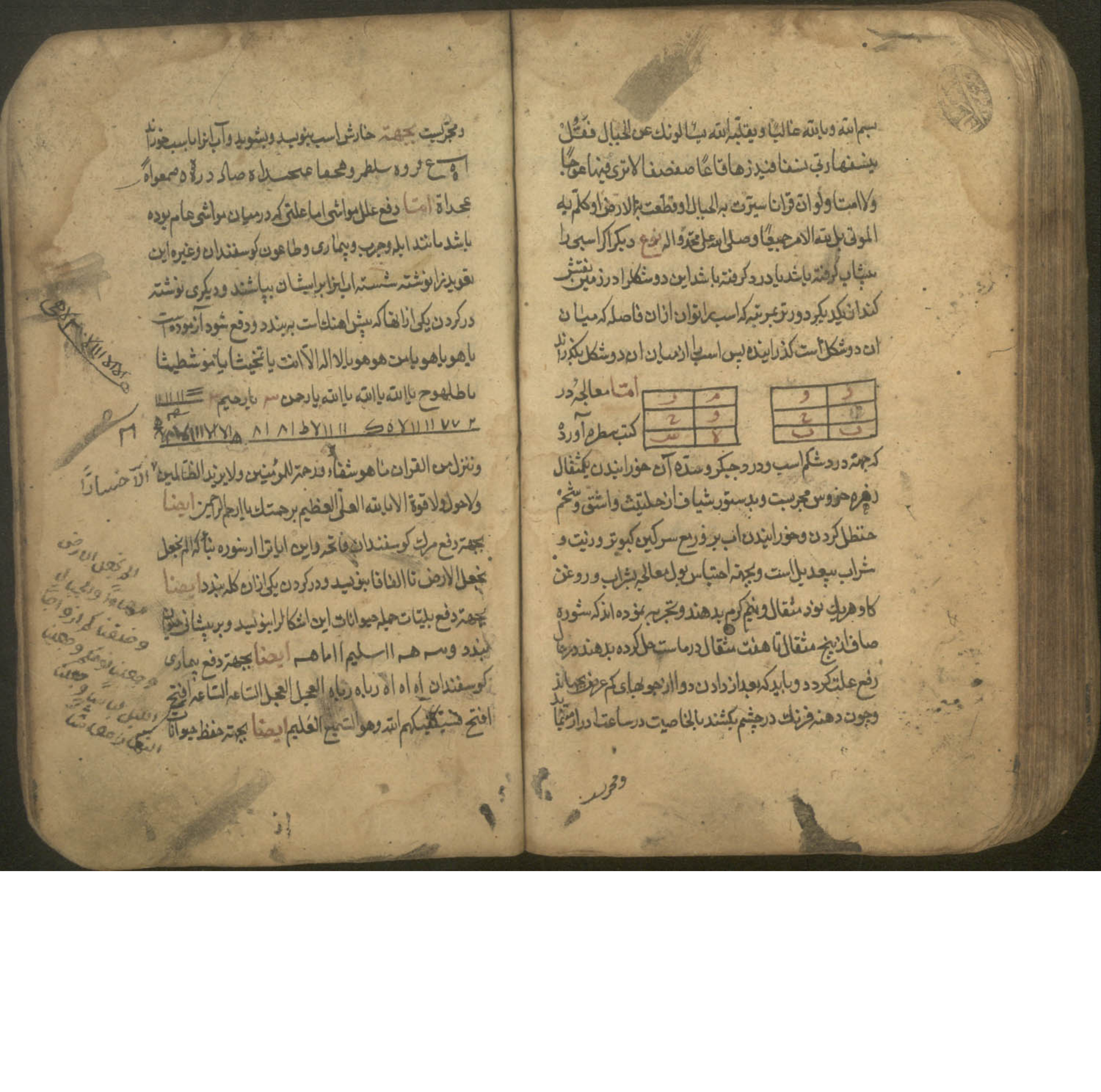
ایضا بجهت بد نام اسب در سم

صباح هر روز سر باد باوار نکند و باب روان دمد بر طرف شود
اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین وعن الشمال قعید ما یلفظ من
قول الا لدیه رقیب عتید واین طلسم را بر کردن اسب بندد اینست
١٩٩٨٨١١٦١١٩١٩١١٩٣ ک ١١٨٨ ا ا ا ٢ ١١٩٩٩٩٩
ک ١١٩١١٩١١٩٥١١ و اما بجهت شاش بند شدن اسب
چهار قطعه کاغذ نوشته بدین ترتیب بر قوایم سم بچسباند اینست
دست راست یاسین دست چپ یاشین پای راست
یا نیل پای چپ یافرات ایضا بجهت درد اسب بر خاک
با سنگشت شهادت بنویسد و سه نوبه اسب را بر کردان نوشته
بگرداند تا باذن الله تعالی برطرف شود انشاء الله عیطاش عنطلوش
عیطلوش بحق توریه موسی و انجیل عیسی نوع دیگر اگر اسبی را
درد گرفته باشد این حروف بر زمین نقش کند و اسب بر سر آن
بگرداند و در کتاب در مکنونه آورده

ط	ح	ه	د
ى	ب	ا	ج
٤	س	ن	و

که بجهت درد کرفتن اسب و سایر حیوانات بر سم ان حیوان بسر کارد
بنویسد این مربع را باذن الله تعالی زایل گردد
بجهت درد اسبان و گوسفندان و
گاوان وغیره حیوان بنویسد و بر او بندد بسم الله الرحمن الرحیم

١٥	١٥	٢٢	٢٢
٢٢	٧٧	٧٧	٥٥
٥٥	٧	كك	دد
٣٣	٢	٢٢	٣٣



بسم الله وبالله غالبا ويقتبر الله يسالونك عن الجبال فقل
ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا
ولا امتا ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به
الموتى بل لله الامر جميعا وصلى الله على محمد و اله نوع دیکر اکر اسبی را
سباب کرفته باشد یا درد کرفته باشد این دو شکل را در زمین نقش
کنند انکه دیکر دور تر بر تبه که اسب را توان ازان فاصله که میان
ان دو شکل است کذرانید پس اسب را از میان ان دو شکل بکذرانند

ز	م		و	د
ح	و		ح	
س	٤		ب	ب

اما معالجه در کتب سطر آورده
که جهت درد شکم اسب و درد جکر و سده آن خورانیدن یکمثقال
زهره خوس مجربست و بدستور شیاف از حلتیت و اشق و شحم
حنظل کردن و خورانیدن اب بر فرع سرکین کبوتر و دنیت و
شراب سعد بل است و بجهت احتباس بول معالجه بشراب و روغن
کاو هر یک نود مثقال و نیم کرم بدهند و تجربه نموده اند که شوره
صاف از پنج مثقال تا هفت مثقال در ماست حل کرده بدهند در حال
رفع علت کردد و باید که بعد از دادن دوا از جو بهای کم عرضه نمایند
و چون دهن فرنک در چشم بکشند بالخاصیت در ساعت درار نمایند

ومجربست

ومجربست جهت خارش اسب بنویسد و بشوید و آب انرا باسب خورانند
[illegible] سلطر و محما [illegible] صاد در [illegible] صمعواه
محداه اما دفع علل مواشی اما علتی که در میان مواشی عام بوده
باشد مانند ابله و جرب و بیماری و طاعون کوسفندان وغیره این
تعویذ را نوشته شسته اب انرا بر ایشان بپاشند و دیکری نوشته
در کردن یکی از انها که پیش اهنک است به بندد و دفع شود آزموده است
یاهو یاهو یا من هو هو یا لا اله الا انت یا تخیثا یا موشطیثا
یا طلهوح یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم

٣ ٧٧ ١١١١ ٧ ٥ ك ١١١١ ٧ ط ١ ٨ ١ ٨ ١ ه ١ ٧ ٧ ١١١ [illegible]

وننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين ایضا
بجهت دفع مرک کوسفندان فاتحه و این ایات را از سوره نبا الم نجعل
الارض تا الفافا بنویسد و در کردن یکی از ان کله ببندد ایضا
بجهت دفع بلیات جمله حیوانات این اشکال را بنویسد و بر پیشانی حیوان
ببندد [illegible] ایضا بجهت دفع بیماری
کوسفندان [illegible] العجل العجل الساعه افتح
افتح فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ایضا بجهت حفظ حیوانات

الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا وخلقناكم ازواجا وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار معاشا

٣٦

اسم اعظم است ∇∇ ااصطاصطاطا ۵

لاوق رملق ودر بحر المنافع آورده بجهت دفع طاعون و بیماری

گوسفندان که زهره ماده آهو و زهره خرگوش و زهره هدهد را

با کبریت و قدری پشم حیز در ادیم بدوزد و در گردن گوسفندان

بندد زایل گردد و مجربست و در کتاب روضة الاذکار جهت محفوظ

بودن گوسفندان و مواشیان ذکر کرده که این کلمات را بنویسید

و بر او بندد بسم الله من جمیع الآفات والعاهات والبلیات والنقمات

والسطوات اعوذ بالله من شر الجن والانس عن الغنم یا تمجیثا

یا طمیثا یا ماهار بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

و بحق کهیعص و بحق حم عسق لا حول و لا قوة الا بالله العلی

العظیم و همچنین آورده که اگر حیوانی علتی بهم رسد این دعا را

بر موضع علت هفت روز بخواند زایل شود اقسمت علیک ایتها

العلة بعزة الله تا آخر دعا و در فصل اول باب اول مذکور شد

و بجهت چشم زخم و درد مواشیان سبق ذکر یافت **اما** بجهت زیاد شدن

شیر در کتاب انیس الحتاج بجهت زیاده شدن شیر گاو این دعا را

ذکر کرده بنویسند و بر او بندند یا سقا اسقنا الله البقرة اخرجت

الجن من بطن البقرة استعاذ من کل دابة یکتموها انه امة

صح

صح برحمتک یا ارحم الراحمین **و در بحر** المنافع بجهت زیاد شدن

شیر گاو و گوسفند و مواشیان آورده که این آیه ثم قست قلوبکم من بعد

ذلک فهی کالحجارة از سوره البقره تا عما تعملون بر طشت مس سرخ

بنویسید و بشوید و خوردن دهد شیر زیاد شود باذن الله **و بجهت**

گاوی که نگذارد که او را بدوشند این و ذللناها لهم تا افلا یشکرون

از سوره یس بخواند و بنویسد بر پارچه سرخ و دوخته بر شاخ او بندد

رام شود **ایضا** بجهت زیاده شدن شیر گاو بنویسید و چشم زخم آن

کرده در لته کبودی با چند دانه اسفند کرده با پارچه آهنی بر شاخ او

آویزد و ان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها من بین

فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین و لکم فیها منافع و مشارب

افلا یشکرون و این وان یکاد الذین کفروا تا آخر و صلی الله علی محمد و آله

باب ششم در دفع هموم و غموم و در آن چند

فصل است **فصل اول** در دفع هموم و غموم و اندوهی در حدیث

معتبر وارد است که هر روز صد بار لا حول و لا قوة الا بالله بگوید

هفتاد نوع از بلاها از و دور شود که سهلترین آنها غم و اندوه باشد

و در احادیث بسیار وارد شده که حوقله رفع اندوه میکند از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که این دعا را بخواند الله تعالی

غم وحزن او را بردارد و در مکان حزن واندوه فرح وشادی
بدل آورد اللهم انی عبدك وابن عبدك ناصیتی بیدك ماض فی
حکمك عدل فی قضاؤك اسالك بكل اسم هو لك سمیت به نفسك
او انزلته فی کتابك او علمته احدا من خلقك او استأثرت به فی
علم الغیب عندك ان تجعل القران ربیع قلبی ونور بصری وشفاء
صدری وجلاء حزنی وذهاب همی ودر حدیث دیکر وارد شده
که بجهة دفع هموم وغموم این کلمات را تکرار نماید لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء
اکفنی ما اهمنی ودر کتاب مجتبی از کتاب دفع الهموم والاحزان ذکر
کرده که هرکاه حضرت رسول الله ص را محنتی وشدتی پیش امدی یا از
جماعت مشرکان بدی ومکروهی میرسید دستهای مبارک را برهم می
نهاد
زدی وبروایتی دیکر مقبوض وکفتی یقینا یقتی بشفر جهین متوجه
قبله شده دستها را برداشته میکفت بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاك نعبد وایاك
نستعین کف بأس الذین کفروا انك اشد بأسا واشد تنکیلا
راوی کفت که بخدای قسم که هنوز دستها را نکسترانیده بود که
کشایشی وفرجی روی میداد ایضا بجهة رفع هموم وغموم تکرار

این

تسترجی

این ابیات که بحضرت امیر المومنین ع منسوبست ودر خلاصة
الاذکار از اثار برکت این ابیات نقل نموده که ملکی کوهر قیمتی به
یکی از وزراء خود سپرد واو را وزیر برده بخانه کذاشت وکودکی از
کودکان او بعنوان بازی کردن در دست داشت ناکاه شکست
ووزیر بسیار غمکین شد وچاره نتوانست کرد بتکرار این ابیات
مواظبت نمود ناکاه پادشاه را مرضی عارض شد اطبا را امر دوا
کردن طلبید اطبا دواء او را منحصر در ترکیبی یافتند که چنین
کوهری یکی از اجزاء ان باشد پادشاه بوزیر رجوع نمود که رفته ان
کوهر را کوفته وبیخته بزودی حاضر سازد اینست وکم لله من لطف
خفی ٭ یدق خفاه عن فهم الزکی ٭ وکم یسر اتی من بعد
عسر ٭ وفرج کربة القلب الزکی ٭ وکم امر تساء به صباحا ٭
وتأتیك المسرة بالعشی ٭ اذا ضاقت بك الاحوال یوما ٭
فثق بالواحد الفرد العلی ودر کتاب مکارم مذکور است که بجهة
دفع دلتنکی هفده روز هر صبح وشام یکبار سوره الم نشرح را بخوانند
زایل شود [illegible] در دفع فقر وبینوائی واداء دین
از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که برای دفع پریشانی هر روز صد
نوبه سوره قدر بخوانند واز حضرت امام موسی کاظم ع مرویست

که بجهت دفع فقر و پریشانی که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان
الله العظیم وبحمده استغفر الله واسأله من فضله و در کتاب
کافی روایت کرده که ابو مقام نام شخصی بخدمت امام محمد تقی علیه السلام
شکایت از حرفت خود کرد یعنی از پریشانی و بینوائی و محرومی خود
بحیثیتی که گفت بعقب هیچ کاری و جای نمیروم مگر آنکه بر نا امده
نا امید بر میگردم حضرت فرمود بعد از دعاهای فریضه صبح ده
مرتبه بگوی سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واتوب الیه
واسأله من فضله راوی گفت که باین مواظبت نمودم واندکی
نگذشت که از راه بیابان خبر آمد که فلان خویشت فوت شده
و از و مالی مانده و بغیر از تو وارثی نزدیکتر ندارد بیا و صاحب شود
اکنون بسبب آن صاحب ثروت و مکنت شده ام و بتجربه یافته اند
که هر که هفت نوبت این فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم را پیش
از فریضه صبح بخواند در آن روز کفایه امور او کرده شود واز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله در حدیث معتبر منقولست که هر که فقر بر
او بسیار زور آورده بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله بدرستی
که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفای هفتاد و دو درد است
که کمترینها اندوه است و در حدیث دیگر فرمود که هر روز صد بار

بگوید

بگوید سبحان الله العظیم وبحمده سبحان الله العظیم استغفر الله و همچنین
بتجربه رسیده خواندن آیات کفایه را در عقب هر نمازی هفتاد نوبت
بجهت فقر و پریشانی و همچنین خواندن لا حول ولا قوة الا بالله توکلت
علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا وکبره تکبیرا و از حضرت
علی بن الحسین علیه السلام در مصباح منقولست که هر که در وقت خواب این دعا را
بخواند از فقر و پریشانی دور گردد و هیچ گزنده ضرر باو نتواند رسانید
اللهم انت الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت
الباطن فلا شیء دونک وانت الاخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات
السبع ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل والزبور والفرقان
الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها انک علی صراط
مستقیم و در خواص جلیل اسم از اسماء الحسنی آورده که اگر کسی قرض بسیار
داشته باشد و وجه ادا نداشته باشد که اداکند باین اسم بسیار مداومت
نماید و ورد خود سازد الله تعالی وسیله سازد که اعتبار یابد و معتمد
گردد و قرض بزودی خلاص گردد اینست یا منان ذا الاحسان
قد عمّ کل الخلایق منه و همچنین آورده که اگر کسی بسیار بگوید که یا
حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه چندان مال و نعمت باید
خداوند بدو دهد که مجموع خلایق بدو محتاج شوند و ازو منت

بپذیرند وستوده خدا و خلق کردد و در میان خلق عزیز و مکرم
کردد و همیشه مسرور باشد اما باید که در خواندن تقصیر نکند و ملول
نشود و ترك ننماید و اکر نیم دُرویشی باشد که اهل دعوت این اسم را
رجعت الاسماء نام کرده اند و همچنین باین دعا مداومت نمودن
بجهة اداء دیون ورد مظالم مناسبست اللهم اردد علی جمیع خلقك
مظالمهم التی قبلی صغیرها وکبیرها فی یسر منك وعافیة وما لم
تبلغه قوتی ولم تسعه ذات یدی ولم یقوَ الیه بدنی ویقینی
ونفسی فاده عنی من جزیل ما عندك من فضلك ثم لا تخلف
علیّ منه شیئا تقتضیه من حسناتی یا ارحم الراحمین اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف وان الکتاب کما
انزل وان القول کما حدّث وان الله هو الحق المبین ذکر الله محمدا
واهل بیته بخیر وحیّی محمدا واهل بیته بالسلام ودر کتاب
شجرهٔ طیبه ذکر شده که بجهة اداء دین در عقب هر فریضه سه بار
بخوانند دین او ادا شود بسم الله الرحمن الرحیم یا قاضی الدیون
من خزائنك التی بین الکاف والنون اقض دینی ودین کل
مدیون ایضا در شرح خواص آیات قرآنی مذکور است که هر که

ابر

ابر الآن خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا تا مع الصابرین از سوره
انفال یکهفته در عقب هر فرضی یکبار بخوانند چنانچه اول کذشت آن نماز عصر
روز جمعه بوده باشد البته کارهای او را آسان کرداند و باوام او را ادا
کرداند او بر کیرد نوع دیکر مواظبت ومداومت نمودن باین دعا و ملتجی شدن
باین دعا ذریعه بجناب اقدس الهی باعث دفع فقر و پریشانی و اداء دیون
و از مجربات است یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب
الاسباب من غیر سبب صل علی محمد وآل محمد واغننی بحلالك عن حرامك
وبفضلك عن سؤالك یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام بحق وجهك
الکریم اجعل لی من امری فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث
لا احتسب نوع دیکر بجناب اقدس الهی باین کلمات وضراعات واستکانات
متوسل شدن موجب وسعت روزی وفتح وفیروزی میباشد اللهم
انی ذنوبی لم یبق لها الا رجاء عفوك وقد قدمت آلة الحرمان بین یدی
فانا اسالك ما لا استحقه وادعوك فیما لا استوجبه واتضرع الیك
بما لا استاهله ولم یخف علیك حالی وان خفی علی الناس کنه معرفة
امری اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاظهره
وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره وان کان قلیلا
فکثره وبارك لی فیه یا ارحم الراحمین ایضا بجهة وسعت روزی در سجده

آخر فریضهای خود بگو واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست یا خیر
المسئولین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلك انك
ذو الفضل العظیم مخفی نماناد که درین باب ادعیه و اذکار زیاده از
حد وشماره است چون حوصله این رساله گنجایش زیاده برین نداشت
بهمین قدر اختصار شد **فصل سیوم** در رفع بسته شدن
کارها در خواص القرآن آورده که اگر کسی را کارهای او بسته شده باشد
ومتحیر فرو مانده باشد این آیه را بسیار مداومت نموده مواظبت نماید
واذا سالك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان
فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون **ایضا** بجهت فتح مهمات
وگشایش امور در روضة الاذکار حاجی محمد بن محمد تبریزی نقل نموده
که این دعا را بنویسد و در موم گیرد و با خود دارد در بین سر هفته برنیاید
که حق تعالی او را توانگر گرداند و هیچ نداند که برکت این از کجاست وچندان
برکت وجمعیت روی دهد که عدد وحصر آنرا ندانند بسم الله الرحمن
الرحیم یا الله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح علی
صاحب کتابی هذا العبد ابواب فضلك وابواب رحمتك وابواب رزقك
وابواب خیرك وابواب کرامتك وابواب نعمتك وابواب سعادتك وابواب
عظمتك وابواب رفعتك وابواب برکاتك وابواب منتك وابواب احسانك

وابواب

وابواب مرضاتك وابواب عنایتك وابواب الغنی وابواب الجنة اللهم
تکفلت برزقی ورزق کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم وانت افضل من اعطی واحسن من ارعی اللهم انی اسالك
بمحمد وآله تفضل لی وجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
برحمتك یا ارحم الراحمین **ایضا** بجهت گشایش کارها بسیار بگوید بیشک
اورا از صاحب الزمان امداد رسد یا فارس الحجاز ادرکنی یا اباصالح
المهدی ادرکنی یا ابا القاسم ادرکنی [illegible] دیگر در مهج الدعوات ابن
طاوس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که کسی را که بر او
روزی تنگ شده باشد وابواب مطالب معاش او تنگ شده باشد
این دعا را بر ورق آهو یا پارچه ادیمی بنویسد و با خود دارد و یا در جیب
جامهای که می پوشد بگذارد واز خود جدا نکند البته توسعه در روزی او
پدید آورد و درهای مطالب را در معاش او بگشاید از جایی که گمان
نبرد دعا اینست اللهم لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد ولا صبر له
علی البلاء ولا قوة له علی الفقر والفاقة اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا
تحظر علی فلان بن فلان رزقك ولا تقتر علیه سعة ما عندك ولا
تحرمه ولا تحسمه من جزیل قسمك ولا تکله الی خلقك ولا الی نفسه فیعجز عنها
ویضعف عن القیام فیما یصلحه ویصلح ما قبله بل تفرد بلم شعثه

وتولی کفایته وانظر الیه فی جمیع اموره انك ان وکلته الی خلقك لم ینفعوه
وان الجاته الی اقربائه حرموه وان اعطوه اعطوا قلیلا نکدا وان منعوه
منعوا کثیرا وان بخلوا فهم للبخل اهل اللهم اغن فلان بن فلان من
فضلك ولا تخلّه منه مما فی یدك فانه مضطر الیك فقیر وانت غنی
عنه وانت به خبیر علیم ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ
امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا
ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب طریقه دیگر
متوسل شدن بتربت مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام بجهة وسعت
روزی وقضای حوایج چنانچه در دو فصل سیم از مقدمه کتاب گذشت
نوع دیگر بعد از فریضه صبح پیش از آنکه سخن گوید این فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم را هفت بار بخواند جمله مهمات آن روز او را
الله تعالی کفایت کند واگر بعد از نماز ورد خود سازد بهیچ چیز محتاج نشود
وهمه مرادات او حاصل گردد نوع این اشکال را بر کاغذ سفید نوشته
در عمامه سیاه بر دارد هر حاجتی که بر خود آورده شود اگرش کنار شغ
وکهی [illegible] صنقوش الرها الرها ایضا گفته اند که اگر کسی
کار برو بسته شده باشد وهیچ کار مراد او نشود این شکل نوشته و
شسته باب آن سر و تن بشوید فتحی در کار او پدید آید اینست

ص

فصح ۸۸ ح ۵م ۱۱۱ ح ۲ ۱۶۱ ۹ ل نوع دیگر این اشکال
را بجهة فتح مهمات با خود دارد والعهدة علی راویه ۱۱ء ۱۹۱۱ ۱۱۱ ۲ ۴ ۷ ۱م ۱۱
۱۱۶ ۱۱۱۶ ۱۱ ۹ ۱۱ ۷ ۱
۱ ۵ ۴ ۱ ۶ ۸ ۲ ۳ ۶
۱۱ک ۱۱ک ۱۱ ۴م ۲ ۱۲۱ ۱۱ ۱ ۳ ۱ ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۵ ۱۱
۱ ۹ ۳ ۸ ۹ ۱ ۸ ۱ نوع دیگر بخواند وبنویسد ودر آب
جاری رها کند من العبد الذلیل الی الرب الجلیل رب انی مسنی الضر
وانت ارحم الراحمین ودر نسخه بنظر رسید که در وقتی که فقیر را بآب می
افکند بگوید اللهم بمحمد وآله الطاهرین افتح علی ابواب فضلك
وجودك یا اکرم الاکرمین طریقه دیگر از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که را روزی او کم شده باشد ومعیشت بر او تنگ شده
باشد یا حاجتی او را روی داده باشد از امور دنیا واخرت این دعا را
در یک سطر طولانی بنویسد ودر دور صفحه خطی بکشد باین شکل
ودر وقت طلوع آفتاب در آب جاری اندازد اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الی الملك الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد
وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی
ومحمد وعلی و[illegible] والقائم المهدی مولانا وسیدنا صلوات الله و
سلامه علیهم اجمعین رب انی مسنی الضر والخوف فاکشف ضری وامن

خونی بحق محمد و آل محمد واسالك بكل حق نبی و وصی و صدیق و شهید ان
تصلی علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا سادتی بالشان
الذی لکم عنده فان لکم عند الله لشان من الشان فقد مسنی الضر
والخوف یا سادتی والله ارحم الراحمین وافعل بی یا رب کذا وکذا مطلب
خود را مذکور سازد طریق دیگر در بحر المنافع اورده که اگر کسی خواهد
بی مهمی رود این اسم اعظم که بزبان هندیست هفت بار بگوید اینست
اهنوس ان مهم باسانی و زودی کفایه شود و در خواص ایات قرانی
مذکور است که اگر کسی را نزد یکی حاجتی بوده باشد و خواهد که بمقصد بفتح
روا کند قبل از آنکه او را ببیند و مطلب اظهار کند این ایات را بخواند که
ویل لکل افاك اثیم اذا تتلی علیه ایاتنا ثم یصر مستکبرا کان لم
یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم واذا علم من ایاتنا
شیئا اتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهین من ورائهم جهنم ولا یغنی
عنهم ما کسبوا شیئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولیاء ولهم عذاب عظیم
و بر کف دست راست خود دمد و آن را مقبوض کند چون چشمش بر او
افتد دست را مفتوح نموده مطلب را عرض کند روا شود
خواص چهل اسم اورده است که اگر کسی را بخت دیر باشد چنانچه
از عالم درمانده و کار او برهم رفته باشد دل گوسفند سیاهی بگیرد

و سفید

و سیصد بار این اسم را بر آن خواند و بنویسد و در میان دل نهد
و در آستانه خانه یا سقف خانه که نمازهای خود در آن میکند دفن
کند روشنائی در کار او بهم رسد و بمراد فایز گردد یا نور کل شیء و هداه
انت الذی فلقت الظلمات بنوره طریقه دیگر عریضه ایست که بجناب
جناب اقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشته میشود در کتب معتبره از ائمه
دین علیهم السلام روایت شده که اگر کسی بخدای تعالی حاجتی بوده باشد این
عریضه را بنویسد و بضریح یکی از ضرایح مشرفه ائمه علیهم السلام بنهد یا آنکه
محکم بپیچد و بخاك پاکی که گل کرده باشد بگیرد و رقعه را در میان آن
نهد و در نهر جاری یا چاه عمیق یا آب بزرگ ایستاده اندازد بشرحی که مذکور
خواهد شد زیرا که آن عریضه بخدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام برسد
و آن حضرت متولی قضاء حاجت او میشود بکرم و فضل حضرت باری
تعالی اینست بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات الله علیك مستغیثا
وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز وجل ثم بك من امر قد دهمنی
واشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبی و غیر خطیر نعمة الله
عندی اسلمنی عند تخیل ورود الخایل و تبرء منی عند ترائی اقباله
الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجأت
فیه الیك و توکلت فی المسألة لله جل ثناؤه علیه وعلیك فی دفاعه عنی

علمًا بمكانك من الله رب العالمين وليّ التدبير ومالك الامور واثقاً منك بالمسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه في امري متيقناً لاجابته تبارك وتعالى اياك باعطاء سؤلي وانت يا مولاي جدير بتحقيق ظني وتصديق املي في امر كذا وكذا در بجاى ذكر مطلب كند مما لا طاقة لي بحمله ولا صبر لي عليه وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبيح افعالي وتفريطي في الواجبات التي فرضها الله عز وجل عليّ فاغثني يا مولاي صلوات الله عليك عند اللهف وقدم المسألة لله عز وجل في امري قبل حلول التلف وشماتة الاعداء وقبل تشذب النعم عني فبك بسطت النعم وسال الله جل جلاله لي نصرا عزيزا وفتحا قريبا فيه بلوغ الامال وخير المبادي وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف كلها في كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء قدير فعال لما يريد وهو حسبي ونعم الوكيل في المبدء والمعاد وچون خواهد كه اين رقعه را در نهر يا در چاه يا ضريح اندازد متوجه بايد شد بيكى از دربانان وحجاب آنحضرت عثمان بن سعيد العمري يا پسر او محمد بن عثمان يا حسين بن روح يا علي بن محمد السمري كه اينجماعت حاجبان آنحضرت بوده اند پيش از غيبت كبرى بايد كه بگويد يا فلان بن فلان سلام عليك اشهد ان وفاتك في سبيل الله فانت حي عند الله مرزوق وقد خاطبتك

ﻋ حيوتك

في حيوتك التي لك عند الله عز وجل وهذه رقعتي وحاجتي الى مولانا عليه السلم فسلمها عليه فانت الثقة الامين بعد از ان رقعه را در آب اندازد و در خيال چنان بگذارند كه آن رقعه را بدو تسليم ميكند بتحقيق كه او قبول ميكند وحاجت او روا ميشود ان شاء الله تعالى ودر كتاب انيس الصالحين بعد از ذكر اين عريضه حضرت صاحب الزمان آورده كه در بعضى از نسخ مذكور است كه عريضه ديگر بنويسد بحضرت حق سبحانه وتعالى وخوشبو كرداند ومحكم بر ريسمانى بر بندد ودر ميان عريضه حضرت صاحب الامر عليه السلم گذارد پس عريضه حضرت صاحب را بسجود ودر ميان گل گرفته در آب روان اندازد عريضه حضرت حق سبحانه وتعالى را بدين روش بنويسد بسم الله الرحمن الرحيم الى الله جل جلاله وتقدست اسماؤه وعظمت الاؤه من عبده الضعيف الفقير الغريب الهارب فلان بن فلانه الهى وسيدي ومولاي وخالقي والمتكفل برزقي اليك اشكو بثي وحزني وبك استعين على ظالمي ومن بغى علي وتقوى على ضعفي وتسلط بشره علي وتعزز عن ظلمي فانك قلت وقولك الحق ومن بغي عليه لينصرنه الله وقد علمت يا مولاي انه قد بغى علي وما لي من شره مجير غيرك وما استعين مع ضعفي الا بقوتك ولا حول ولا قوة الا بك يا علي

یا عظیم اجرنی منه وانصرنی علیه ولا تسلمنی الی شره فقد شکوته
واستصرخت بقوتک علیه یا مولای الغوث الغوث الغوث النصر النصر
النصر یا سیدی لا اهلک وانت رجائی لا تخل یدک عن ضعفی وارحم
ضعفی وذلی وغربتی اللهم امض سلطانک علی سلطانه علیه
حتی افوز مع المعتصمین منه بک یا ارحم الراحمین امنت بالله الذی
لا اله الا هو واستصرخت بالعلی الاعلی ولجأت الی العزیز الجبار وفزعت
الی الباری القهار وتحصنت بمحمد وآله علیهم السلام ورمیت من یریدنی
ویکیدنی بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم مؤلف گوید که
مضمون استغاثه حضرت اقدس باری بدین عبارت در تظلم وداد
خواهی است از ظلم پس اگر مطلب غیر این بوده باشد ممکنست بدینطور
موافق مطلب تغییر عبارات نموده مطلب را عرض کند تا بمقصود
فایز گردد امر مهم دیگر ایضا عرض کردن حاجات وشرح کردن
حالاتست بجناب مقدس مهدوی حضرت صاحب الزمان علیه السلام
بدستوری که ابن طاوس علیه الرحمة در کتاب کشف المحجه باولاد خود
سفارش فرموده ووصیت نموده خلاصه مضمون آنکه در روزهای
دوشنبه وپنجشنبه بخضوع وخشوع روی بقبله با پا ایستاده
ودر خاطر چنان باید گذرانید که بخدمت آنحضرت ایستاده

وآبرو سلام کند واورا زیارت کند بدینطریق سلام الله الکامل
علیک یا حجة الله فی ارضه وعین الله فی خلقه السلام علیک
یا صاحب الامر السلام علیک یا صاحب التدبیر السلام علیک
یا صاحب الرای المسموع السلام علیک یا سیدنا ومولانا السلام
علیک یا عین الحیوة السلام علیک یا سفینة النجاة السلام علیک
یا بقیة الله فی الارض السلام علیک یا نور الله الذی به یهتدی المهتدون
ویفرج به عن المؤمنین السلام علیک ایها الغائب عن الابصار
والشاهد فی الامصار السلام علیک یا صاحب العصر وولی الامر
ادرکنا واغثنا یا ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة
مزجاة فاوف لنا الکیل وتصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین
تالله لقد آثرک الله علینا وان کنا لخاطئین استغفر لنا ذنوبنا
انا کنا خاطئین یا مولای هذا مقامات اخوة یوسف مع اخیهم وابیهم
وقد رحموهما بعد تلک الجنایات فان کنا غیر مرضیین عند
الله جل جلاله وعند رسوله صلی الله علیه وآله وعند آبائک وعندک
علیکم افضل الصلوات فانت احق ان تسعنا من رحمتک وحلمک
وکرمک وشریف شیمک بما وسع اخوة یوسف من تعطفه علیهم
ورحمته لهم واحسانه الیهم یا مولای اننی وجدت فی النقل ان جدک

محمدا صلی الله علیه و آله کان له عدو شدید یقال له النضر بن
الحارث فقتله فقالت اخته تخاطب النبی صلی الله علیه و آله فی
ابیات لغیر بعض خطابها ه امحمد ولانت نسل نجیبة ه من
قومها والفحل فحل معرق ه ان کان یمکن ان تمن وربما منّ
الفتی وهو المغیظ المحنق ه والعبد اقرب من وصلت قرابته
واحقهم ان کان عتق یعتق ه فقال النبی صلی الله علیه و آله لما منعتها
لو وصلتنی هذه الابیات قبل قتله لعفوت عنه سوء فعله
وانت یا مولانا اهل الاقتداء بجمیع خصاله ومتابعة فعاله و
انت کریم من اولاد الکرام فاغثنا فی جمیع مهماتنا متوجها
بنا وادرکنا فی مضائق الامور وشدائدها الامان الامان
الامان یا صاحب الزمان ادرکنا فی کذا وکذا بحقک وبحق آبائک
الطیبین وصلی الله علی محمد وآله المعصومین نوع دیگر در
کفایة الطلاب از حضرت امام علی النقی علیه السلام روایت کرده که
در شب بنویسد این دعا را بر سر رقعه و در سر مکان دفن و پنهان
کند بجهة آسانی امور و فتح مهمات و توسعه روزی و حصول مطالب
بسم الله الرحمن الرحیم الی الله الملک الدیان الرئوف المنان الاحد
الصمد من عبده الذلیل البائس المستکین فلان بن فلان اللهم

انت

انت السلام ومنک السلام والیک یعود السلام تبارکت وتعالیت
یا ذا الجلال والاکرام وصلوات الله علی محمد وآله وبرکاته ودائم سلامه
اما بعد فان من بحضرتنا من اهل الاموال والجاه قد استعدوا
من اموالهم وتقدموا بسعة جاههم فی مصالحهم ولم تشتتهم وتأخر
المستضعفون المقلون عن تنجز حوائجهم لابواب الملوک ومطالبهم
فیا من بیده نواصی العباد اجمعین ویا معزا بولایة المؤمنین
ومذل عتاة الجبارین انت ثقتی ورجائی والیک مهربی وملجأی
وعلیک توکلی وبک اعتصامی وعیاذی فالن لی بولایة صعبه
وسخر لی قلبه وردّ عنی نافره واکفنی بائقه فان مقادیر الامور
بیدک وانت الفعال لما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب وصلی الله علی
محمد وآله الطیبین والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته فصل
چهارم در دفع شماتت اعدا و رفع خسران و زیان و درد
سنی و دفع سهو و نسیان چون به بینند دشمنی را که شماتت می کند
این آیه را بخواند لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولنا وعلی الله
فلیتوکل المؤمنون و در حدیث دیگر آمده که اگر خواهد این آیه را
بخواند که الله تعالی الخیری را که او را بر شماتت مینموده رفع و
برودی عوض کرامت فرماید که بر آن رشک برند انی توکلت علی

الله ربی و ربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی
صراط مستقیم و چون خسرانی و زیانی رسد و خواهد که الله تعالی
بزودی چیزی از آن چیزی بهتر از آن عاید بگوید عسی ربنا ان یبدلنا
خیرا منها انا الی ربنا راغبون و در کتاب فقه الرضا ع منقولست
که اگر چیزی از مال تو تلف شده باشد این دعا را بخوان اللهم انی عبدک
و ابن عبدک و ابن امتک و فی قبضتک ناصیتی بیدک تحکم ما تشاء
و تفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی حسن قضائک و بلائک اللهم
هو مالک و رزقک و انا عبدک خولتنی حین رزقتنی اللهم
فالهمنی شکرک و الصبر علی حین اصبت و اخذت اللهم انت
اعطیت و انت اصبت اللهم لا تحرمنی ثوابه و لا تنسنی من خلفه
فی دنیای و آخرتی انک علی ذلک قادر اللهم انا لک و بک و الیک
و منک لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که فرمود چون چیزی از شیطان از خاطر تو محو کند
و خواهی که بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اللهم انی اسئلک
یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی علی محمد و آله و تذکرنی
ما انسانیه الشیطان طریق دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین ع گفت یا علی اگر خواهی که هرچه

بشنوی

بشنوی یاد گیری و در حفظ تو جای گیرد در عقب هر نمازی بگو
سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل
الارض بالوان العذاب سبحان الرءوف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی
نورا و بصرا و علما و فهما انک علی کل شیء قدیر ایضا همین
خاصیت دارد گفتن این اسم در عقب فریضه صبح پیش از آنکه حرف
زند با کسی یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه و لا یؤوده ایضا
مواظبت نمودن در قنوت نماز صبح بخواند این ربنا لا تؤاخذنا
تا آخر سوره البقره و بعد از اتمام آن گفتن اللهم لا تنسنی ما
اقرء فی هذا الیوم فانک قلت سنقرئک فلا تنسی ایضا
این آیاتست که هر که با خود دارد باعث کمی نسیان او شود و لا
تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا
لنفتنهم فیه و رزق ربک خیر و ابقی و امر اهلک بالصلوة و
اصطبر علیها لا نسالک رزقا نحن نرزقک و العاقبة للتقوی
از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که کسی که سهو بسیار
کند در نماز چون داخل بیت الخلا میشود بگوید بسم الله اعوذ بالله
من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم ایضا
گفته اند که این اشکال را هر که با خود دارد هرگز هیچ چیز را فراموش

نکتد اینت لیلفوا مل علیح لمال للل طلطلحل سطوا لجال
لقال سجلصلنا طهو هللوح نو سری سطو طریقه دیگر
در نفلیه شیخ شهید ره مذکور است که هرگاه کسی بسیار سهو کند
در نماز چون خواهد که شروع در نماز کند انگشت شهادت دست
راست خود را بر ران چپ زند و بگوید بسم الله و بالله توکلت علی
الله و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که از زعفران خالص
جزوی و از سعد جزوی بگیرد و بعسل بیامیزد و معجون کرده
هر روز بقدر دو مثقال بیاشامد حافظه او بمرتبه رسد که بیم آن
باشد که ساحر شود و در حدیث دیگر ابی بصیر گوید که بحضرت
صادق علیه السلام عرض کردم که چگونه توانیم قدرت یافت برین علمی
که تفریع فرموده اید برای ما فرمود ده درهم کندر و ده درهم
کندر ذکر بستان و نرم بکوب بعد از آن هر روز اندکی را ناشتا
سفوف کن که باعث ازدیاد حافظه است والله اعلم باب
در دفع و ضرر دواب و هوام و درین چند فصل است
در دفع جانوران موذی چون مار و عقرب و رفع سم آن
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که برای دفع جانوران موذی

زمین

زمین این دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر
کل هامة تدب بالليل والنهار ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت
امیر المؤمنین ع مرویست که اگر کسی از عقرب بترسد بگوید سلام علی نوح
فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین
و از حضرت صادق ع در کتاب داب اللدنیه روایت کرده که فرمود
هرگاه از عقرب بترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره
دوم بنات النعش میباشد و از بسیاری کوچکی محتاج بحدت نظر
میباشد که دیده شود پس سه مرتبه بگوی اللهم یا رب اسلم صل علی
محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا من شر کل ذی شر راوی
گفت که تا حال یکشب نخوانده ام و در آن شب مرا عقرب گزید و در روایت دیگر
فرمود که اگر کسی از مار و عقرب بترسد در اول شب این دعا بخواند که بسم الله
و بالله و صلی الله علی محمد و آله اخذت العقارب و الحیات کلها
باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و ابصارها
و انیابها عنی و عن احب الی صحوة النهار و در روایت دیگر فرمود
که این دعا را بخوان بسم الله و بالله توکلت علی الله و من یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک

وفی جوارک واجعلنی فی حفظک واحفظنی فی امنک ... در النظیم
اورده که از اول سوره انعام تا معرضین بر صحیفه ابکینه بنویسد و آب
باران بشوید و در چهار گوشه و رکن خانه بپاشد مار و کژدم از آن خانه
دور شوند افسون عقرب در پنجم اسفندارمذ در جائی که باوضو
باشد و سخن نگوید تا از کتابت فارغ شود این شکل را بنویسد و نگاه
دارد عقرب او را نگزد بسم الله سحر سحر و بنزر دسر سلجر بجر قعتا عن
نقطو و همچنین اورده که اگر این اشکال را بنویسد و در سوراخ مار نهند
بدر رود که بیفتد و دو نیم شود دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
مرویست که فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح او را هیچ عقرب
و گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر
من شر ما ذرء و ما برء و من شر کل دابة هو اخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم ایضا بخواند که همین خاصیت دارد و ما
لنا الا نتوکل علی الله و قد هدنا سبلنا و لنصبرن علی ما اذیتمونا
و علی الله فلیتوکل المؤمنون ایضا ایمن بوده از قدح آبی بخواند
و بگوید ان کنتم آمنتم بالله فکفوا شرکم و اذاکم عنا پس آنرا بر اطراف
فراش خود بپاشد از شر جانوران موذیه و گزندگان ایمن ماند
طریقه دیگر بستاره سها نظر کند و بگوید اعوذ برب السهیة

مذکر

دیگر منتر جوکیان هندی بر مار خوانند بسته گردد کرشت کرشت کروا
کرسائر کرسنکر کرتن تمن کرنبهو ابجا بنا کیزه کرتبی سنی سنج
دیانه دیزه سنا وبلی یکتکه سنکیوی برزان من جهان جهان
دسان دوارلون جمارک دهای یال کان کرتای طریقه دیگر بطریق
ایشان سنکجوری کیاری لکدمونی کهاری بندمن یاتی نیکلا کها
چهاد بندهم تیری بندهم اسمان مرساب بزهیو کار عق سلیمن
پیغمبر طریقه دیگر افسون بطریق ایشان بر او خوانند بسته گردد ادم
بهوکیا ها هیتن من هوای محمد بیر بس رتن جرلی ها نکدی خدای
ادم کتول ال اتنت سوالا که بشهوالت لا اله الا الله محمد رسول الله
ادم سکی کر خدای بولی نا هیتن بس طریقه دیگر از خواص این
ابیاتست که منسوبست بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم چنین یافته اند
که چون بر حال خوانند و بر سر مار بر یزند بسته گردد که حرکت نتواند
کرد و در ضمن خواص این ابیات عجایب و منافع بی نهایتست کفاک
ربک کم یکفیک کواکفه کف کافه کلکلیم کان منکلکا تکا
کراکر الکر فی کبدی تحکی مشکلة کانت لک الکلکا لکا
ربک کف الکاف کربته یا کوکب کان یحکی کوکب الفلکا
دیگر از خواص این اشکال است که چون بر چهار قطعه کاغذ بنو

ودر چهار کوشه خانه و محله دفن کنند مار در انجا در نیاید و اکر بوده
باشد فرار نماید بسم الله الرحمن الرحیم هجی و مهجی بحا و اطودو
بهوب و از دعاها بعضی را در ذکر رفع عقرب مذکور شد محتاج به
اعاده نیست و الله اعلم و در کتاب بحر المنافع اورده که حکماء هند تجربه
یافته اند که اکر کسی را روز شنبه مار بکزد و مقعد او کشاده شود و بی اختیار
براز از او دفع شود نزهد و اکر یکشنبه کزیده باشد در اینه نظر کند اکر روی
خود را در اینه نبیند نزید و اکر نبیند معالجه نماید که علاج پذیر است
و اکر دوشنبه کزیده باشد و درد کلو بهم رسد نزید و اکر سه شنبه کزیده باشد
و شکم درد کند نزید و اکر چهار شنبه کزیده و دل درد کند دوا پذیر نباشد
و اکر پنجشنبه کزیده و بکوش چیزی نشنود علاج پذیر نباشد و اکر جمعه
کزیده و بی اختیار منی او دفع شود علاج کردن فایده ندهد و کفته اند
که از مجربات است که چون طفل متولد شود پیش از انکه او را شیر دهند قدری
حبه از اشک چشم کاو کوهی که انرا تریاق کاو کوهی کویند در تقعیر
تحت چشم او منجمد میکردد در کام ان طفل بمالند در ایام حیوة از سموات
مشروبه و ملدوغه متضرر نکردد [illegible] از مجربات دانسته اند
که چون نوشادر را حل کرده کاغذ را بان نقشها نموده اند در اطراف
خود بکذارند هوام پیرامون انکس نکردند و همچنین ابی که نوشادر در ان

حل کرده باشند باعث هرب مار است و چون از ان اب در سوراخ
مار بریزند باعث هلاک اوست و اکر طبخ خشک را بر موضعی باشند
مار ترک انمکان کند و چون ریسمان را بقطران الوده و در دور خود حلقه
کنند و اهل حلقه میکردد و وارد و دبجو رسم بزو کوکرد و شاخ کوزن
و موی انسان و زفت و مقل و سکبینج و چوب انار و قنه کریزان می باشد
و ار دارنده زهر دافعی کریز است و چون چشم افعی بر زهر دافعی نهند در
ساعت حبس از حد قه دفع میشود و بیان عنصل باعث حفظ اذیت
جمیع حشرات [illegible] و نطول عصاره حی العالم را جهة کزیدن رتیلا
مفید دانسته اند و عقرب از دود کبریت و انجره ما را از ان میکریزد
و سابقا مذکور شد کریز است و بجوری که مولف امان الاخطار فی
الاسفار ذکر نموده در کریزانیدن هوام و پشه سعد یل است راح عید
شونیز سکبینج زیره چند مقل سم بز بالسویه کوفته حبها ساخته
در مکانی دود کند و پاشیدن اب مطبوخ بابونه و حنظل و اسفند
و سیر بخنکشت جهة فرار عقرب نیز مجربست [illegible] معالجه زهر مار
اینکلمات بر موضع کزیدن مار خوانند و بدمد شفا بسم الله الرحمن الرحیم
اهیا شراهیا اذونی اصباوت ایل شدای اعوذ بکلمات الله التامات
کلها من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر کل حیة و عقرب جج جج

قرتیا قرتیا سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین
انه من عبادنا المؤمنین ایضا بر موضع زخم مار خوانند شفا یابد
حیا حیا شیئا شیقا حیا برحمتک یا ارحم الراحمین ودر کتاب خزائن
الاسرار آورده که بجهة دفع سم مار و عقرب و غیره این آیه ولقد نادینا
نوح فلنعم المجیبون فنجیناه واهله من الکرب العظیم وجعلنا
ذریته هم الباقین وترکنا علیه فی الآخرین سلام علی نوح فی العالمین
این آیات را بر لوحی از مس یا نقره یا ارزیز نقش کنند و بعد از قوله سلام
علی نوح فی العالمین نقش کند که وعلی انبیائه اجمعین در شب اول
کانون الاول در حالتی که نقاش با طهارت باشد و هر حرفی که نقش
کند بر کوکب سها نظر کند و بگوید نظرت الی السها فی السماء وکفیت
شر الحیة والعقرب والافاعی چون نقش تمام شود و در شب
نعش آن را بیرون آورد بدون آنکه میانه او و آسمان حایلی باشد
مواجه بنات النعش بایستد و بگوید عقدت العقرب وسمها
والحیة وضربها والافعی وشرها والثعبان وضرها کالعقد
الذی اخذته المیثاق ومن کل رطب ویابس ومقدار الازلیة الی
العظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس آیات مذکوره
را بخواند و باید که در وقت خواندن دعا و آیات آن لوح بر کف دست

عقدت

راست

راست داشته باشد چون عمل شود لوح را در جامه پاک بپیچد و نگاه
دارد چون کسی را زهر دهند یا مار و یا عقرب و یا افعی بگزد آن لوح
را در آب اندازد و از آن آب بوی دهند تا بیاشامد صحت یابد ان شاء الله

فصل دویم در دفع کیک و پشه و مگس و مانند آن

روایت معتبره از حضرت موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام مرویست
که فرمود اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در بعضی از غزوات
از بسیاری کیک بآنحضرت شکایت کردند آنحضرت فرمود که در وقت
خواب این دعا را بخوانید یا ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا
ولا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب
اللیل ویجیء الصبح بما جاء وشیخ طبرسی در مجمع البیان از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که بجهة ایمن بودن از کیکان هفت بار
آیه وما لنا الا نتوکل علی الله الا آیه چنانچه در اول فصل این باب گذشت
بر قدح آبی بخواند و بگوید ان کنتم آمنتم بالله فکفوا شرکم واذاکم عنا
پس آن آب را بر حوالی فراش و رخت خواب بپاشد ایمن گردد ودر کتاب
حرز الامان آورده که در بعضی از کتب خواص مذکور است که اگر کسی
وقت خواب جامی پر آب کند و بر بالین نهد و سه بار سوره اذا زلزلت را
بخواند و هر بار بر آن دمد که کیک و پشه که در آن حوالی باشد خود را

دران کاسه اندازد و ایضا گفته اند که طبیخ حنک را جهت کشتن
کیک از مجربات است و بدستور طبیخ ابو حنظل و خرزهره و افسنتین
و شونیز و کیک واش از جمله ادویه مشهوره است و این زهره در
خواص ذکر کرده که از خاصیت سماق است که چون آب آنرا در خانه
بپاشند کیک از آنجا بگریزد والله اعلم اما دفع پشه از خاصیت این
دو اسم است که العلیم الحکیم را اگر بر دیوار خانه رسم کنند پشه در آن
خانه در نیاید طریقه دیگر از خواص این آیه است که هر که بخواند
در اثناء خواندن با انگشت خود در دور خود مندلی بکشد پشه
از آن مکان مندفع شود کانما یساقون الی الموت وهم ینظرون نوع
دیگر در درّ مکنونه آورده که بجهة برطرف شدن پشه این شکل ابو سعید
با این عدد در مکانی بیاویزد پشه از آن مکان بگریزد اینست

ایضا در کتاب مذکور بشرح
مسطور این شکل را نوشته است

٥ ٧ ١١٩ ١١١ ٣٢
١٣ ٥٧ ١٢ ٣٢
١٣ع ٧ ١٢ ٩٢

٥٧١٧٨١١٨٣٢
١٣ ٥٧١٢٣٢
١ ٣ ١ع ٨٣٨٢

طریقه دیگر در کتاب خزانة الاسرار
بجهة دفع پشه و هوام موذیه آورده

که الفاطر

که الفاطر و ذو الجلال والاکرام را در ساعت هفتم از شب بر سفال سبز بنویسد
و در جایی دفن کند پشه در آن موضع در نیاید و بگریزد طریقه دیگر در
کتاب درّ النظیم آورده که بجهة بستن پشه در پنجشنبه اول ماه رجب این
اشکال ابو سعید بر سر قطعه کاغذ و از سه سمت محلی که خواسته باشد که پشه آن
محل بسته شود بیاویزد و آن سمت که ممر و مدخل است خالی گذارد پشه آن
مکان بسته میشود و اینست عططس دخل البق عططس خرج البق عططس
مات البق بالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نوع دیگر در کتاب لطیفات
مولانا جامی مسطور است که شیخ نام علی هیاتی را که یکی از مشایخ صوفیه است
در زمین میقات مذکور کند و بکرات بگوید پشه از آن مکان وا رمانید و این
را از کرامات آن شیخ شمرده اند طریقه دیگر طلسم بستن پشه چنین
گفته اند که بر شاخ یابی را که هنوز زیر او نخسته باشد بستانند و مثال پشه
از موم چند اگر تواند بسازد و هر یکی را به تار موی ببندد و مانند خوشه انگور
بهم آورد و در ظرفی نهد از روی یا سفال و سرش محکم ببندد و در میان
سرای باده پنهان کند چون سه روز بگذرد هیچ پشه در آنجا نیاید تا آن
طلسم بر جای بوده باشد و باید که این بوقت بر آمدن سهیل باشد یا شعری
عبور کند یا در آن وقت که از مریخ از مشرق طلوع کند و اگر با مشتری مقارن
باشد بر نظر او بهتر است گفته اند که چون زرنیخ را با نوشادر روی

کاو چند روز در مکانی بخور کنند پشه در آنجا تولد کند و بعضی از دستورات
معالجه هوام در فصل سابق گذشت تکرار آن موجب اطنابست و چون
زرنیخ را در شیر حل کنند مگس از عبور برای هلاك کردن و بدستور
مگس از کافور و روغن زیتون و زرنیخ میکریزند و چون صورت
مگسی از زرنیخ و کندش یا جیوه بدل کندش بسازند و در جای بکذارند
مگس از آنجا بکریزد و طبیخ خربق سیاه کشنده اوست و از مجربات است
که مادام آدمی سوره نبأ بر دندان کرفته باشد نیش زنبور بسته میباشد
و قادر بر کزیدن نمیتواند شد و الله اعلم فصل سیوم در دفع
دیوچه و ارضه و موش و مور و شپش و غیره در خواص الآیات
مذکور است که هر که آیه والذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل
حبة انبتت سبع سنابل تا غنی حلیم را در سفال نویسد و در انبار
غله هذا از شپشه محفوظ ماند و اکر در صندوق اقمشه و امتعه هذا از موش
و سوس ایمن ماند نوع دیکر از خواص ابجد و فست که بر صندوق یا
مخزنی بنویسند هر متاعی در آنجا باشد از سوس و کرمهای زیان رساننده
ایمن باشد اینست ا د ذ ر ز و لا اما دفع ارضه زیره سبز را بر موضع ارضه
بمالند دیکر ارضه بر نیارد و اکر صبر را بر قیشه پاره بمالند و در خشبها آن
ببرند در وقتی که تر باشد دیکر آن چوب را ارضه نخورد و باشید ن آب

مطبوخ

مطبوخ حرزهره در کشتن کیك و ساس و ارضه از مجربات است اما دفع
موش بر پوست شتر بنویسند و بر چوب دقلی به پیچند و در سوراخ موش
داخل کنند موشها بیرون آیند باذن الله تعالی فاعرضوا فارسلنا علیهم
سیل العرم و بدلناهم بجنتیهم جنتین ذواتی اکل اللهم بدلنا خیرا
منهم و بدلناهم بنا خیرا الهم منا و اجعل لی لك عاجلا معجلا اما صنعت
اسم و هاب است که پیش از غروب آفتاب روز شنبه در ظرف سفال نوشته
در انبار غله هذا از موش و سوس محفوظ ماند طریق دیکر اکر این مربع
را بر چهار پارچه کاغذ بنویسد و بر زوایای خانه دفن کند موش کرد آن
خانه نکردد و در کتاب بحر المنافع آورده که بجهت دفع موشان این مثلث را بنویسند

دی	ها	٢٥٤	٥
ایها	٥ی	(ا)	٥
٨٢	١٢	٤٤	٥

و در میان غله بدارد اکر در انبار باشد و اکر در کشت زار است بنویسد
و بر چوب بندد و بر چهار کوشه کشت نصب کند و اکر در خانه باشد در
زوایای خانه دفن کند اینست

ششم ٦	الف ٧	دوم ٢
یک ١	پنج ٥	نه ٩
هشت ٨	سیوم ٣	چهارم ٤

دیکر بر سفال آب ندیده
بنویسید و سر پوش نماید و در کوشه خانه یا کشت فرو برد و باید
که نباود و خوبا شد و هر بار که فرو می برد بانك نماز بکوید موشان دفع شوند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ان الفاره جند من جنودك و خلق من خلقك

فاكفنا شرها واصرف عنا شرها اللهم صل على محمد وآل محمد برحمتك
يا ارحم الراحمين طريقه ديگر اين نقش در سفال بنويسيد و در ميان
كشت باز گونه نهند و فرو برد موشان كشت دفع شوند ع ٥ ى ١١ — ١ لا
١١ ١١١ ٤ ه وايضا گفته اند كه مغز ساق شتر را با بچ مخلوط
سازند و در سوراخ موش بريزند بميرند و همچنين اگر موش زنده را
بسوزانند هر موشى كه در آن خانه بود خود را در آتش اندازند و بسوزند
واگر خاكستر چوب بلوط را در سوراخ موش افكنند بعضى برخى را
خورند و همچنين اگر سر خفاش را در سوراخ موش اندازند باعث
گريختن موش باشد و همچنين از دود زاج گريزان ميباشد و پياز
عنصل كشنده اوست در يكساعت و چون دندان گربه را در آتش دود
كنند موشان از آن مقام گريزان شوند و سم اسب در زير آستانه در نهادن
موجب گريختن موشان از آنخانه است اما دفع مورچه بر چيزى
بنويسند و بر زواياى خانه دفن كنند يا و برند مورچگان فرار نمايند
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر والنبيين
وما انزل اليهم واسالكم بحق الله وبحق نبيكم ونبينا وما انزل اليهما
الا حولتم عن مسكننا طريقه ديگر بنويسيد و بشوييد و در مكان ايشان
بريزد و ديگرى بنويسيد و در سوراخ ايشان پنهان كند از آن منزل فرار
نمايند

نمايند يا ايها النمل ادخلوا اخرجوا من هذا المكان وهذه الدار
واسرعوا الخروج اخرجكم كما اخرج سليمن بن داود وجنوده
في اليم نوع ديگر بر ابريشم يا موى بخوانند و در سوراخ ايشان گذارد
بگريزند يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم سليمان وجنوده وهم
لا يشعرون نوع ديگر در دفع آورده كه اگر سوراخ موران بسرگين
گاو سرد و دود نمايند موران بميرند يا بگريزند ايضا گفته اند كه اگر
زاج سياه را بسوزانند و خاكستر آن را در سوراخ موران بريزند موران
بميرند تا از آنجا فرار نمايند و از اسرار است كه هرگاه كسى بنفس خود را
ضبط نمايد و چيزى را بجاى بگذارد مادام كه آن چيز را از جاى خود
حركت نداده باشد مورچگان پيرامون آن چيز نگردند و در آن داخل
نشوند و زيان نرسانند و مورچگان از خاصيت ميگريزند و از ريسمان
آلوده بقطران تجاوز نميكنند و در جاى زرنباد بخور كنند مورچه هرگز
عبور بآنجا نميكنند و از مجربات دانسته اند و داشتن پياز عنصل موجب
هرب سباع وهوام ومور و مار و قمل ومگس است اما بجهت معالجه
شپش در خواص الآيات از ابن عباس روايت كرده كه اگر كسى را شپش
آزار كند از سوره كهف آيه اذ قالوا يا ذا القرنين ان ياجوج وماجوج
تا جمعناهم جمعا را بسيار تلاوت كند و مواظبت نمايد از آن خلاص

شود و ایضاً طلا کردن سیماب را در رستا صل کردن شپش را از
مجربات شمرده اند و صمغ و روغن ترب دافع قمل است و بدستور صبر
رزد و طلای همین قاتل قمل است و چون نشادر چوب کردکان را
چند روز در روغن زیتون بخیسانند تدهین آن رافع قمل و صئبان
که بفارسی رشک گویند از مجربات است و بدستور طلای شب یمانی
با آب قاتل قملست و صئبان و تدهین بروغن کردکان بسعدیل است
و طلای مولود در روز ولادت با آب زیره باعث عدم تکوین شپش در
تمام عمر او کرده **فصل چهارم** در دفع آفات زرع و بستان
از کرم و ملخ و طرد عصافیر و چشم بد بجهة دفع سرسیم و ملخ و خنج
و کرم و مالرو سایر آفات از زرع و باغ بر چهار قطعه بنویسید یا بر چهار
تخته و در چهار جای دفن کند در میان کشت تا آفتها دفع شود **اول**
بسم الله الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم کاشف الکرب
و منجی نوح من الهم و منزل التوریة و الانجیل و الزبور و القرآن و
خالق الشمس و القمر الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین ثانی
و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین سیم بسم الله
الرحمن الرحیم خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها
سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یومن بالله العظیم و لا یحض علی طعام المسکین ۲

نوع دیگر

نوع دیگر مجربست که سوره قدر را قدری از تربت حضرت
امام حسین علیه السلام بنویسند و محو نمایند قدری از آن آب را زن بیاشامد
و قدری بر سر و روی و میان شانه و فرج او بپاشند اگر بعد از
ساعتی خلاص شود فبها و الا سوره قدر را مرتبه دیگر بتمام بنویسید
و بهمان دستور عمل آورد خلاص شود **ایضاً** بتجربه یافته اند که حجل را
در جوف نی گذاشته بر ران زن ببندد رافع عسر ولادت شود و همچنین
خوردن یکمثقال خاکستر آشیان خطاف را که سوزانیده باشند
بغایت مفید دانسته اند و همچنین خوردن آب معصور مدقوق
او را با قدری بادروج جهة اخراج جنین میت سریع الاثر گفته اند
و بجهة سقوط جنین میت و زنده در فصل دفع احتباس حیض دوای
مذکور و همچنین طلا کردن چشمهای خطاف را با روغن زنبق بر ناف
زنان جهة آسانی وضع حمل موثر و مفید دانسته اند و تعلیق
سنگ چخماق را که بلته بسته باشند بر ران زنان جهة عسر ولادت
بغایت موثر و مفید و مجربست والله اعلم بالصواب
خاتمه در بیان بعضی از تجارب حکما در معرفت احوال
مریض از صحت و علت و حیات و ممات و ایمنی و خطر و در این چند
فصل است **فصل** در معرفت احوال المریض از ایام اسبوع بدو

طریق بنظر رسیده اول انکه نام بیمار و مادرش را بحساب جمل کرفته بر

سه طرح نماید و نظر کند که چند مانده و چه روز بیمار شده پس اگر

روز شنبه بیمار شده پس اگر یکی مانده بمیرد و اگر دو مانده بیماریش

دراز کشد و اگر سه ماند به شود و اگر یکشنبه بیمار شده باشد اگر یکی

ماند زود به شود و اگر دو ماند دراز کشد و اگر سه ماند بمیرد و اگر

دوشنبه بیمار شده باشد یکی ماند بمیرد و دو ماند بهتر شود و سه

ماند دراز کشد و اگر سه شنبه بیمار شده یک ماند بمیرد و دو بهتر شود

و سه ماند دراز کشد و اگر چهارشنبه بیمار شده یک ماند بهتر شود

و دو ماند دراز کشد و سه ماند بمیرد و اگر روز پنجشنبه بیمار شده

یکی ماند دراز کشد و دو ماند بمیرد و سه ماند بهتر شود و اگر روز جمعه

بیمار شده یکی ماند بمیرد و دو ماند دراز کشد و سه ماند بهتر شود

طریق دوم آنست که کفته اند که اگر کسی در روز بیمار شده باشد

پس اگر روز شنبه بیمار شود دو روز بکشد و صحت یابد مخاطره

بود روز یکشنبه تا نه روز بکشد چون از این بکذرد تا نوزده

روز بکشد روز دوشنبه تا هشت روز بکشد چون از این بکذرد

شفا یابد روز سه شنبه تا هفت روز بکشد روز چهارشنبه تا دوازده

روز بکشد روز پنجشنبه چهارده روز بکشد روز آدینه تا سیزده

روز

روز بکشد و اگر در شب بیمار شود پس اگر در شب شنبه بیمار شود

اول شب بیم بود و میان شب زود صحت یابد و آخر شب مخاطره

بود شب یکشنبه اول شب صحت یابد میان شب تا پنج روز بکشد آخر

شب تا پانزده روز امتداد دارد شب دوشنبه اول شب بیم بود و میان

شب تا بیست روز بکشد آخر شب تا ده روز بکشد شب چهارشنبه اول

شب تا چهارده روز بکشد و میان شب تا نوزده روز بکشد آخر شب مخاطره بود

تا شش روز بکشد شب پنجشنبه اول شب زود شفا یابد میان شب تا بیست

تا هیجده روز بکشد و آخر شب تا نه روز بکشد والعلم عند الله تعالی

نوع دیگر در بحر المنافع آورده که اگر بیماری در روز شنبه عارض شود

تا هفت روز بکشد و در خطر بود و اگر یکشنبه بیمار شود چشم زخم

رسیده بصدقه دفع شود و اگر دوشنبه بیمار شده درد اندام لازم

او بود و علت از بادات و امارد زود به شود و اگر روز سه شنبه بیمار

شده درد پشت و شکم لازم او بود و اگر روز چهارشنبه بیماری

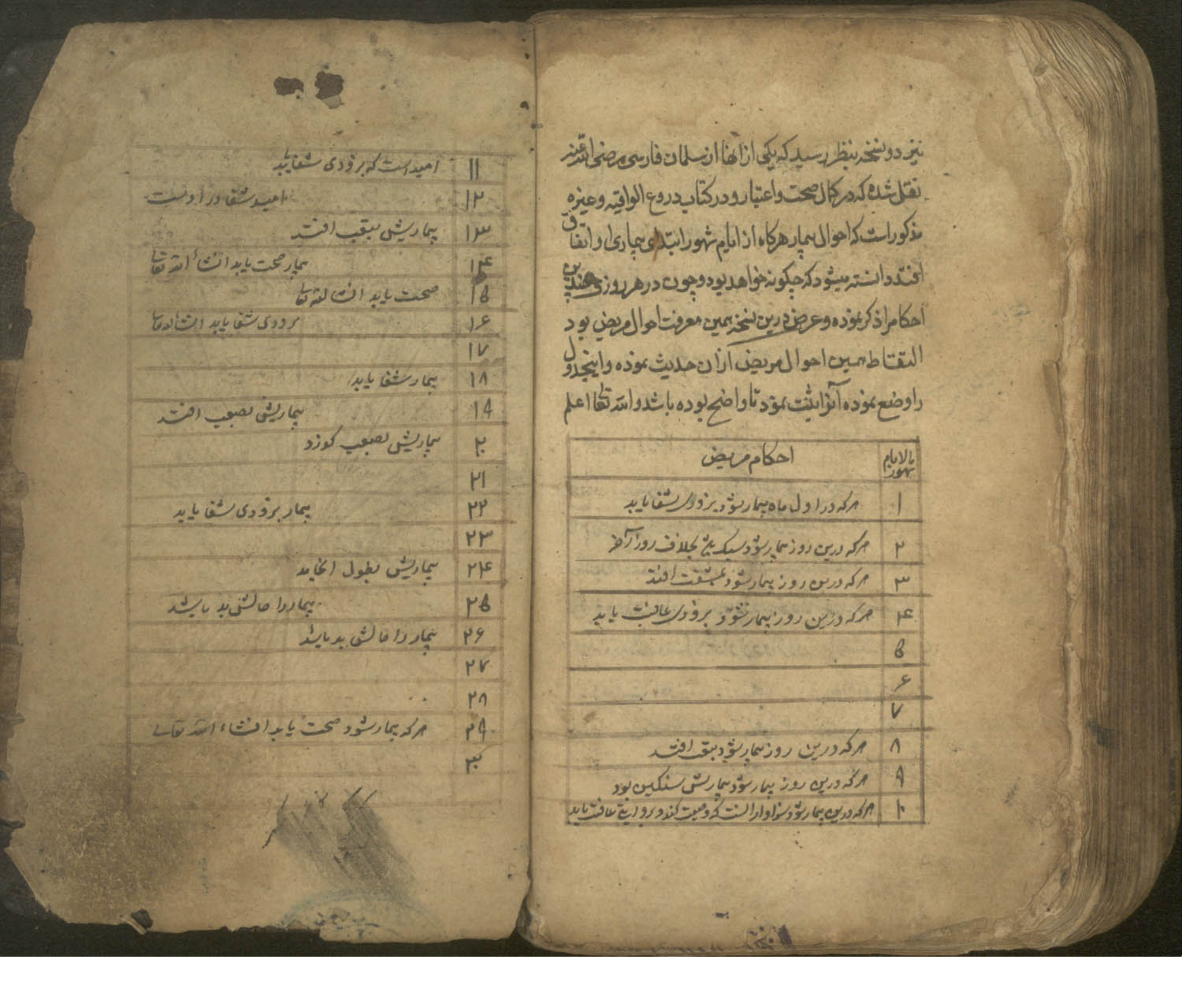
از غلبه خون است تا دوازده روز در مخاطره باشد و اگر روز پنجشنبه

باشد از کرمی است و درد اندام لازمه بود تا سیزده روز در خطر باشد

و اگر روز جمعه بیمار شده در خوف و خطر و رنجوری دراز بود والله اعلم

فصل دوم در معرفت مرض از ایام شهور در این باب

شب جمعه اول شب زود شفا یابد و آخر شب تا شش روز ... میان شب ...



نیز دو نسخه بنظر رسید که یکی از آنها از سلمان فارسی رضی الله عنه
نقل شده که در کمال صحت و اعتبار بود و در کتاب دروع الواقیه وغیره
مذکور است که احوال بیمار هرگاه از ایام شهور ابتدای بیماری واتفاق
افتد دانسته میشود که چگونه خواهد بود و چون در هر روزی هندی
احکام را ذکر نموده و غرض درین نسخه همین معرفت احوال مریض بود
التقاط همین احوال المریض از آن حدیث نموده و اینجدول
را وضع نموده آنرا ثبت نمود تا واضح بوده باشد والله تعالی اعلم

بالایام شهور	احکام مریض
۱	هرکه در اول ماه بیمار شود بزودی شفا یابد
۲	هرکه درین روز بیمار شود سبک یعنی بخلاف روز آخر
۳	هرکه درین روز بیمار شود بمشقت افتد
۴	هرکه درین روز بیمار شود بزودی عافیت یابد
۵	
۶	
۷	
۸	هرکه درین روز بیمار شود بتعب افتد
۹	هرکه درین روز بیمار شود بیماریش سنگین بود
۱۰	هرکه درین بیمار شود سزاوار است که وصیت کند در وی عافیت یابد
۱۱	امید است که بزودی شفا یابد
۱۲	امید شفا در اوست
۱۳	بیماریش بتعب افتد
۱۴	بیمار صحت یابد ان شاء الله تعالی
۱۵	صحت یابد ان شاء الله تعالی
۱۶	بزودی شفا یابد ان شاء الله تعالی
۱۷	
۱۸	بیمار شفا یابد
۱۹	بیماریش بصعب افتد
۲۰	بیماریش بصعب گردد
۲۱	
۲۲	بیمار بزودی شفا یابد
۲۳	
۲۴	بیماریش بطول انجامد
۲۵	بیمار را حالش بد باشد
۲۶	بیمار را حالش بد باشد
۲۷	
۲۸	
۲۹	هرکه بیمار شود صحت یابد ان شاء الله تعالی
۳۰	



دیگر تجربه حکمایست که گفته اند که چون کسی بیمار شود [illegible] روز اول بیماری
او بوده باشد احوال ورا استدلال توان کرد از درازی و کوتاهی و سختی و آسانی
و خوف و سلامتی و این احکام را درین دایره وضع کرده اند تا کیفیت احوال هر روز
از صحت و خطر معلوم گردد والله تعالی اعلم بالصواب

۶۵۷۰۹
۱۸۴۶۱

